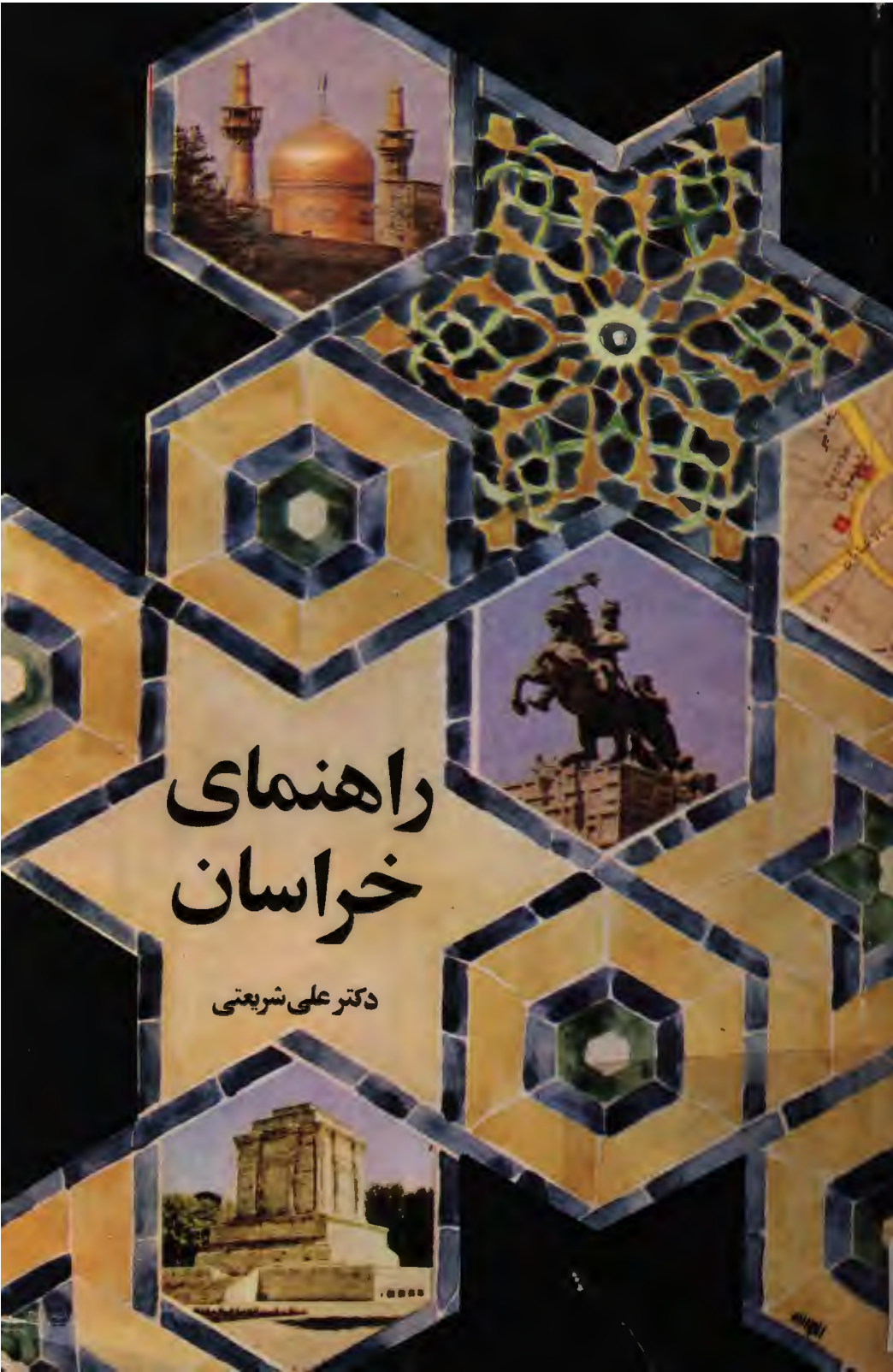
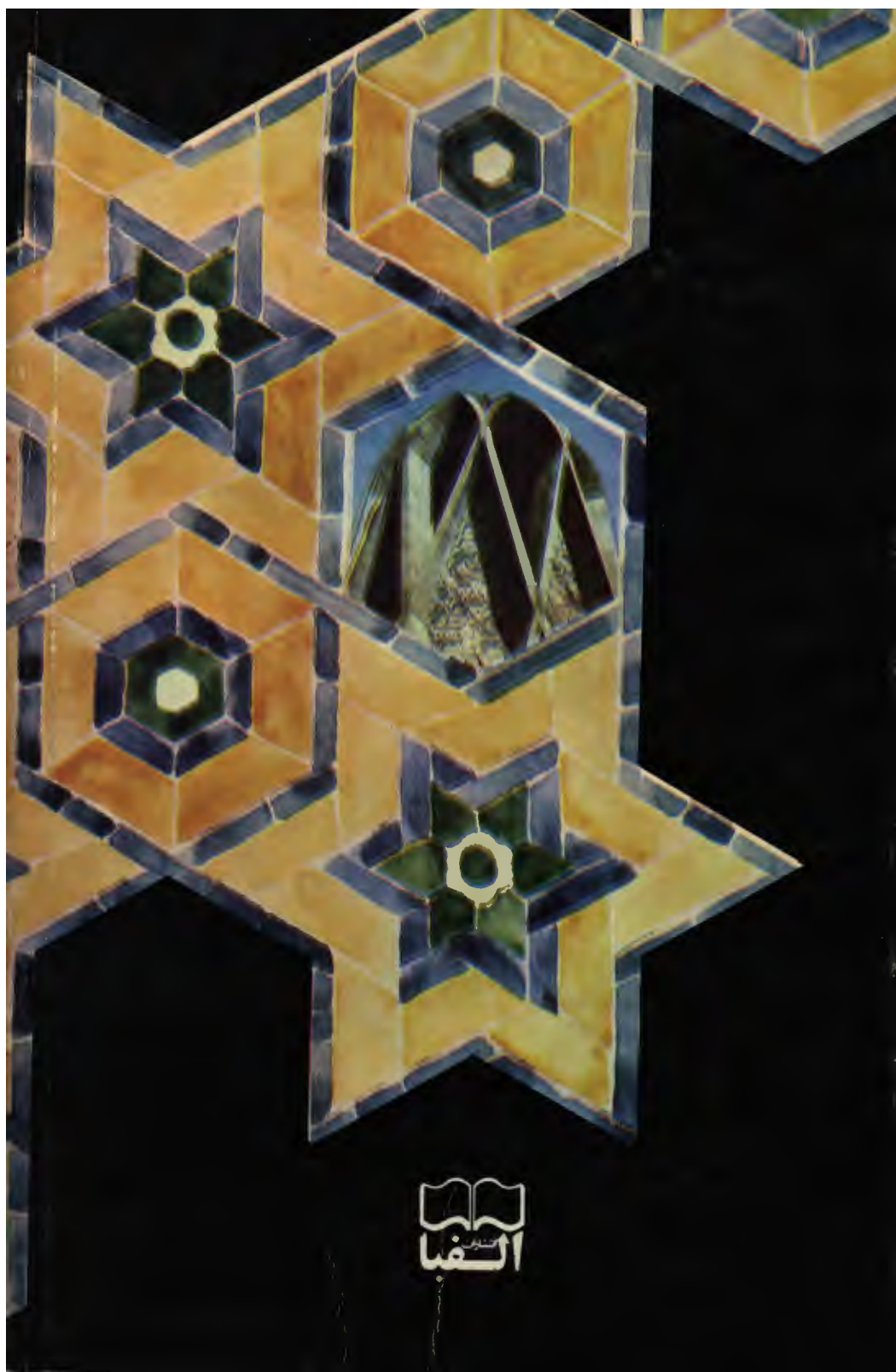




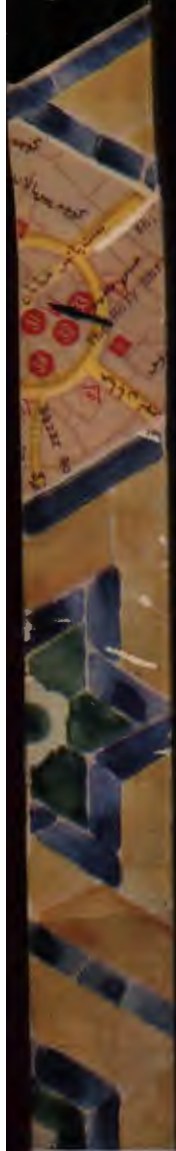
راهنمای خراسان

دکتر علی شریعتی



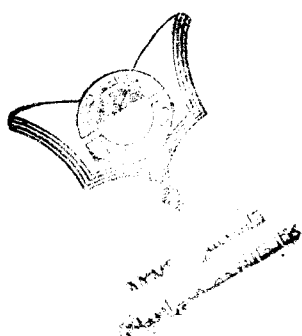
الكتاب

دکتر علی شریعتی
راهنمای خراسان



۲/۶۳۰ ن ر

۲۷/۲



راهنمای خراسان

19029

راهنمای خراسان

دکتر علی شریعتی



دکتر علی شریعتی
دامنمای تهران

چاپ اول: سازمان جلب سیاحان، ۱۳۴۵

چاپ دوم: زمستان ۱۳۶۳

چاپ پُرمان

تعداد ۵۰۰۰

حق چاپ محفوظ است

بنام خدا

مقدمه ناشر - چاپ دوم

کتاب راهنمای خراسان تألیف دکتر علی شریعتی در سال ۱۳۴۵ از سوی سازمان جلب سیاحان چاپ و منتشر شد. مطالب کتاب، اشاره مجمل و در عین حال مفیدی دارد به رویدادهای تاریخی خراسان، اوضاع جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این استان، خاصه شهر مشهد. در تألیف کتاب، مطالب مربوط به آستان قدس رضوی، مساجد، مدارس، مقابر و سایر بناهای مذهبی و تاریخی، مقام ویژه‌ای دارد و نویسنده در شرح سوابق تاریخی و مذهبی این بناها اطلاعات خواندنی و بدیعی به دست می‌دهد. همانگونه که در پیشگفتار چاپ اول آمده، کتاب راهنمای خراسان برای آشنایی بیشتر ایرانیان و فارسی زبانان تهیه و منتشر شده است. تذکر این نکته نیز ضروری است که گسترش شهرها، افزایش جمعیت، تغییر نام مکانها، انحلال برخی مؤسسات و ایجاد بعضی دیگر، موجب تغییراتی در اینگونه اطلاعات شده که به جهت احتراز از دخل و تصرف در متن کتاب و رعایت امانت، تغییرات مزبور را جداگانه چاپ و در دسترس علاقمندان قرار داده‌ایم. در مطالب متن اصلی کتاب کمتر تغییری پدید آمده، لیکن بخش «اطاعات و نیازمندیها» (صفحات ۲۰۰-۲۲۳) تقریباً بطور کل تغییر کرده است.

تغییرات به شرح زیر است:

صفحه ۱۷

در مورد جمعیت خراسان (آمار استانهای دیگر که در این صفحه آمده است تصحیح شود).

جمعیت شهرهای استان خراسان: (آمار سال ۶۰)

مشهد: نقاط شهری ۹۶۲۷۲۵ نقاط روستایی ۳۷۹۲۰۱ شهرستان

۱۳۴۱۹۲۶

نیشابور: ۹۲۵۳۵ ۲۰۶۵۰۱ ۲۹۹۰۳۶

قوچان: ۴۷۲۲۱ ۱۶۹۰۷۴ ۲۱۶۲۹۵

درگز:

کاشمر:

بجنورد: ۶۳۸۶۳ ۲۰۱۳۴۸ ۲۶۵۲۱۱

سبزوار: ۸۸۱۴۹ ۱۹۴۱۶۶ ۲۸۲۳۱۵

تربت جام

تربت حیدریه ۶۵۶۴۵ ۲۲۸۶۰۸ ۲۹۴۲۵۳

گناباد ۱۸۴۰۸ ۵۸۴۷۱ ۷۶۸۷۹

فردوس

قاین

بیرجند ۷۰۱۶۷ ۲۲۸۲۲۷ ۲۹۸۳۲۴

طبس

ص ۴۵

الف

محلات نامبرده شده کما فی السابق با همان نام قبلی، اکنون جزو قدیمی ترین محلات بشمار می آیند - با توجه به اینکه امروزه نقاطی که به شهر افزوده شده است ؛ « شهر » و « شهرک » [آزاد شهر- شهر جدید- زیبا شهر- رضا شهر] نامیده می شوند، نه محله از محلات قدیم تنها نامی مانده است، بعضی آنها در اثر نوسازی ها از بین رفته و خیابانها و کوچه های جدید با نامهای مختلف در همان محل احداث شده است، مثل عیدگاه که بخشی از آن به هنگام ساختن خیابانی که بعداً بازار رضا بر روی آن احداث شد، از بین رفت یا کوچه سیاوون که بهنگام تعریض فلکه حرم قسمتی از کوچه های فرعی آن (نه کوچه اصلی) خراب شد.

صفحه ۴۶ دو سطر آخر (تصحیح نام خیابانها)

تهران ← خیابان امام رضا

طبرسی ← طبرسی

بالا خیابان ← خیابان آیت الله شیرازی

پائین خیابان ← خیابان نواب صفوی

صفحه ۴۷ سطر چهارم

خیابان پهلوی ← خیابان امام خمینی

توضیح صفحه ۴۷

در مورد گاراژها و اتوسرویس ها، اوراق فروشیها و...

گاراژها اغلب به خیابان حافظ منتقل شده اند.

اتوسرویس ها از سه نقطه انتهای خیابان شهید هما فرحسن
آذرمنش (نخریسی سابق) بلوار سپهد قرنی (دروازه قوچان
و استخر شهرداری سابق) و خیابان ۱۷ شهریور (۲۵ شهریور
سابق) تجمع یافته اند. درمورد خیابان تهران باید یاد آور شد
که مغازه های این خیابان را اکنون بیشتر تریکو فروشی ها،
زعفران و چای فروشی ها و تعدادی لوازم اتومبیل فروش ها و
تعدادی کارگاه فنی اشغال کرده اند.

غسالخانه مشهد که در ص ۴۸ در خیابان طبرسی ذکر شده،
اکنون در بهشت رضا و در خارج از شهر قرار دارد ...

ص ۲۹

خیابان نادری ← خیابان آیت الله شیرازی
خیابان شاهرضا ← خیابان آزادی
خیابان خسروی نو ← خیابان شهید اندرزگو
خیابان خسروی کهنه ← خیابان شهید دیالمه

ص ۵۰

خیابان پهلوی ← خیابان امام خمینی
میدان شاه ← میدان شهدا
صفحه ۵۰ سطر آخر و سطر اول تا ... ص ۵۱
خیابان بهار (سی متری) ← خیابان بهار
خیابان رازی ← خیابان رازی
احمدآباد (فرح) ← خیابان فیضیه

کوهسنگی ← خیابان دکتر علی شریعتی

ص ۵۶ سطر آخر

شاهرضانو ← خیابان آزادی

صفحات ۵۵ تا ۵۹

هیچکدام از انجمنها و محافل ادبی و دینی بشکل سابق تشکیل نمی‌شوند.

مجلات و نامه فرهنگ - هیرمند و تعداد زیادی از روزنامه‌های نامبرده شده، سالهاست که منتشر نمی‌شوند.

ص ۶۷-۶۸-۶۹

بنای بست‌ها همه نوسازی شده‌اند.

محل مهمانخانه حضرتی به بست پائین (بطرف خیابان نواب صفوی فعلی) انتقال داده شده است.

نام صحن کهنه ← صحن عتیق

نام صحن نو ← صحن جدید

ص ۸۰- عمارت موزه

اکنون در سمت راست صحن نو قرار دارد

ص ۱۳۲- میدان سوم اسفند ← میدان ده دی

ص ۱۳۳ سطر ۷-

باغ‌رضوان در جریان نوسازی اطراف حرم تخریب و در

محل کنونی آن فضای سبز ایجاد شده است.

ص ۱۳۳

خیابان خاکی ← خیابان آخوند خراسانی

صفحه ۲۰۰

نرخ تاکسی داخل شهر ۱۰ ریال

فرودگاه ۳۰۰ ریال

راه آهن ۱۰۰ ریال

تردد تاکسی به نقاط نامبرده شده وکیل آباد، عنبران،...

زشت اکتون ممنوع است.

ص ۲۰۱

حومه شهر عبور و مرور تنها بوسیله اتوبوس یا وسایل

شخصی مقدور است.

ص ۲۰۲

باشگاههای نامبرده شده اغلب تعطیل اند.

باشگاه پهلوی (ورزشی) در خیابان کوهسنگی و فردوسی

در خیابان کفائی تعطیل شده است.

مؤسسات فرهنگی ص ۲۰۱

دانشکده ادبیات خیابان مطهری (نام فعلی)

» پزشکی » دانشگاه

» علوم » اسرار

» الهیات بلوار هفتم تیر

دیورستان کشاورزی طرق
 دانشسرا پسران بزرگراه آسیایی
 « دختران بین ابن سینا و سناباد (در محل تقاطع)
 هنرستان صنعتی درسه محل بلوار هفتم تیر
 میدان دکتر شریعتی
 خیابان همافر آذرمنش

ص ۲۰۳

سطر ۷ - خیابان تهران - خیابان امام رضا

پمپ‌های بنزین

- ۱- اکنون در خیابان شهید هاشمی نژاد
 - ۲- انتهای طبرسی
 - ۳- خیابان امام رضا
 - ۴- بلوار جمهوری اسلامی
 - ۵- خیابان صاحب الزمان
- و تعداد زیاد دیگری که نام آنها در کتاب دکتر نیامده

است

«گرمابه‌ها»

- ۱- گرمابه پارس میدان سعدی
- ۲- گرمابه ویلا خیابان فیضیه
- ۳- گرمابه توس خیابان امام خمینی
- ۴- گرمابه زیبا خیابان دانش

- ۵- گرمابه صدف خیابان آیت الله مطهری
۶- گرمابه مرمر خیابان صاحب الزمان
ص ۲۰۴

بانك‌ها

بخش مرکزی بانكها اغلب تغییر مکان داده شده‌اند بجز تعداد محدودی مثل بانك ملی در خیابان امام خمینی فعلی یا رهنی در خیابان پاسداران.

شعبات هر کدام بیش از سی مکان را اشغال کرده‌اند که ذکر نام و شماره تلفن آنها مقدور نیست

شعب مرکزی بانكها

بانك استان (مرکزی)	خیابان امام خمینی	تلفن ۵۷۰۲۳
بانك تجارت	» »	۲۰۴۷۰
بانك رفاه	بازرگان نو	۲۲۸۱۲
بانك سپه	میدان شهدا	۲۱۸۰۵
بانك کشاورزی	خیابان چمران	۲۱۵۳۰
بانك مسکن	خیابان پاسداران	۴۰۰۲۰
بانك ملت	خیابان مدرس	۲۱۱۵۷
بانك ملی	خیابان خمینی	۵۳۰۲۵

ص ۲۰۴

شرکت بیمه ایران	خیابان مدرس
شرکت بیمه ملی	خیابان خسروی نو (اندرزگو)

ص ۲۰۵

ص ۲۰۷

کنسولگریها در مشهد

تلفن		
۲۹۸۴۵	خ خمینی	کنسولگری پاکستان
۴۲۸۹۱	خ امام رضا	» شوروی
۴۹۴۴۵	خ خمینی	» افغانستان

ص ۲۰۹ خطوط اتوبوسرانی کلا تغییر کرده است.

ص ۲۱۱

دوائر دولتی

اداره آمار	خ قائم مقامی
» آمار و ثبت احوال	خ سناباد
» آموزش و پرورش	خ خمینی خ آبکوه
» ارشاد اسلامی	خ بهار
» اقتصاد و دارائی	خ خمینی
» استاندارد	خ سناباد
» استانداری	خ بهار

ح

خ آبکوه (صاحب الزمان)	» اوقاف
خ خاکی و خ خمینی	» بازار گانی
خ دانشگاه	» بهداری و بهزیستی
خ خمینی	» اداره پست
خ خمینی	» ثبت اسناد
خ مدرس	» دادگستری
خ خمینی	» دخانیات
خ فدائیان	» راه و ترابری
خ آبکوه	» راهنمایی و رانندگی
خ سیلو و توحید	» غله و شکر
خ بهار	» فرهنگ و هنر
خ عدل خمینی	» کار
خ شهید اندرزگو	» کشاورزی و عمران روستایی
خ طبرسی	» گمرک
خ عدل خمینی	» مخابرات

ص ۲۱۳

کالانتري ها

عدل خمینی	کالانتري ۱
نواب صفوی	۲ »
عشرت آباد	۳ »

خ

۴	»	طلاب
۵	»	راهنمایی
۶	»	رضا
۸	»	بازار رضا

مؤسسات خارجی و صرافیهها

منحل اعلام شده اند

ص ۲۱۸

سینماها

سینما آفریقا	میدان شریعتی
» آسیا	کوچه آسیا خ خمینی
» ارشاد	خ خمینی
» قدس	خ پاسداران
» هویزه	خ دانشگاه
» فردوسی	خ خمینی
» ساترال	خ خمینی

ص ۲۱۹ و ۲۲۰

ص ۲۲۱

فرودگاه فعلی مشهد از فرودگاههای درجه يك خاورميانه
است و در سه كيلو متری محل قدیم آن واقع است

هواپیمایی

هواپیمایی خ سنا باد ۸۳۰۵۱

۳۲۰۹۶

۳۰۰۳۰

فرودگاه ۴۵۰۰۱-۲

راه آهن اطلاعات ۲۴۶۷۵

بهای بلیطها نیز کلاً تغییر کرده است.

کتاب

راهنمای خراسان

تألیف :

دکتر علی شریعتی

عکسها :

اسد بهروزان

طرح :

جمشید نرسی

چاپ :

صبح امروز

پیش‌گفتار

سازمان جلب سیاحان برای توسعه و ترویج سیاحت و جهانگردی و بمنظور شناساندن شهرهای ایران و آشنا کردن عموم به اوضاع کلی شهرهای ایران و مناطق سیاحتی و دیدنی آنها و تشویق ایرانیان و فارسی‌زبانان به ایران‌گردی، اقدام بانتشار کتب راهنما ب زبان فارسی برای شهرهای ایران نموده است. هدف از تهیه و انتشار این کتب آشنا ساختن علاقمندان به آثار تاریخی، اماکن مذهبی، گردشگاهها، امکانات و تسهیلات، نقاط دیدنی، نیازمندی‌های عمومی و سایر نکاتی است که مورد احتیاج مسافرین و سیاحان تازه‌واردین میباشد. در تهیه این کتب کوشش بعمل می‌آید تا مطالب مندرج حتی المقدور و تا سرحد امکان پاسخگوی نیازمندی کلی و عمومی يك مسافر در شهر مورد نظر باشد.

کتاب راهنمای خراسان نیز با توجه به نکات فوق و برای آشنائی بیشتر ایرانیان و فارسی‌زبانان با این استان بزرگ و تاریخی تهیه شده و انتشار یافته است.

سازمان جلب سیاحان امیدوار است که این راهنما مورد توجه علاقمندان بویژه مسافران و زائران و سیاحان که به خراسان سفر میکنند قرار گیرد. در پایان انتظار دارد که صاحب نظران با ارائه هر گونه نظر اصلاحی که ممکن است در تکمیل چاپهای بعدی راهنمای خراسان مؤثر باشد این سازمان را یاری کنند.

آبان ماه ۱۳۴۵

فهرست مندرجات

۲-۳۵

فصل اول- سرزمین خراسان و مردم آن

۱ - جغرافیای تاریخی خراسان

- ۳ خراسان پیش از اسلام
- ۶ خراسان پس از اسلام

۲ - جغرافیای طبیعی خراسان کنونی

- ۱۲ چهره طبیعی
- ۱۴ سرزمین خراسان
- ۱۶ مرزهای خراسان کنونی

۳ - جغرافیای سیاسی خراسان

- ۱۷ ایلات خراسان

۴ - جغرافیای اقتصادی-محصولات خراسان

- ۱۹ معادن
- ۲۰ جنگلها

۵ - فرهنگ خراسان - دین

- ۲۱ ادبیات و هنر و علوم
- ۲۴ آثار تاریخی
- ۲۸ آتشکده ها

۳۱ صنایع دستی و هنرهای تزئینی

۳۶-۱۳۳

فصل دوم- شهر مشهد

- ۳۷ مشهد شهر دین و هنر
- ۴۲ حصار بندی شهر مشهد
- ۴۷ خیابانهای مشهد

۵۳	تفریحگاهها و گردشگاهها
۵۵	انجمنهای مذهبی و ادبی
۵۷	مطبوعات
۵۹	کتابخانه‌ها
۵۹	عزاداری
۶۲	آستان قدس رضوی
۶۳	تاریخ
۶۴	آستانه در زیر ضربات تاریخ
۶۷	بست‌ها
۶۹	صحن کهنه
۷۸	صحن نو
۸۰	موزه
۸۴	کتابخانه
۸۴	مقبره شیخ بهائی
۸۵	تالار تشریفات
۸۶	مهمانسرا
۸۶	مناردها
۸۷	درهای آستانه
۹۲	رواقهای آستان قدس - دارالسیاده
۹۵	دارالحفاظ
۹۷	دارالعماره
۹۷	دارالضیافه
۹۷	توحیدخانه
۹۹	رواقهای جدید
۱۰۰	حرم
۱۰۶	گنبد
۱۰۸	ضریح
۱۱۱	صندوق مطهر
۱۱۳	مراسم و تشریفات دربار آستانه
۱۱۷	مساجد

۱۱۸	مسجد گوهر شاد
۱۲۱	مسجد شاه
۱۲۱	مسجد امام رضا
۱۲۲	مسجد آب انبار
۱۲۲	مسجد نائب
۱۲۲	مسجد بالاسر
۱۲۲	مدارس قدیمه
۱۲۳	مدرسه بالاسر
۱۲۳	مدرسه پریناد
۱۲۴	مدرسه دودر
۱۲۴	مدرسه خیرات خان
۱۲۴	مدرسه میرزا جعفر
۱۲۵	مدرسه نواب
۱۲۵	مدرسه سعدالدین
۱۲۶	مدرسه فاضلخان
۱۲۷	مدرسه عباسقلی خان
۱۲۷	مدرسه باقریه
۱۲۷	مدرسه بهزادیه
۱۲۷	مدرسه سلیمان خان
۱۲۸	دیدنیهای مشهد
۱۲۸	آرامگاه نادر
۱۲۹	پیر یالاندوز
۱۳۰	ارک - باغ ملی
۱۳۳	شیخ طبرسی
۱۳۳	گنبد سبز

فصل ششم - حومه مشهد و مناطق بیلاقی آن ۱۳۵-۱۳۶

۱۳۶	کوه سنکی
۱۳۷	ایوان کوه سنکی

۱۳۷	کشف‌رود
۱۳۸	آنچه در حوزه مشهد بر ساحل کشف‌رود است
۱۳۹	چمن قهقهه
۱۳۹	آرامگاه فردوسی
۱۴۰	بقعه هارونیه
۱۴۲	خواجهر بیع
۱۴۳	مصلی
۱۴۴	تپه نادری
۱۴۵	خواجها باصالت
۱۴۶	خواجهر مراد
۱۴۷	سنگ بست
۱۴۸	چشمه گیلاس
۱۴۹	ییلاقات مشهد
۱۵۱	سدها
۱۵۳	شاهان گرماب
۱۵۴	چشمه سبز
۱۵۴	غار منان
۱۵۵	رادکان

۱۵۷-۱۹۸

فصل چهارم: شهرهای خراسان

۱۵۸	سبزوار
۱۶۳	بیهق
۱۶۵	فرومد
۱۶۶	کلات نادری
۱۷۳	قوچان
۱۷۸	نیشابور
۱۸۶	بجنورد
۱۸۸	جلیان
۱۸۹	جاجرم
۱۹۱	کاشمر (ترشیز)

۱۹۲	خواف وزوزن
۱۹۲	تربت جام
۱۹۴	تربت حیدریه
۱۹۵	سرخس

فصل پنجم - اطلاعات و نیازمندیها ۲۲۶-۱۹۹

۲۰۰	وسایط نقایه
۲۰۱	موسسات فرهنگی
۲۰۲	باشگاهها
۲۰۳	بیمپهای بنزین
۲۰۳	گرمابهها
۲۰۴	بانکها
۲۰۴	شرکتهای بیمه
۲۰۵	هتلها
۲۰۷	کنسولگریها
۲۰۷	مسافرخانهها
۲۰۸	رستورانها
۲۰۹	خطوط اتوبوسرانی
۲۱۱	دوایر دولتی
۲۱۳	کلانتریها
۲۱۳	برزنهای شهرداری
۲۱۳	موسسات خارجی
۲۱۴	صرافیها
۲۱۴	بنگاههای خیریه
۲۱۴	مراکز غیرمسلمان
۲۱۴	بیمارستانهای بیمه
۲۱۵	آزمایشگاهها
۲۱۵	داروخانهها
۲۱۷	بخشهای تزیینات

۲۱۷	درمانگاهها
۲۱۸	سینماها
۲۱۹	جاهای دیدنی شهر مشهد
۲۲۰	راه آهن
۲۲۱	فرودگاهها
۲۲۲	بهای بلیط مسافرت
۲۲۳	فاصله ها از مشهد
۲۲۴	کتاب شناسی خراسان

فصل اول

سرزمین خراسان و مردم آن

- ۱- جغرافیای تاریخی خراسان
- ۲ - جغرافیای طبیعی خراسان
- ۳- جغرافیای سیاسی خراسان
- ۴- جغرافیای اقتصادی خراسان
- ۵- فرهنگ خراسان

۱- جغرافیای تاریخی خراسان

خراسان پیش از اسلام : چنین بر می آید که طوایف گوناگون آریایی از راه خراسان به فلات ایران وارد شده و بطرف جنوب تاسیستان سر از بر رانده اند و چون به نواحی خشک رسیده اند بسوی غرب متوجه شده فلات ایران را اشغال کرده اند. در دوران ماقبل تاریخ، بنا بر حکایت اساطیر، خراسان بزرگ کانون مشعل حوادث زندگی نژاد آریا بوده است، چه در دوران جمشیدیها و فریدونیها که هنوز طوایف هندواروپایی از یکدیگر جدا نشده بودند و چه در دوران سلسله منوچهریها و زابیها که آریائیهای شمال شرقی فلات برای اولین بار بعنوان دایرانیان ، در برابر حملات مداوم سکاها از شمال، در خراسان بزرگ ، سازمان سیاسی و نظامی بزرگی تشکیل دادند و بدین ترتیب ابتداء از خراسان است که ملت ایران از میان اقوام آریایی شکل میگیرد.

خراسان در دوران ماقبل تاریخ، بزرگترین اهمیت را در طول حیات آریائی نژادهای فلات ایران داشته است، حساس ترین داستان های تاریخی و اساطیر قومی و ملی ما در خراسان بزرگ جای دارند.

در آستانه ورود ایران بدوران تاریخی با تشکیل دولت ماد (در غرب ۸۰۰ ق.م) و پس از آن هخامنشی (در جنوب ۶۰۰ ق.م) کانون حوادث به غرب و جنوب ایران منتقل می شود ولی ناگهان با حمله اسکندر مقدونی سراسر ایران در زیر گام های سربازان یونانی ساکت میگردد و پس از او هر تکه از کشور بدست یکی از جانشینان وی می افتد و برای اولین بار ایران استقلال خود را از دست میدهد و در چنگال بیگانگان تسلیم میگردد.

در این دوران خراسان در برابر تسلط یونانیان طغیان می کند.

پارت هایکی از طوایف آریائی بودند که به خراسان آمدند و در جنگاوری و تیراندازی و عادت بزندگی سخت و خشن در دنیای قدیم شهرت داشتند و حتی در آثار ویر ژیل شاعر رومی و دیگران از آنان بعنوان ضرب المثل شهامت و جنگ یاد می شود. اینان که در دوران ماقبل تاریخ ایران محور اساطیر قومی و موضوع غالب داستان های حماسی ایران بودند در قرن های اولیه تاریخ چنانکه گفتیم در سایه قدرتهای پر شکوه مادها و هخامنشیهای غرب و جنوب میزیستند ولی پس از تسلط اسکندر و جانشینان او پارتها اولین بار علیه سلوکیها شوریدند.

پارتها، پیش از این با مردم خزر که آریائی نبودند از نظر نژادی در آمیخته بودند و پایتختشان شهر معروف صد دروازه (هکاتم پیلوس) در سرحد غربی خراسان در نزدیکی دامغان کنونی

و بگفته ایزد دورخارا کسی استا کایا ارسا کادر محل قوجان
فعلی بود.

پارت ها از شعب آریائی پارنی **parni** هستند واجداد
آنها را **Dahae** مینامیده اند و در مشرق بحر خزر زندگی میکردند.
در زمان سلطنت **آنطیوکوس** (۲۶۱ - ۲۴۲ ق.م.)
ساتراپ خراسان که یکی از روسای پارت بود به اتا هانتی که از
پادشاه سلوکی دیدتصمیم گرفت برای همیشه بتسلط بیگانگان بر
ایران خاتمه دهد. وی که **تیرداد** نام داشت بکمک برادرش **اشک**
علیه رژییم غاصب طغیان کرد و **اشک** بنام اولین پادشاه ایرانی
پس از حمله اسکندر انتخاب شد (۲۴۷ ق.م.). پس از **اشک** تیرداد
جانشین وی گردید و خراسان را از سلطه بیگانه رها کرد. طغیان
موفق وی علیه سلوکی ها مردم باکتریا و سغد را نیز که پس از
مقاومت ها مردانه، ولی بی ثمر، در برابر اسکندر نا امید شده بودند
تشجیع کرد و آنان نیز بپا خاستند. تیرداد که اولین شورش را علیه
بیگانه بپا کرده بود از موقع استفاده کرده بجنوب حمله ور شد و
ناحیه پارتی را آزاد کرد و ایران استقلال خود را بازیافت. قهرمان
پارت دشمن را رها نکرد و با **سلوکوس** دوم در آنسیرا (انکارا)
جنگید و در ۲۴۰ ق.م. او را بزانودر آورد. در شمال شرقی با **سکاها**
که همواره خطر بزرگی بودند در آویخت و در این هنگام **دمتریوس**
نیکاتور از سرگرمی وی در شمال شرقی استفاده کرد و به
پادگان های بین النهرین حمله آورد ولی قدرت **اشکانیان** تا آنجا
رفته بود که بی حضور شاه و اشتغال سپاه در جبهه ای دور دست پادشاه
یونانی اسیر شد ولی قهرمان پارتی اسیر خود را نواخت و دخترش
را بزنی بوی داد. تیرداد، شوش پایتخت عیلام و همدان پایتخت
مادها و بابل و آشور را ضمیمه ایران ساخت و بسیاری از شهرهای یونانی

درامپراطوری او قرار گرفتند.

امپراطوری اشکانی که از خراسان پدیدار گشت و تا مرز روم و یونان رفت موجب اتصال دودنیای شرق و غرب گردید . ایرانیان در اثر تماسی که با شهرهای یونانی نشین ایران یافتند با تمدن یونانی آشنا شدند . سورن، قهرمان بزرگ تاریخ ایران گراسوس رومی را، که انقلاب بزرگ اسپارتا کوس بدست وی درهم کوبیده شد، شکست داد و موجب شد که زمینه برای آشنائی بیشتر رومیان با تمدن ایرانی فراهم آید. استقرار اشکانیان با تحولات تازه و عمیقی در سیاست، مذهب، ادبیات و جامعه و تمدن ایرانی همراه بود . مهرپرستی، با گرویدن مهرداد به این دین، در برابر دین زردشت رواج فراوان یافت. تمدن و فلسفه چینی- هندی با تمدن و فلسفه یونانی- رومی در ایران در آمیخت ، در اثر آمیزش پارتها، مادها، پارسیها زبان فارسی باستان تحول اساسی یافت و زبان پهلوی بوجود آمد و پایه های اساسی تمدن بزرگ ساسانی در این زمان ریخته شد.

خراسان پس از اسلام

فتح خراسان بوسیله اعراب بسال ۲۹ هجری در خلافت عثمان آغاز شد. احنف بن قیس که از طرف عبداللہ بن عامر به سرداری سپاه عرب منصوب شده بود نیشابور را مقر حکومت ساخت و طبرستان را گرفت.

حمله دوم اعراب بخراسان در سال ۵۴ بوسیله عبداللہ بن زیاد شروع شد و پس از او سعید بن عاص جنگ را ادامه داد و سپس دوسردار بیرحم و خشن بنی امیه مهلب بن ابی صغره و قتیبه بن مسلم با هلی از جیحون نیز گذشته و تا ۸۷ هجری در آن سرزمین

بجنگ و کشتار پرداختند. برخی از شهرها مانند بخارا چندین بار فتح شد و هر گاه سپاه عرب آن را ترک میکرد مردم بر ماموران خلیفه می شوریدند و دم از استقلال میزدند. قتیبه هر که را سواد داشت کشت و جنایاتی کرد که در تاریخ فتوحات عرب کم نظیر است. قیام های خراسانیان یکی پس از دیگری بدست بنی امیه سرکوب شد و مردم خراسان رفته رفته برای انتقام از فاتحان بجناح مخالف سیاسی آنان یعنی آل علی و بنی عباس گرایش پیدا کردند. قهرمان این نهضت ابو مسلم خراسانی است که سپاه خراسان را بعراق برد و خلافت بنی امیه را برچید و بنی عباس را روی کار آورد. در این هنگام بنی عباس یکسره در اختیار مردان خراسانی بودند و تکیه آنان بر سپاه خراسان بود. ابراهیم امام در نامه ای محرمانه به ابو مسلم می نویسد «توجه داشته باش که در خراسان حتی یک نفر را که زبان عربی میدانند زنده نگذاری و باید عربی زبانان را تمام بقتل رسانی».

در خلافت منصور عباسی سازمان های سیاسی و اداری همه از ایران تقلید گردید.

ولی تناقض میان دور روح خراسانی و عباسی سرانجام پیوند سیاسی میان آنان را بزودی برید و ابو مسلم پس از ۵ سال که از آغاز قیامش میگذشت بدست منصور دوانیقی دومین خلیفه عباسی بطرز ناجوانمردانه و خدعه آمیزی قطعه قطعه گردید. ازین پس باز خراسان دست بکار قیام ها و نهضت های دیگری شد و این بار گرایش از نظر مذهبی بسوی خاندان علی که در اقلیت بودند و شکنجه های بسیار می دیدند بود و از نظر سیاسی بسوی احیای ملیت و تجدید خاطرات افتخار آمیز کهن. این زمینه های مساعد موجب طغیان ها و قیام های سیاسی و نظامی بسیاری در شمال شرقی و مشرق ایران گردید که

بزرگترین آنها یکی طغیان **رافع بن لیث بن نصر** سیار است در شمال خراسان و دیگری قیام **حمزه بن عبدالله خارجی** (حمزه بن آندک شماری) در سیستان که خطر بزرگی را برای امپراطوری عباسی بوجود آورده بود. خطر خراسان موجب شد که **هارون** با همه کراهتی که بآمدن خراسان داشت ناچار خود بجنک آمد تا خراسان از دست رفته رارام کند و درین سفر فرزندش **مامون** را که از مادری ایرانی و مردی هوشیار و ایران دوست بود به همراه آورد ولی بطوس که رسید در نوقان وفات یافت. (۱۹۳ هجری).

پس از مرگ او میان **مامون** (متماثل با ایرانیان) و **امین** (متماثل به عرب) بر سر خلافت جنک در گرفت. این جنک از نظر فردی جنک میان دو برادر قدرت طلب بر سر مقام بود ولی از نظر اجتماعی دونهضت ایرانی و عربی در خلافت اسلامی با یکدیگر بستیز برخاسته بودند.

در اینجا نیز **طاهر ذوالیمینین** (وفات در ۲۰۵) قهرمان ایرانی در نزدیکی ری سپاه عرب را شکست داد و خود به بغداد رفت و امین را کشت (۱۹۸ هجری قمری) و خلافت مامون را مستقر ساخت و پیاس آن حکومت خراسان و فرماندهی سپاه عرب ایران باو واگذار گردید و بدین ترتیب سلسله **طاهریان** در خراسان روی کار آمد و خراسان از مراکز سیاسی مهم خلافت اسلامی گردید.

طاهر ذوالیمینین پس از یکسال و نیم حکومت خراسان سر از اطاعت خلیفه پیچید و نام مامون را از خطبه حذف کرد و خطبه بنام یکی از فرزندان **امام موسی کاظم** امام هفتم شیعیان خواند. میگویند وی در همان هنگام که در دستگاه

مامون نفوذ شدیدی داشت **بامام رضا (ع)** ارادت می‌ورزید و با او بیعت کرد و گفت دست راست من در بیعت مامون است بدست چپ با تو بیعت میکنم و یساری را که در بیعت امام باشد بهین نیز توان گفت و از اینجا به طاهر ذوالیمینین شهرت گرفت. سوعظن اعراب نسبت به مامون از طرفی و پیوند معنوی مردم ایران بخاندان علی و نفرت آنان نسبت به عنصر عرب موجب شد که مامون بارهبر جناح مخالف یعنی حضرت رضا کنار بیاید و برخلاف خلفای عباسی نه تنها بتجلیل و تکریم امام پیردازد بلکه ولایت عهد را با او واگذار کند.

ولی امام بطرز مرموزی وفات یافت . خاندان **سهل سرخی** بر افتاد و **فضل** در حمام سرخس کشته شد و باز هم داستان **برمکیان** تجدید گردید . طغیان طاهر سردار شیعی منجیب در ۲۰۵ یعنی دوپایه سال پس از وفات امسام و اضمحلال عناصر ایرانی در دستگاه خلافت اسلامی رخ داد و چنانکه گفتیم خطبه بنام یکی از برادران امام هشتم خواند و امکان استقرار يك حکومت مستقل ایرانی را در دوران خلافت بخراسانیان نشان داد و بدینوسیله پس از حمله عرب نیز مانند ایران از حمله **اسکندر** میهن ما رهائی خود را از خراسان آغاز کرد. **یعقوب لیث** ، عیاری از مردم سیستان ، بصراحت میگوید که:

«دولت عباسیان را بر غدر و مکر بنا کرده اند . نه بینی که با بوسلمه و بومسلم و آل برمک و **فضل سهل** با چندان نیکوئی که ایشان را اندر آن دولت بود چه کردند؟.. کسی مباد که برایشان اعتماد کند.» (تاریخ سیستان بتصحیح **ملك الشعراى بهار**). زمینه انقلابی مساعدی که در خراسان علیه

خلافت عرب وجود داشت و توفیق طاهر ذوالیمینین در تشکیل يك حکومت مستقل سی سال بعد از طنبیان طاهر، یعقوب رابر آن داشت که ایران را یکسره رها سازد و کارش چنان بالا گرفت که بسوی بغداد عزیمت کرد تا پایتخت زور و تجاوز را بر سر خلافت فرو کوید ولی اجل مهلت نداد (۲۶۵ هجری) و چهل سال بعد، سامانیان موفق شدند يك حکومت مستقل و مستقری در خراسان بوجہ دآورند که کاملاً رنگ ایرانی داشت و بقومیت و تاریخ و ادب ایرانی بشدت دل بسته بود.

در ۳۵۷ هجری ترکان غزنوی برخراسان می تازند و اگرچه از نظر نظامی و سیاسی ایران باز در دام تسلط يك عنصر کاملاً بیگانه می افتد ولی روح زنده و دگرگون کننده ایرانی دشمن را در خود چنان هضم میکند که پایتخت غزنویان در غزنین یکی از شهرهای معروف خراسان بزرگ مرکز ادب و فرهنگ ایرانی می گردد.

در سال ۴۳۸ ترکان سلجوقی ظهور کردند . اینان نیز همچون غزنویان تحت تاثیر تمدن ایرانی بترویج ادب و علم پرداختند بخصوص خواجه نظام الملک طوسی با استفاده از قدرت وسیع سلجوقیان به بسط تمدن و تقویت علما و عرفا پرداخت و اولین کسی بود که در نیشابور و بغداد و خراسان و چند نقطه دیگر دانشگاههای معتبری که بنام او در تاریخ به نظامیه معروف است بنیاد کرد .

خونین ترین واقعه این ایام حمله ترکان غز برخراسان بود که تاریخ از آن داستان فجیع و غم انگیزی نقل میکند. شهرهای مهم خراسان را ویران کردند، قتل عام کردند و هر چه یافتند بغارت بردند. منظره هولناک خراسان را انوری در قصیده

معروفی مجسم کرده است و در این يك بيت وضع مردم خراسان را نشان می‌دهد :

شاد الابد ممرک نبینی مردم بکر جز در شکم مام نیابی دختر
هنوز ویرانی‌های غزان ترمیم نیافته بود که در ۶۱۷ هجری
سیل مغول‌ها بخراسان سرازیر شد و جمله « آمدند و سوختند
و کشتند و ویران کردند و رفتند، درباره حمله بخراسان مشهور
شده است.

نیشابور را که یکی از بزرگترین مراکز تمدن دنیای
عصر خود بود بآب بستند و هر جنبنده‌ای را به تیر زدند و
سر بریدند.

پس از آن یورش هولاکو در ۶۵۱ هجری بود و پس از آن باز
یورش امیر تیمور در ۷۸۱ هجری، از آن پیعد خراسان
همواره میدان تاخت و تاز حکام مغولی و تیموری بخصوص
خونخواران از بک همچون شیبک خان و عبدالمومن خان
گردید و کشمکشها و ستیزه جوئیهای ترکمانان و افغانها نیز
خراسان بزرگ را در آتش کشتارها و ویرانیها گرفتار
کرده بود.

تا اینکه سلسله صفویه بر سراسر ایران استقرار
یافت و با توجه فراوانی که پادشاهان صفوی بخراسان داشتند
این سرزمین روی آرامش و ترقی و آبادی دید ولی پس از انقراض
این سلسله باز خراسان طعمه هوسها و هجومهای گوناگون
گشت. قیام نادر در ۱۱۴۵ بعنوان بزرگترین واقعه تاریخی
قرون اخیر در خراسان رخ داد و بار دیگر این استان مرکز
سیاسی ایران و کانون بزرگترین قدرت نظامی مشرق زمین
گردید ولی پس از مرگ وی شاهزادگان نادری بجان هم افتادند

و بازار کور کردن و سرزدن و پوست کندن رواج یافت.
آخرین قیامی که در خراسان علیه حکومت مرکزی رخ
داد قیام کلنل محمد تقی خان پسیان فرمانده جوان، روشنفکر
و ترقیخواه ارتش خراسان بود.

۲) جزئیات طبیعی خراسان کنونی

الف : چهره طبیعی

بین کوههای آلا داغ و بینالود در خراسان و سلسله
کوههای مکران در بلوچستان سه واحد کوهستانی بزرگ وجود
دارد : یکی کوههای باخرز در شمال که مانند کوههای مکران
عظیمترین ساختمان کوهستانی ایران بشمار میرود و امتدادی
شرقی- غربی دارد، در جنوب آن کوههای شرقی خراسان است
که از شمال غربی بجنوب شرقی کشیده شده و برخی رشته‌های
آن شمالی- جنوبی است. این کوهستانها تقریباً هزار کیلومتر
بسمت جنوب تا بم ادامه دارد. این کوهها در نقطه‌ای که مقابل
حوضه سیستم واقع است بدو نیمه تقریباً مساوی تقسیم میشود:
یکی شمالی که جلگه بیرجند را در خود گرفته و دیگری جنوبی
(کوههای سرحدی در جنوب) که ارتفاع بیشتری دارد. در مرکز
این قسمت کوه تفتان واقع است که آتشفشانی خاموش است و ۴۰۳۰
متر ارتفاع دارد و بلندترین قله جنوب شرقی ایران
بشمار میرود.

رودها در این کوهستانهای شرقی همه بسوی کویتهای
داخلی سرازیر میشود. این کوهستانها عریان و بایرند و مراکز

زراعتی و نقاط آباد آن در دامنه‌های كوچك و آغوش تنك دره‌ها قرار گرفته است.

رشته‌های شمالی خراسان از مشرق خور کوه شروع میشود زیرا ازین نقطه امتداد کوهها بصورت شمال غربی - جنوب شرقی درآمده بتدریج بر ارتفاع آنها افزوده میشود و کم کم رشته باریك آلا داغ را بوجود میآورد .

آلا داغ بوسیله گردنه کوتاهی برشته مرتفع تر بینالود می پیوندد و در حقیقت قسمت جنوبی از دورشته کوه معتبر شمال شرقی ایران به شمار میرود که رشته دوم آن هزار مسجد در شمال مجاور مرز شوروی است. این دو منطقه کوهستانی پر جمعیت ترین و ثروتمندترین جلگه‌های خراسان را در طول دره - بجنورد - قوچاق - مشهد دربر گرفته است. در جنوب بینالود و جغتای شهرهای نیشابور و سبزوار مهمترین مراکز جمعیت در بیرون دره مذکور میباشد.

حوضه‌های شرقی رودخانه‌هایی که در حاشیه مرز افغانستان و پاکستان قرار گرفته است بطور کلی همه جا از دامنه‌های شرقی کوهها آغاز شده و کویرهایی بطول ۲۰ تا ۳۰۰ کیلومتر را بوجود میآورد که تا افغانستان و پاکستان پیش میرود. این فرورفتگی‌های شرقی از شمال بجنوب عبارتست از:

۱ - دره هری - رود کویر سرخس ۲ - دشت نمکزار (کویر) ۳ - کویر دق تندی ۴ - ناحیه سیستان ۵ - فرورفتگی ماشکل.

هریرود یا رودخانه هرات یکی از دو رود مهمی است که از مغرب افغانستان میآید و به کشف رود می پیوندد و صحرای سرخس را می پیماید و خط های مرزی ایران - افغانستان (بطول ۱۰۰ کیلومتر در شمال شرقی) و ایران - شوروی (بطول

۱۰۰ کیلومتر در شمال) را بوجود می‌آورد.

دشت نمکزار و کویر دق تندی شامل دریاچه‌های نمکزار نسبتاً وسیعی است که رودخانه مهمی از آن نمیگذرد اما سیستم دریاچه‌های آب شیرین متعددی دارد که همه از هیرمند مشروب میشود.

در جنوب سیستان یعنی نقطه سرحدی ایران و افغانستان و پاکستان قلعه آتشفشانی بنام «ملك سیاه کوه» وجود دارد بار ارتفاع ۱۵۰۰ متر

رودخانه اترک که در شمال جلگه گرگان جاری است و قسمتی از مرز ایران - شوروی را تعیین میکند از دره شمال غربی قوچان و دامنه‌های شمالی هزار مسجد آب میگیرد.

کشف رود که از شمال مشهد میگذرد از قوچان تا سرخس رفته با هریرودی یکی میشود مسیری دارد که امروز از نظر کشاورزی و در گذشته از نظر تاریخی و مدنی بسیار معتبر بود و هست، خط سیر کشف رود در گذشته راه بازرگانی بسیار بزرگی بود که مرو و هندوستان و چین را به بین‌النهرین متصل میساخته و آثار تاریخی معتبری که بر حاشیه کشف رود هنوز برجاست اهمیت این رهگذر بزرگ را گواهی میدهد.

دامنه‌های جنوبی کوه‌های خراسان که بکوپر میرود فاقد رودخانه‌های معتبر دائمی است. جنس کوه‌های خراسان عموماً آهکی است و در بعضی نواحی مرتفع که بارندگی زیادتر است جنگلهای بلوط و سرو کوهی وجود دارد.

ب: سرزمین خراسان

شاهنشاهان اشکانی ایران را به چهار بخش بزرگ تقسیم کرده بودند و بهریرک از این چهار استان، حاکمی می‌گماشتند

بنام مرزبان. اپاختر یعنی شمال، خراسان یعنی مشرق، نیمروز
یعنی جنوب و خاوران یعنی مغرب. این تقسیم‌بندی را در زمان ساسانیان
نیز حفظ کردند و هر بخش را يك كوست نام نهادند.

ارنست هرتسفلد (Ernest Hertzfeld) در آنجا که
از شاهنشاهی ساسانی پس از کشورگشایی‌های بهرام دوم در
۲۸۴ سخن می‌گوید، مشرق ایران را شامل نواحی خوارزم،
سند، سگستان (سیستان)، مکران، طوران و نواحی رود سند و
مصب‌های آن و کچه و کائیا وار و مالوا و نواحی دور دست آن
دانسته است، تنها نقاطی که از خراسان بیرون بود کابل و پنجاب
است که پادشاهان کوشانی آنرا اشغال کرده بوده‌اند. این مورخ
حدود خراسان دوره ساسانیان را بدینگونه معرفی می‌کند:
گردنه‌های خزر نزدیک شهرری، کوهستان البرز، گوشه جنوب
شرقی دریای خزر، دره اترک، خطی در محاذات راه آهن کنونی
ماوراء قفقاز تا لطف آباد، خطی از میان کویر شامل تجند و مرو تا
کنار رود جیحون در پائین کرکی. چنانکه از کشف سکه‌های
سکاها و ساسانیان برمی‌آید این خط در قلعه کوه حصار تا پامیر
امتداد داشته و سپس بسوی جنوب پائین می‌آمده و در کنار رود
جیحون تا بدخشان می‌رفته و آنرا دور می‌زده و بقلعه هندوکش
میرسیده است. از اینجا مرز خراسان هرات از میان قهستان در
جنوب ترشیز (کاشمر) و خواف می‌گذشته و دوباره بسوی گردنه‌های
خزر بالا می‌آمده است.

میزان مالیاتی که از شهرهای خراسان در صدر اسلام گرفته
می‌شده نموداری از بزرگی و اهمیت هر يك از آنهاست. در حکومت
عبدالله بن طاهر امیر معروف طاهری در سال ۲۱۱ و ۲۱۲
هجری مالیات شهرهای خراسان را بدینگونه تعیین کردند:

طَبْسِين (طَبْس گیلک و طَبْس مسینان) ۱۱۳۸۸۰ درهم. کَهستان
(قَایِن و بَیرجند) ۷۸۷۸۸۰ درهم، نیشابور ۴۱۰۸۹۰۰ درهم
طوس ۷۴۰۸۶۰ درهم، نسا ۸۹۳۴۰۰ درهم، ابیورد ۷۰۰۰۰۰
درهم، سرخس ۳۰۷۴۰۰ درهم، مرو شاهجهان ۱۱۴۷۰۰۰
درهم، مرو رود ۴۲۰۴۰۰ درهم بادغیس ۴۴۰۰۰۰ درهم، هرات و
اسفزار و گنج روستا ۱۱۵۹۰۰۰ درهم. جمع کل مالیات خراسان
در زمان عبدالله بن طاهر ۴۴۸۴۶۰۰۰ درهم بوده است.

در دوران خلفای اسلامی، استان خراسان مهمترین و
حساس ترین استان های ایران بشمار میآمده و همه نواحی شمال
شرق کشور را شامل می شده و دامنه اش تا مرز چین پیش میرفته است
در این دوره خراسان این نواحی را دربر می گرفته است: بست،
رخج (رخد) کابل، زابلستان، طَبْس، هرات، طالقان، قهستان،
بادغیس، فوشنگ، تخارستان، طارقان، بلخ، خلم، مرو رود،
چغانیان، واشگرد، بخارا، طوس، فاراب، ابرشهر (نیشابور)
سمرقند، چاچ، فرغانه، اسروشنه، سغد، خجند، خوارزم، اسبجیاب
ترند، نسا، ابیورد، مرو، کش، نوشجان، بتم، اخرون، نخشب
(نسف). جمع کل درآمد خراسان در سال ۲۲۱ هجری که عبدالله
بن طاهر باید هر سال بدربار بفرستد نقد و جنس از غلام و کنیز
و گوسفند و پارچه مبلغ ۳۸ میلیون درهم بوده است.

ج : مرزهای خراسان کنونی

خراسان از سوی شمال با روسیه و از مشرق با افغانستان هم
مرز است.

مرز شمال که مجاورتر کمستان شوروی است طبق پیمان
میان روسیه تزاری و ایران قاجاری در تاریخ ۹ دسامبر ۱۸۸۱
(۱۲۹۹ قمری) و معاهده ۲۷ مه ۱۸۹۳ (۱۳۱۰ قمری) و نظر

کمیسیونهای مشترک رفع اختلاف مشخص گردیده
مرز شرقی خراسان با روسیه و افغانستان با حکمیت مامورین
انگلیسی حکومت سابق هند به ایران تحمیل شده. ایران با افغانستان
۸۵۵ کیلومتر مرز مشترک دارد. در حدود ۱۷۵ کیلو متر از قسمت
شمالی این مرز (خراسان - افغانستان) را ژنرال ماکلین انگلیسی
در ژوئیه ۱۸۹۱ تعیین کرد.

۳) جغرافیای سیاسی خراسان

جمعیت خراسان (طبق آمار سال ۱۳۳۵) ۲۰۰۷۵۸۱ نفر است. بعد از مرکز (۲۷۱۷۳۰۹) و آذربایجان شرقی و غربی
(۲۸۶۳۴۰۶) پرجمعیت ترین استان های ایران است. کمی
بیشتر از خوزستان (۲۰۶۸۵۰۳) دارد ولی مساحت آن ۳۱۴۲۸۶
کیلومتر است یعنی از اصفهان که بزرگترین استان ایران (غیر از
خراسان) است و ۱۹۷۴۰۳ کیلو متر مربع وسعت دارد ۱۱۷
هزار کیلومتر وسیع تر است. کمی بیش از $\frac{1}{8}$ مساحت کشور (۶۴۸۰۰۰)
کیلومتر مربع (متعلق به خراسان است. جمعیت نسبی خراسان
۶ در هر کیلومتر مربع و تعداد شهرنشین آن ۴۲۹۲۳۲ نفر
یعنی ۰/۲۱/۳ از مردم.
گروه سنی بزرگتر از ۱۰ سال ۳۹۳/۱۳۵ / با سوادها
(که بتوانند بنویسند و بخوانند) ۱۵۲۸۶۸ = ۹۷/۱۰ درصد

جمعیت مهمترین شهرهای استان خراسان بقرار ذیل است:
(آمار سال ۱۳۳۵)

شهرستان	شهر مرکزی	مساحت	جمعیت نسبی
مشهد	۵۲۸/۲۰۳	۲۴۱/۹۸۹	۲۶/۹۴۰ ۱۸/۶
نیشابور	۱۸۱/۷۹۳	۲۵/۸۲۰	۸/۹۲۷ ۲۰/۴
قوچان	۱۷۱/۸۵۶	۲۱/۲۵۰	- ۱۵/۵
درگز	۴۲/۱۱۷	۸/۵۴۱	۳/۹۰۹ ۱۰/۸
کاشمر	۹۳۶۴۵	۱۳/۲۹۹	۹/۴ ۹/۹
بجنورد	۱۷۸/۰۲۶	۱۹۲۵۳	۱۹/۴۳۹ ۹/۲
سبزوار	۱۸۹/۸۶۶	۳۰/۵۴۵	۲۱/۲۸۸ ۸/۹
تربت جام	۹۹/۴۶۴	۶/۷۵۶	۱۲/۶۷۷ ۷/۸
تربت حیدریه	۱۹۴/۶۱۹	۱۹/۸۳۰	۲۵۳۵۵ ۷۷
گناباد	۵۵۲۰	۷۷۵۵۵	۱۰۰۰۳۶ ۵۵
فردوس	۲۷۲۱۲۲	۷۷۶۳۴	۵۵۴۹۴ ۴۹
قاین	۶۳۸۲۶	۴۴۱۴	۱۷۳۰۷ ۳۳
بیرجند	۱۴۴۱۱۲	۱۳۹۳۴	۷۳۰۹۳ ۱۷
طبس	۲۷۲۳۱۲	۸۴۱۳	۹۲۶۹ ۵۶

ایلات خراسان

ایلات هزاره ، تیمنی ، تیموری و جمشیدی از خواف و
باخرز تا کوهستانهای بامیان در افغانستان پراکنده اند . طوایفی
از ازبکها و ترکمانها در نواحی سرخس ، بادغیس ، تامرو و بلخ
زندگی می کنند .

شاملوهارا امیر تیمور از سوریه (شام) به خراسان کوچ
داده و اسم شاملونیز این داستان را تایید می کند . کردهای
زعفرانلو و شادلو که در قوچان و بجنورد ساکنند ، بسویله شاه

عباس برای جلوگیری از حمله ازبکها به خراسان، باین سرزمین آمدند .

گرایلی ها طایفه ای از نژاد مغولند که با امیر تیمور به خراسان آمدند و در سرزمینهایی که در زمان ضعف و انقراض صفویه بوسیله کردهای زعفرانلو اشغال شد ساکن شدند .

ایل زند را که در نواحی درگز زندگی میکنند نادرشاه افشار از ملایر به خراسان کوچ داده است. طوایف مختلف ترکمن در شمال خراسان تا دشت گرگان زندگی میکنند.

چهل و دو طایفه از ترکمن ها از قبیل جعفر بای ، اتابای ، جاروار دوجی ، قان یوخماز - پول گای - دازو . . در مشرق گرگان و شمال خراسان و نواحی مرزی که همجوار با ترکمنستان شوروی است زندگی میکنند. جمعیت ترکمن خراسان را بطور تقریب ۱۳۳۸۰ خانوار دانسته اند.

۴) جغرافیای اقتصادی

محصولات خراسان

قالی ، پوست ، پوستین ، غلات و میوه ، کمپوت ، چوب و الوار ، پشم ، روده ، پنبه ، خشکبار ، فیروزه ، کتیرا . کبریت انفوزه ، زیره ، زعفران ، تنباکوی ارداک ، مواد چربی ، گیلان و سیب سرخ زشک ، سیب گلشاهی جا غرق و عنبران (انبران) ،

سبب و گلابی اخلومد ، خیارو گوجه و هلوی طر قبه و گلستان ، شلیل و «آلوبخارا» و زردآلوی نغندر (نوغان دره) ، گیلاس و گلابی‌هایی که پیوند آنرا از تاشکند آورده‌اند، خربوزه معروف شخته و خاقانی مشهد ، پنیر کردی طایفه برمانلو ولاین کلات و کره بقمج .

کرك بز که از شهرستانهای بیرجند و زابل و تربت حیدریه و کاشمر بمرکز استان حمل میشود و محصول بیرجند از نظر نرمی و مرغوبیت بهترین کرك ایران است و همچنین موی بز و پشم شتر که محصول بیرجند آن مرغوبتر است و نیز زرشك باغی و زرشك کوهی .

معادن

کرومیت- آهن- فیروزه- مس و سرب- منیزیت- نمک معادن مهم زغال سنگ آق در بند سر راه زور آباد و چشمه گل در چهل کیلومتری تربت جام و گل سفید.

جنگل‌ها

جنگل پسته سرخس در کوه هزار مسجد و کته شمشیر جام که درختان ارس فراوان دارد و از نظر صنعت چوب ارزش بسیار دارد و جنگل خوجه کلات که جنگل پسته است و سالی بیش از صد خروار پسته میدهد.

بزرگترین منطقه جنگلی خراسان حاشیه شمالی آن است که از شمال شرقی قوچان- بطرف بجنورد کشیده شده و بر روی نقشه طبیعی ایران بصورت قطعه بسیار بزرگی که از جنگلهای شمالی ایران جدا افتاده خود نمائی میکند.

۹ - فرهنگ خراسان

الف-دین

خراسان از دیرباز محل تلاقی مذاهب گوناگون بوده است. خراسان بادوتمدن بزرگ چین و هند همسایه است و جریانات مذهبی این دو ملت بزرگ غالباً این سرزمین را تحت تاثیر فراوان خود قرار میداد.

بودا - دین بودائی قبل از اسلام نواحی بلخ و تخارستان و حتی بسیاری از نواحی خراسان کنونی را فرا گرفته بود بتخانه‌های مشهوری مثل بتخانه نو بهار و خنک بت و سرخ بت، نشانه نفوذ فراوان دین بودائی در خراسان بود.

دین زرتشت نیز طبق عقیده بسیاری از مورخان ابتداء در قرن ششم قبل از میلاد در شمال شرقی ایران انتشار یافت. **مزدك**، مرد انقلابی ایران در نیشابور متولد شده و **قباد پدر انوشیروان** بدین او گروید.

مذهب مزدك به چهار فرقه تقسیم شد و سه فرقه آن یعنی **ابومسلمیان، ماهانیان و سپیدجامگان (مبیطه)** پس از اسلام در خراسان و ترکستان پراکنده بودند و در دوران خلفا نهضت‌های مذهبی و سیاسی مهمی پدید آوردند. مسیلمه (ابومسلمیان) که مزدکیان طرفدار **ابومسلم خراسانی**، منقرض کننده سلسله **خلفای اموی** بودند، بالو هیت و رجعت وی معتقد شدند.

بهافرید - در دوران ابومسلم خراسانی مردی بنام **بهافرید** پسر ماه فروزین ادعای نبوت کرد. وی با آشنائی بعقاید جینی و اسلامی، خود را موعود دین زردشت خواند و اصلاحات

اساسی در احکام این دین بممل آورد و هفت نماز وضع کرد.
 ابو مسلم که به نیشابور آمد از کار بها فرید که بالا گرفته بود
 با خبر شد و گروهی را بجنک وی فرستاد تا او را در کوهستان
 بادغیس دستگیر کردند و با همه پیروانش، که با او دستگیر شده
 بود، بقتل رسانیدند ولی طرفداران وی معتقد شدند که بها فرید
 با آسمان رفته و باز دوباره فرود خواهد آمد.

وجود مذاهب و فرق مذهبی مختلف در خراسان موجب
 پیدایش اضطرابات و گاه کشتارها و سیاست های بیرحمانه ای در
 دوران خلفا در این سرزمین میشده این فرقه ها که غالباً پس از
 تسلط اسلام رنگ دین جدید را بخود می گرفتند بخصوص در
 دوران تعصب یعنی موقعی که ابتدا حکام عرب بر خراسان چیره
 بودند و بعد که ترکان غزنوی و سلجوقی رژیم احتناق مذهبی
 را بوجود آوردند طعمه کینه توزیها و وحشیگریهای بیشمار
 شدند .

تشیع - قرائن تاریخی بسیاری نشان میدهد که مذهب
 شیعه از دیرباز در خراسان پیروان بسیاری داشته است . ورود
امام رضا بخراسان و استقبال های دسته جمعی مردم شهرهای
 نیشابور و مرو و دیگر نقاط و شورش های علویان در شمال و شمال
 شرقی ایران بخصوص در زمان **هارون الرشید که مامون** را
 وادار کرد که با امام هشتم شیعیان از در سازگاری درآید و
 ولایتمهدی را به رهبر حجاج مخالف تفویض نماید نشانه بارز
 قدرت و نفوذ تشیع در خراسان قرن دوم و سوم است.
 وجود قبر امام رضا در مشهد یکی از دلایل عقلی تمرکز
 شیعیان در این نقطه است.

توجه فراوانی که پادشاهانی مانند **سلطان سنجر**

سلجوقی و سلطان محمود غزنوی به تجدید ساختمان و ترمیم و تزئین آستان قدس و تجلیل از مقام امام داشتند ، دلایل عینی است که این قدرتهای سیاسی غیر شیعی برای جلب افکار شیعیان و یا طرفداران و علاقه مندان کثیر ائمه اطهار که شاید هم همگی بمعنی مشخص امروز شیعی نبودند باین کارها دست میزدند. از روزگار قدیم یعنی از قرن های پنجم و ششم اطلاع داریم که سبزوار شهر شیعیان بود.

همین زمینه بسیار مساعد موجب شد که در ۷۳۷ **امیر عبدالرزاق** در قریه باشتین سبزوار علیه حکام مغولی خراسان قیام کرد و اولین سلسله سلطنتی شیعی (سربداریه) را در نیمه اول قرن هشتم در خراسان تشکیل داد و تا یورش **امیر تیمور** بخراسان سربداریه سبزوار و نیشابور و گاه کرگان و دیگر نواحی را زیر نفوذ داشتند و در ترویج تشیع کوشیدند.

خواجه نصیر طوسی فیلسوف و دانشمند و سیاستمدار شیعی هلاکوخان مغول را برانگیخت تا به بغداد حمله برد .

وی در بزرگداشت ائمه و عرفا و عقاید شیعی و تعظیم ائمه اثنی عشری بسیار کوشید. ارادت وی بامامان شیعه بحدی بود که در هنگام مرگ وصیت کرد او را در پای مرقد امام موسی بن جعفر دفن کنند و بر سنگ قبرش بنویسند « و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید »! (دوستشان، در آستانه در، دودستش را پهن نهاده ، آیه قرآن اشاره است به داستان اصحاب کهف که سگشان در کنار غار پاس میداد)

این پایه گذاری موجب شد که چهل سال پس از هلاک و سلطان مغول **الجاتو** خود را سلطان محمد خدا بنده بنامد و شیعه اختیار کند و در ترویج مذهب شیعی بکوشد .

آثار ارادت وی بمقام امام هشتم در بناهای آستانه هنوز نمایان است . پس از امیر تیمور که سلسله شیعی سر بداریه را از خراسان برانداخت بخصوص در زمان سلطان میرزا شاهرخ پسرش مذهب تشیع باز بالا گرفت و قدرت و نفوذ این مذهب در خراسان بجائی رسید که پادشاه تیموری (شاهرخ) بخصوص زن باه متش گوهر شاد خانم و فرزندش بایسنقر و حتی کنیزان گوهر شاد پریزاد و فرنگیس ، همه در تعظیم شعائر مذهبی و شیعی بسیار کوشیدند و آثار برجسته آنها در مشهد از قبیل مسجد گوهر شاد ، دارالحفاظ ، مدرسه پریزاد ... نمایان است .

در حال حاضر خراسان هنوز از نظر مذهب کاملاً یکدست نیست . گرچه بیش از ۹۰ درصد ساکنان شهرهای بزرگ شیعی مذهبند ولی مردم خواف ، و تربت جام مذهب اهل تسنن دارند و غالباً از ابوحنیفه تبعیت میکنند . اسماعیلیه نیز در دهات نیشابور بخصوص نواحی دیزباد میان مشهد و نیشابور سکونت دارند . ارامنه و یهود نیز بخصوص در شهر مشهد اقلیتهای مذهبی را تشکیل میدهند و اگرچه شهر کاملاً مذهبی است ولی این اقلیتها تا کنون در کمال آزادی بزندگی اجتماعی و مذهبی خود ادامه داده اند .

ب - ادبیات و هنر و علوم

خراسان تنها از نظر حماسی ، سیاسی و نظامی دارای اهمیت تاریخی نیست بلکه در ادب ، هنر و علوم و تمدن اسلامی و ایرانی مقامی بسیار برجسته دارد و در کنار ابو مسلم خراسانی ، و نادر شاه افشار و خواجه نظام الملک و خواجه نصیر طوسی که در دلاوری و سیاست شهرت جهانی دارند نام فردوسی و خیام و غزالی و ابن سینا و فارابی در ردیف نام مفاخر علمی و ادبی و مدنی بشریت ورد زبان همه مردم دانشمند جهان است و

مبالغه آمیز نخواهد بود اگر بگوئیم که استان خراسان بیش از هر استان دیگری در سراسر کشورهای آسیائی و آفریقائی در تکوین تمدن عظیم اسلام سهم دارد .

ادبیات

« هر متکلم بلغت اهل خراسان را بفارسی نسبت دهند و فارسی گویند هر چند اصطلاح این دیار خراسان عبارة از این بعضی اما کن معینه و فارس اشاره بآن بعضی بلاد معلومه است » (تاریخ نیشابور، ابو عبدالله طهمانی قرن پنجم).

از نظر معنوی خراسان در ایجاد و تکامل ادبیات فارسی و غنی ساختن ثروت های معنوی و عاطفی ایران بیشتر از همه نقاط این سرزمین کوشش کرده است. تاریخ ادب، خراسانی را بانی زبان و ادبیات فارسی میداند و شاید کمتر کسی از مردمی که با تاریخ ادبیات آشنائی کافی ندارند بدانند که فارسی دری که اکنون زبان ملی ایرانیان است لهجه مردم خراسان بوده است که از مرزهای زادگاه خویش فراتر رفته و در سراسر سرزمین های فارسی زبان جایگیر شده است .

اولین بار در تاریخ ایران پس از اسلام سلسله های صفاری و سامانی و ظاهری نخستین پادشاهان ایران پس از تسلط عرب در خراسان بزرگ پدید آمدند و اگر چه همواره نتوانستند استقلال خود را در برابر حکومت بغداد کاملاً حفظ کنند ولی از نظر سیاست داخلی مستقل بودند و در راه احیاء زبان ملی و تضعیف زبان عربی بعنوان زبان رسمی ایران اولین گام های بزرگ را برداشتند. شاعری که قصیده ای بر رسم زبان عربی در مدح یعقوب لیث سروده بود در برابرش خواند. یعقوب او را منع کرد و با خشم گفت « چرا باید چیزی گفتن که من انسر

نیابیم؟» پادشاه بزرگ سامانی علما و بزرگان را جمع کرد تا به ترجمه قرآن بزبان فارسی رأی دهند و بدین ترتیب ترجمه تفسیر بزرگ طبری پدید آمد. شاهنامه ابو منصور به نشر گردآوری شد. زمامداران ایرانی بخصوص سامانیان در تقویت روح وطن پرستی و احیاء مفاخر گذشته بجد میکوشیدند و در همین کوششها و کوششهای جامعه رها شده خراسان برای کسب استقلال بود که دهقانی از طوس پس از گردآوری گفته ها و نوشته هایی که از ایران بزرگ هنوز در میان بود دست بکار ساختمان کاخی جاوید شد و سی سال یکسره در آن کار کرد:

بناهای آباد گردد خراب ز باران و از تابش آفتاب
پی افکندم از نظم کاخی بلند که از باد و باران نیابد گزند
بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی

شاهنامه بوجود آمد و بقای زبان فارسی و تشخیص و تعیین قوم ایرانی را در برابر سیل دامنگیر عرب تضمین کرد. ایجاد دربارهای ایرانی در خراسان و پیدایش شعرای بزرگ و استاد در این سرزمین موجب شد که لهجه خراسانی رفته رفته جای خالی زبان پهلوی را در جامعه ایرانی بگیرد و به صورت زبان رسمی و ملی ایران در آید و همه گویندگان، نویسندگان و سیاستمداران و مردان بزرگ روزگار بازبان رایج دربارهای خراسان بگویند و بنویسند و شاید به همین علت لهجه خراسانی را زبان فارسی دری (درباری) خوانند.

اکنون در میان مردمیکه در خراسان از دگرگوئیهای زمانه بنور مانده اند هنوز زبان کهن فارسی قرن های چهارم و پنجم زنده است و هنگامیکه توده مردم طبس، فردوس، گناباد، بیرجند و قاین و سرخس و کاشمر سخن میگویند گوئی سخن بیهقی و بلخی

است که می‌شنویم .

گذشته از آن تاسیس دانشکده ادبیات در مشهد از سال ۱۳۳۵ موجب پیدایش روح ادبی تازه و آشنائی با آثار ادبی بیگانه شده است .

علوم

پس از اسلام اواخر قرن سوم و طول قرن چهارم تا پنجم را اوج تمدن اسلامی بشمار می‌آورند. این دوره از آن رو چنین بار آور و پربرکت بود که اسلام دوران لشکر کشی‌ها و کشمکشهای نظامی و سیاسی خود را طی کرده بود و چون اسلام بعنوان يك مکتب مشترك اداری زبان ، نفوذ و جذبه بین المللی بود وحدتی معنوی و تمدنی بزرگ در میان ملل مختلف پدید آورد.

در تکوین این تمدن بزرگ خراسان نسبت بخاک و جمعیت خود بزرگترین سهم را دارد **خوارزمی** اولین دائرالمعارف علمی را تالیف میکند، **ابوعلی سینا** کشورهای اسلامی را با مکتب **ارسطو** و **افلاطون** آشنا می‌سازد و فلسفه عقلی را در اسلام بنیان‌مینهد و کتاب شفای او حتی تا قرن شانزدهم بزرگترین کتاب درسی دانشگاه‌های اروپا می‌شود. **فارابی** فلسفه را رنگ تازه‌ای می‌بخشد، **بیرونی** در علم فلسفه، تاریخ و جامعه‌شناسی دیدی تازه ارائه می‌دهد.

خواجہ نصیر طوسی فلسفه را با رنگ شدید اسلامی و شیعی می‌آمیزد و **خیام** که امروز بنام مشهورترین شاعر مشرق زمین در اروپا شناخته شده است در ریاضی و هیئت بکشفیات و ابتکارات شکفت انگیزی نائل می‌آید و در عرفان و تصوف بزرگانی چون **ابراهیم ادهم** **ابوسعید ابی‌الخیر**، **عطار**، **امام احمد غزالی**، **جامی** بوجود می‌آیند

با این ترتیب چنانکه می بینیم خراسان پرورشگاه استعدادهای مختلف و حتی متضاد است. روح سلحشوری و نظامی و حماسی، اندیشه دقیق فلسفی و علمی، احساس و عاطفه رقیق و حساس شعری و عرفانی را همه باهم دارد.

ج- آثار تاریخی

رباطهای معروف خراسان - راه ابریشم که چین را به اروپا متصل می کرده است، در تاریخ اهمیت بسیار دارد و از نظر تأثیری که در ارتباط و اثر پذیری تمدنهای بزرگ قدیم داشته، شاید بزرگترین شاهراه تاریخی جهان باشد. این راه از شمال ایران می گذشته و از شرق به غرب خراسان میرفته است. این شاهراه اهمیت خود را حتی تا اوایل قرن اخیر حفظ کرده بوده است و راه کاروانروئی بوده که نواحی مختلف ایران را به خراسان می پیوسته است و قبل از احداث جاده انومبیل رو تهران - مشهد که از سبزوار و سمنان و دامغان می گذرد، بزرگترین شاهراه غربی مشهد بوده است. رباطهایی که اکنون از گرگان تا مشهد پا برجاست اهمیت فراوان این راه را تایید می کند:

- ۱- رباط شهر گرگان ۲- رباط فرس ۳- دهنه گرگان ۴- دهنه دشت ۵- قره پیل ۶- عشق ۷- قلی (از سنک خارا در نزدیکی جاجرم) ۸- قره جه ۹- نصیب آباد ۱۰- سلطانمیدان ۱۱- حسن آباد چکنه ۱۲- چنبر غربال ۱۳- سیدآباد ۱۴- شانقله که آخرین منزل کاروانهایی بود که بمشهد میرفته اند.

این رباطها بر خلاف رباطهای معمول ایران یادگار شاه عباس صفوی نیست. بانی بیشتر آنها امیر نظام الدین معروف به امیر علیشیرنوائی (وفات ۹۰۶ هجری) وزیر دانشمند سلطان حسین بایقراء است که در خراسان و بخصوص مشهد یادگارهایی

برجسته از خود بجای گذاشته است.

وی در مدت حکومت خود ۴۰۰ بنای خیر در خراسان و هرات و گرگان از خود بجای گذاشت.

رشته دوم رباطها در مسیر شاهراه بسیار مهم نیشابور به مرو قرار دارد که به خصوص پس از اسلام دوشهر بزرگ مشرق زمین را بیکدیگر وصل میکرده است.

از نیشابور اولین منزل قدمگاه است و رباط آن در جنوب قدمگاه کنونی برجاست، پس از آن دیزباد و بعد رباط سنگ بست است در جنوب مشهد بر سر راه نیشابور - مرو - غزنین و مشهد رباط و مقبره تاریخی ارسلان جاذب (که بغلط به ایاز منسوب است) بعد از سنگ بست رباط چاهک ساخته سلطان محمود غزنوی بود که اکنون اثری از آن نیست.

پس از چاهک به منزل ماهی میرسیم و بعد به رباط شرق که بوسیله شرف الدین ابوطاهر قمی حاکم مرو در زمان سلطان سنجر ساخته شده است. درین منزل دور رباط پهلوی هم قرار گرفته است و خطوط و گچ بریها و نقاشیهای بسیار نفیسی آنرا تزیین کرده اند. تاریخ بنای این رباط سال ۵۴۹ هجری قمری است. دو غرفه آن را به مسجد اختصاص داده اند و دو محراب در آنجا دیده می شود. در ایوان اخیر کتیبه ای است با خط ثلث بسیار زیبا. این آخرین رباط قبل از سرخس است.

باید یادآوری کرد که این رباطها غیر از رباطهای معروف شاه عباسی است که در خراسان وجود دارد.

آتشکده ۱۵

بازۀ هور

درصد کیلومتری جنوب مشهد بر سر راه تربت حیدریه

قریه‌ایست بنام «بازۀ هور» و بفاصلهٔ شش کیلو متری آن بنای بسیار کهن و معبدمانندی است که به پیش از اسلام تعلق دارد.

بازۀ در فارسی خراسان قسمتی از دیوار کوه را گویند که باز است. خورشید از میانۀ این شکاف بطرز بسیار پر شکوه و زیبایی طلوع میکند و نام بازۀ هور شاید از همین جا آمده باشد. در پای کوه معبدی است و در قلۀ آن دو بنا وجود دارد بنام قلعه پسر و قلعه دختر و این دو بنا دهنه دره را تشکیل میدهند. این دو بنا که بر بالای کوه واقع است به معبد پائین تعلق دارد.

بازۀ هور از آثار دوره ساسانی است و چند سال پیش سکه‌هایی در دامنه آن پیدا شده است که تعلق آنرا به این دوره اثبات میکند. بازۀ هور چنانکه از شکل ساختمانی آن پیدا است و مورخان بزرگ معتقدند آتشکده‌ای بود که قبل از اسلام و حتی تاهمتی پس از اسلام دائر بود.

تعمیرات اخیری که در آتشکده بازۀ هور صورت گرفته از ویرانی آن تاحدی جلو گیری میکند. این تعمیرات در ۱۳۴۴ پایان یافت.

آتشکده برزین مهر

در میان آتشکده‌های بسیاری که در ایران بوده است سه آتشکده اهمیت خاصی داشته است که سه آتش معروف را در آن فروزان میداشته‌اند. این سه آتش عبارت بوده‌اند از آذر فرنیغ، آذر گشسب و آذر برزین مهر. در بند هشن داستان این سه آتش چنین آمده است که این سه بر پشت گاو فروزان بود و شبی باد آنها را در دریا می‌اندازد ولی این سه آتش چون سه روح زنده دوباره باز گشته بر پشت گاو می‌نشینند و هوارا روشن می‌سازند و پس از آن جم بر کوه خورومند در خوارزم آتشکده‌ای

می‌سازد و آتش فرنیغ را در آن جای می‌دهد .
 هریک از این سه آتش از آن یکی از طبقات اجتماعی بوده
 است. آذر فرنیغ آتش موبدان و آذر گشسب از شاهان و لشکریان و
 آذر برزین مهر آتش کشاورزان ایران زمین بوده است. ارنست
 هرتسفلد آلمانی میگوید از متن کتاب بندهش چنین برمی‌آید
 که آتشکده برزین مهر در ناحیه کنارنگان بوده است و کنار-
 نگان لقب حکام موروث منطقه نیشابور است .
 جای دقیق این آتشکده بزرگ و نامی کوهستان ریوند در
 شمال غربی نیشابور است . جاکسن مستشرق معروف میگوید
 ریوند همان دهی است که آنرا امروز مهرمینامند و میان سبزوار
 و نیشابور واقع است ولی باید توضیح داد که در چند کیلومتری
 مهر اکنون دهی است بنام ریود که بطن قوی ریوند است. یکی از سه
 آتشکده بزرگ تاریخ ایران در این نقطه واقع بوده است.

د - صنایع دستی و هنرهای تزیینی

۱ - قالی

قالی خراسان در ایران بسیار معروف است. رنگ، نقش و
 بافت قالی خراسانی کاملاً مشخص است و از نظر مرغوبیت جنس
 نیز جزء بهترین انواع قالی ایران محسوب میشود.
 در مشهد، بیرجند، کاشمر و سبزوار کارخانه‌های قالیبافی
 متعددی وجود دارد. قالیچه‌های بلوچی و ترکمنی در خراسان
 بسیار معروف است.

۲ - فیروزه

فیروزه کوههای نیشابور بهترین نوع فیروزه‌ای است که
 در جهان وجود دارد، شناخت انواع مختلف فیروزه و بخصوص
 سبک‌های مختلف تراش آن یکی از زیباترین هنرهایی است که در

خراسان میتوان دید.

۳- بازار

در کوههای فروند و عباس آباد (منتهی الیه غربی خراسان) سنگی وجود دارد بنام بازار که سبز رنگ است و از آن سرمه دان، تسبیح، ماهی تسبیجی، چوب سیگار، پیپ و اشیاء زینتی میسازند این سنگ پس از آنکه مدتی در روغن کرچک میماند شفافیت بسیار مییابد و با اصطلاح «نخ نما» میشود.

۴- صنایع سنگی

در کوههای جنوبی خراسان کوهی است بنام «خلج» که سنگ نرم و خاکستری رنگی دارد و بعلت نرمی آن در سنگتراشی مورد استفاده بسیار است. این سنگ بعلت آنکه از قدیم غالباً در ساخت هر کاره (دیزیهای بزرگی که برای آشپزیهای مختلف بکار میرود) بکار میرفته به سنگ هر کاره مشهور است. صرف نظر از دیز سنگی، دیزی و هر کاره که از قدیم معمول بوده است امروز با آن مجسمههای مختلف، اشیاء زینتی گوناگون و حتی میز یار و کوش میز کار، بشقابهای منقش و ظروف مختلف میسازند. مردم معتقدند که امام رضا در ورود بطوس در خلج منزل کرد. و در موقع استراحت بسنگ خلج تکیه داده است. و بهمین علت امروز غذا و بخصوص آبگوشتی که در هر کارههای سنگی که از سنگ خلج ساخته شده درست میشود بسیار خوشمزه است.

۵- کاشیکاری، معرق سازی، مقرنس کاری

معرق سازی که از سبکهای ممتاز و زیبای کاشیکاری است در زمان صفویه باوج کمال خود رسید ولی در دوران قاجاریه فراموش شد و در آثار این دوران (صحن نومه شهد، و نیز در تهران. مسجد شاه، شمس العماره و در قم صحن مطهر حضرت معصومه) کاشی

مغرق دیده نمیشود و این هنر جای خود را به تخمیل سازی که سبك دیگری در کاشیکاری است سپرد. در سال های اخیر مجدداً مغرق سازی و مقرنس بندی و تخمیل ریزی و دیگر سبک های این هنر احیا شده و در مشهد نمونه های بسیار جالب آن را در سردر ایوان زیر نقارخانه در صحن کهنه و بنای ساعت و نقساره خانه و داخله حرم و دیوارهای شرقی و غربی موزه می توان دید که با بهترین مغرق سازیهای زمان صفوی قابل مقایسه است.

۵- قلاب دوزی، بردری دوزی و گلدوزی،

هنرهای تزئینی بر روی پارچه در مشهد بسیار رایج است. بر روی پرچمهای مذهبی (در دسته های عزاداری، مجالس تعزیه و...)، پرده ها، سجاده ها و تابلوهای مختلف قلاب دوزی، بردری دوزی و گلدوزی های زیبایی چشم میخورد که از نظر رهنری گاه بسیار جالب است. برای بردری دوزی بر روی يك قطعه پارچه گاه زن هنرمند و گمنامی چشم خود را از دست میدهد.

۷- پوستین

پوستین دوزی، تزئین و نقش دوزیهای روی پوستین و فن پرورش و نمک زنی و تراش و خورش دادن و آماده کردن پوست برای تهیه پوستین و جلیقه پوستین و غیره در حدود هزار سال است که در خراسان سابقه دارد. غیر از پوستین های خراسان پوستین های کار افغانستان نیز که بسیار مرغوب است در بازارهای مشهد فراوان است.

۸- هنرهای زواری

شاید ازین تعبیر تعجب کنید ولی کسی که به مشهد می آید در اولین نظر آثار هنری و صنایع دستی خاصی را می بیند که بهترین تعبیر برای بیان آنها همین است. ورود زوار (بطور

متوسط هزار نفر در هر روز) موجب پیدایش هنر خاصی شده است که باید آنرا هنر زواری دانست.

زوار مشهد غالباً از میان توده مردم ایرانند. غربزدگی ذوق و هنر در زندگی آنان راه نیافته است. پیوند دودوق مذهبی و ملی (فلکلریک) خصوصیت‌های روح هنری و زیبائی پرستی زوار را تعیین کرده است. اینها هنرهای زواری است:

تسبیح سازی (سی و سه دانه و صد دانه) از سنگهای شاه- مقصود، عایمرادی، پازر... و یکنوع تسبیح سیاه رنگی از یسر. تازگی پلاستیک در ساختن تسبیح نیز رواج یافته است. تراش دانه‌های تسبیح، بند کش و منگله تسبیح به مهارت خاصی نیاز دارد. **شمع ریزی** - هنر شمع ریزی در اثر احتیاج مذهبی در مشهد رواج فراوان دارد. شمع از دیر باز سمبل احساس شعری، زیبائی، عرفانی و مذهبی بوده است.

شمعدانهای بزرگ در آستانه همواره بوسیله زوار روشن است. زوار هر يك نذری و نیتی دارند و برای بر آوردن آن شمع می‌سوزانند. پیش از آنکه آستانه با برق روشن شود شمع برای روشنائی حرم و رواقها نیز بکار میرفت.

مطبوعات زواری

کتابها، جزوه‌ها و حتی اعلامیه‌های زواری از نظر موضوع چاپ و تزئین کاملاً مشخص است. کتابهای زواری همه مذهبی نیست، کتابهایی که توده ایرانی با آن دلبستگی دارد فراوان است. شاهنامه که کتاب همه طبقات ایرانی است، قصه‌های عامیانه مانند حسین کرد، سبزه‌پری، امیر ارسلان نامدار، چهل طوطی. یوسف

وزلیخا، لیلی و مجنون.

کتابهای دعا در صدر کتب مذهبی است. زیارت نامه‌ها،
علائم ظهور، رساله‌های عملیه، مصیبت نامه‌ها، دیوان‌های نوحه
و اشعار مربوط به سینه زنی، کتابهای روضه..

بزرگترین شاخص این کتابها و نشریه‌ها مصور بودن آنهاست
غالباً صحنه‌های مربوط به داستانهای ملی یا مذهبی نقاشی شده است.

فصل دوم

شهر مشهد

- ۱- مشهد ، شهر دین و هنر
- ۲- حصار بندی مشهد
- ۳- محلات قدیم
- ۴- مردم مشهد
- ۵- گردشگاهها
- ۶- خیابانهای مشهد
- ۷- انجمنهای مذهبی و ادبی
- ۸- مطبوعات و چاپخانهها
- ۹- چگونگی مراسم عزاداری
- ۱۰- آستان قدس رضوی
- ۱۱- حرم
- ۱۲- مسجدها
- ۱۳- دیدنیهای مشهد

مشهد

شهر دین و هنر

جلگه طوس

در معجم البلدان **یا قوت حموی** جغرافی دان معروف عرب جلگه طوس به دشت سرسبزی گفته میشود که از مشرق و مغرب میان کوههای نیشابور و کوههای هزارمسجد واقع است. این کوهها از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده است. در این جلگه چهار شهر وجود داشته و تا بزرگ و نامی. طابران و نوقان و دوشهر کوچکتر: رادکان و ترغوذ یا ترغبذ که اکنون بنام طرنبه معروف و از ییلاقات مشهد است. طوس نامی است که در قدیم بر هر دو شهر طابران و نوقان اطلاق میشد ولی امروز مقصود از شهر طوس همان طابران است که آرامگاه فردوسی بزرگ در آن قرار دارد.

طوس

«طوس ناحیتی است و اندروی شهر که است چون توران

(تلفظ کهن طاببران یا طبران = شهر طوس کنونی) و نوقان و برونون و رادکان بنوازنده (۴) و اندرمیان کوههاست و اندر کوههای وی معدن پیروزه است و معدن مس است و سرب و سرمه و شبه و دیک سنگین و سنک فسان و شلوار بند و جوراب از آن خیزد، (حدود العالم من المشرق الى المغرب، کتابی کوچک در جغرافیا از مؤلفی مجهول که قدیمترین متن فارسی است، ۲۷۲ قمری)

در روایات آمده است که شهر توس را پسر نوذر که ۹۰۰ سال سپهبد بود بنا کرد (شهرستانهای ایران ترجمه صادق هدایت ص ۴۱۸). سلطان محمود از فردوسی میپرسد طوس را که بنا کرده است؟ فردوسی در پاسخ میگوید **طوس** پسر **نوذر** **منوچهر** و سبب آن بود که هنگامی که **کیخسرو** او را به رزم **افراسیاب** بتوران فرستاد باو گفته بود که زنهار از راه **کلات** نروی که برادرم **فروید** که از دختر **ویسه** است در آنجاست و جوانی سودائی مزاج است. مبادا اندیشه جنگ آورد و بردست تو ضایع شود. چون طوس به سرحد توران رسید بسخن **کیخسرو** کار نکرد و براه **کلات** رفت و میان ایشان جنگ قایم گشت و سرانجام **فروید** کشته شد. **کیخسرو** از این حرکت طوس غمناک شد. چه او را فرستاده بود که خون پدر باز خواهد برادرش را نیز بکشت. القصه چون طوس از توران بازگشت نتوانست که نزد **کیخسرو** رود. در خراسان رحل اقامت انداخت و در آن موضع شهری طرح کرد و بنام خود موسوم ساخت. (مجالس المومنین ج ۲ ص ۵۹۰)

اما داستان بنای طوس ازین نیز کهن تراست. صاحب مطلع الشمس آورده است که **طوس** را جمشید پیشدادی ساخته، سپس خراب شد و **طوس بن نوذر** تجدید عمارت کرد و بنام او

مشهور شده است.

وجود این اساطیر تاریخی که حتی بنای طوس را به دوران ماقبل تاریخ ایران میکشاند نشانه قطعی قدمت بسیار شهر است و مینمایاند که طوس با همه شهرت و عظمتش آنچنان کهن است که حتی تاریخ بروشنی زمان تولدش را بخاطر نمیاورد. پس از اسلام نیز طوس قرن‌ها عظمت و نفوذ خود را نگاه داشته بود، بخصوص تا زمان **طاهریان** که مرکز خراسان بوده است و از این پس نیشابور جانشین آن میگردد.

اهمیت طوس در تاریخ اسلام بیشتر بعلمت مردان بزرگ و ناموری است که بایران و حتی بدنیای اسلامی داده است. **فردوسی** حماسه‌سرای بزرگ جهان، **خواجه نظام الملک** وزیر مدبر و مقتدر امپراطوری سلجوقی بانی دانشگاه‌های نظامیه، **ابو جعفر محمد بن حسن طوسی** معروف بشیخ طوسی و ملقب به شیخ الطایفه فقیه و مفسر نامی شیعه متوفی ۴۶۰ نویسنده تفسیر التبیان و تهذیب و استبصار که با کافی کلینی و من لایحضره الفقیه کتب اربعه شیعه را تشکیل میدهد. امام **محمد غزالی** فیلسوف اسلامی، **احمد غزالی** عارف متفکر متوفی بسال ۵۱۷، **خواجه نصیر طوسی** سیاستمدار و فیلسوف شیعی که وزارت **هلاکو** را داشت و و

در سال ۵۴۸ **غزها** بخراسان سران بردند و طوس را نیز مانند شهرهای دیگر خراسان درهم کوفتند و بقتل عام و غارت شهر پرداختند. هنوز آثار ویرانی از چهره شهر پاک نشده بود که طوفان زرد مغول در ۶۱۷ شهر را در لجه‌های خون غرقه کرد و باز طوس داشت از این فتنه کمر راست میکرد که **میرانشاه پسر تیمور لنگ** در ۷۹۱ برای شکست **حاجی بک**

که طغیان کرده و در طوس حصارى شده بود بشهر در آمد و در محلات شهر، بجای مساجد بلند و مدارس بزرگ، کله منارها بالا رفت. طوس بزانو درآمد آنچنان که دیگر رمقى برای برخاستن نداشت. گروهى که از این آتش سلامت جسته بودند، داغدار و نومید، شهرشوم را ترك کردند و به سنا باد، دهى در کنار نوقان که امام و هارون در آن مدفونند، پناه آوردند و بدین ترتیب نطفه شهر مشهد در ۷۹۱ منعقد گردید.

در ۸۰۸ شاهرخ میرزا دستور داد تا طوس را برای چندمین بار بنا کنند و مردم را برگردانند ولى دیگر مهاجران طوس بزادگاه بدخاطره خویش بازنگشتند و طوس پس از این تجدید عمارت بی ثمر فراموش شد و برای همیشه متروک ماند. امروز از آن شهر بزرگ تنها آرامگاه فردوسى بزرگ نمودار است و بقعه‌ای بنام بقعه هارونیه و آثاری مبهم از برج و باروى شهر و تپه‌ها و سفالها و آجرهائی...

در سال ۱۸۲۱ دکتر جوکس که از طرف کمپانى هند شرقى همراه مسیو فرزر بایران آمد دریادداشتهاى سفر خویش بانگلیسى آثار طوس را که روشن تر از حال دیده است چنین بیان میکند :

در ۲۳ ماه فوریه ۱۸۲۱ بطرف طوس رفتم که ویرانه‌های آنرا تماشا کنم، دیواره‌های شهر از گل است با برجهاى که باهم فاصله دارد. این دیواره‌ها مربعی را پدید آورده است به پیرامون سه تا چهار میل. دهقانان قریه‌های اطراف و وسط شهر را زراعت میکنند و بر روی آثار کهن گندم و جو میکارند!

مشهد (۱)

در داستان طوس دیدیم که با ضربه قناله میرانشاه

۱- یعنی جایگاه شهادت. در اصل مشهدالرضا است.

شهر از پای درآمد و دیگر بر نخاست و گروهی که از دم شمشیرهای جلادان تیموری گریخته بودند بسنا باد که در چهار فرسنگی جنوب شرقی طوس قرار داشت کوچ کردند تا در کنار امام هشتم شیعیان از بد حادثه دپناه مانند. بنا بر این میتوان ۷۹۱ سال تولد مشهد بشمار آورد ولی با مطالعه تاریخ این نکته روشن میگردد که پیش از این نیز سنا باد دیگر قریه‌ای دور افتاده نبوده است و پس از دفن امام رفته رفته مردم، که منطقاً باید شیعیان باشند، این مکان را برای اقامت بر میگزیدند و بنا بر این مشهد در قریه‌های پنجم و ششم شهر کی بوده است. **روی گونزدو کلاویو declavijo** که بعنوان سفیر از طرف دربار **کاستیل** در ۱۴۰۵ میلادی نزد **امیر تیمور** آمده است در سفرنامه خود، که «انجمن هکلویت» انتشار داده است، درباره مشهد میگوید: «بواسطه وجود همین قبر است که شهر مملو از زواری است که هر سال عده زیادی بآنجا روی می‌آورند» و با مطالعه چگونگی پیدایش شهرها مسلم مینماید که در چنین شرایطی مشهد نمیتوانسته است بصورت روستائی را که ساده باقی بماند.

صاحب مطلع الشمس تصریح میکند که «در سنه ۵۴۸ طایفه **مغول** بر سلطان **سنجر** یاغی شدند... و بطوس که مرکز علماء و زهاد بود وارد شدند، قتل و غارت کردند، مساجد را خراب کردند و فقط قبه مبارکه **حضرت رضا (ع)** از این خطرات محفوظ ماند و سنا باد و نوقان در آن تاریخ شهری بوده است و ببرکت قبه مبارکه از حمله مغول محفوظ مانده است».

نوقان، چنانکه در تاریخ طوس گفتیم، یکی از چهار شهر طوس بود و باطابران دوشهر معروف جلگه طوس را تشکیل میداده است. غالباً محل این شهر را همانجا میدانند که امروز محله ایست

بهمین نام در مشهد.

هرچه طوس در زیر ضربات تاریخ شکسته تر میشد سنا باد
بیشتر جان میگرفت.

سنا باد

«سنا باد قریه ایست در جلگه طوس و دوشهری که باین نام
مشهور بوده اند: طابران و نوقان که قبر امام علی بن موسی الرضا
و قبر امیرالمومنین هرون الرشید در آن است و میان آن و شهر
طوس (نوقان) قریب یکمیل فاصله است» (یا قوت حموی)
اکنون جای دقیق قریه سنا باد معلوم نیست و با این همه
هنوز قنات سنا باد بهمین نام در محله سعدآباد مشهد برجاست.
مظهر قنات در بیرون دروازه سراب مشهد دیده میشود، آب کمی
دارد و از موقوفات آستان قدس است.

بنا بر این میتوان گفت که مشهد یعنی سنا باد و نوقان و
شیعیانی که از قرن سوم بعد بتدریج در جوار قبر امام اقامت
گزیده اند و طوسیانی که در حادثه هیرانشاه (۷۹۱) یکجا
باینجا کوچ کرده اند و اقوام و طوایفی از ترک و ترکمن و
کرد و مغول و یهودی که در طول تاریخ پس از مغول به این شهر
آمده اند.

حصار بندی شهر مشهد

تاریخ حصار بندی شهر مشهد انعکاسی از رژیمها و تحولات
سیاسی و فکری این مملکت است و گذشته از آن میرساند که از

چه وقت مشهد را بصورت شهری ، هر چند كوچك ، ميتوان
تلقى كرد.

قديمترين حصارى كه در پيرامون مشهد بنا كردند حصار
سورى بن معتز است كه بدستور سلطان محمود غزنوى بجبران
ويرانيهائى كه پدرم تعصبش در آستان قدس بيار آورد در سال ۴۲۸
هجري ساخته شد. نام اين سوري بن معتز را كه در آن هنگام حاكم
نيسابور بود نبايد فراموش كرد زيرا اولين كسى است كه نه تنها
در بنائى شهر مشهد بلكه در تجديد بنائى آستان قدس و توسعه
ساختمانهاى آن بيحد كوشيده و چنين مينمايد كه خود شخصاً نيز
بدين كار ايمان داشته است. اين نام در داستان زندگى فردوسى
نيز آمده است. ميگويند ابوالقاسم فردوسى و پدرش هر دو
باغبان وى بوده اند و لقب فردوسى از همين حاست.

در ۵۱۱ هـ امير علاء الدين ملقب به عضد الدين حصار
ديگرى كشيد و اين ميرساند كه در اين مدت شهر توسعه بيشترى
يافته بوده است.

پس از كوچ مردم طوس بمشهد ، حصار شهر تنك مينمود و
چون شاه رخ از بازگشت مهاجران طوس بزاز گاهشان نااميد
شده امير سيد خواجه را فرمان داد كه حصارى بزرگتر بر گرد
مشهد بكشند و اين حصار در ۸۰۸ كشيده شده است . برخى
احتمال ميدهند كه حصار شاه رخ ميرزا از پائين خيابان در حدود
كوچه ساربانها و از بالا خيابان در حدود باغ توليت ميگذشته
است .

حافظ ابرو ميگويد در اين وقت مشهد داراى اين محلات
بوده است: «محلۀ كاريز ، شاه آباد ، دستجرد ، چاه نو ، منصوريه
و ابوبكر آباد»

آخرین حصاری که امروز میتوان در بعضی نقاط پراکنده
آثاری از آنرا دید در ۹۵۰ بدست شاه طهماسب ساخته شده
که در حدود ۱۸۰۰ متر پیرامون آن بوده و ۱۴۱۹ برج و شش
دروازه داشته است.

مشهدی

مشهد در زمان ساطنت صفویه که تشیع را بعنوان مذهب
رسمی پذیرفتند مورد توجه شدید واقع شد و شاه عباس بزرگ
که در سفری چکمه‌هایش را بردوش انداخت و پیاده از اصفهان
بزیارت آمد برای تجلیل از امام دستور داد که هر کس بزیارت
توفیق یابد میتواند عنوان «مشهدی» را بر اسم خود رسماً بیفزاید
و بدین ترتیب، در برابر عناوین حاجی و کربلائی، مشهدی نیز
در میان اسامی رواج یافت.

ولی اوج قدرت مشهد را باید در زمان نادرشاه جست
درین زمان مشهد پایتخت شد و نادر با آنکه از اختلافات مذهبی
در اسلام ناخشنود بود از توسعه شهر مشهد و تجلیل از امام غافل
نبود و یادگارهای بسیار زیبای زمان وی هنوز در میان عمارات
آستان قدس دیده میشود.

پادشاهان قاجار نیز با آستان قدس و شهر مشهد توجه فراوان
داشتند و آثار این فکر در چهره شهر و آستان قدس کاملاً نمودار است.
پس از قاجاریه در دوران اعلیحضرت فقید توجه بمشهد و
آستان قدس با تحولی اساسی در سازمان اداری آستان قدس و
مصرف موقوفات توأم بود و این تحول در چهره ظاهری شهر نیز
منعکس شد و غیر از خیابانکشی‌های نو و تعریض معابر و کوشش
برای نزدیک کردن شهر با اصول شهرسازی جدید، محلات نوینی
نیز بر شهر افزوده شد.

محلات جدیدی که در دوران بیست ساله پدید آمد عبارتست از :
الندشت. بهار (سی متری) ، عشرت آباد و سعد آباد . سعد آباد
در اراضی آبکوه ، موقوفه مسجد گوهرشاد واقع است که از
آستان قدس جداست این محله از نظر زیبایی و پاکیزگی و خیابان
کشی های منظم از مدون ترین محلات شهر است .

محلات قدیم

بالاخیابان ، پائین خیابان ، سراب ، نوقان ، سرشور ، عیدگاه
ارک ، پاچنار ، سه سوق . مرویها . سرخوژان (سرخوژ) تپالمحله
(ته پل محله) . سیاوون (سیاهان؟) کشمیرها ، چه نو ، وچهار
باغ . دومحله نوقان و عیدگاه از قدیمی ترین محلات شهر محسوب
میشود . زندگی جدید کمترین نفوذی در آن نکرده و کوچه ها و
گذرگاهها و مغازه ها و زن ها و مردها و لهجه و رسوم و عادات همه
بهمان مهر و نشان است که بود و کاملاً مشهد قدیم را بیاد می آورد .
لهجه خاص دست نخورده مشهدی در اینجا از هجوم لهجه تهرانی
محفوظ مانده است .

مردم مشهد

مشهد ، بدو علت ، محل زندگی مردمی از ریشه های قومی ،
زبانی و محلی مختلف شده است . یکی باین علت که شهر بزرگ
خراسان است یعنی سرزمینی که در طول تاریخ همواره میدان
کشمکش و لشکر کشیهای اقوام و طوائف گوناگون بوده است .
ترکمن ها ، مغولها ، ازبکها ، روسها ، افغانها ، بلوچها همه
در پیرامون آن زندگی میکنند و جلگه طوس رهگذر حرکت این
اقوام و طوائف ایرانی و غیر ایرانی بوده است . دست سیاست نیز
گاهی گروههای بسیاری از طوائف دوردست را از اقصا نقاط ایران
و حتی خارج از ایران بمشهد و پیرامون مشهد کشانده است چنانکه

شاه طهماسب و شاه عباس صفوی و نیز نادر شاه افشار طوایفی از کردها و اراکمه را باین شهر انتقال دادند و پیش از آن قبایلی از عرب نیز بخراسان کوچ کرده بودند و در همینجا ماندند و هنوز برخی از این طوایف عرب، زبان و رسوم خود را همچنان حفظ کرده اند.

انقلاب شوروی نیز موجب شد که گروه بسیاری از مسلمانان عشق آباد و بخارا بعلت پیوند تاریخی و مذهبی که با ایران داشتند بخراسان و بخصوص مشهد مهاجرت کنند و این عده گروه کاملاً مشخص و متمایزی را در شهر تشکیل میدهند و هنوز بنام «مهاجر» خوانده میشوند.

دومین علت وجود مرقد امام هشتم شیعیان است و شهر مشهد همچون دیگر شهرهای مذهبی یا توریستی از همه جا مردمی را که با آن پیوندی دارند بسوی خود میکشاند و بسیاری از زوار بعلت وجود همین پیوند در این شهر مسکن میکنند. اراکمه در شهر پراکنده اند ولی یهودیان گرچه در بازار و محیط کار با توده مردم کاملاً در آمیخته اند از نظر مسکن تقریباً محله متمایزی دارند. خیابان جنت و قسمتی از عیدگاه محله های یهودی نشین شهر است یهودیان محله عیدگاه پس از خاتمه جنگ جهانی رفته رفته محله خود را ترك کردند و غالباً به خارج از کشور هجرت نمودند. بربری ها که با مغول و تیمور بخراسان آمده اند و بعدها نیز در طی لشکر کشیها و مهاجرتها ی طوایف مغول و ازبك... بمشهد کشیده شدند با اینکه از نظر خصائص بدنی کاملاً متمایزند در مردم رومی مشهد حل شده اند.

چهار خیابان: تهران - طبرسی و بالاخیابان - پائین خیابان که آستان قدس در محل تلاقی آنها قرار دارد، شکل يك بعلاوه

(+) رابرروی حوزه اصلی و قدیمی مشهد رسم میکنند. در اینجا «مشهدی ترین مردم شهر» بازواری که غالباً چند روزه می آیند مجموعه ای را تشکیل میدهند که محتوای کامل مشهد را در بر دارد. خیابان پهلوی (ارک) خطی است که ناحیه سکونت اشراف و متجددین و طبقه حاکمه شهر را از متن مردم جدا میسازد.

خیابانهای مشهد

چهار خیابان اصلی که به فلکه آستانه می پیوند عبارتست از :

۱) خیابان تهران.

این خیابان از آن جهت که به جاده تهران متصل می گردد باین نام خوانده می شود.

اکنون نیز زواری که از تهران-شاهرود به مشهد می آیند از این خیابان وارد شهر می شوند. ابتدای این خیابان فلکه گل ختمی نام داشته است که اکنون بیشتر به فلکه برق معروف است. زیرا کارخانه برق خسروی که بشهرداری متعلق است در اینجا واقع است. در میانه ابتدا و انتهای خیابان تهران که به فلکه جنوبی آستانه متصل میشود فلکه دیگری است مشهور به فلکه آب که قبل از لوله کشی شهر در وسط آن چاه عمیقی حفر کرده بودند. گاراژها، اتوسرویسها، اوراق فروشی ها و جوشکاری و آهنگری مربوط با تومبیل در مشهد بیشتر در نیمه اول خیابان تهران جمع شده است زیرا چنانکه گفتیم این

خیابان اولین و آخرین خیابان ورود بمشهد و خروج از آن بوده است. هرچه از گلکاری آب بطرف صحن میرویم محیط مذهبی تر میشود.

۲- خیابان طبرسی

از فلکه منشعب شده بطرف شمال بالا میرود و در انتهای شهر بانبارهای نفت و گمرک و برخی از تاسیسات راه آهن تهران مشهود میرسد. در ابتدای خیابان، دست چپ؛ مقبره شیخ طبرسی که بتازگی تجدید عمارت شده، قرار دارد و خیابان بنام وی است. بعد از مقبره طبرسی غسالخانه مشهود است که در سالهای اخیر ساخته شده و جزئی از باغ بزرگ رضوان محسوب میشود. رو بروی آن در سمت راست خیابان چهارشنبه بازار، مشهد واقع بوده است که امروز بصورت کوچکنری هنوز وجود دارد. گنبد خشتی که از مزارهای دیدنی مشهد است در واسط همین خیابان است.

۳- خیابان صفوی (پائین خیابان)

این خیابان را شاه عباس صفوی احداث کرده است و از فلکه بسمت مشرق رفته از شهر خارج میشود و بجاده سرخس می پیوندد. خیابان صفوی که به پائین خیابان مشهد و تر است از پر جمعیت ترین خیابانهای شهر است. بیشتر مردم قدیمی مشهد، پیشه و دران و سوداگران خرده پا در اینجا زندگی میکنند. در انتهای خیابان قبرستان قدیمی شهر که امروز دفن جنازه در آن ممنوع است واقع شده. مصلای شهر در پائین دروازه پائین خیابان قرار دارد. کاروانسراهای بزرگ تجارتنی بسبك قدیم هنوز در این خیابان دایر است.

۴- خیابان نادری (بالا خیابان)

این خیابان را نیز به همراه پائین خیابان، شاه عباس صفوی احداث کرده است ولی چون مقبره نادر شاه افشار در انتهای آن قرار دارد بنام وی خوانده میشود. مدارس نواب و باقریه که از مدارس معمولی قدیمی هستند در قسمت راست این خیابان قرار گرفته اند.

در سمت چپ کاروانسرای بزرگ تجارتي ملك است که از نظر سبك ساختمان بسیار جالب توجه است محله چهار باغ پس از کاروانسرای ملك است. انتهای خیابان به چهارراهی میرسد بنام چهارراه نادری که مقبره نادر و بروی آن باغ تولیت واقع است.

۵- خیابان شاهرضا

که بر خیابان نادری عمود است از شمال بایستگاه راه آهن تهران مشهد و از جنوب به گنبد سبز و امتداد تازه آن بخانه پیغامنگ محدود است. این خیابان خط استوای مشهد است که مشهد قدیم را از مشهد جدید جدا میکند.

۶- خیابان خسروی

که بر شاهرضا عمود است و ادامه جدید آن بخیا بان تهران متصل میشود خیابان شاهرضا را بخیا بان بزرگ پهلوی یا ارك متصل میکند.

خیابان خسروی نو بازار سرشور را از بازار بزرگ مشهد جدا کرده است. پیش از دوران بیست ساله سه بازار سرشور، بازار بزرگ و بازار زنجیر بهم متصل بود ولی در این زمان بازار زنجیر و بازار بزرگ بوسیله فلکه از یکدیگر جدا افتادند و در چند سال اخیر بر اثر احداث خیابان خسروی نو بازار سرشور و بازار بزرگ نیز از هم جدا شدند.

خسروی کهنه خیابانی است جدید با مغازه‌های نسبتاً لوکس و فروشگاه‌های معتبر.

۷- خیابان پهلوی

که بیشتر به «خیابان ارك» شهرت دارد مهم‌ترین و بزرگ‌ترین خیابان‌های شهر است. این خیابان که از شمال به جنوب کشیده شده از میدان‌شاه (میدان مجسمه) آغاز می‌شود و بکاره جنوبی شهر می‌رسد. ارك و میدان و باغ متصل بآن در نقطه‌ای بوده که امروز باغ ملی و بانك و ستاد ارتش قرار گرفته است. از میدان مجسمه که بزرگ‌ترین میدان شهر است، شش خیابان بزرگ منشعب می‌شود. در محل تلاقی خیابان خسروی و خیابان پهلوی ساختمان بلند و قدیمی دیده می‌شود که محل اداره کل آموزش و پرورش خراسان است.

اداره دادگستری و غالب سینماهای شهر در این خیابان است.

پس از گذشتن از چند سینما به باغ ملی می‌رسیم که پارک شهر است و از باغ‌های متصل به ارك مشهد بوده است و در کنار آن اداره پست و تلگراف و ستاد ارتش و مقابل آن ساختمان بانك ملی قرار دارد و بعد از آن می‌رسیم به میدان ارك که به میدان سوم اسفند نامگذاری شده و نزدیک آن عمارت بزرگ و زیبای شیر و خورشید چشم می‌خورد.

خیابان پهلوی خطی است که مشهد را از ناحیه مدرن و حاشیه اشراف نشین و خیابان‌های نوساز و منظم و زیبای آن جدا می‌سازد.

در قسمت جنوبی خیابان پهلوی از خیابان‌های غربی که از آن منشعب می‌شود: خیابان بهار (سی‌متری) خیابان رازی-

حافظ - باغ ملی و خیابانهای غربی پشت آن بخیا بانهای زیبای احمدآباد (فرح) ، کوهسنگی ، بیمارستان شاهرضا و کویهای کفائی ، پزشکان ، افسران ... و در قسمت شمالی خیابان پهلوی از خیابان غربی متصل بآن بمحله بسیار نو و با صفای سعدآباد و میدان ورزش سعدآباد و خیابان گوهرشاد و کارخانه قندآبکوه میرسیم که بجاده شهر طوس و قوچان می پیوندد.

۸- خیابان سی متری (بهار)

که در حاشیه جنوبی مشهد از مشرق بمغرب میرود ادامه جاده تهران مشهد است که از میدان برق خیابان تهران شروع میشود و به فلکه تقی آباد که محل تلاقی خیابانهای احمدآباد (فرح) کوهسنگی (اسدی) و دانشگاه است ختم میگردد . خیابان ضدهوائی - که از فلکه برق بر خیابان بهار عمود میشود و در حقیقت ادامه خیابان تهران است و بطرف جنوب و تادامنه کوههای جنوبی مشهد کشیده شده است - از خیابانهای است که در پانزده سال اخیر ساخته شده و میدانهای قرینه و یکنواخت و منظمی که از دو طرف خیابان منشعب میشود محلات کاملاً جدیدی را بوجود آورده است.

اینجا غالباً محل زندگی طبقه دو، کارگر جدید و یا کارمندان متوسط و پیشه وران خردپا است. دو خیابان کوهسنگی (اسدی) و دنباله خیابان پهلوی که از خیابان سی متری بطرف جنوب پائین می آیند منطقه نظامی شهر را در میان میگیرند . بیمارستان لشکر چهارراه لشکر، و دیدگاه لشکر در نیمه غربی خیابان سی متری قرار دارند ، درکناره شمالی خیابان باغ بزرگ استانداری و قسمت جنوبی بیمارستان معظم شاهرضا واقع شده است، انتهای خیابان سی متری فلکه تقی آباد است که از

زیباترین فلکه‌های شهر مشهد محسوب میشود. در گوشه شمال شرقی فلکه بیمارستان شاهرضا و در نقطه مقابل آن هنرستان صنعتی مشهد واقع است. فلکه تقی آباد، با فواره‌های بلندیکه بخصوص شبها با چراغهای رنگین روشن میشود، زیبایی تندوچشم‌گیری دارد.

۹- خیابان کوهسنگی

که بنام اسدی نایب التولیه معروف دوران بیست‌ساله نامگذاری شده است از زیباترین بوارهای شهر مقدس مشهد است این خیابان از فلکه تقی آباد بطرف کوهسنگی بالا میرود در هر سو دارای دو پیاده‌رو عریض است وجویهای آبی که از میانه صفوف درختان تناور و سر بهم آورده خیابان بسوی پائین می‌آیند زیبایی شرقی خیابان را بخصوص شبها خیال انگیزتر میکنند. باغها و منازل بسیار وسیع و مشجر و باغ بزرگ‌الندشت بر صفای این خیابان افزوده‌اند.

۱۰- خیابان دانشگاه

خیابان بسیار زیبا و مدرنی که در امتداد خیابان کوهسنگی بطرف شمال شرقی شهر میرود خیابان دانشگاه است که از فلکه تقی آباد شروع میشود و پس از گذشتن از فلکه سراب بمیدان شاه (مجسمه) میرسد. دانشگاه پزشکی مشهد در این خیابان قرار گرفته است. در فلکه سرآب ابتدای خیابان سعدآباد دانشگاه الهیات است. از سمت غربی این خیابان بین خیابان سعدآباد و ابن سینا از طریق خیابانهای بسیار کوتاهی به دانشگاه علوم و چاپخانه دانشگاه و بلافاصله بدانشگاه ادبیات مشهد میرسیم.

دردو سوی این خیابان زیباترین و مدرن‌ترین محلات

شهر قرار گرفته است در سمت شرقی مثلثی است که از تقاطع خیابانهای دانشگاه- پهلوی- بهار - تشکیل شده و خیابانهای مشجر و آرام و باصفائی در میان آن از یکدیگر میگذرند و بهترین نقاط مسکونی شهر را بوجود میآورند. در سمت شرقی خیابان محله معروف سعد آباد است که در زمان تـ ولایت سابق مسجد گوهرشاد بر روی اراضی موقوفه مسجد طرح ریزی شده است. استاد یوم بزرگ ورزشی مشهد در این محله واقع است.

۱۱- از میدان شاه (مجسمه) دو خیابان بزرگ یکی بطرف شمال شرقی و دیگری بطرف شمال غربی منشعب میشود. اولی خیابان عشرت آباد (خیابان خواجه نصیر طوسی) که بطرف شاهرضا نزدیک میشود و در میدان ایستگاه راه آهن تهران- مشهد بآن می پیوندد و دومی خیابان خواجه ربیع است که بمقبره خواجه ربیع صحابی بزرگ حضرت علی علیه السلام میرود. در انتهای این خیابان قبل از آرامگاه خواجه ربیع باغ وحش مشهد قرار گرفته است. اینجا گردشگاه توده مردم شهر است.

۱۲- جاده فرودگاه- جاده تهران پس از گذشتن از طرق که آخرین آبادی قبل از شهر است وارد جاده ای میشود که از هردو سوی آن نزدیک شدن به شهر احساس میشود. این جاده از کنار مرکز کشاورزی، دبیرستان شبانه روزی کشاورزی؛ مخازن بنزین و فرودگاه مشهد میگذرد و وارد خیابان فرودگاه میشود. کارخانه نخریسی- کارخانه سنگتراشی و پرورشگاه شیر و خورشید در این خیابان قرار دارند.

تفریحگاهها و گردشگاهها

گردشگاههای مشهد عبارتست از: وکیل آباد- کوهسنگی

خواج-ربیع-شهرطوس.

۱- وکیل آباد

دره بسیار باصفائی است در مغرب مشهد با فاصله ۸ کیلومتر که سرآغاز ییلاقات مشهد است و چون شهر بآن سو کشیده میشود و راه اسفالته و باصفائی دارد بصورت یکی از گردشگاهها و تفریحگاههای شهر درآمده است. استخر آب و مناظر کوهستانی و سرسبز آن بخصوص در ایام تابستان مردم شهر را به خود جلب میکند.

۲- کوهسنگی

نزدیکترین تفریحگاه شهر است، در حاشیه جنوب غربی مشهد. استخر بزرگ، ساختمان ییلاقی کنار آن، گلکاریها و محیط باز و درختان سرسبز و بلند و جویهای آب و منظره کوهستانی زیبا و اشرافی که بر شهر دارد آن را بصورت زیباترین تفریحگاهها درآورده است. وسایل تفریح برای کودکان و قایق رانی در استخر و باغ وحشی که بتازگی در آنجا تاسیس شده موجبات سرگرمی مردم را فراهم میکند. يك هتل مدرن نیز در کوهسنگی برای اقامت توریستها ساخته شده است.

۴- خواجہ ربیع

در سه کیلومتری شمال غربی مشهد است. باغ بزرگ خواجہ ربیع و باغ وحشی که چند سالی است در نزدیکی آن بوجود آورده اند غالباً توده مردم و افراد طبقه متوسط شهر را بخصوص در روزهای تعطیل بخود جلب میکنند. در این جا معمولاً معرکه گبری و فال بینی و رمالی و نمایشهای پهلوانی و چشم بندی و غیره نیز مردم را سرگرم میدارد.

۵- شهر طوس

که امروز تنها بقعه‌ای و باغی از آن مانده که مقبره فردوسی در آن است یکی از گردشگاههای مردم روشن و تحصیلکرده شهر و توریست‌ها و زوار است. غیر از جاذبه مرقد فردوسی مناظر بسیار زیبا و چشم‌اندازهای وسیع و کششی که در آثار قدمت و عظمت دیرینه شهر طوس وجود دارد مردم را بآن سو میکشاند. باغ آرامگاه فردوسی از نظر تزئین و گلکاری یکی از باغهای زیبای ایران است.

انجمنهای مذهبی و ادبی

انجمن های مذهبی

تشکیل انجمن مذهبی در ایران بخصوص شهرهای مذهبی کاری است که بسختی میتواند موفقیت‌های بزرگی بدنبال داشته باشد زیرا وجود تکیه‌ها و مساجد و اماکن دیگر مذهبی بخصوص مجالس روضه خوانی و قرائت قرآن که تقریباً در طول سال تشکیل میشود از احتیاج توده مردم متدین بتشکیل انجمنهای خاصی بسبک جدید میکاهد.

بنابراین انجمن مذهبی جز در میان گروهی از دینداران که هدفهای مذهبی و اجتماعی روشن و معینی دارند ایجاد نمیشود و شماره این عده گرچه رو به فزونی است ولی هنوز نسبت بتوده کثیر مردم مذهبی کاملاً در اقلیتند.

انجمنهای بسیار معروف مذهبی در مشهد عبارتست از:

الف - کانون نشر حقایق اسلامی

که در سال ۱۳۲۳ تاسیس شده بیشتر افراد نواندیش و متجدد شهر (فرهنگیان، دانشجویان و گروه‌های از طبقات متوسط بازار) در آن شرکت می‌جویند.

سبک برگزاری مجالس آن بسیار تازه است. جلسات آن عبارت است از يك كنفرانس مذهبی و يك جلسه تفسیر قرآن در هفته. کانون نشر حقایق اسلامی دارای نشریات مذهبی بسبک جدید است.

ب - انجمن پیروان قرآن

این انجمن که غالباً از کسبه بازار و توده بسیار فعال و معتقد مذهبی تشکیل شده است دارای اعضاء زیادی است. انجمن دارای شعبه‌های متعددی در هر محله میباشد. تاکنون بنام هریک از چهارده معصوم بنائی ساخته‌اند و مهمترین آن بنای مهدیه است که در پشت آرامگاه نادر شاه قرارداد. دیدنی‌ترین مراسم مذهبی که در مهدیه انجام میشود در نیمه شعبان روز تولد حضرت صاحب الزمان امام دوازدهم علیه السلام است که جشن بسیار بزرگی برپا میشود و مجلس با گل‌ها - قالبها - قناری‌های بسیار تزئین میگردد و بلندگوهای متعدد آوازاها و سرودهای مذهبی خاص این روز را پخش میکنند و از همه مردم شهر با شیرینی و چای و میوه پذیرائی میگردد.

انجمن تبلیغات اسلامی

که شعبه‌ای از انجمن تبلیغات اسلامی ایران است و جامعه تعلیمات اسلامی که دارای چند مؤسسه تعلیمی و مدرسه است و نیز انجمن بحث و انتقاد دینی که محل آن در ابتدای شاه‌رضای نو قرار دارد. از انجمنهای فعال شهر مشهد محسوب میشوند.

انجمن های ادبی

در مشهد از زمانهای پیش انجمنهای ادبی متعددی تشکیل میشده است. در زمان استانداری **قوام السلطنه** در خراسان با حضور او که با ادبیات علاقه مند بود و خود نیز شعر میسرود انجمنی تشکیل میشد که در آن مرحوم **ادیب نیشابوری** شرکت میکرد مرحوم **ادیب نیشابوری** مردی دانشمند و پاکدامن بود و تا آخر عمر دریکی از حجره های مدرسه قدیمه فقط با کتاب زندگی کرد و تنها مرد.

در دوران بعد از مشروطه، زمانی که **ایرج میرزا** پیشکار دارائی مشهد بود و **ملك الشعرا** بهار روزنامه نگار، از بهترین ایام رواج ادبیات در مشهد بود.

اکنون مشهورترین انجمن ادبی خراسان صبحهای جمعه در منزل آقای **محمود فرخ** که از استادان سبك خراسانی است تشکیل میشود و در آن جمعی از شعرا و ادبا شرکت می جویند.

انجمن دیگری نیز هر هفته در منزل آقای **عبدالعلی نگارنده** که از شعرای مورد احترام خراسان است تشکیل میشود که غالبا جوانان و نوپردازان در آن شرکت دارند.

مطبوعات

روزنامه ها

مشهد دارای سه روزنامه یومیه است: آفتاب شرق-خراسان

و نور ایران .

آفتاب شرق و خراسان هر يك ضميمه‌ای دارد یکی بنام آفتاب شرق بانوان که ارگان کانون بانوان و دوشیزگان وابسته به آفتاب شرق است و دیگری خراسان بانوان که بطور هفتگی منتشر می‌شود.

روزنامه های نوای خراسان- نبردما- رستاخیز عدل - ناطق خراسان- نور خراسان و ایران نما بطور هفتگی و یا گاه گاه منتشر می‌شود . تهیه کنندگان و خوانندگان روزنامه «هیرمند» که بطور مرتب هفته‌ای یکبار انتشار می‌یابد غالباً از میان گروه تحصیل کرده‌اند . قطب (تربت) ، صدای نیشابور (نیشابور) ، بیهق (سبزوار) در شهرستانها منتشر می‌شود .

مجلات

فلا چهارمجله در مشهد انتشار می‌یابد . مجله آستان قدس ارگان استان قدس حاوی مطالب مذهبی و تحقیقاتی در آثار هنری اسلامی است . مجله «نامه فرهنگ» که ارگان اداره آموزش و پرورش خراسان است و غالباً نویسندگان، دبیران فرهنگ و شعرا مقالات و آثاری از خود در آن درج میکنند .

مجله هیرمند که ضمیمه روزنامه هفتگی هیرمند است بطور ماهانه نشر می‌یابد . نویسندگان آن غالباً جوانان تحصیل کرده‌اند و مقالات آن رنگ و بوئی تازه دارد .

بتازگی از طرف دانشکده ادبیات نیز مجله‌ای انتشار یافته است . در سبزوار نیز مجله‌ای بنام «پیک سبزوار» منتشر میشود .

کتابخانه‌ها

غیر از کتابخانه آستانه که از بزرگترین کتابخانه های اسلامی محسوب میشود در بخش مربوط به آستانه از آن یاد خواهیم کرد . کتابخانه فرهنگ که متعلق به اداره کل آموزش و پرورش است در خیابان پیلوی جنب دبیرستان شاهرضا قرار دارد و بتازگی ساختمانی برای آن ساخته اند.

«کتابخانه مسجد» متعلق به مسجد گوهرشاد و در کنار در ورودی مسجد گوهرشاد قرار دارد و بیشتر شامل کتابهای مذهبی و فقهی است. کتابخانه دانشکده ادبیات نیز با عمر کمی که دارد از نظر ارزش معنوی در مشهد اهمیت دارد.

از کتابخانه های خصوصی بزرگترین کتابخانه متعلق به آقای محمود فرخ شاعر خراسانی است که بخصوص از نظر کیفیت دارای اهمیت است و کتابخانه آقای عبدالحمید مولوی و آقای عبدالله کشاورز. دبیرستانهای فردوسی و شاهرضا - دانشکده معقول و منقول و دانشکده پزشکی هر یک کتابخانه‌ای خاص خود دارد .

عزاداری

بزرگترین مراسمی که در خراسان و بخصوص در مشهد برگزار میشود مراسم عزاداری مجرم و صفر است. در این دو

ماه. قیافه شهر بکلی دگرگون میشود.
لباسها، چهره‌ها، رفت و آمدها، کوچه‌ها و خیابانها،
بازار و صحنین، مسجد گوهرشاد، رواقها و حرم مطهر بکلی وضع
تازه‌ای بخود میگیرند.

ماه محرم و بخصوص دهه اول و روز یازدهم ماه و روز
اربعین و چهل و هشتم و شب‌های احیاء در ماه رمضان تقریباً
همه مردم شهر در مراسم عزاداری شرکت میکنند و دسته‌های
متعدد عزاداری از دهات و شهرهای اطراف خراسان و حتی از
دیگر نقاط ایران وارد شهر میشوند و چون غالب زواری این ایام
را برای زیارت امام انتخاب میکنند جمعیت شهر ناگهان بطرز
غیرعادی رو با افزایش میرود.

۹- دسته‌های سینه‌زنی

در هر محله‌ای يك یا چند دسته سینه‌زنی وجود دارد
که در این ایام پیراهن‌های یکنواخت سینه‌باز سیاه رنگ میپوشند
و بطور منظم و با آهنگهای خاصی سینه میزنند و اشعاری را تکرار
میکند.

هر دسته غالباً بدو گروه تقسیم میشوند و پشت سر هم حرکت
میکند و بطور متناوب میخوانند و سینه میزنند. عده‌ای هم
پیشاپیش دسته حرکت میکنند. جریده بزرگی که غالباً با چرخ
های متعدد و پارچه‌های سبز و مشکی و سنگها و اشیاء قیمتی
تزیین شده است در جلو هر دسته حمل میشوند.

پرچمها و علمها و عمارت‌های متعددی نیز این جریده را
همراهی میکنند. در مشهد بیش از کلین شهرهای مذهبی در
کشورهای اسلامی دسته سینه‌زنی وجود دارد که «هیئت متحده
متوسلین» به یکی از ائمه یا شهدای کربلا معروفند، شماره این

دسته‌ها به بیش از صد می‌رسد که از نظر تعداد عضو و تجهیزات باهم اختلاف بسیار دارند. این دسته‌ها یا متعلق به محله‌های مختلف شهرند یا دسته‌هایی که موقتاً از شهرستانها آمده‌اند و یا اقلیتهای محلی که در مشهد ساکنند مثل دسته ترکها، دسته کرمانیها و...

۴- دسته‌های زنجیرزنی

این دسته‌ها از نظر تعداد محدودند. پیراهن‌های سیاه رنگ می‌پوشند ولی برعکس سینه زن‌ها پشت پیراهن باز است. اینان زنجیرهای خاصی بدست دارند که از یکدسته زنجیرریز تشکیل شده و با آهنگ خاصی آنرا بترتیب بر دوسوی پشت برهنه خود مینوازند.

۳- نعل‌سازی

یکی از مراسمی که در عزاداری دارد متروک می‌شود نعل‌سازی است. در قدیم مراسم آن بسیار دقیق و پیچیده بود ولی امروز بصورت مختصری انجام می‌شود. غالباً در برخی از منازل که روضه خوانیهای مهم برگزار میشود در روز عاشورا چند نعل که سمبل شهدای کربلاست وارد مجلس میشود و این درهنگامی است که روضه‌خوانها خاطرات روز غم‌انگیز را در اذهان بیدار کرده‌اند و حالت روحی مناسبی را در مردم بوجود آورده‌اند.

۴- شبیه‌خوانی

مراسم شبیه‌خوانی یا تمزیه غالباً صحنه‌هایی از قیام امام حسین و یارانش و انتقام مختار را از جنایتکاران عاشو و نشان میدهد. امروز این مراسم رو بفراموشی است ولی هنوز هم در برخی از منازل و یا حومه شهر برگزار میشود.

آستان قدس رضوی

آستان قدس کانون معنوی شیعیان جهان و قبله گاه زائرانی است که از اکناف عالم اسلام هر ماه و هر سال بدان روی میآورند از نظر توده شیعی آستان قدس مقامی دارد که برای کسانی که از نزدیک با آنان آشنا نیستند غیر قابل تصور است. سلاطین بزرگ صفوی خود را «کلب آستان رضا» میخواندند و ناصرالدین شاه، حضرت موسی کلیم خدا را کفشدار آستانه میدانست:

در کفشکن حریم پور موسی موسی کلیم با عصای بینم
از نظار یک تور است کف حرم و رواقهای متصل بآن با
مرمرهای شفاف یا قالیهای نفیس فرش است اما چشم یک زائر
مومن می بیند که جبرئیل امین است که بالهای خویش را در زیر
گامهای زوار گسترده است. شاه عباس ایستاده بود و سرش را
باقیچی میزد. شیخ بهائی که طبع شعری هم داشت با اشاره بهمین
اعتقاد گفت:

پیوسته بود ملایک علین پروانه شمع روضه خلد برین
مقراض با احتیاط زنای خادم ترسم ببری شهر جبرئیل امین
در نظر توده زائر امام رضا تنها پناهگاه شیعیان نیست
بلکه در زیر سایه لطف وی حیوانات نیز آسوده اند او نه تنها
«باب الحوائج» است بلکه «ضامن آهو» نیز هست. جاذبه او تنها
دردلای انسانها و حیوانات نیست. سنگها نیز مکرر بزیارت
بارگام او آمده اند و برگنبد آن «از خشت طلا گل سفیدی
سرزده» است.

آستان قدس گنجینه ای از هنر و زیبایی نیز هست. که نسله

پس از نسلها آمده‌اند و هر يك بر آن تصويری از خویش بيادگار گذاشته‌اند. چه بسا كه هنرمندی عمری را بر سرمنازه‌ای یا محرابی بپایان رسانده و كارش بپایان نرسیده‌است.

تاریخ

حمید بن قحطبه طائی سردار معروف جنگهای بنی‌عباس علیه بنی‌امیه از طرف منصور و مهدی عباسی بامارت خراسان منصوب شد و در این زمان میان شهر نوغان و روستای سناباد باغی بزرگ برای خویش ساخت و در آن كاخی مجلل بنا كرد كه تا آغاز قرن چهارم بر جای بود و بنقل تواریخ مساحت این باغ يك ميل در يك ميل بوده است. هارون كه برای رام كردن شورشهای خراسان بطوس آمده بود بیمار شد و برای استراحت و گذراندن دوران بیماریش همین باغ را كه هم شایسته مقام خلیفه بود و هم در نقطه خوش آب و هوایی قرار داشت برگزید ولی از همین بیماری برنخواست و در ۱۹۳ چشم فرو بست و در درون همین كاخ بخاك سپرده شد و بر روی گورش بقعه‌ای برافراشتند.

در سال ۲۰۲ یا ۲۰۳ كه امام بطرز مرموزی در بحرانی‌ترین شرایط سیاسی زمان مامون در میگذرد برای تجلیل و تعظیم وی بدستور خلیفه در كنار قبر هارون جای میگیرد.

از این رو تاچندی پیش قبر امام در وسط چهار دیواری حرم نبود بلکه در كنار قرار داشت و این وضع طواف زوار را مشکل میساخت زیرا گذرگاه بین ضریح و ضلع حرم تنك شده بود و ازدحام زوار در این گذرگاه تنك موجب ناراحتی آنان میشد.

آستانه در زیر ضربات تاریخ

خراسان از آغاز تاریخ اسلام تا اوج قدرت صفویه همواره در تلاطم و اضطراب بسر برده یا حرب و غز و مغول و تیمورو ازبك... بدان میریختند و یا مردم خراسان خود همواره برای مبارزه با حکومت‌های بیگانه قیام میکردند و بجنگ برمیخاستند. پس از صفویه نیز لشکر کشیهای نادر و دره‌وران اخیر حملات روسهای تزاری و آشوبهای سیاسی متعدد آرامش خراسان را کرارا با شفتگی کشانده است. در اینجا به بزرگترین حوادث تاریخ که بر پیکر شهر و آستان قدس رضوی آثار محو نشدنی بجای گذاشته است اشاره میکنیم.

۱- سبکتکین- سرسلسله غزنویان آستانه را ویران کرد و این شاید نسبت بتعصب شدید مذهبی وی بود ولی سلطان محمود فرزند وی به سوری بن معتز بن مسعود که از طرف وی حاکم نیشابور بود دستور میداد که بقعه ترمیم گردد و عمارت آستان قدس توسعه یابد و این بسال ۴۲۸ رخ داد.

۲- غزها- غزها بارها خراسان بخصوص مرو و بلخ و طوس و مشهد را تاراج کردند و بقتل و جنایت پرداختند.

در ۴۸۵ سلطان سنجر و زنش را گرفتار کردند و او را شهر بشهر بسته میگردانند و در برابر چشمانش مردم شهرهای وی را بخون میکشاندند.

انوری شاعر مشهور زمان در این فتنه از خاقان سمرقند

خواهرزاده سنجر با این قصیده معروف تقاضای کمک میکند:
 بر سمرقند اگر بگذری ای باد سحر
 نامه اهل خراسان ببر خاقان بر
 خبرت هست کزین زیر و برشوم غزان
 نیست یک پی از خراسان که نشد زیر و زبر
 شاد الا بدم مرگ نبینی مردم
 بگر جز در شکم مام نیابی دختر
 مسجد جامع هر شهر ستودانشان را
 پایگاهی شده نه سقفش پیدا و نه در...
 در این حوادث گنبد و بارگاه امام نیز محفوظ نمانده و
 در ۵۵۰ هجری بقیعه و حرم ویران بوده است تا شرف الدین
 ابوطاهر ملقب به وجیه الملک از عمال سلجوقیان در ۵۵۶ آنرا
 تجدید بنا کرده است.

۳- در حمله چنگیز و پسرش تولی بسال ۶۱۷ برای
 سومین مرتبه تولی پس از حمله بطوس و نیشابور و قتل عام آنجا
 بمشهد آمده و بقیعه و عمارات آستانه را ویران ساخت و برای
 چهارمین بار بدست سلطان محمد خدا بنده پادشاه شیعی مذهب
 مغولی (الجایتو) که از ۷۰۳ تا ۷۱۶ سلطنت میکرد آستانه
 تجدید عمارت شد.

۴- در اوایل دوره صفویه چون پادشاهان این سلسله هنوز
 بر سراسر ایران تسلط کامل نیافته بودند چندین بار مشهد طعمه
 غارتگران و امیران و خانهای ایلات شد از جمله هجوم محمدخان
 و عبیدالله خان و محمد سلطان و بخصوص عبدالمومن خان از بک در
 تاریخ منعکس است. این عبدالمومن خان هر چه یافت برد و از
 آن میان میل طلای گنبد و تخم طاووس از الماس است که قطب

شاه دکنی آنرا تقدیم کرده بود . . این حوادث تا سال ۹۹۶
یعنی زمان سلطنت شاه عباس بزرگ رخ داده است .

۵- در زمان شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵)

زلزله شدیدی در مشهد پدید آمد که بر اثر آن گنبد شکافی بزرگ
برداشت و خرابیهای دیگر نیز بهمارات آستانه و دیگر بناهای
مذهبی و مدارس وارد میشد که همه مرمت گردید و از این رو است
که می بینیم در میان کتیبه های این عمارات نام شاه سلیمان بیش
از همه سلاطین بچشم میخورد.

۶- در دهم ربیع الثانی ۱۳۳۰ قمری روسهای تزاری
گنبد و ابنیه آستانه را بتوپ بستند و چندین جای گنبد مورد اصابت
توپها واقع شد.

سر بازان روسی رواقها را اشغال کردند و گروه کثیری را
کشتند و این حادثه هنوز بصورت يك خاطره بسیار شوم در اذهان
مردم بیدار است. و آقای هروی در کتاب «انقلاب طوس» بتفصیل
از آن یاد کرده اند این حادثه معلول توطئه ای بود که دو
سیاست فعال خارجی آن روزگار در ایران طرح کرده بودند
و بهانه آن خواباندن شورش یوسفخان هراتی و محمد نیشابوری
و طالب الحق یزدی بود. خرابیها در ۱۳۳۱ بدست شاهزاده
نیرالدوله (سلطان حسین میرزا) والی خراسان ترمیم
گردید .

۷- در ۱۳۱۶ شمسی برای درهم شکستن مقاومت مردم در
برابر اجرای دستور کشف حجاب مسجد گوهرشاد و رواقهای
آستانه که مقاومت کنندگان در آن متحصن شده بودند مورد اصابت
کلوله های سر بازان دولتی قرار گرفت و متعاقب آن ولی الله اسدی
نایب التولیه وقت محاکمه و تیر باران گردید.

بست ها

بست و بست نشینی در تاریخ مذهبی و سیاسی ایران داستان بسیار شنیدنی و مهمی دارد. خشونت سیاسی و عدم امنیت حقوقی و جانی مردم احتیاج به پیدایش مکان‌هایی امن را که در آن بتوان ولو برای مدتی از جنگال حکام و زورمندان آسود، بوجود آورده است. در ایران غیر از اماکن بزرگ مذهبی، خانه برخی از روحانیون بسیار بانفوذ نیز برای رعایایی که تحت تعقیب حکام جسور بوده اند بست تلقی می‌شده است و گذشته از آن مردی که مورد تعقیب دیگری یا دیگران بوده است پناهنده شدن باین بست‌ها فرصتی بوجود می‌آورد که در آن احتمال عفو، سازش و رفع کینه و آرامش خشم بسیار میرفته است.

در آستان قدس نیز اکنون دو محوطه بزرگ در دو طرف صحن کهنه وجود دارد بنام بست پائین خیابان و بست بالا خیابان یا بست سفلی و بست علیا که اگر چه امروز دیگر معنی تاریخی خود را از دست داده اند ولی بصورت دو مقدمه ای هستند بر حرم که زواران غوغای شهر و کتش های زندگی شلوغ و درهم امروز با گذر از آن برای کسب حالت صفا و آرامش روحی لازم که شرط اساسی زیارت است آماده میشوند.

بنای بست ها

این بست ها قبلا بوسیله یک رشته زنجیر مشخص میشد که امروز اثری از آن نیست. ابتدا دیوار بست سفلی از آجرهای ساده بوده مرکب از سه دهنه هم اندازه بدون هیچگونه تزئینی. در زمان

احمد شاه قاجار که تجدید بنیاد نوشته‌هایی در فضایل امام بر آن
نقش گردید. بست بالاخیابان از آثار متأخر است که بتقلید بست
پائین برای ایجاد قرینه‌ای در زمان نیابت تولیت اسدی ساخته شد.
بنای جدید

در ۱۳۴۱ شمسی تصمیم گرفته شد که بست‌ها برچیده شود
و تجدید مارت گردد. باین منظور طرحی تهیه شده و پس از اصلاحاتی
بر طبق آن بست‌ها بصورتی که امروز دیده می‌شود ساخته شد.

شکل کلی بنا همانست که بود: دیواری با سه دهنه. ولی
تزیینات و کاشیکاریها و کتیبه‌ها همه جدید است. بنا بطول ۳۰
متر، قطر ۱۲۵ سانتی متر و ارتفاع ۸۷۰ متر است که روی آن
ردیف مقرنس بندی شده است. مقرنس‌ها روی سردر بزرگ از ۴۶
طاسه تشکیل شده و در وسط هر کدام یکی از نامهای خدا بخط ثلث
کوفی نوشته شده است و در زیر آن کتیبه‌ای است بطول ۴ متر و
عرض ۸۵ سانتی متر بخط ثلث.

دولچک زیر کتیبه تصویر سیمه‌مرغی است در حال نشستن
بر زمین و پره‌های دم آن مانند اسلیمی در اطراف پراکنده و خلال
آن بند خطائی با گلهای بزرگ شاه عباسی آنرا زینت داده‌اند
پایه‌های سردر بمرض ۸۰ سانتی متر و طرح آن نیز بند خطائی است.
این سردر از داخل بست طرح دیگری دارد. روی پایه‌های طرح
ترنج بندی است. دولچک بزرگ طرفین سردر که باز مینه قهوه‌ای
است از بهترین طرح‌ها است که بطرح اسلیم بندی مشهور است.
طرح‌های خطائی و گلهای بدیع که از لابلای آن گذشته طرح معروف
زمان صفوی را بوجود آورده است.

زیر طاق این دوسر در نیز نقشه گره بنام بخاری در آن تنظیم
شده که دارای ده شمشه است که در هر کدام سوره‌ای از قرآن

بشکل دایره‌ای گنجانیده شده. در فاصله میان دوسوره بزرگ و در دهنه کوچک نیز دو طاق نما است که در اصطلاح اسپر نامیده میشود در طرفین بست نیز قرینه همان اسپر دو پنجره آهنین ساخته شده که بسیار زیبا است. در زیر طاق پنجره نوعی ترنج بندی اسلیمی طرح شده است. کتیبه‌ها بخط های محمد حسن رضوان کتیبه نویس هنرمند آستان قدس میباشد.

برای اطلاع بدانید که فاصله میان دو بست ۳۴۰ ذرع است که در نقطه مقابل پنجره فولادی که محاذی ضریح است نصف میگردد.

مهمانخانه حضرتی

از بست بالا خیابان کوه وارد میشود. در دست راست مهمانخانه حضرت است که هر روز در آن برنج میپزند و غیر از مصرف مستمر خدام و کشیک‌ها عده‌ای زوار نیز میتوانند با گرفتن بلیط از آن رایگان استفاده کنند. زوار بیهتر از نظر تبرک بخوردن این غذا علاقه نشان میدهند. مهمانخانه در زمان تولیت اسدی مرمت گردیده است.

صحن کهنه

صحن کهنه یکی از زیباترین و باشکوه‌ترین اماکن متعلق به آستان قدس رضوی است. این صحن در شمال حرم مطهر بین دو بست علیا و سفلی قرار دارد و آب نهر خیابان از وسط آن میگذرد.

صاحب دعالم آرای عباسی، ضمن وقایع سال ۲۶ سلطنت شاه عباس مینویسد: «چون صحن سابق و ایوان میرعلیشیر در نظر همت والانتک و حقیر نمود طبع سلیم آن حضرت (شاه عباس) اقتضا

کرد که عمارات سابق جانب ترقی را که انهدام پذیرفته بود بر داشته اضافه صحن نمایند نوعی که ایوان در وسط حقیقی واقع شود و ایوان دیگر از طرف شرقی و غربی عمارت کنند و خیابانی از دروازه غربی شهر تا شرقی طرح فرموده اند که از هر دو طرف بصحن مبارک رسیده از میان ایوان ها بگذرد و چون ساکنان مشهد و زوار از قلت آب در عذاب بودند آب از آنها و چشمه گنسب (گیلاس) و قنوات بشهر آورده نهری در میان خیابان و حوضی بزرگ در وسط صحن احداث فرمودند که آب از حوض گذشته بخیمابان شرقی پائین پای مبارک جاری گردد.

بنابر این متن بالا خیابان (خیابان نادری) و پائین خیابان (خیابان صفوی) و نهر خیابان نیز از آثار شاه عباس صفوی است که ابتدا امیر علیشیر باین کار همت گماشت و نقشه او را شاه عباس تکمیل کرد و نیز معلوم میگردد که صحن کهنه قبل از شاه عباس یعنی در زمان امیر علیشیر نوایی وزیر دانشمند و ادب پرور و بلند همت سلطان بایقرا آخرین پادشاه تیموری (در حدود سال ۷۶۲) ساخته شده و در زمان شاه عباس تعریض و ترمیم گردیده است.

روی نهر خیابان که از وسط دو بست و صحن کهنه میگذرد از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ بتدریج پوشیده شد و قبل از آن که روی نهر باز بود برای شستشو و گرفتن وضو مورد استفاده اشخاص قرار میگرفت و چون این آب که از بحبوحه شهر میگذرد همواره کثیف است از نظریه دداشتی پوشش آن قدم مفیدی بوده که در این اواخر برداشته شده است.

صحن کهنه قبل از شاه عباس عبارت بوده است از نیمه جنوبی (متصل بحرم) صحن کنونی و لی دیواره شمالی و اضلاع شرقی و غربی آن ساخته شاه عباس است.

طول صحن که شرقی غربی است ۱۰۴۵ متر است و عرض آن ۶۴ متر. کف صحن از سنگهای معروف خلیج (کوه معروفی در جنوب شهر مشهد) بشکلهای چهار گوش و شش گوش و هشت گوش مفروش شده است. شاه عباس دوم از ۱۰۵۹ صحن کهنه را با کاشیهای بسیار ظریف و کتیبههای مختلف تزئین کرده است. صحن دارای ۶۰ اطاق فوقانی و تحتانی است.

راههای ورود و خروج

راههای عبور و مرور صحن متعدد است. یکی از ایوان بزرگ غربی و نیز صفت جنب آن بازارچه مانند است که به بست علیا می‌رود دیگری از ایوان بزرگ شرقی و دو صفت طرفین آن که این دو نیز بصورت بازارچه است که به بست سفلی می‌پیوندند. در طرف جنوب غربی صحن نیز دری است که به بازار بزرگ متصل می‌شود. در ضلع شمالی نیز دو صفت است که از راه بازارچه بفلکه شمالی می‌رسد. در ضلع جنوبی نیز از طریق کفشکن‌ها و ایوان بزرگ طلا بدرون رواقها و حرم مطهر می‌روند.

ایوان‌ها

صحن کهنه دارای چهار ایوان بزرگ است که هر یک از نظر عظمت هنر معماری و تزئینات بسیار نفیس و زیبا و دارای اهمیت فراوانی است.

۱- ایوان شمالی

این ایوان به «ایوان عباسی» مشهور است زیرا چنانکه گذشت ساخته شاه عباس کبیر است. اهمیت فراوان این ایوان در این است که از آغاز ساختمانش بترمیم و تعمیر نیازی پیدا نکرده و کاشیها و کتیبه‌ها همه همچنان که بوده تا کنون دست نخورده محفوظ مانده است. تنها مناره‌ای بر آن افزوده شده است که

یادگار نادرشاه است و بسال ۱۱۴۶ ساخته شده و طلاکوب گردیده است. این مناره بر بالای محراب ایوان بارتفاع ۳۵ متر بسالارفته است. تزئینات این ایوان از روزگار شاه عباس ثانی است بسال ۱۰۵۹. درحاشیه این رواق مقبره امیر علیشیر نوائی قرار دارد که وزارت سلطان حسین بایقرا داشته و آثار بسیاری از او در آستان قدس پیادگار مانده است. سلطان حسین از ۸۷۸ تا ۹۱۲ بر خراسان حکومت داشته است. رواق شاه عباس دوم از کاشیهای نفیس پوشیده شده که دارای صبك عربی است.

ایوان عباسی که بطول ۸/۱۴ متر و عرض ۲۰/۸ و ارتفاع ۲۲/۵ متر است از ازاره بیلا تا سقف مقرنس با کاشیهای معرق بسیار ممتاز پوشیده شده است.

ایوان دارای چهار غرفه فوقانی است با کاشیکاریهای معرق. دور صفحه بزرگ بخط ثلث کتیبه ای است از محمد رضا امامی خطاط زمان شاه عباس ثانی که در ۱۰۵۹ نوشته است.

۴- ایوان جنوبی

ایوان جنوبی به «ایوان طلاء» یا «ایوان نادری» معروف است. این ایوان چنانکه گفتیم از ساخته های علیشیر نوائی است و قدیمترین ایوانی است که در صحن کهنه وجود دارد. طول این ایوان ۱۰ متر و عرض آن ۸ و ارتفاعش ۲۵/۲۶ متر است. ابتدا شاه طهماسب صفوی ایوان را تذهیب کرده و در طول زمان از میان رفته بود و طلاکاری حاضر بدستور نادرشاه بسال ۱۱۴۶ صورت گرفته است.

کتیبه ایوان که بخط محمد رضای امامی در سال ۱۰۸۵

نوشته شده به بنای ایوان بدستور امیرعلیشیر اشاره دارد و تاریخ ۱۰۸۵ حکایت از آن دارد که در زمان شاه عباس ثانی نیز که کاشیکاریهای صحن کهنه ازوست در ایوان تزئیناتی شده است .

سنگهای مرمر سفید که ایوان را فرش کرده از کوههای مراغه و مرمر دیوارها از غرب ایران حمل شده است. بالای دیوارها با آجرهای مسی که پوششی از طلا دارد پوشیده شده. آیات قرآن بخط ثلث با حروف سفید بر روی زمینه آبی نوشته شده است. اشعاری نیز در مدح نادر شاه که ترمیم و تذهیب ایوان ازوست بر ایوان نمودار است.

ایوان دارای چهار در نقره ایست کتیبه سردر ایوان یکی از زیباترین کتیبه ها است. در بیرون طاق که بمنزله دیوار صحن است کتیبه ایست از کاشی بخط ثلث بسیار ممتاز بر نك سفید که بر آن سوره « که همص » نوشته شده. در پیشانی کتیبه دیگری است بر نك زرد که بنای ایوان را در زمان سلطان حسین میرزا با یقرا حکایت میکند.

مناره ایوان طلا که کنار گنبد بر بالای محراب ایوان قرار گرفته است در زمان شاه طهماسب اول طلا پوش شده و پس از دستبرد عبدالؤمن خان باستانه در سال ۱۱۴۲ نادر شاه آنرا مجدداً طلا پوشی کرده است.

۳- ایوان شرقی

به «ایوان نقاره خانه» معروف است زیرا ساختمان نقاره خانه بر روی آن قرار گرفته و از آنجا است که هر صبح و شام نقاره میزنند این ایوان از زیباترین ایوانهای آستان قدس است. طول آن ۱۸/۲ و عرض آن ۷/۸ و ارتفاعش ۲۶ متر است.

به موجب کتیبه ای که بنام عضدالملک تولیت آستانه بر سر در

ایوان دیده میشود شاه عباس صفوی که بتعمیر و ترمیم اساسی صحن کهنه اقدام کرده است این ایوان را نیز ساخته است. برپیشانی سر در ایوان «بسم الله...» با خط ثلث زیبائی برنک زرد بر روی کاشی لاجوردی در تیرنجی نوشته شده و کتیبه «ضد الملك مستوفی باشی زمان ناصرالدین شاه قاجار که از ساختمان ایوان و مرمت آن در ۱۲۷۶» یاد میکند بچشم میخورد.

در ۱۳۴۰ قمری مرتضی قلیخان طباطبائی نائینی این قسمت را مجدداً مرمت کرده است و در پایان کتیبه «ضد الملك تاریخ این ترمیم را افزوده است.

در سال ۱۳۳۷ شمسی سنگهای سیاه ایوان و سردر برچیده شد و بجای آن سنگهای مرمر نقشدار نصب گردید. کتیبه داخل ایوان که با خط ثلث برنک زرد و زمینه لاجوردی حدیث «عن علی بن مهزیار...» معرق سازی شده و در ۱۲۶۱ ترمیم یافته بود فرسوده و ریخته بود در ۱۳۳۷ تمام کتیبه را بهمان اسلوب و خط سابق کپی (گروه) کردند و کاشیهای معرق دیگر را که ریخته شده بود مرمت نمودند. کتیبه میرزا مرتضی قلیخان برداشته شد و در ۱۳۴۲ کاشیهای معرق ظریفی جای کاشیهای قدیم را گرفت و برای حفظ آثار گذشته عین مطلب کتیبه «ضد الملك از معرق تهیه و نصب گردید و فقط نام نویسنده آن که میرزا محمد حسین حسینی بود حذف و نام «رضوان» کتیبه نویس کنونی آستانه ثبت شد.

سنگ مرمر - از آثار بسیار نفیس این ایوان یکی سنگ مرمر یکپارچه ایست بعرض دهنه در ورودی بشکل هلال (سه گوش نیزه دار) که در سال ۱۰۴۴ قمری یعنی زمان شاه صفی بالای چهارچوب در نصب شده و بر روی آن بخط نستعلیق زیبائی قطعه شعری که ماده تاریخ بنای در را شامل است کنده کاری برجسته

شده است. در پائین سنك بخط ثلث بسيار خوشی دوحديث را كنده کاری کرده اند. كاشیهای معرق بشكز مسدس و مخمس و مثلث تراشیده و روی هم سوار شده است.

۴ - ایوان غربی

ایوان غربی به «ایوان ساعت» معروف است زیرا ساعت بزرگ آستانه بر روی آن قرار گرفته است. این ایوان با تعريض و ترمیم صحن كهنه بوسیله شاه عباس صفوی بوجود آمده است. سطح دهنه ایوان ۶۹۹ و ارتفاعش ۲۴۱۰ متر است كتیبه دوره ایوان بخط ثلث از خطاط معروف زمان صفوی علیرضای عباسی است. بر روی كاشی معرق بسیار ممتاز در زمینه لاجوردی كه بسیاری از قسمتهایش ریخته و بعدها با كاشیهای معمولی وصله کاری شده است. طاق ایوان مقرنس بندی است و كاشیهای روی مقرنس از شاهكارهای صنعت كاشيكاری دوران صفویه بشمار میآید كاشیهای برجسته دوطرف ایوان نیز از آثار بسیار نفیس است ولی متأسفانه هر جا ریخته است رویش را نقاشی کرده اند! در حاشیه داخلی سردر با خط سفید ثلث روی زمینه لاجوردی روایت «من جابر بن عبدالله...» از كاشیهای معرق صفوی است. در اثر ضربات گلوله توپ روسهای تزاری در ۱۳۳۰ قمری كتیبه حاشیه داخلی سردر كه با خط سفید بر روی زمینه لاجوردی بقلم محمد حسین شهیدی به ثلث نوشته شده است صدمات فراوانی دیده است. جای این گلوله ها را ترمیم نكرده اند بلكه برای آنكه جالب تر باقی بماند در سال ۱۳۴۰ قمری بخط مرحوم اعتضاد پور و با كاشیهای حاجی یوسف قدس ترمیم یافت و روی دو نقطه ای كه گلوله بآن اصابت کرده است دایره ای كوچك بخط زرد رسم كردند و در آن نوشتند: «جای گلوله».

دربالای درچوبی ایوان روی سنك مرمر کتیبه‌ای است که باخط برجسته‌کنده کاری شده و نوشته است که شاه عباس ثانی در ۱۰۷۷ امر بتجدید بنای آن کرده است. این درچوبی سیصدواند سال است که کاملاً سالم مانده است. برخی معتقدند این سردراز بناهای امیرعلیشیرنوائی است در حدود سال ۸۷۰ هـ.

جززیبائیهای تزئینی این ایوان آنچه موجب اعجاب پرفسور پوپ نیز شده است هنرمعماری آن است، سردری با این ارتفاع درحالیکه دربستری ازسنگپاره که بیش ازسه قرن است ازهر آن میگذرد همچنان استوار و پا برجاست، پایه‌های آن را ازچه‌گلی ساخته‌اند؟

مدرسه میرزا جعفر

در شمال شرقی صحن مدرسه بزرگ وباشکوه میرزا جعفر واقع است که در شمارمدارس از آن یاد کرده‌ایم.

مقبره شیخ حر عاملی

در کنار مدرسه میرزا جعفر داخل‌غرفه‌ای مقبره شیخ حر عاملی قرار دارد با ضریحی کوچک وشمعهایی که همواره بر روی آن میسوزد. شیخ حر عاملی از دانشمندان بزرگ شیعه است که در ۱۱۰۴ وفات یافته.

نقاره خانه

در سال ۸۶۰ با برپسربایسنقر بن شاهرخ ازهرات بزیارت امام آمد ودر باغ حرم (صحنین کنونی) نقاره‌ای برپا کرد تا نوبت زنند (برای تجلیل از امام یا برای اعلام حضوری در این شهر که بروایتی بیمار شده بود و برای شفا یافتن در آستانه معتکف شده بود؟) از این هنگام برسم دربارهای سلاطین نوبت زدن (نقاره زدن) در دربار ولایتمدار سلطان خراسان، مرسوم گردید

وهنوز پیش از طلوع و غروب آفتاب و اعیاد مذهبی و شبهای ماه رمضان جزایام سوگواری نقاره میزنند .

بنای کنونی نقاره‌خانه که بر روی ایوان شرقی صحن کهنه قرار دارد یکی از آثار بسیار زیبای آستانه است که در سالهای اخیر ساخته شده است.

سقاخانه طلال یا حوض اسمعیل طلائئ

دروست صحن کهنه سقاخانه ایست با کتیبه‌ای طلا پوش از یادگارهای نادرشاه افشار و بهمین علت آنرا «سقاخانه نادری» نیز میگویند . سنگاب مرمر مسدس آن بدستور نادرشاه از هرات آورده شده است . نادر حمل این سنگاب بزرگ را از هرات بمشهد بمسابقه گذاشت و حداکثر مدت را ۱۲ روز تعیین کرد و لی داوطلب آن نه روزه این مسافت ۳۶۰ کیلومتری را با سنگابی بدین بزرگی طی کرد . در آغاز آب بارانی را که در حوض «بابا قدرت» درشش کیلومتری مشهد جمع میشده است بدین جامی آورده اند . آجرهای طلائئ که با آن کتیبه سقاخانه پوشیده شده است ساخته اسمعیل نامی است که سقاخانه امروز بحق بنام این هنرمند گمنام شهرت یافته نه بنام نادر بانی مشهور آن.

ساعت

در ۱۳۱۹ قمری (۱۲۷۸ شمسی) بدستور مظفرالدینشاه ساعتی که هر چهار طرفش دارای صفحه ساعت نما بود بر روی ایوان غربی صحن که بهمین علت به «ایوان زیر ساعت» معروف است نصب شد . این ساعت بسیار سنگین بود و زنگی داشت که طنین آن در سراسر شهر می پیچید . در سال ۱۳۳۶ ساعت مدرن الکتریکی فعلی که در ۱۳۲۷ از انگلستان خریداری شده بود بجای آن نصب گردید و در جایگاه زیبا و ظریفی که با بهترین کاشی‌های معرق

سبك صفوی پوشیده است قرار گرفت : ساعت قبلی را بر روی سردری که میان صحن نو و موزه قرار دارد نصب کردند.

سرداب

قرنها پیش برای تقرب به امام مردم ثرزد تمند میکوشیدند تا با پرداخت وجهی «جاقبر» هر چه نزدیکتر بمقرء امام بدست آرند. از این رو صحن کهنه نیز یکی از اماکنی بود که در آن اموات را از دیر زمان دفن میکردند در سالهای اخیر برای این که نظم و ترتیبی باین وضع بدهند در زیر کف صحن سردابهای وسیعی برای دفن اجساد بوجود آوردند و امروز با ایجاد این سردابها از اینکه صحن بصورت قبرستانی نمودار گردد جلوگیری شده است و هم مراسم تدفین با سرعت و اختفای بیشتری انجام مییابد.

صحن نو

در مشرق حرم مطهر قرار گرفته و حوض آب و گلکاری زیبایی که دارد صفا و طراوتی بصحن بخشیده است. صحن نواز آثار قاجاریه است و با وجود چشم انداز زیبا و خوش آیندی که دارد بر خلاف صحن کهنه از ظرافتهای هنری عاری است.

ساختمان این صحن در زمان فتحعلیشاه قاجار ۱۲۲۳ قمری شروع شده است. حاج میرزا موسی خان دشتی متصدی ساختمان و شاهزاده علینقی میرزا سرکاردار ساختمان آن بوده اند. طول صحن ۸۵ متر و عرض آن ۵۴ متر است و چنین مینماید که کوشیده اند قرینه ای برای صحن کهنه که از مفاخر صفویه است بوجود بیاورند ولی، چنانکه پیداست، در این کوشش توفیقی بدست نیامده است. صحن نو همچون صحن کهنه دارای چهار دیوار است.

ایوان غربی یا ایوان طلا که متصل بحرم است در زمان **حسام السلطنه** والی خراسان و **عضدالملک** تولیت آستانه بسال ۱۲۷۸ بدستور **ناصرالدین شاه قاجار** طلا کاری شده است. طول ایوان طلا ۱۵۳۰ و عرض آن ۷۲۵ و ارتفاعش ۲۰۱۰ متر است. این ایوان از درنقره‌ای و راهروی کوچک به دارالسعاده متصل میشود. کف ایوان از سنگ مرمر فرش است و جلو آن نرده‌ای از سنگ قرار دارد. ازاره ایوان با سنگهای رنگین بسیار نفیس پوشیده شده. از ازاره بیلا در زمان ناصرالدین شاه طلا پوش شده و بهمین علت، بقرینه ایوان عباسی و ایوان طلای نادری در صحن کهنه، به ایوان طلای ناصری شهرت یافته است. در دو ایوان ناصری دو کفشداری است معروف به **کفشداری قایینی ها و کفشداری هندیها**. در پائین کتیبه دوره ایوان که به خط ثلث و به رنگ سفید است نوشته شده: **و قد تم فی سببین ومائین بعد الالف من الهجرة النبویة کتبه محمد حسین الشهدا المشهدی فی ۱۲۷۰ عمل استاد محمد تقی**

ایوان جنوبی

سابقا در پشت این ایوان آشپزخانه خدام قرار داشت که امروز خراب شده و جزء موزه گردیده. طول ایوان ۱۸۳۰ عرض ایوان ۷۳۰ و ارتفاعش ۲۰ متر است. ایوان دارای کتیبه‌ها و کاشیهای معمولی است.

ایوان شمالی

این ایوان صحن نورا به بست پائین خیابان می‌پیوندد عرض آن ۷۲۰ طول آن ۱۷۲۰ و ارتفاعش ۲۰ متر است. برجبه ایوان بخط ثلث و برنگ زرد نوشته شده که تزییر این عمارت عالیله در ایام **ناصرالدین شاه و تولیت موتمن الملک**

با تمام رسیده است.

کتیبه‌ها بخط رجبعلی خادم در سال ۱۲۹۵ قمری نوشته شده است.

در وسط صحن قبلا سقاخانه‌ای هم بوده است (باز بتقلید صحن کهنه) این سقاخانه را در دوره بیست ساله برداشته‌اند و بجای آن حوض کنونی را ساخته و اطراف آنرا گلکاری کرده‌اند.

دور تا دور صحن نو نیز اطاق‌های دو طبقه‌ای است که طبقه دوم آن با داره خزانه و موزه برخی از امور اداری آستانه معلق دارد و حجره‌های تحتانی آن برای مقبره خانوادگی باشخاص واگذار شده است.

موزه

عمارت موزه

ساختمان و صحن وسیع موزه آستان قدس بین مسجد گوهرشاد و صحن نو قرار گرفته است. ساختمان این بنا در ۱۳۱۶ شمسی آغاز شده و در ۱۳۲۳ پایان یافته است. نمای موزه از سنگ‌های سماق تربت حیدریه و سنگ‌های ابری سفید نقشدار کوه خلیج (در شش کیلومتری جنوب مشهد) و کف قسمتی از اطاق‌ها با مرمر لیموئی تربت حیدریه و سنگ‌های سماق مفروش است.

صحن م- موزه بمساحت ۷۷۷۴ متر مربع است دارای

گلکاریهای زیبا و حوض آب‌های مدرن و فواره‌های متعدد. سبك ساختمان موزه و آرایش صحن آن كاملا مدرن است و هيچگونه تشابهی با گذشته و تناسبی با سبك هنری دیگر عمارات آستانه ندارد .

از كارهای جدید موزه ساختن دیوارهای شرقی و غربی موزه است كه بسا بهترین كاشیهای معرق سبك صفوی پوشیده شده و میزان پشرفت این هنر را در زمان ما نشان میدهد.

آثار نفیس موزه

موزه آستانه از نظر آثار نفیس هنر اسلامی و بخصوص شاهكارهای زیبای دوران **سلجوقی و نادری و صفوی و قاجاری** در نوع خود كم نظیر است. اهمیت خاصی كه موزه آستان قدس داراست از اینجهت است كه در آن میتوان سهم تشیع را در عالم هنر، بخصوص هنر اسلامی بدقت مطالعه كرد.

موزه دارای كتاب راهنمایی است كه برای معرفی اشیاء نفیس موزه بكار میآید و در اینجا فقط از چند اثر بسیار گرانها یاد میکنیم:

قرآن حضرت امیر

این جزوه بخط كوفی است. واقف آن شاه عباس صفوی و وقفنامه آن را شیخ بهائی بخط خود نوشته است. نسخه اینچنین امضاء شده:

« كتبه علی بن ابیطالب، دارای ۱۰۲ ورق است با اندازه‌های ۲۷×۳۷ سانتی متری. خط شناسان آنرا از آثار نیمه قرن اول هجری میدانند.

قرآن بایسنقری

بایسنقر میرزا فرزند شاهرخ پسر امیر تیمور است

متوفی بسال ۸۳۷ این شاهزاده هنرمند از استادان مسلم خط ثلث بوده و خوشنویسان و تذهیب کاران و جلدسازان را بسیار تشویق میکرده است. کتیبه‌هایی که بخط او در مسجد گوهرشاد هست از شاهکارهای هنر خط در تاریخ اسلام است.

میگویند در آغاز قرآنی باخط ریز نوشت و نیایش او را سرزنش کردند که چرا قرآن را کوچک نمودی؟. برای جبران آن این قرآن را که شاهکار هنر خط است نوشت که از اوراق باقیمانده برمیآید که دارای چندین هزار ورق بوده است. **نادر شاه افشار** این قرآن بزرگ را همواره پیشاپیش اردوی خود در لشکر کشیها حمل میکرد.

پس از قتل وی در نزدیکی قوچان یکی از خانها آنرا بیغما میبرد و اوراق قرآن را در خرچین اسب خود میفشرد تا از انتظار پنهان بماند و همین موجب پارگی و چروکیدگی اوراق نفیس قرآن میشود. **شاهزاده افسر** در سفر خود بقوچان بوجود این اوراق در امامزاده قوچان پی میبرد و بسر داسپه (رضاشاه فقیه) تلگرافی اطلاع میدهد و دستور حمل آنرا با ستانه میگیرد. آنچه در امامزاده بوده است عبارتست از صد قطعه کوچک و بزرگ که در ده ورق صحافی شده و چند ورق آنرا قاب گرفته و در غرفه نفائس گذاشته اند. پنج ورق ازین قرآن از دیر زمانی که معلوم نیست در خود آستانه موجود بوده است. طول هر صفحه از قرآن بایسنقری ۱۸۰ سانتی متر و عرض آن ۱۰۵ سانتی متر است، اندازه متن ۹۶ × ۱۵۹ و ارتفاع خط ۱۲ تا ۱۳ و دانک قلم ۴ سانتی متر است.

قرآن امام حسن

این قرآن بشکل بیاض است دارای ۱۲۲ ورق از پوست. خط قرآن منسوب بامام حسن (ع) است، تاریخ تحریر آن ۴۱ هجری، اندازه آن ۱۲ × ۱۶۵ و متن آن ۸ × ۱۳ سانتی متر است.

واقف آن شاه عباس و وقفنامه بخط شیخ بهائی است.

قرآن بابر

این قرآن را سلطان حسین صفوی بآستان قدس وقف کرده است. در پشت آن نوشته اند «مصحف مجید، قطع کوچک، کاغذ کشمیری، مجدول، مذهب، جلد تیماج، کنج و ترنج دار، بخط کوفی... دولتخانه مبارکه که بتاریخ ۵ شهر جمادی الاولی سنه ۱۱۱۴ در کتا بخانه ضبطی جمع شد».

خط این قرآن، برخلاف نوشته پشت آن کوفی نیست و یک خط اختراعی مجهول است. در وقفنامه سلطان حسین قرآن را بخط یکی از ائمه منسوب کرده است در صورتیکه قرآن بخط ظهیرالدین محمد بابر فرزند بایسنقرین شاهرخ بن امیر تیمور است. محمد بابر در ۸۸۸ متولد شده و در ۸۹۹ بسطانت رسیده است. وی از دانشمندان و هنرمندان نیز بوده است از کارهای او یکی هم اختراع خطی است که رواج نیافته و این قرآن را باین خط نوشته است.

سنگ مزار امام

سنگ مزاری که اکنون در موزه است اولین سنگ مزار امام رضا (ع) است که از مرمر ساخته شده است و اندازه آن ۶ × ۳۰ × ۴۰ سانتی متر و متعلق بسال ۵۱۶ قمری است. در حاشیه داخلی سنگ بر کتیبه ای نوشته شده « امر بعمارة مشهد - الرضوی علی بن موسی علیه السلام المبداء المذنب الفقیر الی رحمته ابوالقاسم احمد بن علی بن احمد العلوی الحسینی »
تقبل الله منه»

سنگاب سلجوقی

در وسط تالار اول در ورودی سنگاب بسیار جالبی است که

بنام سلطان محمد خوارزمشاه و وزیرش نظام الملک در ۵۹۷ هجری ساخته شده است. در نزدیکی در طلائین نام سنجر بسال ۶۰۲ دیده میشود که سلطان سنجر سلجوقی معروف نیست بلکه لقب همین سلطان محمد خوارزمشاه است که چون ترکستان را فتح کرد سنجر لقب گرفت.

غیر از اینها صدها اثر نفیس و زیبای قلمزنی، کنده کاری، طراحی، گلابتون دوزی طلائی، مینا کاری، منبت کاری، قالیهایی نفیس، سلاحها، ظروف، درهای منبت کاری، تذهیبات و دیگر رشته های هنری موزه آستان قدس را بصورت گنجینه گرانبها و ارزنده ای در جهان هنر و زیبائی در آورده است.

کتابخانه

در درون صحن موزه متصل بساختمان موزه کتابخانه ای همزمان باموزه ساخته شده است. مخزن کتابخانه در طبقه فوقانی قسمت شرقی عمارت و قرائت خانه که گنجایش بیش از ۶۰ نفر را دارد در طبقه زیرین مخزن قرار دارد. غرفه نفایس کتابخانه در طبقه بالا طرف مغرب روی مقبره شیخ بهائی است.

معلوم نیست از چه تاریخی آستانه دارای کتابخانه ای مستقل و منظم بوده است ولی از تاریخ وقفها چنین بر می آید که در نیمه قرن نهم آستانه کتابخانه نسبتاً مهمی داشته است.

طبق آخرین آمار (شهریور ۱۳۹۷) کتاب چاپی و ۹۳۷۱ کتاب خطی یمنی مجموعاً ۴۸۴۴۸ جلد کتاب در آن موجود است.

مقبره شیخ بهائی

بهاء الدین محمد عاملی معروف به شیخ بهائی

از اعقاب **هارث همدانی** صحابی معروف حضرت **امام حسین (ع)** است. وی در بعلبك بسال ۹۵۳ متولد شد و در هفت سالگی با پدرش بایران آمد و در سیاست و فرهنگ ایران نقش بسیار مهمی داشت. شیخ بهائی وزیر **شاه عباس کبیر** است. این مرد نه تنها در سیاست بلکه در فلسفه، علم و ادبیات نیز دارای استعداد زیادی است. وی صاحب تألیفات علمی متعدد و مهمی است که از آن میان کشکول وی شهرت (نه اهمیت) بیشتری دارد.

مقبره او بین موزه و صحن نو قرار دارد. ساختمان مقبره پیش از شهریور بیست آغاز شده و در سال ۱۳۲۳ انجام یافته است. در ورودی مقبره بطول ۶۶/۳ و عرض ۷۵/۱ بسبك بسیار ممتازی منبت کاری شده است. سازنده این در هنرمند توانائی بنام **استاد حیدر گلپایگانی** است. داخل آرامگاه بسیار مجلل است، دیوارها و سقف آن آئینه کاری شده و زیر سقف آن جدولی تشکیل یافته که از آثار نمایان فن آئینه کاری است. ازاره و فرش آن از سنگهای مرمر تربت حیدریه است.

تالار تشریفات

در مغرب مقبره شیخ بهائی تالار مجلل تشریفات آستان قدس قرار دارد. سالن تحتانی تشریفات ۴/۵ × ۶ × ۱۷ متر است که ساده ولی باشکوه ساخته شده است. پلکانی که این سالن را به تالار فوقانی میپیوندد با سنگهای مرمر بسیار نفیس که ماهرانه حجاری شده ساخته شده و محجر بندی گردیده است. تالار فوقانی که ۴/۵ × ۹/۴ × ۲۳/۴۰ متر است دارای سقفی است ۱۸ مریبی که در میان مترنهای ۹ طاسه و ۶ طاسه ساخته شده و در اطراف آن جدولهای بسیاری گچ بری شده است. در صدر تالار قابی است از سنگ مرمر بطول ۴۵ و عرض ۲۰ متر که تمثالی از حضرت

امیر رادر بردارد و این تمثال با پرده ای زربفت مستور است و جز در مراسم اعیاد پرده برداشته نمیشود. قالیه های نفیس، گچ بریها، تزئینات گران بها و چهل چراغ بزرگ تالار را بسیار باشکوه و مجلل نموده است.

مهمانسرا

در قسمت شرقی موزه مهمانسرای سه طبقه ای بطول ۴۰ متر و عرض ۱۲ متر برای پذیرائی مهمانان در دست ساختمان است.

مناره ها

در آستان قدس دو مناره طلا بچشم میخورد که ساختمان خاصی دارد. معمولاً مناره ها را در طرفین گنبد و نزدیک آن میسازند ولی این دو مناره بفاصله های مختلف ساخته شده است. یکی نزدیک گنبد بالای ایوان نادری در جنوب صحن کهنه و دیگری بفاصله نسبتاً زیادی در شمال صحن کهنه بر فراز ایوان عباسی. گرچه از نزدیک این عدم تقارن احساس میشود ولی در ساختمان آن عمداً این ناهماهنگی اعمال شده است تا از خیابان تهران که همه زوار از این راه وارد مشهد میشده اند در اولین برخورد با گنبد و مناره ها (گدسته ها) گنبد را در وسط و دو مناره را در طرفین آن بصورت قرینه یکدیگر به بینند زیر آن «عدم تقارن از نزدیک» برای ایجاد این عدم تقارن از دور، بوجود آمده است و این فکر بسیار درستی بوده است زیرا اولاً قرینه سازی بیشتر در دور نما زیباست بخصوص که منظره بزرگ تر از انسان باشد.

انسان از نزدیک محاط بر ساختمانهای بزرگ است و زیبایی تقارن را در نمی یابد و از دور محیط بر آن است و آنرا بخوبی احساس میکند.

گذشته از آن حساس‌ترین حالات در زوار هنگامی پدید می‌آمده که پس از ماه‌ها طی مسافت و برخورد با خطرات و حوادث بسر منزل مقصود می‌رسیده‌اند و اولین دیدار و نخستین برخورد با معشوق که همیشه تپش بیشتری دارد با ورود بخوابان تهران رخ میداده است و برای همین لحظه بسیار حساس بوده است که هوشیارانه این طرح را انتخاب کرده‌اند.

مناره نزدیک گنبد از آثار شاه طهماسب اول صفوی
 است که آنرا طلاپوش کرده است، بعد از وی که طلاهایار بسته بوده و یا ربوده شده بوده **نادر شاه افشار** به تعمیر آن پرداخت. ارتفاع این مناره از کف صحن کهنه ۴۰ و ۵۰ متر و پیرامون خارجی آن ۱۳ متر است زیر مأذنه برگرد مناره کتیبه‌هایی بخط ثلث بنائی دیده می‌شود. کتیبه ثلث بخط «بهاء الدین محمد الخادم است در سنه ۱۱۴۲ هـ».

مناره دیگر که بر بالای ایوان عباسی قرارداد ساخته نادر شاه است و همو آنرا طلاپوش کرده است و از نظر ساختمان کاملاً قرینه مناره اول است. کتیبه آن بوسیله «امیر سید احمد الحسینی سرکشیک و کلب عتبه علیه روضه رضویه محمد جعفر الخادم فی شهر رمضان المبارک ۱۱۶۴» نوشته شده است.

درهای آستانه

در حرم و رواقها مجموعاً سه جفت دراز چوب شمس وجود دارد که از قیمتی‌ترین درهای آستانه است. دو جفت در طلاپوش و

۱۷ جفت نقره پوش باچوب ششما د .

این درها هر يك یادگار کسی یا زمانی است و نیز از نظر هنری هر کدام خصوصیتی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.
درهای طلا

۱- درپیش روی امام بین دارالحفاظ و حرم بارو کش طلا.
این در بدستور ناصرالدین شاه نصب شده است. نوزده بیت از قصیده سروش طلا بر آن نقش شده و در کاشیهای پیرامون آن شعر جالبی از خواجه نصیرطوسی به چشم میخورد:
گوئی این خرم حرم خلدی بود پر رنگ و بو

لیک خلدی بر درش یکدسته ابلیس لعین!
برپیشانی در شعر ابونواس شاعر معروف عرب در مدح امام نوشته شده است. قبلا بجای آن دری از طلا مرصع بود که فتحعلیشاه تقدیم کرده بود ولی محمد حسن خان سالار در ۱۲۶۴ آنرا کنده و باطلائی آن و دیگر طلاهایی که از آستانه ربوده بود بنام خود در مشهد سکه زد.

۲- درپائین پای امام بین گنبد حاتم خان و حرم .
این در از طلائی خالص است و تاریخش ۱۲۸۴ قمری. در ترنجهای آن احادیث شیعی نقش شده است.
درهای نقره

۳- در پشت سر، بین توحیدخانه و حرم، که مشبك است و طرفین آن با پنجره نقره ساخته شده است. این در بتاریخ ۱۲۹۴ در تولیت میرزا سعید خان متولی وزیر خارجه از نقره هائیکه در خزانه موجود بوده ساخته شده است.

۴- در بین دارالسیاده و دارالحفاظ که بدستور سلطان مراد میرزا احسام السلطنه ساخته شده است.

- ۵- در نقره میان راهرو کشیکخانه و دارالحفاظ. این در بدستور همین **حسام السلطنه** ساخته شده است.
- ۶- در بین مسجد گوهرشاد و دارالسیاده که بدستور **امین الدوله زن ناصرالدینشاه** هنگام تشریف باستانه همراه پادشاه در ۱۲۸۴ ساخته شده. در ترنجهای آن آیات و احادیث نوشته شده است.
- ۷- در میان راهرو سقاخانه و دارالسیاده که بدستور **امین اقدس زن دیگر ناصرالدینشاه** ساخته اند. در ترنجهای آن بطراشعار و احادیثی نوشته شده است.
- ۸- در میان کفشداری صحن کهنه و ایوان طلاکه بر آن قصیده بسیار محکمی بسبک خراسانی نقش کرده اند باین مطلع:
- این در عالی که سود جبهه خود را
در بر آن نه رواق گنبد مینا
- ساختمان دراز زمان سلطنت **محمد شاه** و تولیت **حاجی میرزا موسی خان** است.
- ۹- دری که ایوان طلارا بر راهرو سقاخانه متصل میکند.
- ۱۰- دری که ایوان طلای صحن کهنه را بقرائنخانه وصل میکند و بدستور **مظفر الدوله** ساخته شده است.
- ۱۱- دری که ایوان طلارا بتوحیدخانه وصل میکند. این در را **امیر نظام گروسی** معروف تقدیم کرده و بخط خود بر روی آن آیاتی را نوشته است تاریخ آن ۱۲۷۱ قمری است.
- ۱۲- دری که توحیدخانه را به گنبداللهوردیخان می- پیوندد. زن **سپهسالار الدوله** حاکم بجنورد آنرا در سال ۱۳۲۰ قمری تقدیم کرده است.
- ۱۳- دری که راهرو کشیکخانه را به مدرسه علینقی متصل

میکنند. این در را بصیر الملک شیرازی در زمان تولیتش از
نقره موجود در خزانه آستانه ساخته است.

۱۴ - در میان ایوان طلای صحن نو و راهرو دار السعاده
که در تولیت میرزا جعفر خان مشیرالدوله ساخته شده
است.

۱۵ - در ورودی به دارالسعاده از طریق راهرو این رواق که
از زمان ناصرالدین شاه قاجار و در ۱۲۷۰ بمعی شریف الحسینی
سرکشیک پنجم آستانه ساخته شده است.

۱۶ - دری که صحن کهنه را به کفشداری بزرگ متصل
میکنند. بانی آن مشیرالدوله است و در تولیت میرزا کاظم
آقا داماد ناصرالدینشاه بسال ۱۳۲۳ قمری ساخته شده.

۱۷ - در میان صحن عتیق و کفشداری کوچک که بانی آن
آصفالدوله است.

۱۸ - در بین صحن نو و کفشداری قائنی ها که بانی آن
حاجی سید محمد رئیس التجار یزدی است و در ۱۳۳۵
قمری ساخته شده.

درهائیکه از چوب شمشاد ساخته شده :

۱۹ - دری که راهرو سقاخانه را به دارالسپاده متصل
میکنند و در پشت در نقره ای که امین اقدس زن ناصرالدینشاه
تقدیم کرده قرار دارد. این در از چوب شمشاد بسیار عالی است با
منبت کاریهای ماهرانه و زیبا. برپیشانی چهارچوب این در نوشته
شده است:

«امر بتجدید الباب من خالص مالہ الابد المذنب الراجی ناصر
الدوله والدين شمس الدين السجبانى تقبل الله منه فی تاریخ سنة
خمس وثلثین و سبع مائه (۷۳۵) بعمل استاد علمی نجار

نیشابوری»

چنانکه می بینیم این از قدیمترین درهای آستانه است که از چوب ساخته شده و ششصد و پنجاه سال همچنان برجاست.
۲۰ - دری که ایوان طلای صحن کهنه را به توحیدخانه متصل میکند. این در پشت در نقره ای **امیر نظام گروسی** قرار دارد و منبت کاری زیبای آن قابل ملاحظه است.

۲۱ - در میان توحید خانه و حرم (غیر از در نقره ای که در همینجا هست) از چوب شمشاد نفیس با منبت مشبك، در پیرامونش اشعار دخیل خزاعی شاعر معروف شیعه نقش شده است.
این درها هم از نظر قدمت (که هر سه مقدم بر تاریخ ساختمان ضریح فولادی است) و هم از نظر منبت کاریهای ظریفی که با قلم انجام شده از شاهکارهای هنری برجسته بشمار میرود.

۲۲ - در جواهر نشان:

در جواهر نشانی که اکنون پیش روی امام مقارن بالاسر بدیوار نصب است یاد **گارفته حعلیشاه قاجار** است که در سال ۱۲۳۳ قمری بشکرانۀ تسلط بر خراسان و غلبه بر **خان افغان وزیر محمود شاه** تقدیم داشته است.

طلای این در را **محمد حسن خان سالار** سابق الذکر در ۱۲۶۴ طلای ذوب کرد و با دیگر طلاهایی که از آستانه ربوده بود بنام خود در خراسان سکه زد ولی **حسام الدوله** در سال ۱۲۶۸ این در را با طلای ضخیم پوشانید و بادانه های درشت فیروزه و یاقوت و زمرد و لعل تزئین کرد و در تولیت **وزیر نظام** در سال ۱۲۷۰ قمری بر روی بدنه ضریح مطهر جای گرفت.

رواق های آستان قدس

دارالسیاده

در ضلع غربی حرم واقع است بطول ۳۲٫۸۶ متر و عرضهای مختلف : در وسط ۱۹٫۳۰ و در قسمت های شمالی و جنوبی ۷٫۷۶ متر و ارتفاع تازی رطاق سرسرا ۲۰٫۸۷ متر.

این رواق مجلل از یادگار های گوهرشاد خاتون زن بزرگوار شاهرخ میرزا است و بنا بر این دارالسیاده همزاد مسجد بزرگ گوهرشاد است.

دیوارهای این بنا بدستور گوهرشاد خاتون بامر مرسفید در حدود دو پا از سطح زمین بالا آمده است . یک رشته آجرهای کاشی در آن بکار رفته و در قسمت نهائی دیوار کتیبه هایی بخط نستعلیق نوشته شده است. بالای این کتیبه ها یک ردیف گچکاری شده و بر روی آن آئینه کار گذاشته اند . در شمال شرقی آن پنجره ای از نقره قرار دارد که از آن جا مزار امام رامیتوان دید. دارالسیاده نمایشگاهی از هنرهای تزئینی معماری است که هر یک در نهایت مهارت و زیبایی در آن خود نمایی میکنند. از نظر اهمیتی که این هنرها در ابنیه اسلامی و بخصوص بناهای اسلامی ایرانی دارند و نیز از نظر آنکه بینندگان آستان قدس شناخت نسبتاً کلی از این هنرها داشته باشند بطور بسیار خلاصه ای هر یک را معرفی میکنیم:

مقرنس کاری و رسمی بندی

مقرنس سازی از هنرهای ظریف و زیبای ایرانی است و ساختن آن بسیار فنی و دشوار است. قسمتی را که میخواهند مقرنس

کاری کنند ابتداءً قیماً اندازه گیری میکنند و سپس بر روی زمین مسطحی طرح آنرا رسم مینمایند و ارتفاع آنرا بطور مساوی تقسیم میکنند و با اصطلاح چندتخته تشکیل میدهند و هر تخته روی همان قسمتهای مساوی بطور عمودی بالارفته و در هر طبقه بهمان میزان که بالامیرود دایره‌ها کوچکتر میگردد و از شماره طاسه‌ها و شمشه‌ها کم میشود تا بیک شمشه بزرگ منتهی میشود و شمشه آخرین عرقچین نام دارد.

شمسه، چنانکه از نام آن پیداست، بمنزله خورشیدی است و طاسه‌ها اشعه‌آن که از شمشه میدرخشد. وجود خورشید و اشعه‌آن شاید یادگاری از هنر و اندیشه باستانی ایرانیان باشد که سابقه آن بماقبل تاریخ نیز میکشد و در آثار اولیه هنر ایرانی خورشید جایگاهی معتبر دارد.

سقف

سقف دارالسیاده بسه بخش تقسیم میشود که در میان هر بخش دایره بزرگی ترسیم شده است. دایره وسطانه کاسه و دودایره طرفین هر کدام هفت کاسه است که با اسلوب خاص و بسیار اصیلی رسمی و پیرامون آن مقرنس بندی شده است.

آئینه کاری

غالب این آئینه‌ها ساده است و اشکال هندسی مختلفی در آن رسم گردیده که آنرا اصطلاحاً گره میخوانند. قسمت دیگر آئینه کاری رنگین است که در آن اسلیمی، خطائی، و ترنج بندی و خط و کتیبه دیده میشود.

در ضلع شرقی دارالسیاده از آنجا که بطرف دارالحفاظ میروند صفحه ایست که بر بدنه آن آئینه‌های نقاشی شده و رنگین بکار رفته و در بالای در ورودی ترنجی است که بخط ثلث نوشته شده

و در زیر آن کتیبه: «کلمه لاله...» و در دو طرف در دوقاب بزرگ در آن طرح اسلیمی تو دار و لچک ترنج ساخته شده و در قسمت شمالی و جنوبی صدفه نیز دوقاب بزرگ وجود دارد که متن آن دارای طرح اسلیمی تو دار جالبی است.

روبروی این صدفه (مغرب دارالسیاده) صدفه دیگریست بسیار زیبا دارای کتیبه‌ها، خطها و نقشهای بسیار هنرمندانه، این آئینه‌کارها در سالهای اخیر انجام یافته است.

هنریت کاری و حجاری

کتیبه بزرگی که بر روی آن با خط بسیار زیبایی اشعاری نقش شده است از قسمت چپ در ورودی شمال رواق تاسمه راست آن می‌آید و گرد رواق دور می‌زند. اشعار از **ملك الشعراء صبورى** پدر مرحوم استاد **ملك الشعراء بهار** است. در دو طرف شرقی و غربی دارالسیاده در دو صدفه کتیبه‌های سنگی وجود دارد که از نظر هنر حجاری در نهایت زیبایی است.

معرق کاری

دورادور این رواق از کاشیهای معرق بسیار نفیسی پوشیده شده است. این کاشیها دارای نقشهای مسدس و مثلث است و طوری بکار رفته است که از ترکیب آنها ستاره‌های تو در توئی بوجود آمده است.

قلم زنی

درهای نقره دارالسیاده نمودارهای روشنی از زبردستی هنرمندان ایرانی است. قلمکارهای ظریف و زیبایی که بر روی این درها دیده میشود بسیار شگفت‌آور است. نقشها و طرحهای آن دارای سبك اصیل و مشخصی است و خطوط نثرت و نستعلیق آن بسیار ماهرانه حك شده است.

منبت کاری و کنده کاری روی چوب

دری که در شمال دارالسیاده است و بنام **امینه اقدس** مشهور است نمونه عالی این هنر است که متأسفانه در اثر لمس دائمی آن بوسیله زواری که برای تبرک بر روی آن دست میکشند و آنرا میبوسند قسمتی از نقشهای ظریف آن سائیده شده و اخیراً مرمت گردیده است.

ترمیم دارالسیاده از شانزده سال پیش آغاز شده و در نوروز ۱۳۴۳ بپایان رسید.

مقبره های رجال معروف

عده ای از رجال مشهور در شاه نشین دارالسیاده مدفونند از قبیل . **حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله** سپهسالار بانی مدرسه سپهسالار و بهارستان تهران که در ۱۲۹۸ قمری حاکم خراسان شد و در همین ایام در مشهودفات یافت، از علمای نامور شیخ محمد خالصی و حاجی سید عباس شاهرودی در اینجا مدفونند.

دارالحفاظ

زوار معمولاً از دارالحفاظ وارد حرم میشوند، در اینجا دعا میخوانند و «اذن دخول» میگیرند و سپس برای انجام زیارت بحرم وارد میگردند. این رواق بزرگ نیز از یادگارهای **گوهرشاد خاتون** است. دارالحفاظ میان دارالسیاده و حرم پیش روی امام قرار دارد. طول آن ۱۸ و عرض آن ۸٫۶۵ و ارتفاع آن تا زیر سقف ۲۲٫۸ متر و تا پشت بام ۲۴٫۴۶ متر است. قطعات سنگی که بر روی آن آیاتی از قرآن نقش بسته و با گلهاء و نقشهای زیبا زینت شده از رواق را از کف تا ارتفاع ۱٫۷۰ متر پوشانیده است. بالای ازاره با خطوط نستعلیق اشعاری از **قائنی** شاعر

عهد ناصری نوشته شده است .

قبل از زمان قاجاریه دیوارهای رواق با هنرمندانه ترین آثار صنعت کاشیکاری و بخصوص کاشیهای چینی که از نظر نقاشی در حد کمال این صنعت است پوشانیده شده بود ولی ذوق سطحی و هنر چشم گیر قاجاری این زیباییها را ناروا پامال کرد و آنهمه کاشیهای نفیس زمان گوهرشاد که مظهری از ریزه کاریهای هنرمندانه ای در نقش و طرح و پخت و تراش بشمار میرفت جای خود را بآئینه کاریهای فعلی داد.

دارالحفاظ بوسیله دری که به درپیش رو معروف است بحرم متصل میشود. این در با صفحات طلا پوشیده شده و خطوط و نقوش زیبایی آنرا زینت داده است.

پیرامون این در، بر دیوار دارالحفاظ، کتیبه هائی است از کاشیهای چینی مانند که از بیماری آئینه کاری قاجاریه در امان مانده و یادگاری از کاشیکاریهای گذشته این رواق است که در نوع خود بی نهایت نفیس و زیباست و جزء شاهکارهای این صنعت محسوب میشود و چون بر کاشیهای صفوی که در ایران معمول است تقدم دارد از نظر تاریخی نیز دارای اهمیت است.

آئینه کاریهای فعلی که جای کاشیهای نفیس سابق را گرفته کار سلطان مراده میرزای **حسام السلطنه** است بسال ۱۲۶۹ قمری. دارالحفاظ بادی از نقره که اخیرا نصب شده است بمسجد گوهرشاد متصل میشود.

مقبره های رجال معروف

معروفترین مردی که در این رواق مدفون است عباس -- میرزا نایب السلطنه و ولیعهد فتحعلیشاه قهرمان روشنفکر و تجدد خواه قاجار است که در ۱۲۴۹ وفات یافت.

از رجال دیگری همین **حسام السلطنه** بانی آئینه کاری رواق است و همچنین **میرزا جعفر خان مشیر الدوله**، فریدون **میرزا فرما نقر ماورکن الدوله**.

دارالسعاده

این رواق در پائین پای امام واقع است بطول ۱۲ متر و عرض ۱۰ متر از مشرق بایوان طلای صحن نو و از مغرب بکنبد حاتم خان متصل میشود و از شمال به کنبد اللهوردیخان راه دارد. دارالسعاده دارای دو قسمت است. قسمت اول بحرم و کنبد حاتم خان متصل است، قسمت دوم همین قسمتی است که بانی آن اللهیارخان است که در سال ۱۲۵۱ بر خراسان حکومت دانسته.

کنبد حاتم خان

حاتم خان اردو بادی تبریزی ملقب به **اعتماد الدوله** وزیر شاه عباس کبیر بوده است وی در سال ۱۰۱۰ برای خود در اینجا این آرامگاه را ساخت و در سال ۱۰۱۹ که در قلعه دمدم فوت کرد در اینجا مدفون شد. طول آن ۱۳ و عرض ۵ متر است.

دارالضیافه

در شمال شرقی دارالسیاده و مشرق مقبره اللهوردیخان واقع است. طولش ۱۸ و عرضش ۱۵ متر است. در سال ۱۳۲۰ قائم مقام سادات رضوی آنرا مرمت کرده است. پیش از دوران بیست ساله این رواق چنانکه از نامش پیداست سالن تشریفات و پذیراییهای رسمی آستانه بوده است.

توحیدخانه

متصل بر رواق پشت سر امام است بطول ۱۶٫۵ و عرض ۷٫۵ متر و از شمال با پنجره ای از فولاد بصحن کهنه وصل میشود. بانی

آن مولامحسن فیض کاشانی فیلسوف و دانشمند بزرگ زمان
شاه سلیمان صفوی است.

مسجد بالاسر

از رواق بالا سر امام که بگذریم بقضائی میرسیم پوشیده از
سنگ مرمریشم بطول ۷ و عرض ۵ متر که بتوحیدخانه متصل است.
پنجره‌ای از نقره میان مسجد و دارالسیاده قرار دارد. بنظر میرسد
که این همان مسجدی باشد که ابن بطوطه در رحله خود از آن
یاد میکند و آنرا در ۷۳۴ دیده است. و میگوید « برمشهد مکرم
قبه بزرگی است که در جوار آن مدرسه‌ایست و مسجدی... »
بیمه‌نی تصریح میکند که این مسجد را ابوالحسن دبیر ساخته و وی
در زمان غزنویان بوده است.

مسجد پشت‌سر

میان مسجد زنانه و توحیدخانه واقع است بطول ۱۴
و عرض ۴ متر غالباً زنان در اینجا تجمع میکنند و به دعا و روضه
و گفتگو میپردازند.

مسجد زنانه

در جنوب دارالسعاده و جنوب شرقی حرم واقع است
بطول ۸ و عرض ۶ متر.

گنبد اللهوردیخان

اللهوردیخان یکی از امرای بزرگ شاه عباس بوده
است. وی پدر امام‌قلی‌خان، سپهسالار مشهور شاه عباس است
که بایرتقالی‌ها جنگهای مردانه کرده و آنها را از جنوب بیرون
رانده است. گنبد اللهوردیخان که بر روی گور وی بالا رفته است از
داخل بشکل یک هشت ضلعی است و از نظر معماری و کاشیکاری از
شاهکارهای هنری محسوب میشود. ارتفاع آن از کف تاسقف

۱۶۲۰ متر است. ازاره گنبد تا ۱۷۹۰ متر از سنك مرمر و بیلا از کاشی معرق پوشیده است. در داخل گنبد هفت صفا در پائین و هشت صفا قرینه آن در بالا قرار دارد.

گنبد اپك میرزا

گنبد اپك میرزا که بر روی رواق تشریفات بنا شده است در مشرق دارالحفاظ و جنوب غربی گنبد حاتم خان واقع است و بر اهر و کشیک خانه شهرت دارد.

رواق‌های جدید

در قسمت متصل به مسجد بالاسر محیط بسیار محدودی وجود داشت که با ازدحام زوار برای آنکه نماز را در این مسجد برگزار کنند ایجاد ناراحتی میشد. در سال ۱۳۴۳ بعضی راهروها و دولا بچه‌ها و دیوارها و غرفه‌های میان ایوان طلا و مسجد بالاسر همه برداشته شد و رواقی وسیع و مجلل بوجود آمد که مساحتش ۱۱۰ متر مربع است و در ضلع شمالی مسجد بالاسر واقع شده. سقف آن بتون مسلح و بطرز خوانچه بندی ساخته شده و آینه کاری‌ها و مقرنس بندیها و تزیینات دیگر آن نمونه پیشرفت این هنرها در زمان ما است. در شمال دارالسیاده در سال ۱۳۴۳ رواقی احداث شد که بین کنشدارها و ایوان طلای صحن کهنه واقع است. مساحت آن ۱۴۰ متر است.

در صحن تشریفات آستان قدس رواق جدیدی بوجود آمده است متصل به دارالسدور و دارالعهزه که اکنون مشغول تزیینات و کاشیکاریهای آنند. این رواق میان موزه و صحن نو واقع است. رواقهای جدید را به تناسب اسم نایب التولیه‌های زمان، دارالسرور (دکتر شادمان)، سپهد عزیزی (دارالعهزه) و رواق دیگری را بدون

هیچ وجه معقولی «دارالشکر» نام نهاده اند.

راهرو سقاخانه

از شمال دارالسیاده وارد بنای کوچکی میشود بطول ۳ متر که بر راهرو سقاخانه متصل میشود. این راهرو ۶۵۸ متر است.

پیش ازین سنگاب بزرگی در اینجا قرار داشت که مردم از آن آب مینوشیدند و اکنون آنرا بموزه آستان قدس منتقل کرده اند و از برجسته ترین آثار تباریخی و هنری پیش از مغول است.

در چوبی که راهرو سقاخانه را بدارالسیاده متصل میسازد از شمشاد منبت است ارتفاع آن ۳ متر و بقطعات کوچک منبت کاری شده و در یک صفحه بزرگ چوب نصب شده و بسیار گرانبه است.

ساختمان این صنف یا راهرو را **بسلطان محمد بن مسعود** از امرای سربداریه منسوب کرده اند.

حرم

حرم و گنبد کنونی را برای هارون ساخته اند ولی امروز به امام هشتم شیعیان اختصاص یافته است.

در اینجا هنرمندان زبردست آخرین قدرت خود را در خلق آثار زیبای هنری خویش بکار برده اند. و نیز مردمی رامی بینید باقیافه ها و لباسها، آرایشها، زبانها و لهجه های گوناگون که پیو امون ضریح میگردند و یا کسان دیگری که بادلای سرشار از ایمان آرام در گوشه ای ایستاده و به مکاشفه فرو رفته اند. اینجا دیگر حرم هارون نیست. حرم پیشوائی است که قربانی رژیم او شد.

ساختمان حرم

پایه دیوارهای کنونی همانست که مامون بر گور پدرش در ۱۹۳ قمری بنیان کرده است. این پایه ها که از گل سرخ ترکیب یافته در طول قرن ها گنبدی بدان سنگینی را بردوش خود دارد بی آنکه گذشت روزگار باز لرزه ها و جنگها و غارتها در آنها اثری کرده باشد.

میگویند پسر وزیر سلطان سنجر بیماری سختی داشت. او را برای استراحت بجلگه طوس آوردند روزی در عقب شکاری به مزار امام نزدیک میشود، آهو بدرون مزار پناه میبرد، اسب شکارچی در آستانه حرم از رفتن بازمی ایستد و وزیر زاده هر چه میکوشد اسب پای از پا بر نمیدارد. احساس میکند که داستان مر موزی در کار است و اسب را جاذبه نیروئی دیگر چنین میخکوب کرده است. هیجان سراپای او را فرامیگیرد و پس از آرامش احساس میکند که شفا یافته است. داستانرا به پدر میگوید و پدر بسلطان سنجر. پادشاه دستور تجدید بنا و توسعه آستانه را صادر میکند و قدیمترین کتیبه ای که بر دیواره حرم به چشم میخورد کتیبه ایست که یاد کار همین داستان است و تاریخ ۵۱۵ که کهنه ترین تاریخی است که در آستانه به چشم میخورد در آن نقش شده است.

ابن بطوطه صاحب رحله معروف که در ۷۳۴ پس از خرابیها و مرمت های پیاپی آستانه را دیده است مینویسد: «پس از جام بسوی طوس راهی شدیم... بعد شهر مشهد الرضا کوچ کردیم و این شهر بزرگ است و دارای میوه و آب فراوان و برمرقد قبه ایست عظیم و در اطراف و جوانب آن مسجد و مدرسه است که دیوارها از روی ظرافت با کاشی ساخته شده و بر روی قبر صندوق است از چوب که از صفحات نقره پوشانیده شده و در مقابل مضجع حضرت

قبر هارون الرشید واقع شده. قنادیل نقره زیادی در درون گنبد آویزان شده و هر وقت رافضی (شیعی) برای زیارت داخل میشود با پای بقبر هارون میزنند و به **حضرت رضا** سلام میدهد. «
انجمن هکلویت داستان سفر روی دو کلاویور را که بعنوان سفیر از طرف دربار کاستیل در ۱۴۰۵ میلادی نزد **امیر تیمور** آمده است انتشار داد. وی در آنجا بگنبدی اشاره میکند که از نقره پوشیده شده و اضافه میکند که «بواسطه وجود همین قبر است که شهر مملو از تعداد زیادی زائر است که هر سال با آنجا میروند». سرگذشت حرم را در تاریخ مشهد و نیز در بخشی که بنام «آستانه در زیر ضربات تاریخ» تدوین کرده ایم میتوان دید. در اینجا بشرح ساختمان و تزئینات و آثار هنری آن میپردازیم :
 پس از تجدید بنای چهارم آستانه بدست **سلطان محمد الجاتیو** زلزله ای شدید بساختمانهای آستانه و مسجد صدمه فراوان زد و شاه **سلیمان صفوی** بدستکاری **شاه شجاع** بنای اصفهانی همه را مرمت کرد و شرح این داستان بر صفحات برنج مطلا در داخل دارالسیاده بالای در ورودی بدارالحفاظ ثبت شده است.

دیوار غربی حرم را که اخیرا برداشته اند تاریخ مرمت های دزدان های مختلف در آن بخوبی بچشم میخورد: دیوارهای آجری حرم ابتدا بندکشی شده بود بعد در زمان دیگری روی همان بند کشیها گچ اندود کرده و روی آن را بسبك معمول نقاشی و رنگ آمیزی کرده اند. روی این ورقه گچ را یکبار دیگر باز گچ اندود کرده اند که احتمال دارد از دوران **آل بویه** باشد. نقاشی روی گچ دوم ظریف تر و عالی تر است و برای سومین بار دیوارهای حرم گچ کاری شده و بالا آورد و طلا و شنکرف و زنگار روی آن بطرز

زیبائی نقاشی شده است که احتمالاً از کارهای دوران صفویه است.
 نادرشاه در ۱۱۵۵ هجری قمری و نقاشی حرم را تجدید کرد
 و لوح آن در پیش روی امام نصب است. نقاشی طلا و لاجورد و شنکرف
 و زنگار که سبک رایج زمان صفوی است در زمان قاجاریه بدل
 به آینه می شود و در تـولیت عضد الملک
 (زمان ناصرالدین شاه) روی این نقاشی ها
 و طلاکاریهای نفیس و زیبای حرم را گچ میگیرند و روی آنرا
 آئینه می بندند. شرح این ابتکار! بر لوحی از برنج در بالای در
 پائین پای امام نصب شده است. پس از این آئینه کاری است که در دیگر
 رواق ها نیز دست بآئینه کاری میزنند .

مختصات حرم

بنای کنونی حرم مربع و هر ضلع آن ۱۱ متر است. ارتفاع
 حرم تا زیر مقرنس ۱۸/۸۰ متر است و تا سر طوق گنبد ۳۴ متر. از ارتفاع
 حرم تا ارتفاع ۹۲ سانتی متر از کاشیهای ممتاز پوشش یافته. ضخامت
 دیوارها ۲/۸۰ و از آجر قزاقی و ملاط و گچ ساخته شده.

بعثت اینکه این حرم بر اساس گور هارون الرشید
 ساخته شده و امام پس از وی در بالاسر وی دفن گردیده است. ضریح
 طبعاً در وسط حرم قرار ندارد. قبل از تغییر اساسی اخیر ضریح
 در فاصله ۸۵ سانتی متری از دیوار غربی و با فاصله ۳۰ متر از ضلع
 شمالی و جنوبی و در پائین با فاصله ۲۰ متر از دیوار شرقی
 قرار داشت. بنابراین چنانکه پیداست با فاصله کمی که بین
 ضریح و دیوار غربی بوجود آمده بود طواف زوار را بخصوص
 در ایام و ساعاتی که زوار بیشتر بزیارت می آیند سخت مشکل
 میکرد و عبور از این تنگنا موجب ناراحتی آنان میشد.

در سال ۱۳۴۳ برای تعویض این قسمت طرحی بسیار ماهرانه تهیه گردید. اهمیت کار در این بود که میبایست دیوار غربی که ۲۹۰ متر ضخامت داشت و گنبد سنگین حرم را بر دوش میکشید برداشته شود بی آنکه بتعادل گنبد آسیبی برسد. اهمیت بیشتر این کار در طرز اجرای نقشه بود که میبایست بی آنکه حرم تعطیل گردد و در مراسم زیارت و طواف و دعای روزانه مشکلی ایجاد گردد دیواری باین ضخامت از زیر گنبد بیرون کشیده میشد. با برداشتن این دیوار بیش از دو متر از فضای که قطر این دیوار ۲۹۰ متری گرفته بود فضای حرم ضمیمه شد و بدین ترتیب قریب ۳۰ متر مربع بر وسعت حرم اضافه گردید. اکنون عرض این تنگنای سابق که ۸۵ سانتی متر بود به ۳۰۵ متر رسیده است.

علاوه بر این سه دهانه با بعد ۴ متر و ۱۲۰ متر بن حرم و مسجد بالاسر وجود آمده است.

آثار هنری حرم

چنانکه از تاریخ پیدااست اولین بار دیوارهای حرم را **سلطان سنجر سلجوقی** با کاشیهای نفیس و ممتازی که بکاشی سنجری معروف است پوشانیده است.

خوشبختانه از این کاشیهای سنجری هنوز آثاری برجاست و آن کتیبه ایست که تاریخ ۵۱۵ هجری قمری در آن دیده میشود. بر روی کاشیهای دیواره حرم تاریخهای بعدی عبارتست از ۶۱۲ که سالی است که **سلطان محمد خوارزمشاه** خود را برای هجوم به بغداد آماده حرکت از ایران میکند ولی مغولها از پشت هجوم میآورند و آن طوفانهای خونین برمیخیزد.

دیواره حرم از ارتفاع دو متری ببالا (بعد از قسمت کاشیکاری)

بدستور ناصرالدینشاه و بدست میرزا صادق قائم مقام نوری
آئینه کاری شده است.

از کاشیهای دیوارهای حرم پیداست که قبلا کتیبه‌ها و نوشته‌هایی بر آن زسم بوده که بمرور از میان رفته است. بالای ازاره کاشی دور حرم، بر روی کاشی‌های چینی بسیار ممتاز و نفیسی، کتیبه‌ای است برجسته که از در پیش روی امام (دیوار جنوبی) آغاز می‌شود و بطرف مشرق می‌رود و تا در پائین پای امام راه خود را ادامه می‌دهد، پشت صفت **شاه طهماسب صفوی** (دیوار شمالی حرم) قسمتی از آئینه‌ها **انا ارسلناک...** و تاریخ کتابت آن نیز نوشته شده است با این عبارت **«اثنین من جمادی الاخرستین و سبعمائه هجریه»** (۷۶۰ هجری قمری)

در کتیبه زیر آئینه کاری بر روی سنگی از مرمر بعرض ۳۲ سانتی متر قصیده مفصلی بخط **میرزا حسینقلی خوشنویس** کنده شده است بتاریخ ۱۲۸۷ که قصیده اگرچه در اوج هنر شعری نیست اما کتیبه در اوج هنر حجاری و خطاطی است. برجسته در جنوبی داخل حرم بر روی صفحه‌ای از طلا اشعار **ابونواس** شاعر معروف عصر **هزارون و مامون** که هنگام ورود امام به مرود در مدح امام سروده بخط ثلث برجسته نوشته شده است.

کاشیهای حرم برخی مربع است که بر روی آنها خطوط رقاع و ثلث با نقشهای اسلامی برجسته دیده میشود. برخی مسدس و مثنی و برخی دیگر کوکبی شکل است و خطوط آن غالبا برنگهای طلائی بسیار زیبائی نوشته شده است.

کتیبه بسیار مهمی که در حرم بچشم می‌خورد زیر گنبد بر سر دیوارهای حرم است که حرم را دور می‌زند. این کتیبه که ۸۰

سانتی متر عرض دارد بخط ثلث است از بزرگترین خطاط دوران
صفوی علیه سر ضاعبای.

حرم دارای چهار صفه است در چهار طرف که از آنجا آمد
ورفت میکنند و بر بالای هر يك از صفه ها صفه كوچك دیگری
(غرفه مانند) وجود دارد که حرم از آنجا روشنائی میگیرد.
کف حرم در سال ۱۳۲۷ با سنگهای صاف نزدیک به صیقلی
که دارای نقشهای طبیعی سیاه و سفید و ابسری است فرش شده
است .

نمای دوم محراب در پیش روی امام (بر دیوار جنوبی حرم)
ساخته شده است که از نظر هنری بسیار برجسته است. این محرابها
از کاشیهای چینی نفیسی ساخته شده و روی آن کاشیهای آياتی از قرآن
بخط کوفی و ثلث و غیره نوشته اند. در پایان محراب نزدیک کف
با کاشی برجسته نوشته شده: «فی ربیع الآخر سنة اثنی عشر وستمائة»
= (۶۱۲ هجری قمری) در صفه غربی حرم در طرف بالاسر
نمای محراب دیگری نیز با کاشیهای بسیار گرانها دیده میشود
که بخط کوفی و ثلث بر نك لاجوردی و زمینه سفید آیات واحادیثی
متناسب با محراب ، برجسته بر آن نوشته اند.

گنبد

گنبد بزرگ و درخشانی که بر روی حرم امام قرار دارد،

بزرگترین و نمایانترین مظهر شهر مشهد بشمار میرود.
 گنبد مطهر از نظر هنر معماری و بخصوص هنر تزئینی اسلامی
 نیز از آثار نمایان و برجسته ایران است.
 نخستین بار چنانکه در تاریخ حرم و آستانه گفتیم مامون
 بر مرار پدرش حرم و گنبدی بنا کرده است و آخرین بار
 سلطان محمد خدا بنده (الجایتو) آنرا پس از ویرانیهای
 پیشین تجدید ساختمان نمود.

تازمان شاه طهماسب صفوی سطح خارجی گنبد با
 کاشیهای گرانقیمتی تزئین یافته بود ولی در سال ۹۳۲ شاه
 طهماسب اول این کاشیها را برچید و بجای آن خشتهای طلا
 کار گذاشت ولی پس از آن عبدالؤمن خان ازبك که
 بخراسان هجوم آورد طلاها را ربود و آخرین بار شاه عباس
 بسال ۱۰۱۰ تا ۱۰۱۶ آنرا ترمیم کرد و با طلا پوشاند.

مشخصات گنبد

ارتفاع گنبد از کف حرم تا بالای گنبد ۳۱٫۲ متر است.
 پیرامون خارجی گنبد ۴۲٫۱۰، از ابتدای طلاکاری تا تیزه گنبد
 ۱۶٫۴۰ متر، ارتفاع سرطوق گنبد ۳٫۵۰ و از اول طلاکاری تا
 زیر بازو بندی ۷٫۹۴ متر.

گنبد دارای دو لایه است: لایه زیرین که از درون حرم
 پیداست مقعرو مقعر نس است.

پوشش دوم که بر روی اولی نشسته است همان است که در زمان
 صفویه ساخته و تذهیب گردیده است.

رویه گنبد با الواح مسی که صفحات نازک طلا روی آن را
 گرفته پوشیده شده است. مجموع شماره این الواح ۷۷۷ است.

کتیبه‌ها و نقش‌ها

کتیبه بزرگی بصورت يك نوار گنبد را دور میزند. این کتیبه که عرضش ۱۹۰ متر است بخط **علیرضای عباسی** بزرگترین خطاط زمان صفوی است که بسبب ثلث نوشته. ترجمه کتیبه این است: «یکی از توفیقات بزرگ خداوند سبحان اینست که سلطان اعظم، سرور ملوک عرب و عجم، صاحب نسبت پاک نبوی و حسب درخشان علوی، حاکم پای خادمان این روضه منور ملکوتی، مروج آثار اجداد موصومش، سلطان بن سلطان ابوالمظفر شاه عباس حسینی موسوی صفوی بهادر خان را توفیق داد تا از دار السلطنه اصفهان پای پیاده زیارت این حرم اشرف آید و به تزئین این بقعه از مال خالص خویش مفتخر گردید در سال ۱۰۱۰ و پایان یافت در سال ۱۰۱۶».

کتیبه دیگری، که در عهد شاه سلیمان و پس از زلزله معروف بسال ۱۰۸۶ ترمیم یافته است، بر پیرامون خارجی گنبد، بالای چهارترنج، نوشته شده در این کتیبه از وقوع زلزله و شکاف گنبد و ریختن خشتهای طلای آن در ۱۰۸۴ و ترمیم و تذهیب مجدد آن بدستور شاه سلیمان در ۱۰۸۶ یاد شده است. این کتیبه بخط **محمد رضا امامی** خطاط معروف این زمان است. در قسمت پائین گنبد چهارترنج به چشم میخورد که کتیبه‌ها در درون آن جای دارد.

ضریح

بر روی صندوق مرقد امام دوضریح روی هم قرار گرفته است. ضریح روئی از فولاد جوهری است که بسیار با ارزش و از

نقره گرانها تراست.

ضریح درونی که جواهر نشان است و از مغرغ ساخته شده و سنگهای زبرجد و یاقوت در آن بکار رفته است. این ضریح را شاهرخ نواده نادرشاه در سال ۱۱۶۰ هجری نصب کرده است و کتیبه آن که در طرف بالا زرکوب شده از بانی و تاریخ ساختمان آن سخن میگوید.

سابقاً، بروی این دو ضریح ضریح سومی نیز وجود داشت که از نقره ساخته شده بود و در دوران بیست ساله آنرا برداشتند و نقره آنرا همراه طلاهای کتیبههای زرینی که بر آن نقش بسته بود به تهران بردند و پشتوانه اسکناس قرار دادند. سقف ضریح از شیروانی چوبینی پوشیده شده و روی آنرا طلا گرفته اند. در میان این شیروانی زبانه طوقی از طلاست که جواهر نشان است.

ضریح جدید

در سال ۱۳۳۶ با اهتمام آقای حافظیان برای جمع آوری مواد و هزینه های لازم و نظارت حاجی محمد تقی ذوفن اصفهانی استاد شروع ساختمان ضریحی مبرم و گرانها شد که از نظر هنری بسیار جالب توجه است. این ضریح که اکنون بر روی مرقد مطهر قرار دارد پس از دو سال و نیم کار در دیماه ۱۳۳۸ (نیمه شعبان ۱۳۷۹ قمری) نصب گردید.

مشخصات ضریح جدید

مصالحی که در ساختمان این ضریح بکار برده شده عبارتست از: نقره با عیار نود با استثنای سلمی های زیر گلدان لبه ضریح که بعلت لزوم استحکام آن عیار کمتری دارد بوزن ۳۳۸۴۸۸ مثقال. طلای عیار ۱۸ بوزن ۲۰۵۲/۱۰ مثقال. معادل يك تن

مفرغ. بیش ازدوتن چوب گردوه خشك بسیار قدیمی که از برش
سه تن چوب بدست آمده است و بیش ازدوتن آهن. بنا بر این وزن
ضریح جدید در حدود هفت تن میشود.

ضریح جدید از چهارده دهانه تشکیل شده است. ارتفاع
ضریح از کف ۳۶۰ متر، طول آن ۴۰۵ متر و عرض ۳۰۶
متر است.

میان هر دو زاویه از پنجره های ضریح يك صفحه بیضی
از طلا که مجموعاً ۱۸ عدد میشود نصب شده است و بر روی هر يك
احادیثی بخط شیخ احمد زنجانی مرقوم شده است.
بر روی هر يك از دهانه های ضریح از پیش روی امام یکی
از اسماء چهارده معصوم بر صفحه ای از طلا بخط ثلث بوسیله حاج
شیخ احمد زنجانی نوشته شده و گرد هر يك از صفحات فیروزه
نشان شده است.

در چهار گوشه ضریح چهار خوشه انگور از طلا نصب است که
وزن مجموع آن ۱۲۵۰ مثقال میباشد.

دورادور لبه ضریح صفحاتی از طلای ناب بوزن چهار هزار
مثقال، که بر آن سوره یس بخط ثلث آقای فضائلی اصفهانی
نوشته شده است، کار گرفته اند.

بر بالای کتیبه سوره یس بر لبه ضریح ۴۴ برك از نقره ملمع
بطلایین ۴۴ گلدان ملمع بطلا بطرز بسیار زیبایی نصب شده و در
نمای هر يك صفحه ای محراب و مدور ایجاد گردیده که بر روی
هر کدام یکی از اسماء الحسنی، نوشته شده و زمینه صفحات
مزبور مینا کاری لاجوردی شده و گلهای رنگینی بر آن نقش
کرده اند و خطوط برجسته آن را آب طلا داده اند. این اسماء
بخط ثلث بقلم شیخ احمد زنجانی معصومی نوشته شده.

سقف ضریح از نقره است که با طلا آنرا پوشانیده‌اند و آنرا با گلهای درشت و برجسته‌ای در وسط تزئین کرده‌اند . چهار کتیبه بخط ثلث بقلم محمد رضوان کتیبه نویس کنونی آستانه بر روی صفحات طلا در چهار سوی سقف بچشم میخورد .

سقف ضریح از داخل بارنگ روغن سفید و آبی بصورت زیبایی تزئین شده و دورا دور آن بخط ثلث سفید بر زمینه لاجوردی و همچنین بخط کوفی طلایی آیه نور نوشته شده است . در کتیبه دیگری چهل و چهار اسم خدا و در درون آن پنجاه و شش اسم دیگر خدا که می‌جوه و عا ۱۰۰ اسم میشود نوشته شده است . هر گاه حروف اول چهل و چهار اسم را بر دیف بنویسند این عبارت بدست می‌آید :

«سنة غ ش ع ط (۱۳۷۹) هجری بسمی سید ابوالحسن حافظیان فراهم و نصب شد»!

حروف اول پنجاه و شش اسم را اگر کنار هم بنویسیم و مکورات آنرا حذف کنیم این جمله مناسب بدست می‌آید :

«صراط علی حق یمسکه» (راه علی حق است که بدان تمسک می‌جویند).

صفه دوق و طهر

ابن بطوطه که دیدار خود را از مشهد و حرم امام در رحله معروفش آورده است درباره حرم میگوید : «مشهد امام رضا قبله بزرگی دارد . قبر امام در داخل زاویه ایست که مدرسه و مسجد در

کنار آن است و... روی قبر ضریحی چوبی قرار دارد که سطح آنرا با صفحات نقره پوشانیده اند...

بنابر این آنچه مسلم است بر روی مرقد امام قبل از قرن هشتم صندوقی چوبی قرار داشته است. برخی گفته اند که نصب صندوق در سال ۵۰۰ هجری صورت گرفته است و حتی گفته اند از همان آغاز دفن حضرت صندوقی بر روی مرقد مطهر نصب کرده اند و این بسیار طبیعی بنظر میرسد.

برخی گفته اند که انوشیروان مجوسی اصفهانی که از صاحب منصبان سلطان محمد خوارزمشاه بود مامور میشود که نزد سلطان سنجر برود و با عبور از مشهد در جوار امام از بیماری که درنج میبرده شفای یابد و مسلمان میشود و بسپاس این عنایت صندوق نقره ای بر مرقد امام نصب میکند.

ابتدا شاه طهماسب اول صندوقی که با تنگه ضخیم طلا پوشیده شده بود بر روی مرقد نصب میکند و یا همان صندوق سابق را طلا پوش مینماید. بعد در زمان شاه عباس صندوق جدیدی طلا پوش میشود و با کتیبه ای بخط علیرضای عباسی و نقشهای گلبرگ بسیار زیبا بر روی مرقد قرار میگیرد. در قسمت پائین پای امام بر روی این صندوق این عبارت نوشته شده است: «کلب آستان شاه ولایت عباس الحسینی الموسوی الصفوی تقدیم نمود سنه ۱۰۲۲»

نادر میرزا و نصرت الله میرزا نوه های نادر شاه تنگه های طلای صندوق را با قندیل بزرگ زرین و قفل مرصع که نادر شاه بنذر فتح هند و ترکستان در سال ۱۱۵۳ هجری قمری تقدیم کرده بود با دیگر تزئینات قیمتی تصرف کردند و بنام خود طلاها را سکه زدند. مردم که از تصرف این طلاهای غصب شده خود داری میکردند هر چه را از آن می یافتند پنهانی بمرحوم میرزا مهدی هجته پد می سپردند

واو هر چه را توانست جمع کند مجدداً بر جای خود نصب کرد. البته این مجاهدت بقیمت جاننش تمام شد زیرا بدست نصرت الله میرزا کشته شد.

در سال ۱۳۱۱ شمسی این صندوق برداشته شد و بموزه انتقال یافت و کتیبه های طلا که بخط علیرضا عباسی بود بدستور شاه قمید با تنگه های ساده طابوزن ۳۶ هزار مثقال، و نقره های آستانه که ۶۰ هزار مثقال وزن داشت بته-ران منتقل و پشتوانه اسکناس شد و در مقابل آن املاک قشقایها در منطقه درگز خریداری و وقف آستانه گردید. این کتیبه ها مجدداً پس از شهر یور باستانه مسترد شد. در همان سال که صندوق شاه عباسی را برداشتند صندوقی از مرمر که از یازده قطعه سنگ ترکیب یافته بود بجای آن نصب کردند. سنگ های مرمر این صندوق سبز لیموئی است و از مرمرهای نفیس خراسان است (از معدن شانندیز) ابعاد آن عبارت است از ۲۱۰ متر طول و ۱۶۰ عرض و ۹۵ سانتیمتر ارتفاع.

در کف صندوق پا کاره ای از جنس همان سنگ مرمر صندوق گذاشته اند. داخل ضریح از بلور فرش شده و این فرش بلورین را فتحعلی شاه در سال ۱۲۳۸ قمری نصب کرده است.

مراسم و تشریفات دربار آستانه

مقامی که حضرت رضا بعنوان ولایتعهد مأمون داشته است و بخصوص رتبه سلطنتی که قرن ها است در ایران وجود دارد موجب شده است که با اصطلاحات و مراسم درباری و سلطنتی از مقام امام تجلیل

کنند. امام رضا^ع السلطان علی بن موسی الرضا سلطان خراسان... خوانده میشود و حرم و آستانه^{دربار}، دربار و لایتمدار و بارگاه... این طرز تلقی بصورت يك سلسله مراسم و تشریفات اداری و رسمی خود نمائی میکند که چون جالب و در نوع خود بی نظیر است در اینجا بطور خلاصه نشان داده میشود:

کشیك

ماموران اداره حرم و بیوتات آستانه دارای پنج کشیك هستند و هر کشیك مدت بیست و چهار ساعت در آستانه انجام وظیفه میکنند و پس از گذشت این مدت جای خود را به کشیك دیگر میدهد. قبل از دوران بیست ساله ماموران آستانه سه دسته بودند :

۱- خدام

خدام کسانی هستند که اداره داخل حرم بعهدہ آنان است.

۲- فراشان

اینان مامور بیوتات و رواقهای متصل به حرم هستند.

۳- دربانان

این گروه در دو صحن انجام وظیفه میکنند.

شماره این سه گروه پیش از دوران بیست ساله به شمار بوده و بخصوص خدام و روسای کشیك دارای نفوذ و اعتبار بسیار بودند. در دوران بیست ساله بدنبال تحولات اساسی که در کار آستانه پدید آمد این سه دسته که بطور افتخاری کار میکردند اخراج شدند و تصمیم گرفته شد که بجای آنان عده ای محدود با شرایطی معین و حقوق مشخص بطور رسمی استخدام شوند تا هم دارای مسئولیت باشند و هم راه سوء استفاده از این مقام بسته باشد. ازین رو بجای خدام، فراشان و دربانان دو گروه زیر استخدام گردیدند:

۱- پاسداران

که بجای خدام انجام وظیفه میکردند.

۲- پاسبازان

که جانشین فراشان شدند.

۳- سرایداران

مامور آشپزخانه - مستراحها - باغهای آستانه و بیمارستان
شاهرضا شدند و همگی لباسهای اونیفورم دارند .

ولی بعدها عده‌ای از خدام، فراشان و دربانان بخدمت سابق
بازگشته و بطور افتخاری بانجام وظیفه مشغول شدند و در کنار
ماموران استخدای این ماموران افتخاری نیز خدمت میکنند .

اکنون خدام مامور باز کردن و بستن درهای حرم هستند، از
ساعت ۱۰ تا ۱۱ شب مشغول بستن درها میشوند تا ساعت دو صبح حرم
بسته است و درین مدت نظافت و گردگیری و کلابزنی و شستشو و غیره
شروع میشود . درموقع زیارت اگر احتمالاً جائی آلوده شود این
عده عمل «کرگیری» را انجام میدهند.

پاسداران در داخل حرم مامور انتظامات و حفظ زوار
از سرقته‌ها و تصادفات و گم شدن‌ها و غیره‌اند . در دو طرف هر دری از
حرم دو پاسدار ایستاده‌اند .

فراشان همان وظائفی را که خدام در حرم دارند اینان در
رواقها انجام میدهند پاسبانان حفظ انتظامات و اداره صحنین و نظارت
بر قبور و تدفین جنازه‌ها را برعهده دارند .

غیر از این شش گروه : خادم - پاسدار - فراش - پاسبان - دربان
- سرایدار که هر يك دارای پنج كشيک هستند دسته‌های دیگری نیز در

آستانه ماموریت های خاصی را انجام می دهند:

حفاظ

در دارالحفاظ بر دیف در دو ضلع می نشینند و رحل های بزرگی با شمع دانه های برنجی در جلو شان قرار دارد و بتلاوت قرآن مشغول میشوند. در این موقع خدام موظفند در صفه بنشینند و تلاوت قرآن را استماع کنند. بعد از ختم قرآن خطیب باشی حفاظ و صدورالحفاظ خطبه میخوانند.

یکی از قراء قرآن در ضمن تلاوت «دوازده امام خواه نصیر- طوسی» را با صدای بلند میخواند و در ختم همگی با آواز بلند او را همراهی میکنند.

کفشبانان

این عده مستخدم رسمی آستانه اند و در کفش داریها انجام وظیفه میکنند. در مسجد گوهرشاد دو کفش داری، در صحن نو نیز دو تا و در صحن کهنه چهار کفش داری وجود دارد.

موزنها

این عده مامور گفتن اذان در مناره های آستانه هستند.

نقاره چی ها

چنانکه گفتیم از زمان بابر شاه در آستانه نوت میزنند و هر صبح و شام اعیاد و شبهای ماه رمضان (غیر از ایام سوگواری) نقاره میزنند.

آشپزخانه

آشپزخانه حضرتی هر روز تا صد و پنجاه نفر را اضافه بر کارمندان داخلی آستانه اطعام میکند و زوار غالباً برای تبرک دوست دارند یک بار از این غذا بخورند.

اداره تشریفات

تشریفات آستانه وظیفه‌اش اداره پاسداران ، پاسبانان و سرایداران است و نیز هدایت زوار و پذیرائی از مهمانان آستانه بر عهده این اداره است.

اداره تشریفات تحت ریاست رئیس تشریفات که از طرف نایب التولیه تعیین میشود اداره میگردد.

مراسمی که در آستانه برگزار میشود اگر مراسم جشن باشد برگزاری آن بعهده اداره تشریفات است و اگر مراسم عزاداری و سوگواری است بر عهده خدام قدیمی .

غبارروبی

یکی از مراسم بسیار دقیق و مهم آستانه غبارروبی، ضریح است که سالی یکبار انجام میشود. در این مراسم ابتدا در صحن ها و رواقها و حرم همه بسته میشود کلیه فراشها، دربانها و خدام و روسای شهر و صاحب منصبان و روحانیون با حضور نایب التولیه در مراسم شرکت میکنند. درین موقع در ضریح را باز کرده چند تن از روحانیون مشهور وارد ضریح میشوند و کلیه نذر ها را (پولها و اشیائی را که زوار بداخل ضریح افکنده و تقدیم امام کرده اند) در کیسه های مخصوصی جا داده در برابر حضار مهر و موم میکنند و صاحب منصبان کیسه ها را در خزانه باز کرده صورت بر میدارند و پولها را بحساب آستانه میریزند و اشیاء نفیس و جواهرات را بخزانه تحویل میدهند .

مساجد

مرکزیت آستان قدس ، توجه فراوان مردم و تمرکز

زوار و زیارت روزانه آستان قدس و از طرفی وجود رواقها و صحنها و بیوتات متعدد و وسیع و مفروش آستانه از احتیاج بساختن مساجد معتبر در نقاط مختلف شهر کاسته است زیرا زوار غالباً در پیرامون آستان قدس منزل میگردند و ساکنان شهر نیز چون غالباً هر روز و یا لااقل هر هفته بزیارت میرفته‌اند نمازهای یومیه و مراسم مذهبی جمعه را در آستان قدس انجام میدادند. بخصوص مسجد بزرگ و پر شکوه گوهرشاد که از اوایل قرن نهم یعنی از زمانیکه مشهد بسرعت روبه توسعه میرفته در کنار آستان قدس وجود داشته است احتیاج بمسجد را تا حد بسیاری رفع میکرده است و ازین جهت است که مساجد دیگر مشهد غالباً فاقد اعتبار هنری و قدمت تاریخی است.

مسجد گوهرشاد

مسجد گوهرشاد ۵۰ × ۵۵ متر است و دارای چهار ایوان و

چند شبستان بزرگ میباشد:

ایوان مقصوره:

ایوان جنوبی مسجد را که بلندترین ایوان مسجد است «مقصوره» کوتاه‌مینامند و این يك صنعت ادبی است (تسمیه قلب = نامگذاری معکوس) این ایوان دارای دو گنبد بسیار زیباست با دو مناره. در دهانه بیرونی ایوان کتیبه‌ایست بخط **بایسنقر** فرزند **شاهرخ** بزرگترین ثلث نویس این دوران. ایوان با ارتفاع ۲۵٫۵ متر است. دهانه آن ۱۲ متر و طولش ۳۴ متر و ارتفاع مناره‌ها ۴۳ متر و ارتفاع گنبد نیز ۴۳ متر است. خطوط دیگر از **محمد رضا امامی اصفهانی** است (بتاریخ ۱۰۸۷) خطاط معروف دوران صفوی.

تا چندین سال پیش در وسط صحن مسجد، مسجد دیگری بنام پیرزن (بتلفظ عموم ولی بیوه زن بنا بکتابت مطلع الشمس) بود بشکل مربع هر ضلع ۱۲ که در چهار طرف آن چهار حوض قرار داشت و آب نهر

خیابان از آن میگذشت . برای توجیه وجود مسجدی در درون مسجدی دیگر میگویند اینجا منزل پیره زنی بوده که حاضر نشده است آنرا بگوهر شاد بفروشد و پس از مرگش آنرا وقف کرده است تا مستقلاً بصورت مسجدی باشد و این داستان سرگذشت طاق کسری و کجی آن را در خاطره ها زنده میسازد.

در درون ایوان محرابی است با کتیبه ای از کاشی معرق که با خط کوفی زرد آیه الکرسی نوشته شده است . در پائین گلدسته ها قصیده ای است بخط نستعلیق بر روی کاشی در ۱۸ بیت باین مطلع :

در آستان ملک پاسبان خسرو طوس

رضا ولی خدا شاه آسمان خرگاه
و در آخر بیتی است که در نوع خود اعجاز آمیز است چون
ماده تاریخ ساختمان گلدسته را که حاص گفتن اذان است با این
تناسب و سادگی شگفت انگیز سروده است :

سراز در بچه موذن برون نمود و سرود

« اذان اشهدان لا اله الا الله »

ایوان دارالسیاده :

ایوان همای مسجد است . در بالای سردر نقره انیس الدوله
با کاشی معرق بخط زرد نوشته است « قد وقع تعمیر هذا المسجد الجامع
فی ایام دولة الخاقان الاعظم شاه عباس الصفوی الحسینی من عین
مال المنفور المبرور خواجه سفر الجیلانی بسعی الفاضل الصالح
المتقی مولانا حسین الخادم الجیلانی طلب النیل ثواب الاخروی
کتبه محمد حسین الشریف »

در طرف راست این کتیبه نوشته شده است « الامر بعمارة
هذا المسجد صاحب الرشد والرشاد المظنه گوهر شاد » . و در طرف
چپ آن : « قد وقع تعمیر هذا المسجد الجامع فی ایام دولة الخاقان

شاه عباس من عین مال المغفور خواجہ سفر جیلانی».

از کتیبه و پیشانی ایوان برمیآید که در زمان شاه سلیمان صفوی این «بیت و مقام» عمارت شده است (۱۰۸۷) این کتیبه نیز بخط محمدرضا امامی اصفهانی خطاط معروف این دوران است.

ایوان غربی

در هر يك از دو طرف رواق و پشت بقیله سه طاق وجود دارد که اسماء الله در آن نوشته شده است. سورة «سبح اسم» با کاشی معرق کتابت یافته.

ایوان شرقی

تمام خطوط این ایوان از کاشیهای معرق بسیار نفیس و زیباست. ایوان دارای چند غرفه است که بر پیشانی هر يك آیات قرآن نوشته شده. کتیبه دور ایوان چنین پایان میپذیرد:

«کتاب ابراهیم فی سنة هزار و دوست و سی و شش» و در دو طرف ایوان کلامه «علی» بخط بنائی در شکل مربعی بچشم میخورد. بر کایه پایه های مسجد تالب غرفه از کاشی های معرق بسیار زیبا «الله الباقی» نوشته شده.

معمار این مسجد قوام الدین بن زن الدین طیان شیرازی است که مسجد روی خواف را نیز اوساخته و معمار معروف دربار گوهرشاد بوده است.

منبر صاحب الزمانی

منبر صاحب الزمانی یا منبر صاحب شاه که در داخل ایوان مقصوره مسجد گوهرشاد قرار دارد در سال ۱۲۴۲ زمان فتحعلیشاه قاجار بدست استاد محمد خراسانی ساخته شده و یکی از شاهکارهای برجسته هنر منبت کاری چوب است.

مسجد شاه

در آخر بازار سرشور مسجدی کهنه بامناره های سرشکسته
به چشم میخورد . تاریخ بنای این مسجد ۸۵۵ است . این مسجد
دارای گنبدی است که کاشیهای آن غالباً ریخته و لی کتیبه زیبای آن
هنوز به چشم میخورد . زیر کتیبه صفه ایست که از آنجا وارد این
بنای مربع میشوند . در اطراف دهنة این صفه نوشته هایی است
شامل صلوات و آیات قرآن . گلدسته های دارای ترنجهای متعددی
است که اسماء الله در آن هنوز دیده میشود .

قبلة این مسجد انحراف دارد و این امر موجب شده است که
معتقد شوند که این مسجد را وهابیها ساخته اند ، عرض مسجد ۲۵
و طولش شش زرع است . فضای مسجد وسیع بوده ولی بتدریج از
آن کاسته شده . بر رزی کاشیهای ایوان این عبارت خوانده میشود:
«الامیر ملک شاه اعرج الله معارج دولته»

در طرف راست بالای ایوان نوشته شده . « عمل احمد
پسر شمس الدین محمد معمار تبریزی به تاریخ ۸۵۵ »
اکنون قسمت بالای مناره خراب شده و مسجد در شمار آثار
باستانی نگهداری میشود .

مسجد امام رضا

این مسجد در کنار قبرستان قتلگاه مشهد واقع است . بر سنگی
که در دیوار غربی خارج مسجد نصب است خطی از علیرضای
عباسی بزرگترین خطاط دوران صفویه به چشم میخورد .
بنای مسجد در زمان شاه عباس بوده است در سال ۱۰۱۱ و لی
معروف است که امام رضا (ع) در آن جا نماز خوانده است و بر فرض
که این روایت از نظر تاریخی درست نباشد بر قدمت بسیار آن
گواهی میدهد .

مسجد آب انبار

این مسجد در پائین خیابان واقع است و بر روی يك آب انبار ساخته شده . كتیبه مسجد كه از كاشی معرق زرد رنگ است بخط علیرضا عمادی خطاط معروف است . ساختمان در زمان شاه عباس ثانی است بسال ۱۰۵۲

مسجد نائب

در بالای خیابان نزدیک مدرسه نواب مسجدی است دارای يك صحن و سه شبستان كه همزمان با مدرسه نواب ساخته شده است ولی در سالهای اخیر تجدید بنا شده و آثاری از ساختمان قدیمی هنوز برجاست .

از مساجد دیگر مشهد : مسجد صدیقیه در بازار بزرگ مسجد محراب خان كه از مساجد دیدنی است ، مسجد مقبل در سراب كه بانی آن ابوتراب خان مقبل السلطنه است .

مسجد بالاسر

این مسجد كه بحرم مطهر متصل است قدیمیترین مسجد موجود در مشهد است .

بنقل از استاد دکتر فیاض استاد دانشگاه تهران بانی آن ابوالحسن دبیر معاصر سلطان محمود غزنوی است (رجوع كنید به بخش مربوط به آستان قدس) .

مدارس قدیمه

شهر مشهد از آن رو كه بر محور قبر امام رضا علیه السلام .

ساخته شده است اصولاً يك شهر شیعه زاد است و بنا بر این آثار مذهبی آن از آن رو که تماماً شیعی است نمیتواند دارای قدمت زیاد باشد زیرا علیرغم قدمت مذهب شیعه حکومت و آزادی قطعی شیعه در تاریخ ایران از روزگار صفویه بعد است و ازین رومدارس قدیمه مشهد نیز ازین زمان عقب تر نیست .

این مدارس از نظر اهمیت و اعتباری که داشته اند و دارند قابل مطالعه اند زیرا مشهد یکی از بزرگترین حوزه های علمی اسلامی بوده و هست و علمای بزرگ و مراجع پرنفوذ عالم شیعی بسیار در این شهر بتحصیل و تدریس و زعامت مذهبی پرداخته اند . در اینجا به ترتیب زمانی مدارس قدیمه مشهد را معرفی میکنیم :

مدرسه بالاسر ۸۰۰ ❁

این مدرسه از آن رو که در بالا سر امام واقع شده باین نام شهرت یافته است . بانی آن چند تن از شاهزادگان از بک اخلاف امیر تیمور بوده اند و در ۱۰۹۱ زمان شاه سلیمان بامر میرزا محمد وزیر خراسانی ترمیم اساسی یافته است .

مدرسه پریزاد ۸۴۰ *

در همان سال که گوهرشاد زن بلند همت شاهرخ میرزا به بنای مسجد گوهرشاده شغول بود پریزاد خانم کنیز وی نیز دست اندر کار بنای این مدرسه، نزدیک همین مسجد، بود و موقوفاتی بآن اختصاص داد .

مدرسه در ۱۰۹۱ بامر نجفقلی خان بیگلربیگی قندهار مرمت گردیده این مدرسه حالت خاصی دارد . میگویند پریزاد خانم اینجا را برای سکونت علما و فضلائ که بعنوان زیارتیاد تدریس و وعظ بمشهد مبادمه اند ساخته است تا در ایام اقامت در

❁ تاریخهای ذکر شده تقریبی است .

آنجا سکونت کنند و مسکن و پذیرائی برای آنان یا مهمان داران آنان موجب زحمتی نباشد . اکنون نیز طلاب بیش از سه ماه حق ندارند در حجره های آن سکونت کنند .

مدرسه دودر ۸۴۳

از آثار زمان شاهرخ است ، همزمان با مسجد گوهرشاد ساخته شده است .

بانی آن غیاث الدین یوسف خواجه بهادر یکی از امرای خراسان است و در ۱۰۸۸ با مرشاه سلیمان صفوی مرمت شده . مدرسه دارای دو گنبد است که یکی از آن دوبردوی گوربانی آن قرار دارد . این مدرسه از قدیمی ترین مدرسه های است که امروز در مشهد وجود دارد . اکنون یکی از مدارس فعال و زنده شهر محسوب میشود و در بازار بزرگ واقع است .

خیرات خان ۱۰۵۸

در زمان شاه عباس دوم بوسیله خیرات خان (خیرات حسان) بناشده است . این مدرسه در بست پائین خیابان واقع است .

مدرسه میرزا جعفر ۱۰۵۹

دارای کاشیهای معرق و سبك معماری بسیار ممتاز و حالب است و بزرگترین مدرسه مشهد محسوب میشود . بانی آن میرزا جعفر نامی بوده است که میگویند در هند خدمتکار هندیان بوده است . پس از مرگ ارباب اموال او را حراج میکنند و صندوق کهنه ای را بی آنکه از درون آن اطلاعی داشته باشد ب حراج میگذارند میرزا جعفر که از جواهرات و نفایس صندوق مطلع بوده است آنرا باندك بهائی میخرد و از آن سرمایه ای میسازد و بتجارت میپردازد و پس از بیست سال قصد ترك هندوستان میکند و از قسمتی از اموال او این مدرسه بزرگ ساخته میشود و موقوفات بسیاری بر آن اختصاص

داده میشود . (رجوع کنید بـداستان مدرسه پائین پا یا سعدالدین)
مدرسه میرزا جعفر در ۱۲۸۵ بدستور ظهیرالدوله وزیر خراسان
مرمت گردیده است .

مدرسه نواب ۱۰۷۶

بوسیله نواب میرزا صالح که تقیب سادات رضوی بوده
است در زمان شاه سلیمان صفوی ساخته شده است . از مدارس
معتبر و فعال مشهد است و در خیابان نادری (بالا خیابان) قرار دارد .

پائین پا یا مدرسه سعدالدین ۱۰۷۸

داستان بنای این مدرسه نیز با داستان مدرسه میرزا جعفر
بسیار همانند است . سعدالدین ایرانی بینوایی بود که در هند
گدائی میکرد . روزی پیر مردی هندی باو میگوید که چشم
تورامی بندم و بخانه ام میبرم تا آنجا کار کنی و این مبلغ هم
بتو مزد خواهم داد . گدای ایرانی قرار رامی پذیرد . در خانه
بدستور هندی چاهی حفر میکند و روزها مسکوکات و جواهرات
را در آن پنهان میسازد و در پایان هر روز چشم او رامی بندند و
در شهر رهایش میکنند . روزی برای اینکه بفهمد خانه کجاست
در ضمن کار گریه ای را میکشد و پوست میکند و آن پوست را از
جواهرات پر میکند و به بیرون خانه پرتاب میدهد و احساس میکند
که پشت دیوار منجلابی است که پوست در آنجا افتاد . پس از
پایان کار از وسط شهر بسراغ خانه میرود و بالاخره پس از
جستجو ها منجلاب و پوست گریه و بالاخره خانه رامی یابد ولی
صبر میکند تا پیر مرد صاحب خانه میمیرد و ورثه او بی اطلاع از
گنجهای پنهانی خانه رامی فروشد و گدای زیرک ایرانی با
محتویات آن پوست گریه خانه را میخرد و گنجها را بایران

حمل میکند و با قسمتی از آن مدرسه پائین پارامی سازد!

افسانه هائی از قبیل افسانه سعدالدین و میرزا جعفر از آن دسته افسانه هائی است که دروغ بودنش بیشتر از راست بودنش ارزش دارد زیرا اگر راست باشد حوادثی است شنیدنی ولی اگر دروغ باشد (که بیشتر هم دروغ مینماید) میرساند که گروهی که از راههای غیر مشروع باغصب و تجاوز و سرقت اموال هنگفتی بچنگ میآورده اند با ساختن این آثار خیریه و نیز ساختن اینگونه افسانه های هندی میکوشیده اند تا جمع آوری این همه ثروت را در نظر مردم توجیه کنند و بدینوسیله تطهیر شوند تا شائبه دزدی کجا آورده ای ۱۹ « اذهان را مشوب نسازد و نیز معتقد شوند که این مدرسه یا مسجد یا آب انبار یا موقوفه دیگر از مال پاک و طاهر ساخته شده است. چنانکه پادشاهان صفوی غالباً برای رفع این شائبه بر روی بنای خیری که میساخته اند بصراحت مینوشته اند که از خالص مال شخصی مادرم یا خودم ساخته شده است...!

فاضلخان

مدرسه معروف و بزرگی بوده است و مدرسین بنام داشته و دانشمندان بسیاری در این مدرسه تحصیل کرده اند. بانی مدرسه ملا عبدالله تونی است معاصر شاه عباس دوم. در دوره بیست ساله برای احداث فلکه اطراف آستان قدس این مدرسه ویران شد. مدرسه فاضلخان در محل مهمانخانه طوس و قسمتی از فلکه که مجاور آنست و مسافرخانه ها و مغازه های مقابل مهمانخانه قرار داشته است.

بانی مدرسه بر روی سنگی شرایط پذیرش طلبه را نوشته و صریحاً با ذکر علت، ورود طلاب عرب، مازندرانی و هندی را ممنوع کرده است.

عباسقلی خان ۸-۱۰۷۷

بانی آن عباسقلی خان بیکلربیگی مشهد در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی بوده است مدرسه در بامین خیابان واقع است و مسجدی نیز ضمیمه آن است که در کتیبه پیشانی آن تاریخ بنا و نام شاه سلیمان نوشته شده است .

باقریه ۱۰۸۳

در کتیبه سنگی در مدرسه بخط رقاع نوشته شده است که مدرسه در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی ساخته شده بسال ۱۰۸۳ بانی آن ملا محمد باقر سمیزواری شیخ الاسلام زمان شاه سلیمان از علمای معروف شیعه است و سرمایه آن راهب لاهوتی محمد بدیع پرداخته است . مدرسه باقریه در بالا خیابان واقع است .

مدرسه بهزادیه ۱۰۸۵

بدستور ملک بهزاد خان معاصر شاه سلیمان صفوی ساخته شده است . این مدرسه به مدرسه حاج حسن معروف است و در بالا خیابان قرار دارد . تاریخش در کتیبه مدرسه که بخط رقاع نوشته شده سال ۱۰۹۰ است و این اختلاف تاریخ شاید از اعتبار کردن آغاز و انجام بنا ناشی شده باشد .

مدرسه سلیمان خان

این مدرسه تنها مدرسه ایست که از زمان قاجاریه در مشهد وجود دارد و تاریخ بنای آن ۱۱۱۵ هجری زمان آقامحمدخان قاجار و بانی آن سلیمان خان اعتضاد الدوله قاجار است . مدرسه سلیمان خان در کوچه حمام شاه واقع است .

ابدال خان (بقول صاحب مطلع الشمس عبدالخان) .

صاحب مطلع الشمس میگوید بانی این مدرسه دستور داده بود در اطاقها طاقچه نسازند زیرا طلاب از فرط تنبلی حالت

برخاستن و کتاب از طاقچه برداشتن و مطالعه کردن ندارند و باید مجبور باشند که کتابهایشان را روی زمین بچینند تا همیشه در دسترسشان باشد.

این مدرسه در کنار مقبرهٔ پیر پالا ندوز واقع است در پائین خیابان .

* * *

دیدنیهای مشهد

آرامگاه نادر

نادر (۱۱۶۰-۱۱۰۰) که به ناپلئون شرق معروف است، هنگامیکه ایران با انقراض صفویه و تسلط محمود و اشرف افغان روزگار تباهی را می گذراند، نادر از خطه خراسان برخاست. مدعیان محلی را خاموش کرد، اصفهان را از آفاغنه رهایی داد، امپراطور عثمانی را شکست و در ۱۱۴۸ در دشت منان مجلسی ترتیب داد و در آن جای به فتوای حاضران خود را پادشاه ایران خواند .

شورشیان خوارزم و قفقاز و ماوراء النهر را خاموش کرد، قندهار را گرفت و در ۱۱۵۱ محمدشاه سلطان هند را شکست داد و مجدداً تاج سلطنت را به وی تفویض کرد . چون فرزند رشید خود نادرقلی میرزا را از روی سوءظن کور کرد، احوالش دگر گونه شد و در تندخویی مبالغه کرد، و سرانجام در یازدهم جمادی الثانی سال ۱۱۶۰ به دست پنج تن از سران قزلباش کشته شد. نادر در نظر داشت که بر سرگور خود بنائی همانند تاج محل در هند

بسازد، و دستور داد که از مراغه سنگهای آن را حمل کردند، ولی در زمان حیاتش کار بنای آرامگاه پایان نیافت و پس از مرگش اختلاف او چنان منقطع بودند که حتی باغ را بین خود تقسیم کردند و فروختند، درها را بردند و موقوفات آن را تصاحب کردند. در زمان استانداری قوام السلطنه بر گوری عمارتی بنا شد که شایسته مرد نامداری چون او نبود. بنای باعظمت کنونی در سالهای اخیر از درآمد عواری که از زوار مشهد گرفتند ساخته شد.

پیر پالاندوز

در خیابان صفوی مشهور به «پائین خیابان»، در کوچه شور، مرقدی است متعلق به یکی از عرفای بزرگ که کرامات بسیار از او نقل کرده اند. ساختمان گنبد و آرامگاه او را سلطان محمد خدا بنده (الجایتوی مغول متوفی ۷۱۶) شروع کرد و در ۹۸۵ تکمیل شد.

سنگ سفید مریمی که در بالای سردر آرامگاه او نصب شده آغاز کار ساختمان بنا را حکایت میکند. صندوق قبر وی در طرف بالای مزار واقع است، نه وسط بقعه، نمای گنبد تا نیمه از کاشی آبی خوش رنگی پوشیده شده و اخیراً از طرف اداره باستانشناسی مختصر ترمیمی شده است.

پیر پالاندوز چنانکه از سنگ مزارش پیداست محمد تارف عباسی نام داشته و در ۹۸۵ هجری وفات یافته. در تاریخ سلسله عرفای ذهبیه بنام شیخ محمد پیر پالاندوز بر میخوریم که

از پیران این طایفه بوده است . قرآن بسیار خوشخط نهفت سوره‌ای بخط وی در دست آقای اصغر زاده است که نشان میدهد در خط ثلث استاد بوده است .

وی برای امرار معاش خود پالاندوزی میکرد است در حالیکه از نظر معنوی ریاست داشته و مورد توجه مردم بوده است .

گنبد خشتی

در محله نوغان مقبره ایست که به علت ساختمان خشتی گنبد آن باین نام معروف است . در اینجا امامزاده محمد مدفون است که به ۱۸ واسطه به حضرت سجاد (ع) میرسد . بنا از ساخته های دوران شاه عباس است . این مزار بخصوص از آن رو که در قلب مشهد قدیم قرار گرفته است مرجع خواستها و آرزوها و رفع مشکلات و بیماریها و گرفتاریها و قرضها و نذریهای بسیار مردم است و بیشتر حاجات خصوصی که عظمت امام رضا مانع از عرضه آن میگردد باین امام زاده رجوع میشود از قبیل باز شدن بخت دختران دم بخت یا پیر دخترها ، کسب محبت شوهرها ، ادای قرضها ، رفع شرهای مرموز و بلیات سحر آمیز و تشدید یا تخفیف دوستی ها و عشقها و ...

برخی نقل کرده اند که وی امامزاده نیست و یکی از اطباء سپاه هارون بوده که در راه مرو از اینجا که میگذشته مرده و در همینجا که قسمتی از شهر تاریخی نوقان بوده دفن گردیده است .

ارک - باغ ملی

ارک

مرکز قسمت جدید شهر مشهد در زبان مردم به « ارک »

معروف است و آن عبارتست از هیابان پهلوی و میدان سوم اسفند (دروازه ارك و كوچه ارك و) باغ ملی معروف مشهد نیز در همین محله قرار دارد و باتوجه بذتسه قدیمی شهر مشهد این محله در خارج شهر واقع بوده است و از محله های جدید دوران بیست ساله بشمار میرود .

ارك دولتی همینجا یعنی دقیقاً در محل فرمانداری و ستاد ارتش فعلی، و میدان ارك محل بانك ملی کنونی بوده است و چنانکه از روایات شفاهی و کتبی برمیآید این ارك ساخته **ملك محمود سیستان** است که پس از حمله افغانها و پیش از طلوع **نادر** در خراسان قیام کرده و داعیه سلطنت داشته ولی از آنجا که بخت بد او را، بدست **نادر شاه** پیروز، می شکند، در تاریخ بسیار بدنام شده است و گرنه شاید پیش از **نادر** وی قهرمان مبارزه با افغانه میشد.

باغ ملی

بارك معروف شهر مشهد است که سابقاً متعلق بارك دولتی بوده و در زمان **مسیوئلوی** بلژیکی، متصدی دارائی خراسان، بصورت باغ عمومی در آمده و در تصرف شهرداری قرار گرفته است . آب قنات ركن آباد که از قناتهای مشهور شهر است از میان باغ میگذرد. اخیراً منبع آبی نیز در گوشه شمالی آن، که از چاه عمیقی که حفر کرده اند آب میگیرد، ساخته اند که پیش از لوله کشی عمومی شهر مورد استفاده بسیار بود . در وسط باغ بنای زیبایی است که در دوران بیست ساله ساخته شده و قرائت خانه و کتابخانه فرهنگ تاجندی پیش در آنجا بود و امروز بصورت کافه رستوران در آمده است .

درختان کهن و گلکاری های نوین همراه با فواره ها و حوضهای متعدد به باغ زیبایی و صفای خاصی بخشیده است، گرچه دستکاریهای

جدید از حالت شرقی آن بسیار کاسته است.

شیخ طبرسی

در ابتدای خیابان طبرسی مقبره ایست متعلق به شیخ امین الدین ابوعلی فضل بن حسن که در فقه و تفسیر قرآن از اساتید نامور شیعه است. وی در ۵۲۳ از مشهد بسبزوار رفته در ۵۴۸ در این شهر وفات یافته است و جنازه وی را در این مکان که قسمتی از قبرستان قتلگاه مشهد بوده و امروز بنام «باغ رضوان» معروف است دفن کرده اند. این محل به «مقبره الرضا» مشهور بوده زیرا حضرت را در اینجا غسل داده اند و اکنون نیز غسلخانه مشهد در کنار آن است.

گنبد صبر

در خیابان خاکی، وسط فلکه ای، آرامگاه بزرگی دیده میشود که قبل از کشیدن این خیابان در میان باغ بزرگی قرار داشت و بمناسبت رنگ فیروزه ای گنبد آن باین نام شهرت یافته است، در برابر گنبد طلا (گنبد آستان قدس) و گنبد خشتی.

اینجا مدفن محمد و من عارف استر آبادی است که بسال ۹۰۴ وفات یافت. وی استاد بزرگانی چون مجلسی اول و صاحب ذخیره و فیض بوده است در سال ۱۰۱۱ شاه عباس بر گور او این بنار را میسازد. این مکان قبضه یکی از قبرستانهای مشهد بنام

قبرستان میرهوا بوده که امروز اثری از آن نیست و در قلب شهر افتاده است. تاریخ بنای مزارش در این بیت آمده است :

سال تاریخ این خجسته بنا بیت معمر و قلب مومن دان-۱۰۹۱
و این تاریخ متعلق بزمان سلطنت شاه عباس ثانی است
و شاید هر دو درست باشد و بنای شاه عباس ثانی بنای سابق را تکمیل کرده است.

این محل خانقاه صوفیه نیز هست و هنگامیکه در وسط فلکه خیابان نیفتاده بود و باغی و حریمی داشت محل سکونت عده زیادی از درویشان بود و مراسم و مجالس مفصل تر و گرم تری در آن برگزار میشد.

فصل سوم

حومه مشهد و مناطق ییلاقی آن

سدهای اطراف مشهد

چشمه های معروف

کوهسنگی

مشهور ترین و زیبا ترین گردشگاه کنار مشهد کوهسنگی است که شهر خود را تا آنجا کشانده است در دامنه کوههای جنوبی مشهد دو تپه بزرگ کنار هم قرار دارد بنام کوهسنگی. در پیش پای این دو تپه، در دوران بیست ساله عمارتی بیلاقی و در جلو آن استخر بزرگی ساخته اند که با گلکاریهای زیبا تزئین شده است. منظره این عمارت بادو تپه پشت آن و درختکاریها و گلکاریهای کوهسنگی هتل رامسر را بیاد میآورد.

استخر کوهسنگی بطول ۱۰۰ و عرض ۶۰ متر و عمقهای مختلف از آب قناتهای گناباد پر میشود و این آب از بلندی کوهسنگی بسوی شهر سرازیر میگردد. در مسیر این آب، از کوهسنگی بشهر، بولوار بزرگ و بسیار با صفائی است با چهار پیاده رو و سواره روی بعرض ۱۸ متر، درختان درهشت صف منظم قد برافراشته و سر بهم آورده اند و منظره ای را ساخته اند که غالباً

آنها که آنرا دیده‌اند به «دالان بهشت» تعبیرش کرده‌اند.
اکنون عمارت کوهسنگی از طرف شهرداری بصورت هتل
رستوران در آمده و با ساختمانهای دیگری که در اینجا میشود
گردشگاه کوهسنگی برای تفریح و حتی اقامت زوار و سیاحان
کاملاً مجهز میگردد.
بخصوص که شهر چون خود را بدامن کوهسنگی میکشاند
برآبادی مناظر اطراف بولوار افزوده میشود.

ایوان کوهسنگی

از استخر کوهسنگی بفاصله پانصد متر که بسری تپه‌های
کوهسنگی بالا میروید در سمت چپ ایوانی می‌بینید که به ایوان
کوهسنگی معروف است. این ایوان در ۱۰۴۷ قمری بامر شاه
صفی ساخته شده است. در اینجا سید ابراهیم ناظر، جد سادات
رضوی (خاندان مشهوری که از اعقاب امام رضا هستند) و جمعی
دیگر مدفونند. قبل از آنکه کوهسنگی بصورت تفرجگاه زیبایی
برای مردم شهر درآید قبرستان بود و از دوران بیست ساله دیگر دفن
اجساد در آنجا ممنوع شد.

کشف رود

کشف رود از دو کیلومتری شمال شهر میگذرد. این رودخانه

از چمن رادکان که النک گاوباغ نام دارد و در هفتاد کیلو متری مشهد واقع است سرچشمه میگیرد و تا سرخس دو پست و چهل کیلو متر راه می پیماید و از آن جا وارد هریرود (تجن) گشته به افغانستان می رود .

پل شهر طوس در مسیر جاده مشهد - طوس و نیز پل شاهی نزدیک خواجه ربیع که از بناهای ایام صفوی است از پلهای تاریخی است که بر روی کشف رود ساخته شده است . توده مردم مشهد به کشف رود که در تاریخ آنرا خشک رود نیز میخوانده اند «دربا» میگویند .

آبچاد در حوز د مشهد بر ساحل کشف رود است

آهنگان

غیر از میل رادکان که مشروحا از آن یاد کرده ایم بین طوس و کلات میل دیگری است بنام آهنگان (آخنجون) که برخلاف میل رادکان کاشی در آن بکار رفته است .

میل سنگور

در حاشیه کشف رود هـ بیجد ، کیـ لو مـتری شمال شرقی مشهد .

چلاغد

یا چلاغی، در این ده بنائی است مقبره مانند دارای گنبدی عرقچینی د ۲۴ کیلومتری شمال شرقی مشهد .

لمگرک

۲۴ کیلومتر بعد از چلاغد ساختمان خانقاهی است شبیه به میلهای

رادكان و آهنگان كه در زمان تیموریان ساخته شده و چنانكه
 آثای مولوی لوح آن را خوانده اند مدفن بابا زنگی شیر است
 و چنین مینماید كه از عرفای بزرگ بوده است . میلی هم بر روی آن
 از سنگ نصب شده با ارتفاع قریب پنج متر كه نوشته ای با خط خفی
 متعلق به نیمه دوم قرن نهم بر آن حك شده است . این میل مانند بقعه
 هارونیه هشت ترك دارد .
 این آثار باستانی چاغد و بابا زنگی همه در ساحل چپ
 رود قرار دارد .

چمن قهقهه

در نزدیکی شهر طوس بسوی مشهد مرغزار زیبا و گسترده ای
 است كه در آن قریه ای بنام قهقهه وجود دارد و دارای قلعه ای مستحکم
 است . این قلعه چهار دروازه دارد . خشتهائی كه در ساختمان آن
 بكار رفته در اندازه های $7 \times 40 \times 40$ سانتیمتری است و نشان
 میدهد كه چنانچه صاحب مطلع الشمس حدس میزند این ناحیه شهری
 یا لشكرگاهی بزرگ بوده است .

آرامگاه فردوسی (شهر طوس)

قدیمترین متن روشن و دقیقی كه از فردوسی سخن گفته است

چهارمقاله نظامی عروضی است. وی داستان تدفین فردوسی را چنین نقل کرده است:

«جنازه فردوسی را بدروازه رزان همی بردند. در آنجا مذکری بود در طبران (شهر طوس) تعصب کرد و گفت من رها نکنم تا جنازه او در گورستان مسلمانان برسد که او را فسی (شیعی) بود. و هر چند مردمان بگفتند با آن دانشمند (فقیه) در نگر فت. درون دروازه باغی بود ملک فردوسی، او را در آن باغ دفن کردند امروز هم در آنجا است و من در سنه عشر و خمسمائه (۵۱۰) آن خاک را زیارت کردم.

امروز دیگر آثار نمایانی از شهر طوس جز همین باغ که آرامگاه فردوسی در آن است و بقعه ای بنام بقعه هارونیه برجای مانده است.

در سال ۱۳۱۳ بر مقبره فردوسی آرامگاهی زیبا که طرحی شبیه به آتشکده داشت ساختند و برای تجلیل از مقام این حماسه سرای بزرگ جهانی بمناسبت هزاره وی کنگره ای در مشهد تشکیل گردید که در آن مستشرقان و ایرانشناسان معروف دنیا شرکت کردند و شاه فقید شخصا در این کنگره حضور یافت.

در سال ۱۳۴۴ تصمیم گرفته شد که بنای جدیدی بر روی آرامگاه وی بسازند و این جهت اکنون بنای پیشین برجیده شده است.

بقعه هارونیه

در کنار جاده مشهد-شهر طوس، نزدیک آرامگاه فردوسی، بنایی است مقبره مانند بنام بقعه هارونیه که تاحدی طرح يك آتشکده

را در نظر مجسم میکند .

دکتر جو کس نماینده کمپانی هند شرقی که در سال ۱۸۲۱ میلادی همراه **میسو فرزر** بایران آمده است در سفرنامه خود مینویسد: «روز ۲۳ ماه فوریه ۱۸۲۱ بطرف طوس رفتم تا خرابه این شهر را تماشا کنم... دو سه چیز در اینجا اهمیت داشت و جلب نظر مرا نمود . بزرگتر از همه بنای مربعی است که از آجر ساخته شده و بالای آن گنبدی است . این بنا تقریباً در وسط محوطه شهر طوس قرار دارد و بسیار بلند و با عظمت است و شبیه بمقابرسلاطین پاتان در حوالی دهلی هندوستان میباشد . رویه گنبد بمرور خراب شده ولی از درون در نهایت خوبی مانده است ...

صاحب مطلع الشمس میگوید که این «از ابنیه قدیمه وزمان آبادی شهر طوس باقی مانده . تقریباً در وسط شهر واقع و از پائین مربع متساوی الاضلاع که از هر طرف ۱۲ ذرع است... گنبد این بقعه دو پوش بوده است ...»

هرتسفلد آلمانی در «ابنیه و آثار تاریخی ایران» مینویسد: «احتمال می رود که در عهد **سلجوقیان** و قبل از حمله **مغول** بنا شده باشد و شاید بواسطه حمله مغول با تمام نرسیده باشد» (ص ۱۱)

این بقعه شباهت بسیار زیادی بمقبره **سلطان محمد خدا بنده الجایتو** در سلطانیه دارد و نیز شبیه آرامگاه سلطان **سنجر** در مرو است. بنا بر این هیچ دلیل روشنی در دست نیست که چرا این بقعه را هارونیه مینامند. شاید چون در تاریخ بقعه هارونیه بحرم فعلی امام رضا اطلاق میشد رفته رفته این اسم ، که با اختصاص بیش از پیش بقعه و گنبد فعلی با امام مفهوم خود را از دست میداد، تغییر مسمی داده و بر بقعه باشکوه ولی مجهولی که از شهر طوس بجای مانده اطلاق شده است باین اعتبار که معتبرترین بنائی که از طوس مانده قاعدتاً باید از

آن مشهورترین شخصیت‌هایی که با این شهر پیوندی دارند باشد .

خواجه ربیع

درشش کیلومتری شمال غربی مشهد آرامگاه باشکوه خواجه ربیع واقع است که از زیارتگاه‌های بسیار مشهور شهر است . نام **خواجه ربیع** در تاریخ ربیع بن خثیم (بروزن قریش) است . وی جزء تابعین (اصحاب اصحاب پیغمبر اسلام) و یکی از هشت تن زاهد نامی تاریخ اسلام بشمار می‌آید (زهادت‌نامه) . وی تربیت یافته و دوست صمیمی **ابن مسعود** صحابی بسیار مشهور پیغمبر است . **شیخ بهائی** در نامه‌ای که **بشاه عباس صفوی** مینویسد وی را از شورشیان علیه **رژیم عثمان** خلیفه سوم شمرده است . در اوائل حکومت **حضرت علی** درری حکومت داشت و در جنگ صفین با چهار هزار سپاهی ایرانی علیه **معاویه** بکمک علی (ع) شتافت . در این زمان که در شمال ایران طغیان‌هایی علیه حکومت اسلامی برپا شده بود حضرت امیر وی را بحکومت قزوین منصوب کرد .

هنگامیکه لشکر اسلامی خراسان بجهاد بکفار میرفت **خواجه ربیع** که در آن میان بود در طوس وفات کرد و در همین نقطه دفن شد . سال مرگ وی را ۶۱۱ و ۶۳ نوشته‌اند

امام رضا در طوس بزیارت این سردار پاکدامن حضرت امیر رفت . پس از زیارت قبر وی این جمله را که گوشه‌ای لطیف و درعین حال غم‌انگیز از زندگی سیاسی خود وی را در بردارد فرمود که :

ما حصل لی من القوم بخراسان الا زیارة ربیع بن خثیم (آمدن

بخراسان برای من سودی نداشت مگر زیارت ربیع بن خثیم!

شیخ بهائی، شاه عباس را و امیدارد که آرامگاه پرشکوهی
بر قبر خواجه بنیان کند و آرامگاه فعلی بدین ترتیب در ۱۰۳۱
بدست **الغرضی رضوی خا دام** ساخته شده و کتیبه هائی بقلم
علیرضای عباسی بر آن نوشته شده است. شکل بنا هشت پهلو است و
ارتفاع گنبد ۱۸ متر است و دارای کاشیهای ممتاز صفوی. صحن
مزار باغ بسیار وسیعی بوده که بمرو زمان از آن کاسته شده گرچه امروز
نیز این باغ وسیع و بسیار باصفا است. چون ساختمان آرامگاه
احتیاج بترمیمهای اساسی داشت در ۱۳۱۰ شروع بتجدید ساختمان
کردند. کار تعمیر و ترمیم بالاخره پس از ۳۴ سال یعنی شهریور
۱۳۴۴ پایان یافت. از جنبه معماری ساختمان خواجه ربیع منبع الهام
تاج محل محسوب میشود.

مصلاي

مصلاي پائين خيابان

در بیرون دروازه پائین خيابان مصلاي بزرگی است که از
بناهای شاه **سلیمان صفوی** است و در سال ۱۰۸۷ هجری قمری
ساخته شده و شباهت زیادی به مصلاي طرق دارد.

مصلاي طرق

مصلاي طرق قدیم ترین مصلاي مشهد است و بنای آن در سال
۸۳۷ قمری صورت گرفته است.

طرق

در پنج کیلومتری شهر مشهد امروز مزرعه‌ای بزرگ به چشم می‌خورد که آخرین آبادی قبل از مشهد است. در قدیم اینجا محل تلاقی راه‌های چندی بوده است که بمشهد می‌آمده و از این نظر شاید باین اسم موسوم شده است (اگر ریشه فارسی نداشته باشد؟) در سفرهای کاروانی، طرق گرچه بسیار نزدیک بمشهد است خود منزلی محسوب میشده و چند کاروانسرای بزرگ که هنوز در این محل وجود دارد نشانه اهمیت این منزل در گذشته است. یکی از کاروانسرای بزرگ طرق ساخته شاه سلیمان صفوی است که امروز متروک است و دو کاروانسرای دیگری از شاه عباس است و دیگری از اسکندر بیک.

تپه نادری

روبروی کاروانسرای طرق تپه مصنوعی بزرگی است معروف به تپه نادری که قریب سیصد و پنجاه متر ارتفاع دارد و با سنگچینه‌های پله‌مانند میتوان بیالای آن رسید. در این تپه استخوان بدن انسان و حیوان، کوزه شکسته، سفال و ذغال و خاکستر و خشت خام‌های بزرگ و قطور فراوان به چشم می‌خورد و بطوریکه صاحب مطلع الشمس حدس زده است:

«بنیان این تپه مصنوعی بطوریکه از قرائن و آثار مفهوم و معین

میگردد و الا از دوهزار سال قبل از این است. شاید نادر شاه یکوقتی در نزدیکی آن تپه اردو زده باشد و باین جهت به تپه نادری موسوم شده است

خواجه اباصلت

در کنار جاده مشهد - تهران فاصله ۱۲ کیلو متری شهر آرامگاه **خواجه اباصلت هروی** بچشم میخورد. این جا از قرنهای پیش مزار و مورد توجه شیعیان بوده است و چنانکه امروزه نیز معمول است گروهی برای تقرب بخواجه وصیت میکرده اند که در کنار وی برای همیشه آرام گیرند و این از سنک قبرهای کهنی که در پیرامون آرامگاه خواجه هست کاملاً مشهود است و نشان میدهد که حتی بسیاری از عرفای بزرگ نیز در اینجا مدفونند چنانکه یکی از سنک قبرها متعلق است به درویش علی متوفی بسال ۷۲۶ قمری.

خواجه اباصلت فرزند **صالح (یا سلیمان)** هروی است. سرگذشت زندگی تاریک است. تاریخ اسلام او را گاهی غلام، گاهی برده و گاه محدث و متکلم و راوی بسیار مشهور و دانشمند مینامد و نیز در برخی از متون او را از ثروتمندانیکه علما را مینواخته است معرفی کرده اند ولی توده تنها او را خادم و محرم **امام رضا** میدانند که در دم مرگ حاضر بوده و امام هنگامیکه آثار زهر انگوری را که در مجلس مامون خورده بود حس میکند بخواجه اباصلت دستور میدهد فرشهای اطاق را جمع کند و درها را به بندد تا، نه همچون ولیمهد، بلکه همچون غریبی بیخس در اطاقی برهنه بر خاک بمیرد.

از مجموع گفته‌های مورخان در باره خواجه اباصلت چنین بر می‌آید که وی با آنکه دانشمند و غنی بوده است آنقدر با امام نزدیک بوده که گاهی سمت خدمتکاری وی را هم تعهد می‌کرده است و اینگونه روابط رامیان شاگرد و استاد و مرید و مراد در تاریخ اسلام فراوان می‌یابیم. همین خصوصیت موجب محبوبیت خاص وی در نظر شیعیان شده است. زوار، پیش از آنکه بشهر در آیند و بخدمت امام برسند، بر سر مزار وی ساعتی توقف می‌کنند و باین «بنده صالح و پرهیزگار خدا» درود می‌فرستند. متبره و گنبد و صحن آرامگاه وی بهمت مردی بنام کر بلائی محمد علی دوشیش که بیا نفوذی که در میان توده داشته توانسته است از آنان کمک‌های مادی لازم را بگیرد، تجدید بنا شده است.

وفات خواجه اباصلت را بسال ۲۳۶ قمری یعنی سی و چهار سال پس از امام نوشته‌اند.

خواجه مراد

در جاده مشهد-تهران، سه کیلو متر که از خواجه اباصلت می‌گذریم، با آرامگاه خواجه مراد یکی دیگر از نزدیکان امام رضا (ع) می‌رسیم.

نام خواجه مراد هرثمه بن اعین است و خواجه مراد لقبی است که مردم بوی داده‌اند زیرا بکر امارت وی سخت مومن و پای بندند. آرامگاه وی در کنار جاده نیست، اندکی دورتر، در شکاف کوه پنهان است و تنها گنبد سبز و کوچک آن از کوه سر بیرون آورده است.

در کنار آرامگاه وی که در کمرگاه ساکت و دور افتاده کوه قرار دارد چشمه آبی است و چند درخت تنها.

ایوان داخل آرامگاه بهمت متولی خواجه اباصلت آینه کاری شده است و بر پیشانی بنا یکاشی نوشته اند : «مقبره شریفه مرثمه بن اعین مشهور به خواجه مراد راوی شهادت حضرت رضا که در سنه ۲۱۰ وفات یافته ،

کشاورزان این ناحیه پس از برداشت محصول هر سال بمزار وی میروند و قربانی میکنند و مراد میطلبند .

مسئله بخت

مقبره ایاز

بر سر راه تهران - مشهد پس از خواجه اباصلت به دوراهی تهران - فریمان میرسیم که سنک بست نام دارد . در طرف شرقی جاده آرامگاهی نمایان است که از نظر قدمت یکی از معتبر ترین بناهای تاریخی شهرستان مشهد بشمار میرود . هر تسفلد مستشرق آلمانی مینویسد ،

«قبر دارای گنبد و مناره ای از عهد محمود غزنوی است که بدست ایاز (مشاور و معشوق نامی سلطان محمود) ساخته شده است و یکی از صوفیان معروف تعلق دارد . پیرامون آن آثار کاروانسرا و مدرسه نیز پیدا ست . در داخل گنبد کتیبه ای بسیار زیبا به چشم میخورد. « ولی آنچه در میان توده مشهور است اینجامد فن خود ایاز است . مناره آن از نظر سبك معماری بسیار جالب است . کتیبه های

مناره بخط کوفی است و با آجر ساخته شده است و کمتر کنیه ایست که خطوط آن با آجر ساخته شده باشد. آقای عبدالحمید ولوی میگویند که این مقبره متعلق به **ارسلان جازب** عمید خراسان در زمان **سلطان محمود غزنوی** است. بر دیوارهای بقعه کلمه «محمود» مکرر نوشته شده که هم یکی از اسامی خدا است و هم نام سلطان غزنوی.

چشمه گیلاس

چشمه گیلاس، که تلفظ ادبی آن کلسب است، چشمه ای است در حومه شهر طوس. یزدگرد ملقب به بزه کار پدر **بهرام گورد** کنار همین چشمه از اسب لگدمیخورد و میمیرد. شاید کلمه کلسب با این داستان بی پیوند نباشد.

آب این چشمه همان است که از میان شهر مشهد میگذرد و اولین بار بهمت **امیر علیشیر نوائی** برای گذراندن آن از مشهد اقدام شده و طرح نیمه تمام او بدست شاه عباس صفوی انجام پذیرفته است و اکنون همین آب بنام **نهر خیا بان** (۱) از قلب شهر مشهد میگذرد. صاحب مطلع الشمس میگوید «آثاری هست که این آب از شهر طوس میگذشته و **فردوسی بزرگ** ابتدا قصد داشته که از صله **محمود غزنوی** در ازای شاهنامه این آب را بطوس آورد و چون ناکام میمیرد دخترش با صله محمود آرزوی پدر را بر میآورد و آب چشمه گیلاس را بطوس میآورد و وقف عام میکنند. دختر فردوسی ابتدا بستر آب را که بیست متر از سطح کنونی پائین تر بوده بکمک مهندسان زمان

۱- خیا بان نام ده بزرگی است که مزرعه آن از این آب مشروب میشود

بالا آورده است تا آب بر شهر طوس سوار شود .
فاصله چشمه کلسب یا چشمه گیلان تا مشهد ۸۴ کیلومتر است
و از نقاط دیدنی و باصفای جلگه طوس محسوب میشود .

بیلاقات مشهد

یکی از زیباترین و دیدنی ترین مناظر طبیعی را در بیلاقات
سرسبز و نیمه وحشی مشهد میتوان دید. کوه نیشابور میان جلگه طوس
و جلگه نیشابور سرچشمه حیاتی و پربرکتی است که از هر دو سو
باین دو جلگه خرمی و آبادانی بسیار می بخشد . از دو دامنه شمالی
و جنوبی آن چشمه سارها و رودخانه های بسیار بسوی این دو جلگه
سرازیر میشود . دره هایی که از دامنه این کوه بسوی جلگه طوس
پائین می آید و بستر رودخانه ای را تشکیل میدهد معلوم است از درختها
و باغهای پرمیوه و انبوه واحیاناً مزارعی سیراب و سرسبز . و در
همین دره های پرصفاست که زیباترین بیلاقات مشهد قرار گرفته
است . در هر دره ای ، در مسیر رودخانه ای که در بستر آن جاری است
یک یا چند ده قرار دارد که معمولاً محل زندگی باغداران و درخت
کاران است و بخصوص در تابستان مردم شهر باین آبادیهای سردو
سبز پناه می آورند .

دره هایی که از دامنه کوه نیشابور بسوی جلگه طوس (که مشهد
نیز در آن است) پائین می آیند عبارتند از :

۱- دره اندره زی

۲- دره اخلومد که سیب آن بسیار معروف است و آبشاری

بلند از تیزه کوه فرو می افتد (بارتفاع ۱۷ و با آبشار بالای آن ۲۳ متر).
 مردم آنجا معتقدند که در حمله اعراب بخراسان مردم هرگاه
 مورد حمله سپاهیان قرار می گرفتند باین دره پناه می آوردند و چون
 هنگام خطر همواره یکدیگر را ندا می کردند که : و خالدمد - خالدمد
 آمده این دره رفته رفته به اخلومد مشهور شد و خالدمردار عرب در
 جنگهای این محل بوده است. اخلومد تا مشهد ۸۴ کیلومتر فاصله دارد.
 ۳- دره آبغد که رودخانه چناران در آن جاری است .
 ۴- گلمکان یا گرمکان که چشمه سبز از کوه نیشابور در آن
 جاری است .

۵- کاهو و دولت آباد

۶- شاننیز (شاهان دژ)، ابرده بالا، ابرده پائین و زشک .
 از شاننیز تا مشهد ۳۶ کیلو متر است .

۷- نغندر (نوغان دره)

۸- طر قبه (ترغوذ - ترغبد - طر قبد)، عنبران (انبران)

وجا غرق

۹- مایان که شاه تود آن بسیار معروف است

۱۰- مغان و خان رود

۱۱- پیوه ژن که آلوی آن بسیار معروف است .

طول برخی از این دره ها به چهل کیلومتر میرسد . از معروف
 ترین بیلاقات مشهد در درجه اول طر قبه است در ۱۸ کیلو متری
 جنوب غربی شهر که نزدیکترین و پررفت و آمد ترین بیلاق مشهد
 است . راه شهر بطر قبه اسفالته است و اکنون بصورت شهری درآمد .
 گوچه نزدیکترین بیلاق وکیل آباد است در ۱۵ کیلو متری
 شهر که مشهد خورا بسرعت بآن سوه می کشد و این فاصله هر روز کمتر
 میشود و ازین رو بصورت تفریحگاه شهر درآمد و جنبه بیلاقی خود

را از دست داده است . غالباً جمعه ها و روزهای تعطیل مردم بوکیل آباد میروند و یک روز یا نصف روزی را بشنا در استخرهای آن و کوه بیمائی و استراحت در زیر درختها و کنار جویبارهای آن میپردازند .

سدها

در شهرستان مشهد چهار سد معروف وجود دارد :

۱- سد باسنقری در دهنه اخلومد که یادگار قرن هشتم است ، ولی فعلاً از آن استفاده نمی شود .

۲- بند گلستان که نزدیک ده بیلاقی گلستان است .

بنای این سد را برخی بشاهرخ پسر امیر تیمور و برخی بزن وی گوهرشاد وعده ای هم به کنیز گوهرشاد بنام گلستان نسبت میدهند . ولی آقای عبدالحمید مولوی که در شناخت جغرافیای تاریخی و آثار باستانی خراسان اطلاعات وسیعی دارند اخیراً بسندی بر خورده اند که در صفحه ۲۱۳ کتاب «اسناد و مکاتبات تاریخی ایران» گردآوری آقای عبدالحسین نوائی نقل شده است و آن متن فرمانی است که سلطان ابوسعید گورکانی خطاب بمردم مشهد صادر کرده است و از آن چنین برمیآید که سد را او بنا کرده و چون قسمتی از اراضی آبگیر این سد وقف مسجد گوهرشاد بوده است قطب الدین محمد خوافی را مامور کرده تا با همکاری جلال الدین یوسف حاجی کارزمینهارا یکسره کنند و همه را بمالکیت شاه در آورند .

فرمان تاریخ ندارد و چون قتل ابوسعید در ۸۷۳ رخ داده بنای این سد را میتوان بتقریب حدس زد . این سلطان ابوسعید نبیره امیر تیمور است و قاتل گوهرشاد خانم .

این سدهنوز کاملاً مورد استفاده است . عرض دهانه درپائین و کف بنه ۳۰۶۰ و عرض دهانه بند در بالای سد ۱۰۱ متر . ضخامت

بنادر بالا ۱۵۵ متر و در پائین سدد در حدود ۲۵۰ متر. ارتفاع سدد ۱۵۵ متر است.
مالکیت گلستان به یازده سهم تقسیم شده که هفت سهم آن
موقوفه آستانه و چهار سهم بقیه از آن مسجد گوهرشاد است.

۳- سد فریمان

در ۷۵ کیلومتری شرقی شهر مشهد بر سر راه مشهد به هرات
شهر جالبی وجود دارد بنام فریمان. این شهر در دوران بیست
ساله بنیان شده و تعداد بیست ده در پیرامون این شهر جزء املاک
خالصه شد و در ده فریمان بنیان شهری بسیار مدرن را با سلوب علمی
شهر سازی ساختند و هر اداره ای در مشهد موظف گردید ساختمان
اداره همانند خود را در فریمان بسازد و بدین ترتیب در مدت کوتاهی
شهری کاملاً نو با ساختمانهای زیبا و رستورانی بسیار بزرگ و مجهز
و خیابانکشیهای منظم بوجود آمد ولی پس از شهریور ۲۰ تب تند
فریمان ناگهان فرونشست و چنان شهر فراموش گردید و خیابان
ها بویرانی افتاد که شهر چند ساله بخرا به های چند هزار
ساله میمانست.

در ۱۱۹ کیلومتری فریمان سدی است که بخصوص در ایام بهار
دریاچه پشت آن بسیار وسیع و منظره کوهستانی آن تماشائی است.

۴- سد طرق

در طرق، آبادی جنوب مشهد بر سر جاده تهران - مشهد،
سد قدیمی است که اکنون از آن بهره برداری میکنند. آقای مولوی
ظن قریب ببقین دارند که این سد را امیرعلیشیر نوائی ساخته
است زیرا دو آسیاب با آب این سد میگردد که یکی راوی ساخته و بنام
وی معروف است و دیگری منسوب به میر شیخم از رجال معاصر
او است.

شاهان گرماب

چشمه بزرگ آب معدنی

در ۷۲ کیلومتری شهر مشهد، در يك نقطه کوهستانی، چشمه آب معدنی است که در حدود دوزوج آب دارد. این آب که در حدود ۴۵ درجه سانتیگراد حرارت طبیعی دارد تا فاصله سی و شش کیلو متری به حمامهای دهات پیرامون خود آب گرم میرساند. آب شاهان گرماب برای معالجه بیماریهای جلدی و رماتیسم بی نهایت موثر است. از نظر مردمی که غالباً از آن استفاده میکنند آب معدنی این چشمه در شفای این بیماریها و حتی بیماریهای عصبی و غشی و امراض استخوانی و غیره نیز نه تنها موثر است بلکه معجزه میکند.

تأثیر شگفت انگیزی که آب معدنی این چشمه بر روی امراض بخصوص امراض جلدی داشته است موجب پیدایش افسانه‌های مذهبی فراوانی شده است از جمله اینکه **حضرت امیر** در جنگی که با کفار در این سرزمین داشت دستور داد از خمیه‌های بسیار جنگ را که جراحات هولناکی بر بدنشان وارد آمده بود همه را در این آب اندازند (چشمه این آب نیز قبلاً با معجز خود حضرت شکافته شده بود). زخمیه‌ها همینکه بآب فرو می‌رفتند شفای یافتند و دیگر آثاری هم از آن جراحات بر روی بدنشان باقی نمی‌ماند.

استخر بزرگی بطول ۱۷ و عرض ۸ قدم برای استحمام ساخته شده و بر روی آن نمایی باشکوه و بزرگ فعلی بنا شده است. این بنا که بشکل يك استخر بزرگ سرپوشیده درآمده بامر شاه سلیمان صفوی ساخته شده و در پیرامون استخر ۱۲ شاه نشین رخت کن بوجود آمده است. در اطراف این نمابنازی

چند خانه ساده ساخته اند تا کسانی که برای استحمام بشاهان گرماب می آیند بتوانند در این جا هر چند روز که بخواهند اقامت کنند .
بهترین جاده ای که می توان از آن به شاهان گرماب رفت ،
جاده فریمان است زیرا جاده اصلی شاهان گرماب کوهستانی و
خطرناک است .

چشمه سبز

این چشمه از وسط جلگه ای میجوشد که از اطراف دیوارهای
کوهستانی آنرا در میان گرفته اند . دریاچه ای که چشمه در آن
میریزد يك کیلومتر طول و ۱۰۰ تا ۳۰۰ متر عرض دارد . در بالای
دریاچه چشمه های کوچکی میجوشد که مشهورترین آن چشمه
«اشتها» است . در این نقطه درختی وجود ندارد و کسانی که میخواهند
در اینجا استراحت کنند باید حداقل چادر و پوشش همراه داشته باشند .
برخی از مورخان محل لگد خوردن یزدگرد را از اسب چشمه
سبز میدانند نه چشمه کیلاس .

اهمیت چشمه سبز در خوشی آب و هوا و گوارا بودن آب آن
است . اسم اشتها برای یکی از چشمه های آن تصادفی انتخاب نشده
است و یکی از دلائل مورخانی که معتقدند حادثه مرك یزدگرد
در چشمه سبز اتفاق افتاده نه در چشمه گلب اینست که وی بیمار بود
و برای استراحت انتخاب نقطه ای خوش آب و هوا و کوهستانی برایش
تجویز شده بوده و بنا بر این انتخاب چشمه سبز طبیعی تر بنظر میرسد .

غار هنان

در سمت جنوبی شهر بفاصله سی کیلومتر غاری است دودر همنان
که بسیار دیدنی است بادهلزها و راهها و پیچ و خمهای بسیار . در
میان این غار آبی است و ستونهای بزرگ استالاکتیت و استالاکمیت .
هنوز تحقیق کافی از طرف باستان شناسان در این مورد نشده است
و تنها سیاحان و ورزشکاران معمولاً از آن دیدن میکنند ولی شکل

غار بخصوص نام آن این تصور را که اینجا مسکن مغان یا احتمالا
انسانهای اولیه بوده است اندکی تقویت میکند .

رادکان

در ۶۰ کیلومتری غربی طابران و هشتاد و پنج کیلو متری
غربی نوقان است و اکنون قصبه ایست کوچک از توابع بلوک رادکان.
خواجه نظام الملک طوسی وزیر معروف سلجوقیان از همین
رادکان است . از چمن یا النک رادکان رودخانه معروف کشف رود
سرچشمه میگردد و این همان رودی است که از شهر طوس و کنار
مشهد میگذرد و پس از پیمودن دویست و چهل کیلومتر بسرخس میرسد
و آنجا در محل پل خاتون به هریرود می پیوندد . قلعه کنونی رادکان
را رضاقلی میرزا پسر نادر شاه تجدید بنا کرده است . رادکان
از شهرهای معروف و بسیار مهم خراسان بوده است .

میل رادکان

در سه کیلومتری قصبه رادکان برجی است بنام میل (مناره)
رادکان که از آثار بسیار قدیمی است و بنا بقول صاحب مطلع الشمس
«این برج بظن قوی مقبره یکی از سلاطین یا رجال بزرگ جهان
بوده است» . هر تسمیه مستشرق آلمانی در انجمن آثار ایران می نویسد
که میل رادکان مقبره یکی از حکام مغول خراسان بوده است و
در سال ۶۸۰ قمری در ابتدای سلطه مغول و در موقعی که رادکان
پایتخت خراسان بوده ساخته شده است . گدار مستشرق فرانسوی
نیز تصریح کرده است که این میل بر روی آرامگاه زنی ساخته
شده است ولی مطلع الشمس آن را از آثار دیلمی هամیداند .

این میل ۲۵ متر ارتفاع دارد . قطر بیرونی آن ۴۰ و قطر درونیش ۲۸ متر است . شکل میل از داخل هشت بر است و از بیرون تا ارتفاع دو متر و نیم مدور و از آن پس دارای سی و شش ترك است ، هر يك بشکل نیم ستونی تازی رگنبد . در زیر گنبد حاشیه ای از کاشی و آجر منبت کاری شده و کنبه ای بخط کوفی داشته که ریخته است . گنبد آن مخروطی شکل است . برج دارای دوطاق بر روی هم بود که زیرین خراب شده . برج دارای دو در است یکی به ویرانه های عماراتی باز میشود که گویا مسجد جامع شهر بوده است . بنا گویا از همان آغاز تا تمام مانده زیرا درون آن از هر گونه تزیینی عاری است .

النك رادكان

النك رادكان چمنزاری است که سرسبزی و زیبای آن شهرت تاریخی دارد و بسیاری از پادشاهان و سرداران در لشکر کشیهای خود در این النك (چمنزار) اردو زده اند . تذکره دولتشاهی نقل میکند که وقتی سلطان سنجر در این النك اردو زده بود گنجشکی بر سایبان سلطان آشپانه کرده و تخم گذاشته بود ، هنگام حرکت که فرارسید سلطان فراشی را مامور کرد که بماند تا گنجشك تخم باز کند و بچه هایش را بزرگ کند و آشپانه را ترك گوید که پریشانی گنجشك را روانداشت لاجرم ذکر خیر او باقی ماند و خواهد ماند .

از وقایع مهمی که رادكان بخاطر دارد اینست که در سال

۴۶۳ آلب ارسلان فرزند بزرگ ملک شاه سلجوقی را بر تختی از طلا

سرخ نشانند و در حضور اشراف و حکام بلاد که بدانجا فراخوانده شده بودند عهد و لایقه دی وی را یکبار دیگر تجدید کرد که بار دیگر طبقات انام بولایت عهدی این شاهزاده بیعت کنند و لوازم تهنیت و پیشکش (! ؟) بجای آرند . دیگر از خاطرات این چمنزار جاوس سلطان تکش در رادكان بر تخت سلطنت است سال ۵۸۵ هجری .

فصل چهارم

شهرستانهای خراسان

سبزوار

بیهه یا بیهق نام قدیم سبزوار است و نیز بر ناحیه ای که در مغرب نیشابور واقع است اطلاق میشود ولی از ۶۰۰ هجری قمری سبزوار وارث شهر کهن بیهق میگردد .
احمد رازی صاحب هفت اقلیم میگوید تادویست سال پیش در سبزوار میدانی بود معروف بمیدان دیوسفید و میگفتند که درین میدان رستم با سهراب مصاف داده است .

سبزوار در زمان مغول ویران شد و در دوران صفویه رونق گرفت و حاکم نشین ولایت بیهق شد. سبزوار یکی از کانونهای اولیه تشیع در ایران بود و از نظر طرفداری از خاندان علی (ع) و تعصب در تشیع در تاریخ ضرب المثل شده است . این داستان معروف است که **سلطان تکش خوارزمشاه** که بسبزوار آمده بود مردم سبزوار را تهدید کرد که چون شیعی مذهبند از غضب سیاست سلطان در امان نخواهند بود؛ مردم اظهار داشتند که نه چنین است، آنان نیز مذهب اهل تسنن دارند. سلطان گفت اگر راست میگوئید يك سبزواری بیاورید که نام یکی از خلفای سه گانه

داشته باشد ، مردم بجستجو پرداختند و نیافتند . تنها مرد آبله رو کله طاس و چپ چشم و مفلوکى را پیدا کردند که اتفاقاً ابوبکر نام داشت . او را آوردند و بعنوان حجت بر سلطان عرضه کردند ، سلطان خنده اش گرفت و گفت همین ابوبکر شما بر تشیع شدید شما دلالت دارد .

ایلات سبزوار از طایفه بغایری هستند و سبزوار مدتها دارالملک حکام معروف به سربداریه بود که در تاریخ تشیع ایران قبل از صفویه اهمیت فراوانی دارند . سر سلسله سربداریه امیر عبدالرزاق بن خواجه فضل الله باشتینى (منسوب به باشتین یکی از قرای سبزوار) است . وی در دستگاه سلطان ابوسعید پسر سلطان محمد خدا بنده تقرب یافت و پس از مرگ سلطان در باشتین قیام کرد علاء الدین محمد وزیر خراسان را کشت و مردم قریه را جمع کرد و گفت «فتنه عظیم بپاى و اگر مساهله کنیم همه کشته میشویم بمردى خود را هر سردار دیدن هزار بار بهتر از آن که بنامردى کشته شدن ، و نام سلسله سربداریه از همین جمله بیرون آمد . وی در ۷۲۸ سبزوار را تصرف کرد و بنام خود خطبه خواند و سلسله شیعی سربداریه را تشکیل داد و دایره نفوذ آنان گاه تا دورترین نقاط خراسان کشیده مى شد . امیر تیمور ابتدا با اینان ساخت ولى سربداریه علیه او نیز طغیان کردند و امیر تیمور سبزوار را بر سر آنان خراب کرد و از اجساد مردم دیوارهای ویران شده قلعه را تجدید بنا کرد و در دو دروازه شرق و غرب از سرهای مردم دو منار ساخت و بر روی آن مشعلی برافروخت و تا مدتها این برجهای افتخار پا برجا بود .

سربداریه در ترویج مذهب تشیع کوشش بسیار کردند . ابن بطوطه مىگوید: اینان مىکوشند تا تسنن را بر دارند و تشیع را

جانشین آن سازند، یعنی سه قرن پیش از صفویه خواستند رسالتی را که صفویه بانجام رساندند عملی سازند و توفیق نیافتند.

دراویل جلوس شاه عباس صفوی عبد المؤمن خان از بک که مشهد را غارت کرده و اشیاء نفیس آستانه را ربود، بر سبزوار نیز حمله آورد و بنا بقول صاحب تاریخ ریاض السیاحه داهلش را تماماً قتل نمود، (ص ۲۴۳)

قلعه سبزوار را امیر وجیه الدین مسعود سرمداری بنا کرد. پایه برجهای قلعه از آجر و باقی از خشت خام است. کوچه‌های سبزوار اغلب سنگفرش و پاکیزه است و از میان آن جویهای سنگچین و منظم آب سه قنات معروف عبد الرحمن - قصبه و عمید آباد میگذرد.

کاروانسراهای سبزوار یکی کاروانسرای پامنار است و دیگری کاروانسرای حاجی محمد زمان و سومی کاروانسرای شریعتمدار معروف. در دروازه نیشابور حاجی فرامرز خان کاروانسرائی بسیار عالی برای زوار و مسافران بنا کرده است. در دروازه عراق رباط مستحکم و با اهمیتی است یادگار هبیرا ابراهیم شریعتمدار.

از ک سبزوار در شمال شهر بر روی تپه‌ای مصنوعی ساخته شده که آثار آن هنوز برجاست.

سبزوار بر لب کویر قرار گرفته است؛ هوایش گرم و خشک است و گاه بادهای خاک‌آمین تندی هوا را تیره میسازد ولی آسمان شب کویر بخصوص در تابستانها زیباترین چشم اندازها را پدید میآورد و چون بخار آب در هوا بسیار کم است درخشش ماه و ستارگان جلوه‌ای بی نظیر دارد. گرچه سبزوار از شهرهای درجه دوم خراسان است و بخصوص راه آهن تهران - مشهد را طوری کشیده اند که این شهر در حدود پنجاه کیلو متر از آن دور افتاده با اینهمه یکمی

از معتبرترین کانونهای تولیدی و تجارتي خراسان بشمار ميرود و غالب مردم فعال اين شهر کاسب و تاجرند و هر سال مقدار زيادي پنبه پشم، ابريشم، غله، زيره و کثير از آن صادر ميشود بخصوص زيره سبز و ار بسيار مرغوب است و در بازارهاي جهان جاي خود را باز کرده و تا حدي فقدان درآمد ترياک را از نظر کشاورزي جبران ميکند.

مسجد جامع

اين مسجد از بناهاي سربداريه است که از قرن هشتم برجا مانده است و لي از ساختمان محراب چنين برميآيد که پيش از اين سلسله نما اينجا مسجد بوده است و سربداريه آنرا توسعه داده اند زيرا محراب مقصوره ابتدا بسبك اهل تسنن ساخته شده بود و بعد محراب کوچک تري درميان اين محراب بسبك تشيع ساخته اند. طول مسجد ۵۰ قدم و عرض آن چهل قدم است. دهانه مقصوره نه متر و فرشاوند از آن نوزده متر و ارتفاع ايوان در حدود هيچده متر است. اين ايوان را بعدها تجديد بنا کرده اند.

مسجد جامع قديم

اين مسجد بنام پامنار معروف است و نزديک مدرسه حاجي ملاهادي اسرار قرار دارد. در شمال مسجد مناري بسيار قديمي برپاست با ارتفاع ۱۵۰ متر و بالای آن کتيبه اي بخط کوفي به چشم ميخورد و ايواني متصل با اين منار بوده که آثار آن هنوز پيدا است و ميرساند که اينجا مسجدی بسيار قديمی بوده است. متصل بمناره ديواری نيز بوده که ويران شده و قدمت اين مسجد را تأييد ميکند بر اين ديوار کتيبه اي گچ بري شده. طاق شبستان کنونی بر همان پايه هاي قديمي بالا رفته است. شبستان ۲۱ × ۲۵ قدم است و صحن کوچکی که در جنوب شبستان است از بناهاي اخير است: هر تسفند متعقد است که اين مناره از بنای سربداريه است در حدود سال

۶۰۰ هجری.

مدرسه فصیحیه

بنای این مدرسه حاج عبدالصانع سبزواری است و در سال ۱۳۲۶ قمری آنرا با تمام رساند. مدرسه ۳۶ حجره طلبه نشین دارد و دو مدرس (تالار تدریس) در طبقه بالا و طبقه پائین. حاجی ملاهادی سبزواری آخرین فیلسوف بزرگ تاریخ ایران در این مدرس تدریس میکرده است.

مدرسه کهنه

بنای مدرسه از گچ و آجر است. چهار صفا دارد که بر بالای هر يك ایوانی قرار دارد، سردر خارجی مدرسه کاشی کاری بوده که ریخته است. مدرسه در زمان **معزالدوله** ساخته شده. سردر مدرسه طاقی است بزرگ که سقف آن مقرنس کاری شده و دیوارهای آنرا با کاشی پوشانده اند.

مزارهای سبزواری

دروسط بازار سبزواری دو بقعه وصل بهم دیده میشود منسوب به دو امامزاده. یکی از این دو متعلق است به یحیی پسر امام **موسی بن جعفر** (ع) که گنبد کوچکی دارد بار تقاع بیشتر از ده متر. این بقعه به بقعه دیگری راه دارد. بقعه دومی منسوب است به امامزاده **حسن** از نواده های **امام محمد باقر**. بنای این بقعه مربع است و کتیبه ای بسیار ظریف و هنرمندانه بر آن گچ بری شده است. در وسط بقعه صورت قبری است از گچ. در این جا کتیبه ای بخط کوفی وجود دارد. ساختمان بنا از زمان **غازان خان** است و تاریخ ثمان و سبعمائة = ۷۰۸ بن حمت هنوز خوانده میشود.

مزار دیگری که در دروازه ارك واقع است متعلق است بامامزاده

فضل بن زید.

مزار سبز یا گنبد سبز مدفن شاه حمید الله است. در جنوب شهر سبزوار نیز مزار دیگری است منسوب به امامزاده شعیب و در همین نقطه شهر مزاری است معروف بمزار پیر حاجات که از زهاد و صاحبان کرامات بوده است و اکنون مردم سبزوار بکرامات وی بسیار معتقدند.

مقبره حاجی ملاهادی سبزواری

حاجی ملاهادی سبزواری از فلاسفه بزرگ تاریخ اسلام است و بر آخرین مردی میدانند که در تاریخ اسلام بعنوان فیلسوف بزرگ اسلامی خوانده میشود؛ خانه وی در دروازه نیشابور است و در همین جاست که ناصر الدین شاه بملاقات وی آمد. آرامگاه وی اکنون در بیرون دروازه نیشابور بر سر راه زوار مشهد است. میرزا یوسف مستوفی الممالک تکیه و بقعه ای بر سر مرقد وی بنا کرده است.

شاهزاده یحیی

آرامگاه وی در وسط شهر سبزوار نمایان است و چون مورد توجه و احترام فراوان اهالی است از ویرانیهای روزگار مصون مانده است.

خیبر و گرد

بیهق شهری است که اکنون سبزوار جای آنرا گرفته و در چند کیلومتری مغرب سبزوار قرار داشته است. بیهق را صاحب کتاب تاریخ بیهق ساخته بهمن بن اسفندیار میدانند و پیش از قرن هفتم مرکز ولایت بیهق بوده و سبزوار قصبه کوچکی بوده است

در مشرق آن. از این شهر امروز تنها مناره‌ای برج مانده است و چون مردم دیگر بیهق را فراموش کرده‌اند آنرا بنام نزدیکترین دهی که در آنجا است منار خسرو گرد می‌نامند. منار خسرو گرد سی متر ارتفاع دارد و سکوی پای منار مکعبی است که هر ضلعش پنج متر است. پیرامون منار در دو جا کتیبه‌ای بخط کوفی دارد و چنین می‌نماید که متعلق به مسجدی بوده است. **ناصرالدین شاه** در بازگشت از خراسان دستور داده است آنرا مرمت کنند.

هر **تسفلد** مستشرق آلمانی می‌گوید «این مناره در ۵۰۵ هجری یعنی در اواخر دورانی که خسرو گرد مرکز و پایتخت بیهق بوده است بنوسط یکی از امراء سلطان سنجر سلجوقی ساخته شده و احتمال می‌رود که متعلق به مسجد یا مدرسه بونه است»

منار خسرو گرد یکی از زیباترین مناره‌های ایران است. کتیبه منار را **خانیکف** در سال ۱۸۵۸ توانسته است بهتر بخواند. عبارت کتیبه این است. «پایان رسید در سال ۵۰۵ هجری» و این زمانی است که سلطان سنجر فرمان فرمای خراسان بود.

استیر

در شش کیلو متری غرب خسرو گرد، کنار جاده تهران مشهد، دهی است بنام استیر که اصل آن سدیر یا سه دیر بوده است و چنین بر می‌آید که در این جا راهبان مسیحی سه دیر ساخته بوده‌اند.

در کنار استیر دو بنای تاریخی دیده می‌شود یکی معروف به «پیر استیر» که آرامگاهی به شکل مربع است و در چهار دیوار آن هشت طاق کوچک ساخته‌اند و بر روی بقعه گنبدی است بارتفاع تقریبی ۱۵۰۵ متر. سه صندوق کهنه چوبی متوازی هم در وسط بقعه نهاده شده است و می‌گویند شش نفر از علمای اولاد **کمیل ابن زیاد** در اینجا مدفونند. در زیر هر صندوق قبر دو نفر تشخیص داده می‌شود

در بیرون بقعه سنك قبری بردیوار نصب شده متعلق به سلطان حسین
خواجه جمالی - پهلوی این بقعه بنائی است به شکل مربع، هر
 ضلع شش متر، که بعدها هشت اطاق در پیرامون آن ساخته اند. و بر
 روی این هشت اطاق گنبدی بازتفاع ده متر برآورده اند. در دیوار
 جنوبی صورت محرابی است کوچک بشکل مربع که قبلا اطاقی
 بوده است و در زیر طاقها کتیبه ایست بخط نسخ که اسامی امامان و
 احادیث و کلمات قصار نوشته شده است.

مردم اینجا را مسجد میخوانند ولی سبك ساختمان بهیچ وجه
 با مسجد مناسب نیست و با هیچیک از سبکهای مختلفی که در ساختمان
 مساجد اسلامی دیده میشود تشابهی ندارد. چند جای نصب چراغ نیز
 در دیوارها هست و برخی گمان میکنند که اینجا مرکز ریاضت
 راهبان مسیحی بوده است و شاید سه دیر معروف در همینجا بوده است
 و آنچه مسلم است یکی از این سه دیر همان بنائی است که امروز آنرا
 به اولاد کمیل منسوب میکنند.

فروم

فروم یا فرومد بر سر راه ابریشم معروف که شاهراه
 تجارتی بزرگ تاریخ بوده است قرار داشته و پل ابریشم که بر روی
 رودخانه شور بسته شده بود اکنون در چهل کیلومتری آن واقع شده
 است. (جاده ابریشم از شمال ایران میگذاشته و چین را به اروپا
 متصل میکرد) است. در برابر جاده ادویه که از جنوب ایران
 میگذاشته و آسیا و آفریقا را بهم پیوند میداده است.)

وجود آثار رباطهای شاه عباسی در نزدیکی فروم نشان میدهد
 که تا آن زمان فروم در مسیر شاهراه بزرگ خراسان قرار داشته است

اکنون فرومد قریب چهارهزار نفر جمعیت دارد.

مسجد فرومد

در فرومد مسجدی بسیار بزرگ و پر شکوه وجود دارد که متأسفانه، بسرعت رو بویرانی است، معروف است که در زیر این مسجد گنجی نهفته است و همین اعتقاد موجب شده که در جستجوی آن برویرانی مسجد بیفزایند. آنچه مسلم است آلات و آثار باستانی بسیاری از آن کشف شده است و مردم فرومد از طلاها و جواهراتی که از این مسجد یافته اند بسیار سخن میگویند. افرادی بارها بصورت درویش و غیره بعنوان بیتوته در مسجد شبها در آن بحفاری پرداخته اند و هر چه داشته برده اند. چنین بنظر میرسد که این مسجد در آغاز معبدی زرتشتی بوده و بعدها بصورت مسجد تغییر شکل یافته است. ابوانهای باند و فضای کوچک داخل آن با تشکده بیشتر میماند تا بمسجد این فکر از دیر باز در میان مردم رواج یافته است که این مسجد نماز ندارد زیرا بسیار مزین و منقش است و این میسراند که تزیینات و آثار هنری بسیاری در مسجد بوده که متأسفانه روزگار و نادانی مردم روزگار همه را بپاد داده است. مسجد دارای گنبدی بزرگ بوده که قریب صد سال پیش فرو ریخته است.

این مسجد در قرن ششم قمری ساخته شده است. آثار گچبریها تزیینات، محراب و خطوط بسیار ممتازی که در آن است حکایت از زیباییها و تزیینهای اولیه آن میکند.

کلات نادری

بخشی از شهرستان درگز است. کوهستانهای خشن این

سرزمین از دیرینه ترین ایام تاریخ از نظر سوق الجیشی دارای اهمیت فراوان بوده و بسیاری از وقایع حماسی و جنگی اساطیر و تاریخ ایران در این منطقه رخ داده است .

حصار کلات و ساختمانهای داخلی آن تاریخی مبهم و بسیار کهن دارد و از بناهای شگفت انگیز جهان است . قدیمترین متنی که اکنون در دست داریم و در آن از کلات یاد شده شاهنامه فردوسی است . کلات همواره در تاریخ دژ محکم جنگاوران بزرگ بوده است

پس از اسلام ابوعلی سیمه جور و فایق سردار شورشی علیه امیر نوح بن منصور سامانی ، در ۳۸۵ پس از شکست از ناصرالدین سبکتگین پدر محمود غزنوی در حوالی طوس ، در قلعه کلات حصار می شود .

کلات در منطقه ای واقع است که « گذشته » با همان رنگ و بوی دیرینه اش در آن بچشم می خورد و ایران پیش از اسلام را میتوان احساس کرد .

آثار تاریخی کلات

باروی دربند ارغوانشاه

ساختمانی است آجری دانه دار که بشکل مخروطی ناقص با ارتفاع ۳۵ متر از کف ژرف رود و هشت متر از کف زمین بالا رفته است . این بارو محل سکونت و دیده بانی قلعه بیک بوده و قلعه بیگی سمتی بود که تا اواسط دوران مظفرالدین شاه در این محل وجود داشته است . قلعه بیک مأمور حفاظت قلعه کلات بود و هشت آبادی درون کلات را دیده بانی میکرد و ورود بکلات و دیدن عمارات و آبادیهای آن با اجازه وی بود .

شاید ارغوانشاه همان ارغوانشاه فرزند آبا قاجان پادشاه
 پسر هلاکو خان که سلسله ایلخانیان را تشکیل دادند باشد. این
 ارغوانشاه باتکودار ملقب بسلطان احمد عمومی و خود بر سر سلطنت
 نزاع داشت و در پیرامون هلمکه طوس با هم جنگیدند. ارغوانشاه
 شکست خورد و بقلعه کلالت پناهنده گشت (بسال ۶۸۳ قمری) سلطان
 احمد که میکوشید او را دستگیر سازد میدانست که فتح کلالت که قلعه ای
 مستحکم و تسخیرناپذیر است با اعمال زور ممکن نیست به تزویر
 پرداخت و یکی از سرداران خود را بنام الیناق که در حمله و سیاست
 شهرت داشت مامور فریب ارغوان کرده. الیناق در ماموریت خود
 توفیق حاصل کرد و ارغوانشاه را از قلعه بیرون کشید و بحضور سلطان
 احمد برد و بالاخره او را زندانی کرد.

سلطان احمد تکودار چون باسلام گرا میید، موجب نارضائی
 شدید سران مغول شد و زمینه را برای ارغوانشاه زندانی وی آماده کرد
 و امرای مغول پنهانی با وی همداستان شدند و سلطان مسلمان شده را
 دستگیر کردند و ارغوانشاه را بجای او بسلطنت برگزیدند.

کتیبه سنگی

از باروی دربند ارغوانشاه که میگذریم به کتیبه ای میرسیم که
 در طرف راست در ارتفاع پانزده متری زمین است. بر روی این کتیبه
 سنگی ۲۴ مصرع شعر کنده شده که چهار مصرع آن بزبان فارسی
 و بقیه بترکی در مدح نادرشاه افشار است. این اشعار را گلبنی افشار
 شاعر معاصر نادر سروده است چهار مصرع شعر فارسی آن پس از بسم الله
 الرحمن الرحیم و هو العلی الاعلی:

ابتدا احمد خدای احد و فردو قدیم

قادر لم یزل عالم دانا و حکیم

مصطفی خلق و مسیح آدم و یوسف طلعت

بوعلی دانش و حاتم کف و لقمان حکمت

این کتیبه بخط نستعلیق بر کوه کنده شده و از نظر حجاری بسیار عالی است، تاریخ آن در کتیبه نیامده است ولی از قرائن تاریخی چنین بر میآید که باید از سالهای ۱۱۵۵-۱۱۵۷ باشد. چون کتیبه در فضای باز است از گزند باد و باران مصون مانده است.

کاخ خورشید.

بزرگترین بنای کلات که اکنون پدیدار است کاخ خورشید است که قصر سلطنتی نادر شاه افشار بوده و خود و خانواده اش مدتی در آن اقامت داشته اند. کاخ در میان باغ قرار دارد و پیش از چهار باغ دیگر در پیرامون این باغ بزرگ بوده است. دیوارهای باغ تا ارتفاع یکمتر با سنگ بالا آمده است و از آن بیعد از آجر ساخته شده. این آجرها را غالباً بعدها بوده اند و یا خود ریخته است و جای آنرا چینه گل کرده اند. کاخ در نظر اول یکپارچه از سنگ مینماید. درون آن با آجرهای محکمی ساخته شده که از بتون مسلح سخت تر است. نمای خارجی را با سنگهای حجاری شده ساخته اند این سنگها هر یک دو متر طول و یکمتر عرض دارد و قطر هر کدام ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر است.

قصر خورشید سه طبقه دارد. ارتفاع سه طبقه ۲۵ متر است ولی در سال ۱۲۹۹ قمری (۱۸۸۱ میلادی) طبقه سوم را زلزله شکافت و بعدها چون مرمت نشد بکلی ریخت. بنای قصر استوانه مانند است و سنگهای نمای آن مرمر سیاه است که گردیا برجی تراشیده شده. طبق تحقیقات پرفسور لکه هارت انگلیسی سنگهای مرمر سیاه را که بر روی پوشش خارجی قصر خورشید بکار برده اند. بدستور نادر شاه از مراغه و آذربایجان بدینجا حمل کرده اند و هر قطعه آن ۶۰ خروار وزن دارد و با توجه به وضع کوهستانی ناحیه کلات و راههای دشوار و صعب العبور آن شگفتی این کار بیشتر نمایان میشود. این دستور به مسابقه ای همانند است

که نادر برای حمل سنگاب هزرك حوض اسمعیل طلائی ازهرات
بمشهد در مدت حداکثر دوازده روز طرح کرده و بالاخره نه روزه
حمل آن انجام شد.

قصر خورشید شانزده اتاق دارد. طبقه اول بخدمتکاران
اختصاص داشته و دو طبقه دیگر خاص پادشاه و شاهزادگان و
حریم سرا بوده است. این دو طبقه باریزه کاریها، مینیا تورها، تذهیبات
و گچ بریهای بسیار مزین بوده است که متأسفانه همه ریخته و
فقط در داخل برج که در وسط عمارت است طاق نماها و دیوارها
هنوز تاحدی آثار تزیینی و هنری خود را محفوظ داشته است. قسمتی
از طلا کاریهای ظریف کاخ را برای ربودن طلای آن تراشیده
و نابود کرده اند. هنوز تصاویری از شاهزادگان نادری در برج
وسط عمارت برجاست. این نقشها شاهزادگان نادری را هزرك
سوار بر اسبی عربی نشان میدهد که شاطری نیز پیش آنها
در حرکت است. یکی از این عکسها متعلق به رضاقلی میرزا ولیعهد
نگوینخت نادر است که با مر پدر میل در چشمانش کشیدند و کورش
کردند. در سمت شرقی طبقه زیرین دالان تاریکی است ۲ × ۵
متر با هوای گرفته و بدون روزنه که میگویند نادر سرداران و
شاهزادگان متخلف را در آنجا زندانی میکرد و است.

ساختمان کاخ خورشید متعلق بسال ۱۱۵۵ تا ۱۱۶۰ قمری
است زیرا نادر پس از آنکه در سال ۱۱۵۵ در چنگ داغستان
شکست خورد و فرزند رشیدش رضاقلی میرزا را کور کرد از نظر
روحی بسیار شکسته و افسرده شده و بقول ملك الشعراى بهار
«خروس زمانه» شکسته بال بکلات رفت و به این کوهستان پناه برد و
قصد کاره گیری از سلطنت داشت و چون میخواست برای همیشه
در کلات اقامت کند در ظرف شش سال کاخ خورشید - باروی بند
ارغوانشاه - کتیبه سنگی - مسجد کبود گنبد - هفت کیلومتر آب

لوله کشی - سه طاق آجری و بنای آن بر بالای ژرف رود -
سد شرقی آسیابادی - و ۳۶۵ آب انبار آجری و آبادی و خشت
را ساخت.

مسجد کبود گنبد

این مسجد از ساختمانهای نادرشاه است. گنبدش کبود و
آسمانی رنگ است و در کنار آن دهی است بهمین نام که مرکز
بخش است. این گنبد که از نظر معماری بسیار با اهمیت است
رو بویـرانی میرود و فقط در سال ۱۲۵۰ قمری پلنگ توش
خان از اعقاب، طهماسب قلی خان سردار نادری تعمیراتی در آن
کرده است.

لوله کشی آب

چون آب ژرف رود در هیچده کیلو متری کلات درده
آبگرم یا گرماب یا استی سو با آب گوگردی غلیظ و گرمی
مخلوط میشود آب آن برای آهـامیدن ناگوار است. نادر برای
استفاده از آب خالص دستور داد از هفت کیلو متری کبود گنبد با
لوله های سنگی که از ۲ تا ۴ متری زیر زمین میگذرد آب رودخانه
قره سو را بکاخ خورشید بیاورند.

سد رودخانه یاسد شرق

در چهار کیلو متری شرقی کبود گنبد سدی است بر ژرف
رود با ارتفاع هفتاد متر که با سنگ و ساروج ساخته شده است
بنا بسیار قدیمی تراز زمان نادر بنظر میرسد و با احتمال بسیار
قوی از یاد کارهای سلجوقیان است و عرض آن در بالای بند در حدود
ده متر است. سد دارای سه دهنه است و هنوز استوار و پا برجاست.

و اکنون با تسهیلات مختصری قابل استفاده است. آب این سد را برای آبیاری صحرای ترکستان که اکنون در خاک شوروی است میبردند. طبق قرارداد آخال در ۱۸۸۱ میلادی همه آبادیها و دهات این منطقه از ایران جدا شده و فقط ده یکه توت درمرز شوروی برای ایران باقیمانده است.

آبادی خشت

درهفت کیلومتری شمال کیود کنید بر قله کوه و در مرتفع ترین نقاط کوهستانی کلات که دید ممتدی بطرف ترکستان شوروی دارد آبادی خشت بچشم میخورد و از خشت تا ۴۰ کیلو متری صحرای ترکستان زیر نظر قرار میگیرد. نادر برای حفظ جواهرات و گنجینههای خود این قله را انتخاب کرد و در آن عمارات محکمی ساخته و بعدها محل نشیمن چهل خانوار گردید. چون ساختمانهای این ده همه از خشت پخته (آجر) ساخته شده آبادی بهمین نام شهرت یافته است. با اینکه در قله است ولی مزارع دیم کاری آن بوسعت ۶ × ۱۲ کیلو متر است. آب آشامیدنی در ده نیست و با ظرف از شش کیلو متری میاورند و آب در اینجا کاسه ای قرض داده میشود.

نادر پس از انتخاب آبادی خشت بعنوان گنج خانه خود از میان نیروی سواره و پیاده و توپخانه خود عده ای را بپاسداری آن برگزید و برای تامین آب آشامیدنی آنان در پائین دره ها با اسلوب صحیح بمقدار ایام سال ۳۶۰ آب انبار سر پوشیده ساخته شد. این آب انبارها را با آجر و ساروج محکم بنا کرده اند و با آب باران و برف پر میشود.

در خشت چند آسیای بادی نیز ساخته اند که امروز آثار آن هنوز بر جااست. خزائن و دفینه های نادر بالای يك قله بلند

بر لبه پرتگاه خطرناکی چرخشت وارساخته شده است .

قوچان

قوچان از شهرهای بسیار قدیمی خراسان است که در تاریخ بصورت (خبوشان) معروف است .

شهرستان قوچان امروز شامل بخشهای **شیروان** و **باجگیران** است . - ۴۵۵ دهه در این شهرستان وجود دارد که از آن میان ۹۲ ده دارای مدرسه و دوده دارای درمانگاه و ۱۸۴ ده دارای حمام است .

اینزیدور **خاراکی** میگوید «قدیمی ترین پایتخت پارتها **استاکا** یا **ارساکا** بود که در محل قوچان فعلی قرار داشته» و بنابراین این شهر از شهر **صدروازه** نیز قدیمتر است . وی ادامه میدهد «در قرن ۱۲ میلادی قوچان مهمترین بلاد ناحیه **استوا** بود و استوا مطابق آستانه یا آستانه است . در قرن ۱۲ در دوره ترقی **خوارزمشاهیان** قوچان یکی از مهمترین نقاطی بوده که در سر راه قسمت مرکزی خراسان واقع شده بود . این شهر در کسب اهمیت خود علاوه بر وضع جغرافیائی مرهون حاصلخیزی زمین است .

در **تأثر** **کره دولتشاهی** مینویسد : «**اتسز خوارزمشاه** در ۵۵۱ در **خرمدره** خبوشان ناگهان درگذشت »

حبیب السیر میگوید : «**چنگیز خان** شنید که **سلطان محمد خوارزمشاه** از راه خراسان **بغراق** گریخته است . سه تن از سرداران خود را در پی او فرستاد و **سویدای** که یکی از سه سردار بود **بطوس** و سپس **برادکان** شتافت چون مرغزار و جریان انهار

رادکان او را خوش آمد متعرض این ولایت نشد اما در خبوشان
و اسفراین بقتل و غارت پرداخت»

واقعۀ مهمی را که مردم قوچان هنوز از یاد نبرده‌اند و
بصورت يك حادثه معاصر از آن نام می‌برند قتل نادرشاه افشار
است. نادر که در پایان کار در اثر فشارهای روحی پس از شکست
مگرچستان و کور کردن فرزند بر و مندرش رضاقلی خان و خیانت
برخی از یارانش بدبینی شدید و خشونت بیشتری پیدا کرده بود
بر همه حتی نزدیکانش بسیار سخت می‌گرفت و سفاکی‌های بیجا
می‌کرد، این وضع موجب شد که سران کرد های قوچان با
علیه‌قلی خان برادر زاده نادر همدست شوند و وطنیان کنند. نادر
روز یکشنبه یازدهم جمادی الثانی سال ۱۱۶۰ برای درهم شکستن
شورش اینان بقوچان حمله برد. در فتح آباد قوچان شبانه
بخوابگاه او ریختند و سرش را جدا کردند.

واقعۀ دیگر حمله عباس میرزا نایب السلطنه قهرمان
جنگ‌های ایران و روس است که برای درهم شکستن مقاومت
ایلخانی مغول که در شهر حصار ی شده بود قوچان را بتوپ بست
و در سال ۱۸۳۳ میلادی برج و باروی آنرا ویران ساخت و با
جنگ و کشتار بسیار بر شهر مسلط گردید. آخرین حادثه تاریخی
قوچان قتل کلنل محمد تقی خان پسیان است.

مردم قوچان

قبل از آنکه کردهای زعفرانلو و شادلو بنواحی قوچان
و بجنورد بیایند طایفه گرایلی (در اصل کرائیت ایللی) در آنجا
مسکن داشتند ولی پس از ورود کردها گرایلی ها تمرکز ایللی
خود را از دست دادند و پراکنده شدند. گرایلی ها همسایه
مغولها بوده‌اند و از نظر زبان و مذهب و نژاد با آنان پیوند داشتند

ولی از نظر تمدن پیشرفته تر از مغولهای چنگیزخانی بودند .
قراقوم قبل از تصرف مغولهای چنگیزی پایتخت **اونك خان**
 پادشاه ایل گرایلی بود . اونك خان همان کسی است که چنگیز -
 خان پس از مرگ پدرش بوی پناه میبرد و چند سال در دستگاه وی
 حمایت میبرد . بالاخره میان چنگیز و پسران ونك خان دشمنی
 میافتد و چنگیز از بیم جان بقبیله خود فرار میکند و در آنجا نیروئی
 بسیج کرده بچنگ اونك خان باز میگردد . اونك خان که درین
 زمان پیرو شکسته شده بود در برابر چنگیز خان جوان و مصمم
 بزانو در میآید و بدست او کشته میشود و قراقوم پایتخت حکومت
 چنگیز میگردد .

هلاکو خان در حمله بایران از هرده خانواده مغولی
 يك خانواده را همراه خود میآورد و یکی از این طوایف همین
 گرایلی ها هستند که به همراه هلاکو خان بخراسان آمدند و در
 نواحی قوچان و بجنورد اقامت کردند .

در اوایل روزگار صفویه، از بککان از ضعف حکومت و
 اشتغال فراوان رثریم جوان صفوی و دوری پایتخت از خراسان
 استفاده کرده سراسر نواحی شمال شرقی ایران را مورد تاخت
 و تاز و قتل و غارت های پیاپی قرار دادند . غارت های **عبدالمومن**
خان از بک در مشهد و شورش خطرناك **شيبك خان** که شاه اسماعیل
 برای شکستن او از بابر شاه پادشاه کابل و هرات مددخواست
 از آن جمله است .

شاه عباس برای آنکه مردانی جنگاور و شجاع را در
 برابر هجوم دائمی از بکها قرار بدهد و هرات و مرو و چمچه
 و مهنه و باورد و نساء و درون را که در ناحیه آخال است و
 امروز در تصرف روسها قرار گرفته از یورشهای از بکها محفوظ

بدارد به **شاهقلی سلطان** جدایلخانیان زعفرانلو لقب امیر
الامرائی سرزمین آخال را عطا کرد و چهل هزار خانوار از کردهای
چمشکزک را که دوسه سالی در **ورامین** الکا داشتند باین
نواحی کوچ داد. در سلطنت **سلطان حسین** که مرکزیت ایران
باز متزلزل شد این طوایف بر گرایلی ها که در شهرهای قوچان
و بجنورد و شیروان و **سملقان** مسکن داشتند شوریدند و جانشین
آنان گردیدند. زعفرانلوها قوچان و شادلوها سملقان و بجنورد،
کیوانلوها کلات و درگز و **جانی قربانیها** ناحیه بین شمال
مشهد تا شمال قوچان را تصرف کردند. در قریه سکه از توابع
قوچان ساداتی زندگی میکنند که شجره نامه ای دارند که در نهصد و
بیست و اند نوشته شده و حکایت میکند که از اعقاب **شیخ نجم**
الدین کبری هستند و از این طریق **باها مزاده علی اصغر** فرزند
امام علی بن حسین علیه السلام میرسند. پادشاهان صفوی همواره
آنانرا تجلیل میکردند و دود و فرمان از **شاه عباس** و **شاه سلیمان**
مبنی بر معافیت دائمی آنان از پرداخت مالیات دریافت کرده اند.

قوچان خراب شد .

در خراسان تصنیفی است معروف که همه آنرا میخوانند
«قوچان خرابه للو...»

این تصنیف از يك واقعه تاریخی دردناکی حکایت میکند.
قوچان اصلی شهری بوده است در جنوب شهر کنونی که امروز
به **کرده جله** یا قوچان خرابه موسوم است. عباس میرزانايب
السلطنه این شهر را محاصره کرد و با توپ ویران ساخت و
آنچه را از زیر آتشبارهای وی بجای ماند زلزله مهیبی در سال
۱۲۶۷ بکلی محو ساخت و بیش از دوهزار تن در زیر آوار
جان دادند و بدین ترتیب شهر قوچان بکلی خراب شد. از

تصادفات بسیار جالب اینستکه ماده تاریخ آن اینست «قوچان
خراب شد» ۱۲۶۷

قوچان جدید خراب شد

پس از آنکه قوچان خراب شد مردم مجدداً بعمارت
پرداختند و شهری نو ساختند ولی باز در ۱۲۸۸ یعنی بیست و یک سال
بعد از زلزله اولی زلزله هولناک دیگری بجان شهر افتاد و قوچان
جدید هم خراب شد و تاریخ آن عبارتست از: «قوچان جدید خراب
شد» ۱۲۸۸!

شهر قوچان

قوچان از نظر شهرسازی منظم ترین شهر ایران است
ساختمان شهر پس از ویرانی اخیر بتقلید از عشق آباد ساخته شده
است، خیابانها منظم و کوچه ها همه راست و قرینه و باصلاح
میلان است. در وسط قوچان جدید تپه ای است مشهور به تپه ارك
که عمارت حکومتی در آنجا بوده است ولی بعدها که گروهی
از ایل فیوج در آنجا مسکن میکنند به «قر شمال محله» مشهور
میشود.

قوچان، شهر کردنشین خراسان، از شهرهای نادری است
که در آن سه زبان فارسی، کردی و ترکی رواج عام دارد.

چاه سعدوقاص

در نزدیکی قوچان وصل به چمن لیلی قریه ایست بنام
«یام» که در کنار آن تپه ای مصنوعی دیده میشود بنام «یام تپه»
مردم اینجا معتقدند که سعدوقاص سردار عرب در جنگهای

اسلام که فاتح ایران بوده است در چاهی که درین تپه قرار داشته افتاده و بهمین علت به چاه سعد و قاص مشهور شده است. اینمطلب گرچه درست نمینماید ولی وجود اینگونه اساطیر و افسانه‌های تاریخی در اطراف ناحیه‌ای از قدمت بسیار آن حکایت میکند. آثار بسیار از قبیل تپه‌های مصنوعی - برجها - و بقایای قلاع قدمت این نقطه را بروشنی تأیید میکند.

مزارهای قدیم قوچان

مزار سلطان ابراهیم: این مزار منسوب است به ابراهیم فرزند حضرت رضا (ع) و میگویند ابتدا بتداسلطان محمد خوارزمشاه بنای مزار را آغاز کرده است و پس از عمارت قبه حمله مغول آغاز شده و ساختمان مزار متوقف ماند و ساختمان نیمه تمام در طی دو قرن بوسیله حکام و خانهای محلی با انجام رسیده است. زلزله سال ۱۲۶۷ گنبد دیوارهای حرم را ویران ساخت و ایلیخان این زمان که از ایل زعفرانلو بود بر همان پایه‌های قدیم آنرا تجدید عمارت کرد ولی باز زلزله ۱۲۸۸ آنرا ویران کرد و در سال ۱۳۰۰ صاحب مطلع الشمس میگوید قبه را برچیده اند و این ایام مشغول ساختن میباشند. «مخارج عمارت گنبد از موقوفه اما مزاد است. چند ورق قرآن بایسنقری را که از شاهکارهای هنر خط در تاریخ اسلام است در اینجا پنهان کرده بودند که بوسیله شاهزاده افسر کشف و بموزه آستانه سپرده شد.

نیشابور

و باغهای نیشابور، افسوس که من
آنهارا نخواهم دید! آندردژید

جغرافیا

شهرستان نیشابور از شمال به کوه بینالود (معروف بکوه

نیشابور) ، از غرب بسپزوار ، از مشرق به بخش فریمان در شهرستان مشهد ، بخش کدکن در شهرستان تربت حیدریه و از جنوب بکاشمر محدود است.

رشته کوه‌های بینالود که از شمال نیشابور میگذرد از شمال غربی سرولایت تا جلگه رخ امتداد دارد و مرز میان مشهد و نیشابور را مشخص میکند. بلندی مهمترین قله آن ۳۳۰۰ متر است در جنوب غربی شهرستان نیشابور ارتفاعات طاغنکوه و کوه جسته‌سبزوار را از نیشابور جدا میسازد.

در حوزه نیشابور رودخانه دائمی وجود ندارد. رودخانه‌های موسمی همان است که از بینالود از دامنه جنوبی آن بطرف جلگه نیشابور در ایام بهار سر ازیر میشوند.

شهر نیشابور بر سر راه شوسه و راه آهن تهران- مشهد است. راه شوسه مشهد به نیشابور سراسر آسفالت است.

فاصله نیشابور تا مشهد ۱۳۷ و تا تهران ۷۷۶ و تاسبزوار ۱۷۶ کیلومتر است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۱۹۳ متر است یعنی ۱۸۲ متر بلند تر از مشهد.

تاریخ نیشابور

معروف است که نیشابور را شاه پور (اولیادوم) ساخته است برخی معتقدند که نیشابور همان شهر نسایای پارت است ولی آنچه تقریباً مسلم است نیشابور مرکز قسمت ابر شهر بوده است در برابر ایران شهر و این نام بخود شهر نیز اطلاق میشده است بنا بر این نام کنونی نام ابتدائی شهر نیست و شهر بر زمان شاپور و حتی

ساسانیان مقدم است (۱)

نیشابور در قرن سوم و چهارم میلادی اعتبار فراوان داشته و یزدگرد دوم آنرا اقامتگاه خود قرار داده است.

نیشابور بدست مسلمین در سال ۳۱ هجری فتح میشود. از این هنگام با همه اعتباری که این شهر داشته از نظر سیاسی تحت الشعاع مرو و بلخ بوده است.

پس از اسلام برای اولین بار نام نیشابور در قیام مشهور ابومسلم علیه رثیم بنی امیه بعنوان يك مركز سیاسی و نظامی مهم بر سر زبانها می افتد. ابومسلم در سال ۱۳۱ هجری وارد نیشابور میشود و حکومت آنرا در دست میگیرد و مسجدی در آن میسازد، پس از آن نیشابور با قیام سردار شورشی خراسانی طاهر بن حسین مشهور به طاهر ذوالیمینین که جنك مأمون را علیه برادرش امین پیروزی کشانده بود و بیاداش آن مأمون حکومت شرق ایران را در سال ۲۰۵ هجری بوی سپرد شهرت میگیرد. سلسه طاهریان که بدنبال طغیان طاهر که متمایل به تشیع بود بوجود آمد در خراسان اولین سلسله ایرانی است که پس از حمله عرب در ایران پدید میآید عبدالله طاهر مرد لایق این سلسله نیشابور را مقر حکومت خود در خراسان قرار داد و «طوری در خراسان حکومت کرد که پیش از وی کسی نکرده بود» وی مردم دوست و طرفدار علم بود و «عقیده داشت که همه دوستان علم را باید بساحت علم دسترس

۱- بانی نیشابور طهمورث دیوبند بوده بمرو و دهو و ر و بخرابی نموده: اردشیر بن بابك ساسانی جائی دیگر شهری ساخت و عمارات رفیع در وی طرح انداخت. شاپور که در آن وقت نافذالفرمان خراسان بود آنجا را از پدر درخواست نمود. اردشیر از فرزند مضایقه کرد چون شاپور پادشاهی غیور بود بعد از پدر آن شهر برانداخت و در جای قدیم شهر عظیم بنا نمود» (ریاض السیاحه)

باشد و تشخیص لایق از نالایق به پیشگاه خود علم واگذار شود ،
(یعقوبی)

طاهریان بدست صفاریان بهر افتادند ولی صفاریان هم
پایتخت خود را نیشابور قرار دادند (۲۷۹)
سامانیان که بر خراسان چیره میشوند پایتخت خود را به بخارا
میبرند ولی خراسان این سوی جیحون را امیری که سه سالار لقب
میگرفت اداره میکرد و مقر حکومتش نیشابور بود.
از آن پس نیشابور از نظر سیاسی تاحدی بمحاق میرود گرچه
از نظر علمی در اوج کمال و عظمت بوده است.

پس از خاموشی زمان غزنویان نیشابور در حکومت سلجوقیان
باز سر بر میآورد و تبدیل بیک مرکز علمی و سیاسی جهانی میشود.
طغرل در ۳۲۹ نیشابور را گرفت و پایتخت خود ساخت
آلب ارسلان مدتی در آنجا اقامت کرد. در سلطنت همین الب ارسلان
است که به همت خواجه نظام الملک طوسی وزیر لایق و نامی او و
ملکشاه نیشابور اعتبار علمی مهمی یافت و یکی از دو نظامیه معروف
در نیشابور ساخته شد که از همه سوی جهان متمدن دانشجو
می پذیرفت.

در این زمان در شهر سیزده کتابخانه معتبر بوده است.
تکانه های شدید زلزله را نیز نباید در سرگذشت نیشابور
نادیده گرفت (۱) در ۵۳۰ هجری زلزله نیشابور را ویران ساخت
در ۵۳۸ این شهر آتش گرفت و از بخت بد نه سال بعد از آن غزان
وحشی بنیشابور تاختند و بقدری کشتند و ویران کردند که از
نیشابور چیزی برجای نماند و بقیة السیف آن یورش ویرانه ها را
رها کرده و در کنار آنها شهر جدیدی ساختند.

۱- تاریخ یمینی نقل میکند که نیشابور از آغاز ۱۸ بار بزلزله
ویران شده است (تأقرن پنجم)

پس از آن حمله مغول آغاز میشود و نیشابور که هنوز آثار جراحات عمیق غزیریدنش بود گرفتار درندگی مغول شد. تولوی پسر چنگیز با انتقام خون داماد چنگیز که با تیر کشته شده بود بر سر شهر ریخت و تنها چهار صد صنعتگر را برای خدمتکاری جدا کردند و بقیه را کشتند. پس از ویرانی شهر آنرا یکسره بآب بسته و شخم زدند. در محل ویرانیها چهار صد مغول را گماشتند تا هر که پنهان شده بوده از شمشیر بگذرانند (۲) پس از قیام سربداریه علیه مغول در ۷۳۸ نیشابور از سلطه حکمرانی مغول نجات یافت و جزو قلمرو حکومتی سربداریه شد.

با این همه ضربات کاشنده نیشابور توانسته است برخلاف تصور، حتی پس از حمله مغول اعتبار خود را تا حدی بدست آورد چنانکه حمدالله مستوفی (در ۷۴۱: تاریخ گزیده) و ابن بطوطه (در ۷۵۷ هجری: رحله) نیشابور را دیده اند و آنرا یکی از پرجمعیت ترین شهرهای خراسان دانسته اند و از مسجد عالی و چهار مدرسه آن نام برده اند. در اوایل صفویه عبدالله خان و عبدالمومن از بك و قبل از تسلط قاجاریه احمد شاه افغان آنرا باز چنان ویران ساختند که بقول «بارتولد» يك منزل قابل سکونت در شهر نماند. از این پس دیگر نیشابور نتوانست با همه موفقیت جغرافیائی خوبی که داشت قد علم کند بطوریکه فریزر در ۱۸۲۱ نقل میکند نیشابور در این سال پنجهزار نفر بیشتر جمعیت نداشته است.

هیئت اعزامی موزه متروپولیتن آمریکا بیک سلسه کاوشهائی در شهر قدیم نیشابور دست زده است که گرچه بسیار ناقص است ولی از نظر اهمیت برخی آثار مشکوفه خلاصه ای از آنرا در اینجا می آوریم. آثاریکه هیئت مزبور بدست آورده همه متعلق به نیشابور

۲- دوازده روز مقتولین را شماره کردند سوای اطفال و نسوان هزار هزار و هفتصد و چهل و هفت هزار بود. (روضه الصفا)

بعد از اسلام است.

۱- کاسه‌هایی که بدست آمده غالباً از گل سرخ ساخته شده دارای ظرافت خاصی است. بر روی برخی از آنها خطوط کوفی به چشم می‌خورد، این کاسه‌هایی شباهت به کاسه‌های سمرقند نیست، برخی از آنها به کاسه‌های ساوه و سامره و برخی به کاسه‌های سگ ساسانی شبیه است و بنا بر این میتوان گفت که نفوذ ساسانی در این ناحیه بعد از اسلام صورت گرفته است. برخی از این ظروف به سبک ظروف چینی نزدیک است و نفوذ هنر چینی را در این دوره می‌رساند و متعلق به قرن اول اسلامی است.

۲- در ناحیه سبزپوشان سکه‌هایی بدست آمده و قدیم‌ترین تاریخی که بر آنها نقش بسته ۱۵۳ هجری است که آغاز ساختمان رادرین ناحیه می‌رساند. سکه‌هایی از ابومسلم نیز بدست آمده که نام «عبدالرحمن» بر آن ضرب شده است.

مزارهای نیشابور

عطار (۵۱۳ - ۶۱۷)

«سخنش تازیانه اهل سلوک است»
(شیروانی، ریاض السیاحه)

فریدالدین محمد بن ابراهیم عطار نیشابوری: شاعر و دانشمند و عارف ایران است. وی از نظر آثاری که در ادب و عرفان دارد پرکارترین شاعر ایران بشمار می‌آید. مقام وی در شعر عرفانی باندازه‌ای بلند است که حتی در چشم مولوی:

عطار روح بود و سنائی دو چشم او ما از پی سنائی و عطار آمدیم

و در جای دیگر خود را با او چنین می‌سنجد :

هفت شهر عشق را عطار گشت ماهنوز اندر خم يك كوچه ايم
و نیز :

گر عطار گشت مولانا شربت از دست شمس بودش نوش
از آثار مشهور او یکی به نشر « تذکرة الاولیاء » است در شرح حال
عرفای بزرگ که نه تنها از نظر تاریخی بلکه از نظر سبک نویسنده گی
بسیار خواندنی است و دیگری منطق الطیر است به شعر و بسیاری
مثنویهای عرفانی و عشقی دیگر .

عطار چنانکه از نامش پیدا است در نیشا بورد کان عطاری داشت
(دکان عطاری در قدیم معادل داروخانه امروز بوده است .) میگویند
علت انقلاب عرفانی روح عطار آن بوده است که روزی درویشی
بداروخانه عطار وارد میشود و چیزی میخواهد ، عطار با و چیزی عطا
میکند و باز بار دیگر و بار دیگر و هر بار عطار درویش سائل را چیزی
میدهد تا روزی عطار که از اصرار درویش بتنگ آمده بود میگوید
« ای درویش چرا حرص میورزی ؟ » درویش میگوید « ای شیخ تو
با این تعلق چگونه خواهی مرد ؟ » شیخ در پاسخ میگوید :
« تو با این حرص و آرزو چگونه میمیری ؟ » درویش میگوید « چشم
عبرت بین بگشا و مردن درویشان ملاحظه نمای » این میگوید و کسکول
زیر سر میگذارد و الله را میخواند و جان میدهد و عطار که از این حادثه
بر میشود دکان را بتاراج میدهد و در راه عشق گام مینهد .

عطار از قربانیان یورش و حشیانه سپاهیان مغول است .
میگویند مغولی او را اسیر میکند ، دیگری او را بهزاردینار میخواست
از او بخرد . عطار میگوید مرا بفروش که قیمت من زیاده بر این است
آنگاه مغول دیگر وی را به مشت کاهی خریدار میگرد و عطار میگوید
بفروش که بیش ازین نمی‌ارزم ، مغول غضبناک میشود و او را بقتل
میرساند .

افسانه جالبی که در مرگ او مشهور است اینست که پس از آنکه مغول سر عطار را میبرد او سر خود را بدو دست بر میدارد و نیم فرسنگ میدود تا آنجا که اکنون مرقد اوست میایستد و در همین نقطه از پای درمیآید، قاتلش که بسختی از جنایت خود پشیمان میشود کشته خویش را با احترام بخاک میسپرد و تا پایان حیات بر سر مزار او اقامت میکند.

خیام

منجم، ریاضی دان و شاعر معروف ایران است. خیام که امروز درد دنیا بنام شاعر معروف شده است در تاریخ بعنوان يك نابغه ریاضی و هیئت اعتبار دارد.

خیام و حسن صباح (رهبر مخوف اسماعیلیه، حشیشین) و خواجه نظام الملك به دسه یار دبستانی، معروفند که در بزرگی هر يك راهی پیشه کرد، حسن رهبر يك انقلاب مذهبی خونین و پیشوای نهضت ترویرستی ضد دولتی، خواجه يك درباری سیاستمدار و خیام شاعری گوشه گیر و متفکر گردید.

خواجه نظام الملك برخلاف رابطه خصومتی که با حسن صباح داشت دوستی با خیام را که از سیاست پر کناره ماند و روزگار را به اندیشه و حیرت و شراب گذراند همچنان حفظ کرد و گویند برای امرار معاش چند قریه بوی می بخشید.

در آثار علمی خیام اندیشه تازه بسیار است ولی در رباعیات مشهورش اندیشه تازه نیست اما دلهره و اضطراب فلسفی دائمی انسان را در برابر هستی و حیات زیبایی فراوان بیان کرده است و به عقیده نگارنده هنری ترین رباعی وی این است.

(گرچه مشهورترین آن نیست):

یارب بدل اسیر من رحمت کن بر خاطر غم پذیر من رحمت کن

بر پای خرابات رومن بخشای بردست پیاله گیر من رحمت کن

بجنورد

بجنورد در حلقه‌ای است از شمال غربی بشرق کشیده ،
زیر پای آن کوه **الاداغ و صعلوک** و در سمت راست آن کوه **آق**
مشهد و سمت چپش کوه **خان بالغ** قرار دارد .
آب **عین اللطف** شهر بجنورد را مشروب میسازد . هوای
بجنورد بسیار معتدل و خوش است . مزارع پر برکت و درختان میوه
دار آن در خرسان مشهور است . مردم بجنورد بیشتر از طایفه **گرایلی**
و کردهای **شادلو** هستند . داستان ورود این طوایف را در آنجا
که از قوچان سخن میگفتیم بیان کرده ایم . مردم بجنورد نیز
بفارسی و کردی سخن میگویند .

تاریخ

بجنورد در اصل بیژن گرد تلفظ میشده است و این اسم بسیار
قدیمی مینماید زیرا (گرد) بمعنی شهر و آبادی است و بنا بر این
بجنورد شهر بیژن معنی میشود . بیژن گرد بعدها به بوزن گرد
و بوزن جرد و بعد ها بجنورد تغییر شکل مییابد .

در شمال غربی بجنورد کنونی تپه‌ای مصنوعی و آثار بسیار
کهنی از شهر قدیمی بچشم میخورد که «بیژن یورت» خوانده میشود و
میرساند همان بیژن گرد است و بجنورد قدیمی در اینجا واقع بوده
است . این تپه را مردم «کهنه کند» مینامند و این نام فارسی کهن در
میان مردم کرد زبان بجنورد حکایت از آن دارد که پیش از صفویه
اینجا بعنوان بجنورد قدیمی و ویرانه‌ای تلقی میشده که شهر فعلی

پس از آن ساخته شده است .
 شهر کنونی بجنورد نو بنیاد است و سه قرق بیشتر از عمرش
 نمیگذرد و تولیخان دوم آنرا بنا کرده است .
 بجنورد درشورش معروف **حسن خان ستار بجنوردی**
 ویرانی بسیار دیده ولی بعد ترمیم یافته است .

آثار تاریخی بجنورد

نارین قلعه

بر روی تپه کهنه کند از بناهای بسیار دیدنی است . عظمت
 و دقتی که در ساختمان نارین قلعه پدیدار است نشان میدهد که بنای
 آن باید بسیار قدیمی باشد و شاید از آثاری است که از پیشتر گرد
 باقی مانده .

آرامگاه سلطان سیدعباس

در جنوب شهر بجنورد بقعه معتبری وجود دارد که بر روی
 تلی بنا شده و درختان کهنسال از پیرامون آن سر بر کشیده اند این
 آرامگاه مدفن سلطان سیدعباس فرزند **امام موسی کاظم** است .
 بر لوح قبر امامزاده نوشته اند :
 « هذا مرقد مرحمت وغفران پناه سلطان سیدعباس ابن موسی
 الكاظم فی ثلاث مایه . »

تنها تاریخی که در این بنا به چشم میخورد سال ۱۲۲۳ است
 و چنین مینماید که این تاریخ مربوط بسال تجدید بنا یا ترمیم
 آن باشد .

جره قمان

در پیرامون آرامگاه سلطان سیدعباس آثار بسیاری از يك شهر

قدیمی نمودار است . این شهر بنام جرمقان معروف بوده است و یکی از شهرهای آباد و بزرگ خراسان بشمار میرفته و بدست سپاهیان مغول بکلی ویران شده است - از ویرانه های آن غالباً سکه ها و آثار ذیقیمت و تاریخی بیشماری یافت میشود .

وجود این خرابه و تپه های مصنوعی که گنجها و سکه ها و آثار پرارزش را در دل خود پنهان دارند موجب پیدایش شغلی بنام گنج یابی شده است و گنجیابها گروهی هستند که با حفریات و کندوکاو - هائیکه در این خرابه ها میکنند گنجها و یادگارهای عزیز تاریخ ایران را میجویند و آنهارا درهم میشکنند و تنها طلا و نقره و جواهرهائی را که بدست میآورند بثمان بخش میفروشند .

جلیان - بابا توکل

در راه بجنورد بشیروان بجلیان میرسیم . جلیان در دره ای محصور و پناهگاهی سخت و طبیعی قرار گرفته است و از هر سو دیوار - های بلند کوهستانی آنرا در آغوش خود دارند .

جلیان در قدیم اهمیت فراوان داشته و شهر بجنورد و سملقان و اسفراین از توابع آن بشمار میرفته است . قوچان حاکم نشین بالا و جلیان حاکم نشین پائین ولایت بوده است .

در جلیان پائین، مقبره ایست مشهور به مقبره بابا توکل که از عرفا و زهاد بزرگ بوده است ، این رباعی که میگویند در خانه کعبه مسطور بوده درباره اوست :

هم کان مروتی و هم برهانی

هم دست ولایتی و هم سلطانی

مشهور تری ز آفتاب ثانی

قطب دو جهان توکل جلیانی

در شمال مقبره بابا توکل مدفن امیر شمس الدین محمد

بن امیر نظام الدین ولی بیک نمایان است . وی شاید همان
فرزند امیر ولی بیک باشد که یکی از امرای نامی سلطان حسین
میرزای بایقرا است لوح قبر وی را که سنگی از مرمر سیاه
شبه رنگ و مستطیل است و از نظر حجاری و کنده کاری و زیبایی
خط بسیار عالی است مردم از زیر خرابه های قبه این امیر برداشته
و بر روی قبر با باتوکل نهاده اند . بر حاشیه این سنگ قبر نوشته اند .
تاریخ سال نهصد و سی بود کز قضا

شد نور چشم عالمی از دیده هانها
شمعی که بود بزم شرف روشن از رخش
در پیرهن کشید سرخویش ناگهان

جاجرم

در جنوب غربی بجنورد واقع است . مردم آن از چندین
طایفه اند : مقصودلی ها که تیره های از گرایلی ها باند که در
زمان آقامحمدخان قاجار باینجا کوچ کرده اند . گنجه ای ها
عرب هایی که از بسطام و شاهرود آمده اند ، از بکرها از خوارزم
شاکریها از بخارا . فخرائی ها ، شیخ الاسلامی ها . که
از سادات حسینی هستند در مضابطو ها که از اعیان ایل گرایلی
هستند و در زمان نادر شاه به ملت هجوم تر که منیها باینجا رانده
شده اند .

مسجد جامع جاجرم

مسجد جامع جاجرم یکی از مساجد قدیمی اسلامی بشمار
میرود . صحن کوچکی دارد ولی دارای شبستان و صفه های بزرگ
است . بر بالای صفه جنوبی آن در زیر سوره توحید نوشته شده

است «تاریخ بیستم ماه سته سبع و سبعین و ۹» کلمه بعد خوانده نمیشود. ولی صاحب مطلع الشمس در ۸۵ سال پیش که آنرا دیده بهتر توانسته است بخواند. وی میگوید بظن قوی این کلمه باید خمسه باشد و اگر وی آنرا درست خوانده باشد تاریخ بنای مسجدی حتی تجدید بنا یا ترمیم آن است بنا بر این از آثار ما قبل مغول است.

مقبره علی بن مهریار

از دروازه شرقی جاجرم بطرف جفتای و جوین بقبرستانی کهنه میرسیم که آثار چند بقعه تاریخی در آن نمودار است. یکی از این بقعه ها که شناخته میشود متعلق به علی بن مهریار است که مردم او را خواجه مهریار مینامند. وی از یاران نامی ائمه شیعه بخصوص حضرت رضا (ع) بوده از جانب امام نهم سمت نمایندگی داشت و از اصحاب سر بشمار میآمد وی کتب بسیاری در علوم مذهبی تالیف کرده است. آجرهای روی مقبره که آیات قرآن بر آن بطرز بسیار زیبایی نقش شده بدست افغانها ویران شده و ریخته است و بعد ها آجرها را بطور نامنظمی بر روی قبر نصب کرده اند.

رباط سونج و قلی

رباط سونج که در تاریخ از آن بسیار یاد شده است در ۳۶ کیلومتری غرب جاجرم است. رباط قلی هم که در کنار شاهراه قدیم خراسان واقع شده است از سنک خارا بنا گشته و استحکام فراوانی دارد.

جاجرم در تاریخ اسلام دارای اهمیت و قدمت فراوانی است شاعران و دانشمندان ناموری از اینجا برخاسته اند از جمله بدرالدین جاجرمی شاگرد معروف مجد همگر که شاعر توانائی

است همچنین ابوالقاسم عبدالعزیز مستوفی ۴۴۰ دابوا اسحق
 ابراهیم جاجرمی از علمای حدیث که در نیشابور تدریس میکرد
 متوفی بسال ۵۴۴ .

هوای جاجرم بسیار گرم و زیر پای آن کویر است که از
 آنجا بادهای سوزان میوزد . نمك جاجرم را بگرگان و بجنورد
 و جوین میبرند .

کاشمر (ترشیز)

نام قدیمی این شهر ترشیز است در جنوب غربی مشهد، مشهور
 است که آنرا بهمن پسر اسفندیار ساخته است . هنگام قیام حسن صباح
 از جمله قلعه‌های محکم «ملاحده» (اسمعیلیات پیرو حسن صباح)
 بوده است . هلاکو خان در عبور از خراسان ترشیز را ویران ساخت .
 از میوه‌های معروف ترشیز آلو بخارا است . انگور و انار و
 کشمش سبز و آفتوزه آن معروف است . ابریشم و تنباکو در آن
 بعمل می‌آید .

قریه کاشمر (کاشمر) نزدیک شهر ترشیز (کاشمر فعلی) واقع
 است . سرو تاریخی کاشمر بدین قریه منسوب است و آن سروی است که
 بنا بر سنت و روایات زرتشت از بهشت آورده بود .
 یکی شاخ سرو آورد از بهشت

بپیش در شهر کاشمر بکشت (شاهنامه)
 متوکل عباسی هنگامیکه جعفریه سامره را میساخت بطاهر
 ذوالیمینین حاکم خراسان فرمان داد که درخت را قطع کند و
 ببنداد فرستد . جمعی از مجوس ۵۰ هزار دینار میدادند تا از قطع آن
 مانع شوند . طاهرا ایرانی برای خوشایند خلیفه قبول نکرد . اما

درخت بیک منزلی بغداد که رسید متوکل را پاره پاره کردند.
در کاشمر مناری است متعلق بقرن هفتم و هر تسفلد از آن در
«آثار ایران» یاد میکند. این منار متعلق به مقبره ایست در پای آن.

خواف وزوزن

نام سابق آن که فعلاً مرکز بخش است «روی» بود و سنگان
و دشت زوزن از توابع آن است.

۱- مسجد خرگرد گویا یکی از نظامیه های معروف است،
خواجه نظام الملك آنرا در ۴۵۰ هجری ساخته است و اکنون درشش
کیلومتری خواف و متأسفانه در اثر عدم توجه روبروانی است ولی
آثاری از کاشیها و تزیینات معماری که در آن هنوز باقی است نشان
میدهد که در این بنا تا چه حد هنر و ظرافت بکار رفته بوده است. کتیبه
مسجد محفوظ مانده.

۲- مدرسه خرگرد بمدرسه غیاثیه شهرت دارد و از آثار
قرن نهم هجری و تقریباً همسال مسجد گوهرشاد است. کاشیهای
بسیار نفیس دارد.

تربت جام

تربت جام در ۱۶۵ کیلومتری جنوب شرقی مشهد کنار مرز
افغانستان است. شهرستان تربت جام ۹۹ هزار نفر جمعیت دارد این

شهر نیز مانند تربت حیدریه بنام شیخ بزرگی که در آن مدفون است شهرت یافته و آن شیخ احمد جام ملقب به ژنده پیل است که از عرفای بسیار نامی قرن پنجم هجری است. نام تاریخی تربت جام زام یا سام بوده است که بجام تغییر یافته است.

شیخ احمد جامی در ۴۴۱ متولد شده. در بیست و دو سالگی انقلابی روحی در وی پدید میآید و او را بکوهستانهای جام میکشاند و هیجده سال در آنجا با نزو و ریاضت میبرد و از دو بمقامات بلند عرفانی میرسد و خرقة از دست شیخ ابوطاهر فرزند شیخ ابوسعید ابی الخیر میپوشد و بارشاد خالق مامور میشود.

شیخ جام معاصر شیخ احمد غزالی و خواجه یوسف همدانی و شیخ نجیب الدین سهروردی و بسیاری از عرفای معروف تاریخ ایران است. وفات او بسال ۵۳۶ رخ داده و ماده تاریخ مرگش «احمد جامی قدس سره» شده است.

بقعه ای که اکنون بر مزار شیخ احمد است بدستور خواجه علاء الدین محمد عمارت شده در فرهنگ جغرافیائی بنای مزار را به سلطان سنجر نسبت داده اند و این هر دو ممکن است. وصل بمقبره مدرسه و مسجدی (که شاید خانقاه باشد) هست که بخصوص گچ بری محراب مسجد بسیار دیدنی و زیباست. قرآن بزرگی هم در آنجا نگهداری میشود. در ایوان آب انباری که در این بنا موجود است کتیبه ای بخط علیرضا عباسی دیده میشود که به نستعلیق نوشته شده و از این جهت در میان آثار وی بسیار جالب است.

سمنگان

سمنگان در حوزه جام قرار گرفته است و يك نقطه تاریخی و اساطیری است. فردوسی در داستان سهراب از آن یاد میکند زیرا

مادر سهراب دختر پادشاه سمنگان بوده است .
 چنین داد پاسخ که تهمینه ام
 تو گوئی که از غم بدو نیمه ام
 یکی دخت شاه سمنگان منم
 ز پشت هر بر و پلنگان منم
 حوزه تربت جام دارای ۳۹۰ ده است که در آن میان ۸۸
 مدرسه - چهار درما نگاه و ۷۶ حمام وجود دارد . اکثر مردم تربت جام
 سنی مذهب و پیرو ابو حنیفه اند .

تربت حیدریه

تربت حیدریه میان تربت جام - نیشابور - مشهد و قاین قرار
 گرفته است . قبر مولانا قطب الدین حیدر درین شهر است و بهمین
 جهت شهر را « تربت حیدریه » مینامند یعنی خاک (مدفن)
 قطب الدین حیدر .

بنای این شهر از اسحق خان است که با آقا محمد خان و
 فتحعلیشاه قاجار معاصر بوده است . هنگامی که وی برج و باروی شهر
 را ساخت سه هزار خانواده از طایفه قرائی در آن مسکن داشتند .

قزاقان و اشراف عرب دارند و امروز خانواده بسیار معروفی
 هستند که در شهر و پیرامون آن پراکنده اند .

پدر اسحق خان بانی شهر تربت نجفقلی خان نام داشته و
 چوپانی میکرد و ابتدا در خدمت طایفه قزاقان تار که از ترکستان
 همراه امیر تیمور بخراسان آمده بودند میزیست و چون جنگی و
 دلیر بود گروهی را مرکب از صد سوار گرد خود جمع کرد . چون

نادر شاه افشار قصد داشت قراتاتارها را که پس از تیمور پراکنده بود جمع کند نجفقلی خان هفت تا هشت هزار نفر از آنان را بدستور نادر متمرکز ساخت و خود رهبری آنان را بعهده داشت و بدین ترتیب قدرتی بهم زد. نجفقلی پسرش اسحق خان را مامور کرد در قریه کوچکی که مزار قطب الدین حیدر در آن است کاروانسرائی بنا کند تا مسافران را بکار آید و اسحق خان برای انجام آن ماموریت پول کلانی از پدر گرفت ولی بجای کاروانسرا در تربت قلعه ای نظامی ساخت و حصارهای بسیار محکمی بر گرد قریه کشید و خود در آن پناه گرفت و بشدت مشغول تحریک طایفه قراتاتار و ایجاد تفرقه در نیروی پدر گردید. اسحق خان بالاخره موفق به از میان بردن پدر شد و خود در خراسان قدرت و استقلال کافی بدست آورد.

اکنون شهرستان تربت حیدریه از بخشهای کدکن - فیض آباد - خواف - ورشتخوار تشکیل شده است. حوضه آن ۱۹۶ هزار نفر جمعیت دارد. جمعیت شهر ۱۹۸۳۰ نفر است. حوضه تربت ۵۵۳ ده دارد که ۱۰۰ ده دارای مدرسه و ۶ ده دارای درمانگاه و ۲۶۹ ده دارای حمام است.

سرخس

قدیمترین متن فارسی که از سرخس سخن میگوید، حدود العالم من المشرق الی المغرب، است از مولفی گمنام بتاریخ ۳۷۲ «سرخس شهر است بر سر راه و اندر میان بیابان نهاده و ایشان را یکی خشک رود است که اندر میان بازار میگذرد و بوقت آب خیز اندرو آب رود جایی با کشت و برز بسیار است و مردانی قوی ترکیب اند و جنگی خواسته ایشان شتر است.»

حمدالله مستوفی در «نزهة القلوب» میگوید «سرخس ساخته
 افراسیاب است و آبش از رودخانه‌ای که از هری بطوس می‌آید» نام
 باستانی سرخس «ساریکا» بوده است بر سر راه مرو به نیشابور و عراق عجم
 است و ناصر خسرو در سفر معروف خویش از سرخس عبور کرده است .
 از خاطرات فراموش نشدنی این شهر قتل فضل بن سهل
 ذوالریاستین است که وزارت مامون را داشت و برای سازش میان شیعیان
 و رژیم بنی عباس بسیار کوشید ولی هنگامیکه مامون از ائتلاف با
 امام رضا پشیمان شد و نفوذ شدید شیعیان و ایرانیان را در دستگاه خویش
 علت اصلی نارضائی اعراب به خصوص امرای بغداد دید در بازگشت
 از مرو و بغداد دستور داد که فضل را در حمام کشتند و این حادثه
 مقارن فوت اسرارآمیز امام رضا صورت گرفت .

در قرارداد آخال ۱۸۸۱ میلادی (۱۲۹۹ قمری) تصریح
 شده است که سرخس و اراضی حدود آن بایران متعلق است با وجود
 این در سال ۱۸۸۴ - ۱۳۰۲ روسها قسمتی از سرخس را اشغال کردند
 و آنرا چنانکه امروز هست بدو نیمه تقسیم نمودند «سرخس ایران
 و سرخس روس».

اراضی سرخس را هریرود مشروب میکند. هریرود یارودمالان
 از کوه بابا سرچشمه میگیرد و از مشرق به مغرب افغانستان جاری است.
 در نزدیکی کوهستان مغرب هرات مسیر خود را عوض میکند و از
 سرخس وارد ایران میشود. این رودخانه تا پل خاتون بنام هریرود
 معروف است و از اینجا تا سرخس که بطرف شمال غربی وارد خاک
 شوروی میگردد تجن نام میگیرد.

آثار تاریخی

۱- رباط شرف - شرف الدین ابوطاهر سعد بن علی بن عیسی

قمی ملقب به وجیه الملک وزیر سلطان سنجر سلجوقی این رباط را ساخته است و بنا بر این از قدیمیترین رباطهای است که امروز در ایران وجود دارد .

شرف الدین ابتدا در دستگاه خواجه نظام الملک طوسی بود . بنای رباط متعلق بسالهای بین ۴۹۰ تا ۵۲۱ و در کتاب آثار سیران بتفصیل از آن یاد شده است .
(رجوع کنید به رباطهای خراسان)

۲- مقبره شیخ لقمان سرخسی

شیخ لقمان در قرن چهارم میزیسته و با ابوسعید ابوالخیر و شیخ ابوالفضل سرخسی معاصر بوده است . امروز مردم سرخس او را بابالقمان میخوانند . مقبره این عارف بزرگ قبلاً در کنار شهر سرخس قرار داشته است ولی رفته رفته که سرخس کوچکتر شده است مقبره از آن دور افتاده است .

مقبره بابالقمان دارای مدرسه و انبار و خانقاه بوده است که بمرور زمان از میان رفته و اکنون خود مقبره نیز رو بویرانی است بنای مقبره یادگار سلطان سنجر سلجوقی در قرن ششم هجری است و در اوایل قرن هشتم آنرا مرمت کرده اند . مقبره دو طبقه دارد طبقه دوم دارای غرفه‌هایی است که برای سکونت عرفاء و مسافران و مردم رهگذر و غریب اختصاص دارد . آجرهایی که در ساختمان آن بکار رفته است بسختی سنگ است . مردم هفته‌ای یکبار بزیارت این عارف می‌ایند . مراد می‌طلبند - نذر میکنند - شمع می‌افروزند و مراسمی برپا میدارند .

اطلاعات و نیاز مندیها

وسایط نقلیه

- ۱ - تاکسی: از ایستگاه راه آهن بهر نقطه شهر یک نفر ۵ ریال دو نفر و سه نفر ۱۰ ریال
از فرودگاه یک نفر ۱۰ ریال دو نفر و سه نفر ۲۰ ریال
در داخل شهر از هر نقطه به نقطه دیگر یک نفر ۵ ریال ۲ و ۳ نفر ۱۰ ٫

نرخ تاکسی

- | | | |
|--------------------|-------|---------|
| ۱- وکیل آباد | ۱ نفر | ۱۰ ریال |
| ۲- عنبران و طر قبه | ۱ نفر | ۱۰ ریال |
| ۳- جاغرق | ۱ نفر | ۲۰ ریال |
| ۴- زشك | ۱ نفر | ۳۰ ریال |

حومه شهر

نرخ کرایه یکنفر مسافر

- ۱- وکیل آباد- با اتومبیلهای کرایه و اتومبیلهای فولکس واگن ۱۲ نفری از هر نقطه به وکیل آباد ۱۲ ریال
- ۲- عنبران و طرqbه - با اتومبیلهای کرایه و اتومبیلهای فولکس واگن ۱۲ نفری از هر نقطه به عنبران و طرqbه ۱۵ ریال
- ۳- جاغرق - با اتومبیلهای کرایه و اتومبیلهای فولکس واگن ۱۲ نفری از هر نقطه به جاغرق ۲۰ ریال
- ۴- زشك با اتومبیلهای کرایه و اتومبیلهای ۱۲ نفری فولکس واگن از هر نقطه به زشك ۳۰ ریال

موسسات فرهنگی

خیابان دانشگاه	دانشگاه مشهد
« ابوسعید	دانشکده ادبیات
« دانشگاه	« پزشکی
« اسرار	« علوم
« اسرار	« الهیات
طرق	دبیرستان کشاورزی
خیابان شاهرضا	دانشسرای مقدماتی پسران
«	« تربیت بدنی
فلکه	هنرستان صنعتی

باشگاهها

- | | |
|-------------------|------------------|
| ۱ - باشگاه بهداری | خیابان کفائی |
| ۲ - « افسران | پهلوی |
| ۳ - « نفت | کوی کفائی |
| ۴ - « دانشگاه | خیابان احمد آباد |
| ۵ - « فرهنگیان | « پهلوی |
| ۶ - « درجه داران | در شرف تأسیس است |

باشگاههای ورزشی

- | | |
|-----------|----------------|
| مهران | میدان چرخ |
| سعد آباد | میدان سعد آباد |
| سر پوشیده | میدان چرخ |
| پهاوی | خیابان کوهسنگی |
| فردوسی | « کفائی |

بازیها و ورزشها

- تنیس - در باشگاه پهلوی خیابان کوهسنگی
 کلف - «
 شنا - استخرهای سعد آباد ، پهلوی ، لشکر ، دبیرستان
 کشاورزی و وکیل آباد
 ماهبگیری - درسواحل کشف رود

کوهنوردی - بوسیله سازمان کوهنوردی وابسته بسازمان

تربیت بدنی

اسکی - پیست اسکی بر روی تپه‌های وکیل آباد

زورخانه‌ها

۱- مقبره باغ نادری

۲- عیدگاه عیدگاه

۳- بهمن خیابان تهران

پمپ‌های بنزین

۱- میدان شاه (مجسمه)

۲- انتهای خیابان طبرسی

۳- خیابان تهران

۴- جاده فرودگاه

۵- خیابان سعدآباد

گرما به‌های لوکس

۱- پارس میدان سراب

۲- ویلا خیابان احمدآباد

۳- ككا « پهلوی

۴- زیبا > فردوسی

۵- صدف « شاهرخ

۶- مرمر کوی سعدآباد

بانك ها

ردیف	بانك	آدرس	تلفن
۱	بانك ملی ایران	خیابان پهلوی	۵۰۴۱
۲	« عمران	« شامرضا	۵۰۵۱
۳	« صادرات	فلکه جنوبی	۲۱۷۱
۴	« سپه	« «	۲۲۰۰
۵	« رهنی	خیابان جم	۲۱۹۵
۶	« رفاه کارگران	« دانشگاه	۴۶۳۰
۷	« تهران	فلکه جنوبی	۵۰۰۶
۸	« پارس	« «	۴۸۳۴
۹	« بازرگانی ایران	« «	۲۱۸۴
۱۰	« اعتبارات کشاورزی و عمران روستائی	خیابان جنت	۲۱۷۶
۱۱	« اصناف	خیابان تهران میدان دقیقی	۴۱۹۰
۱۲	« اعتبارات ایران	خیابان پهلوی	۵۰۴۶

شرکت های بیمه

ردیف	شرکت های بیمه	محل	تلفن
۱	شرکت بیمه ایران	خیابان پهلوی	۶۰۸۳
۲	بیمه اینکستراخ شوروی	« گلستان	۲۹۵۴
۳	بیمه امید	« پهلوی	

هتل‌های شهر مشهد

ردیف	نام هتل	نشانی	تعداد اتاق	قیمت اتاق یک تختی	قیمت اتاق دو تختی	قیمت اتاق سه تختی	تلفن
۱	هتل سپید	خیابان تهران فلکه دقیقی	۲	۱۰۰ ریال	۱۵۰ ریال	۲۰۰ ریال	۳۰۸۷
۲	« باختر	« بهلوی	«	۱۰۰	۱۵۰	۲۰۰	۳۷۸۷
۳	« یکسره‌هلی‌زاده	« نادری	«	۱۰۰	۱۵۰	۲۰۰	۶۰۲۵
۴	« کاخ یکسره	«	«	۱۰۰	۱۵۰	۲۰۰	۲۵۰۶
۵	« ستاره آبی	«	«	۸۰	۱۲۰	۱۵۰	۵۶۵۸
۶	« توکلی پور	«	«	۱۰۰	۱۵۰	۲۰۰	۲۴۶۵
۷	« شهسوار	کوچه میرزا شهاب	«	۱۰۰	۱۵۰	۲۰۰	۳۳۲۹
۸	« مهرم	کوچه سبزواری	«	۱۰۰	۱۵۰	۲۰۰	۲۷۲۳

شماره	نام هتل	نمایشی	تعداد	قیمت اطاق: قیمت اطاق یک تختی دو تختی	قیمت اطاق سه تختی	تلفن
۹	هتل فردوسی	خیابان شاهرضا	۲	۱۰۰ ریال ۵۰ ریال	۲۰۰ ریال	۴۱۶۷
۱۰	نادری	« نو	«	۱۵۰ و ۱۰۰	۲۰۰	۳۷۱۹
۱۱	« پارس	« پهلوی	«	۱۵۰ و ۱۰۰	۲۰۰	۳۲۰۱
۱۲	« ملایرکده	« ملایرکده	«	۱۵۰ و ۱۰۰	۲۰۰	۳۶۲۰
۱۳	« زهره	« کوچه چراغ برق	«	۱۵۰ و ۱۰۰	۲۰۰	--

کنسولگری ها

ردیف	کنسولگری ها	محل	تلفن
۱	کنسولگری آمریکا	خیابان شاهرضا	۴۰۵۶
۲	« آلمان	« بهار	۵۸۷۸
۳	« افغانستان	« پهلوی	۴۴۰۴
۴	« انگلستان	« پهلوی	۴۷۷۱
۵	« پاکستان	« کوهسنگی	۴۴۹۴
۶	« شوروی	« تهران	۲۸۹۱

مسافر خانه ها

درجه ۱

مسافر خانه امیر کبیر	خیابان تهران کوچه آقا زاده
مسافر خانه تقدیسی	اول خیابان طبرسی
مسافر خانه مخصوص اهرایی	کوچه سیگاری فلکه جنوبی
مسافر خانه خصوصی اهرایی	« « «
مسافر خانه فارس	فلکه جنوبی جلو خان مسجد گوهر شاد
مسافر خانه ماه	بازارچه حاج آقا جان
مسافر خانه جهان	بست سفلی داخل کوچه بن بست

درجه ۲

مسافر خانه دانشور	فلکه جنوبی پشت بانک بازرگانی
« برادران گرم رودیان	« « «

مسافر خانه گوهر شاد	فلکه جنوبی
« درخشان رضوی	کوچه چراغ برق
« اهرابی	فلکه جنوبی
« پارك	« «
« خوجه	کوچه گندم آباد
« پارس	خیابان تهران کوچه آقا زاده
« خادم	« « «
« محمدی	« « « نزدك میدان دقایقی
« حفظ الرضا اسکندریه	کوچه دربند علی خان
« سلوك	کوچه تقی بنگی
« میهن	« «

رستورانها

- ۱- سالن غذاخوری هتل پارس خیابان پهلوی جنب شهر بافی
- ۲- « « « باختر « « جنب اداره پست و تلگراف
- ۳- « « « نادری « « شاهرضا نو
- ۴- « « « فیروزه « « «
- ۵- « « « سپید « تهران
- ۶- « « « کوه سنگی کوه سنگی
- ۷- « « « باغملی باغملی
- ۸- رستوران اطمینان فقط چلو کباب - خیابان سوم اسفند
- ۹- « امید « « « پهلوی-روبروی دادگستری
- ۱۰- رستوران زنجانی « « « فلکه جنوبی جنب بانك بازرگانی
- ۱۱- طریقت زیر زمین مهمانخانه ملائکه- فلکه شمالی

- ۱۵- « قدس فلکہ جنوبی

لالہ زار نو۔ کافہ قنادی « « جنب «

مسیر خط ۱

مسیر خط ۲

٢٠٩

شاه - دروازه قوچان - میدان ورزش سعدآباد - پل خاکی -
خیابان سعدآباد - فلکه سراب - فلکه بیمارستان شاهرضا
(مراجعت از همین مسیر)

مسیر خط ۳

انتهای کوی طلاب - خیابان طبرسی - فلکه حضرت - خیابان
نادری - خیابان شاهرضا - خیابان خسروی - خیابان پهلوی -
چهارراه (شکر - پنج راه شاهپور) (مراجعت از همین مسیر)

مسیر خط ۴

انتهای خیابان طبرسی - فلکه حضرت - خیابان نادری
- میدان شاه - خیابان دانشگاه - فلکه ششم بهمن - کوه سنگی
(مراجعت از همین مسیر) نرخ ۲ ریال

مسیر خط ۵

میدان ضد هوائی - میدان ۲۸ مرداد - خیابان فردوسی -
فلکه حضرت - خیابان نادری - خیابان شاهرضا - راه آهن -
برگشت خیابان عشرتآباد میدان شاه - خیابان نادری - فلکه حضرت
- موزه

مسیر خط ۶

فلکه حضرت - خیابان نادری - میدان شاه - خیابان خواجه
ربیع - کوی آتش نشانی - بالعکس.

مسیر خط ۷

موزه-خسروی نو-خسروی-پهلوی-جم-جهانبانی-میدان
سمعی-میدان شاه-نادری-فلکه حضرت-موزه

مسیر خط ۸

فلکه حضرت-خیابان نادری-میدان شاه-خیابان پهلوی-
سوم اسفند-چهارراه لشکر-خیابان ششم بهمن-میدان ۲۸ مرداد
خیابان نخریسی-گلختمی و بالعکس
توضیح-اتومبیل‌های فواکس استیشن کرایه در خیابان
طبرسی جهت ایاب و ذهاب بحومه مشهد آماده است.

دوائر دولتی

- | | |
|----------------------------|-----------------------------|
| ۱- اداره استانداری | خیابان استانداری |
| ۲- دفتر فنی استانداری | « کوه سنگی |
| ۳- فرمانداری | « پهلوی |
| ۴- ستاد لشکر | « پهلوی جنب اداره پست |
| ۵- سازمان نیروی مقاومت ملی | « شاهرضا نو |
| ۶- شهربانی | میدان ارك جنب بانك ملی |
| ۷- مهندسی بهداشت | میدان شاه |
| ۸- شهرداری | میدان شاه |
| ۹- بهداشتی | پشت بیمارستان شاهرضا |
| ۱۰- پست و تلگراف | خیابان پهلوی مقابل بانك ملی |
| ۱۱- دارائی | اول خیابان جم |

- ۱۲- آموزش و پرورش خیابان پهلوی چهار طبقه
- ۱۳- تربیت بدنی میدان چرخ سابق (خیابان فردوسی)
- ۱۴- لشکر ۶ خراسان دیدگاه لشکر
- ۱۵- سازمان برنامه خیابان کوهسنگی
- ۱۶- دخانیات خیابان پهلوی
- ۱۷- سازمان آب خیابان اسناداری
- ۱۸- اداره دامپروری میدان شاه
- ۱۹- « راه خیابان کوهسنگی
- ۲۰- « کشاورزی میدان شاه
- ۲۱- « راهنمایی و رانندگی خیابان کوهسنگی
- ۲۲- « ثبت اسناد و املاک جنب گمرک سابق - خیابان پهلوی
- ۲۳- « آمار خیابان پهلوی روبروی شیر و خورشید
- ۲۴- « انتشارات و رادیو خیابان رازی کوچه دبستان همت
- ۲۵- « بیمه جنب شهر بانی خیابان خیام
- ۲۶- سرچنگلداری فلکه گوهرشاد
- ۲۷- شرکت ملی نفت انتهای خیابان گوهرشاد
- ۲۸- اداره صنایع و معادن خیابان کوهسنگی
- ۲۹- « غله و نان سیلو
- ۳۰- « کار خیابان دانشگاه
- ۳۱- « قند و شکر خیابان پهلوی (محل گمرک سابق)
- ۳۲- « تلفن خودکار « شاهرضا
- ۳۳- « سازمان امنیت و اطلاعات کوهسنگی
- ۳۴- فرهنگ و هنر « شاهرضا

کلا نتری ها

- بخش ۱ خیابان پهلوی و بروی دبیرستان شاهرضا
- بخش ۲ خیابان بهار (سی متری)
- بخش ۳ « نادری
- بخش ۴ « طبهرسی مقابل گنبد خشتی
- بخش ۵ « سعدآباد خیابان گوهرشاد
- بخش ۶ « سفلی کوچه حاج ابراهیم
- بخش ۷ « عشرت آباد چهارراه عشرت آباد
- بخش ۸ کوهسنگی خیابان کوهسنگی

برزنهای شهرداری

- برزن ۱ خیابان خاکی گنبدسبز
- برزن ۲ خیابان تهران
- برزن ۳ « شاهرضانو
- برزن ۴ « طبهرسی
- برزن ۵ « گوهرشاد
- برزن ۶ پائین خیابان - کوچه حاج ابراهیم
- برزن ۷ فلکه ششم بهمن (مجسمه اعلی حضرت هما یونی)
- برزن ۸ میدان خیابان ضدهوائی

موسسات خارجی

اداره همکاری فنی امریکا - خیابان شاهرضانو
بیمه اینکستراخ - خیابان شاهرضا جنوبی جنب میدان گنبدسبز

انجمن روابط ایران و انگلیس - خیابان پهلوی
بیمارستان امریکائی - خیابان شاهرضا نو

صرافیه‌های عمده مشهد

صرافی حفظ الرضائی - فلکه جنوبی
صرافی رجیبیون - نزدیک حمام شاه
صرافی رضا زاده - بازار - مقابل سرای سلطانی

بنگاه‌های خیریه

پرورشگاه فرح - جاده وکیل آباد ۲۰۵۲
شیرخوارگاه - خیابان ششم بهمن ۴۸۰۹
شیر و خورشید سرخ - خیابان ششم بهمن ۴۷۱۰

مراکز غیرمسلمان

- ۱- کلیسای ارمنه گریگوری - نشانی میدان سوم اسفند مقابل
شیر و خورشید سرخ
- ۲- کنیسه یهودیان - نشانی کوچه باغ مستوفی
- ۳- کلیسای مسیحی - نشانی خیابان شاهرضا نو
- ۴- کلیسای انجیلی - پشت باغ ملی

بیمارستان‌های بیمه

- ۱- بیمارستان شاهرضا - فلکه بیمارستان شاهرضا
- ۲- بخش سوانح - کوچه دبیرستان فروغ
- ۳- بیمارستان بیماریهای واگیر - کوچه دبیرستان فروغ

۴-- بیمارستان شماره ۲ بهداری- خیابان طاهری (سعد آباد) دروازه قوچان

۵-- بیماریه‌های آمیزشی- دروازه سراب

۶-- بیمارستان لشکر- خیابان ششم بهمن

۷-- بیمارستان شاهین فر- کوچه ایستگاه سراب

۸-- بیمارستان امریکائی- خیابان شاهرضا نو

۹-- بیمارستان منتصریه- خیابان جنت

۱۰-- بیمارستان شهرداری انتهای خیابان مشرت آباد

۱۱-- شیرخوارگاه شهرداری- انتهای خیابان ششم بهمن

آزمایشگاه‌ها

۱- آزمایشگاه بیمارستان شاهرضا- بیمارستان شاهرضا

۲- آزمایشگاه درمان- خیابان خسروی

۳- آزمایشگاه بهداشت- گلکاری سراب

۴-- گیتی- خیابان پهلوی

۵-- رازی- خیابان خسروی

۶-- پاستور- خیابان پهلوی

۷-- « اسفند- فلکه سوم اسفند

۸-- بانك خون- فلکه سوم اسفند

داروخانه‌ها

تلفن	آدرس	داروخانه	زیدی
۳۵۴۱	فلکه جنوبی	داروخانه شرق	۱

۵۶۸۱	خیابان پهلوی	داروخانه شفا	۲
۳۳۶۰	بازار سرشور	شمس	۳
۲۹۶۸	خیابان نادری	صحت	۴
۲۷۸۵	تهران	طوسی	۵
۵۴۸۰	نادری	فردوسی	۶
۳۳۶۷	سعدی	گوهرشاد	۷
۲۹۵۷	طبرسی	محمدیه	۸
۴۸۳۹	تهران	مرکزی	۹
۳۳۳۴	علیا	مهر	۱۰
۳۴۱۸	فلکه جنوبی	نور	۱۱
۳۴۴۱	شمالی	نوررضا	۱۲
۲۳۲۱	پهلوی	نوبین	۱۳
۴۸۸۷	پهلوی	نیرو	۱۴
۲۴۳۱	خسروی	وثوق	۱۵

داروخانه‌های شبانه‌روزی

ردیف	داروخانه	آدرس	تلفن
۱	داروخانه گوهرشاد	خیابان سعدی	۳۳۶۷
۲	افشار	میدان شاه	۵۸۰۵
۳	نوررضا	فلکه شمالی	۳۴۱۸
۴	سینا	اول خیابان تهران	۲۷۸۳
۵	مرکزی	اول خیابان تهران	۴۸۳۹

بخش تزریقات

ردیف	تزریقات	آدرس	تلفن
۱	تزریقات سبزواری	خیابان پهلوی چهار طبقه	۴۰۴۹
۲	« پاستور	« خسروی	۵۹۶۷
۳	« طلوع	« تهران	۲۷۹۶
۴	« خانم برازنده	« کوهرشاد	۴۱۸۶
۵	« عطایشی	« خسروی	۲۵۳۵
۶	« مدیران	« طبرسی	۵۲۹۶
۷	« ساعدی	« بازار سرشور	۶۱۹۸
۸	« انتظاری	« خیابان خسروی -	

درمانگاه‌ها

شماره	درمانگاه	آدرس	شماره تلفن
۱	بهداری راه شرق	خیابان شاهرضا	۴۷۵۹
۲	درمانگاه جوادالائمه	« طبرسی	۴۶۱۹
۳	« رازی	« نادری	۸۲۲۲
۴	« سل	میدان شاه	۴۹۸۱
۵	« غفاری	« دقیقی	۵۶۳۶
۶	« مرکزی	خیابان پهلوی	۸۲۲۲
۷	« صالح	« طبرسی	۴۹۶۷
۸	« شماره ۱	شهرداری پهلوی مقابل شهرداری -	
۹	« شماره ۲	« خیابان تهران برزن ۲ -	

۱۰. درمانگاه شماره ۳ « دروازه دریادل جنب تکیه علی اکبریها -
- ۱۱ « « ۴ « کوچه حوض خواجه جنب حمام حاج قلی -
- ۱۲ « « ۵ « سعدآباد خیابان گوهرشاد --
- ۱۳ « « ۶ « پائین خیابان اول کوچه حاج ابراهیم -
- ۱۴ « چشم پزشکی بیمارستان بهداری دروازه قوچان --
- ۱۵ درمانگاه بیمارستان شماره ۱ بهداری -
- ۱۶ درمانگاه جراحی صحن جدید --
- ۱۷ درمانگاه خیریه عیدگاه خیابان تهران - عیدگاه --
- ۱۸ درمانگاه خیریه بروجردی « صفوی -
- ۱۹ درمانگاه صاحب الزمان « خواجهربیع --

سینماها

- ۱- ایران - خیابان پهلوی جنب اداره دادگستری
ساعت شروع سانس اول بهار و پائیز ۶ بعد از ظهر
تابستان ۵ و ۷ بعد از ظهر
زمستان ۵ و ۵ بعد از ظهر
- ۲- رادیوسیتی - خیابان خسروی
- ۳- فردوسی - خیابان پهلوی
ساعت شروع سانس اول بهار و تابستان ۷ تا ۵ و ۷ بعد از ظهر
پائیز و زمستان ۶
- ۴- کریستال - خیابان پهلوی جنب فرمانداری مشهد
- ۵- متروپل - خیابان پهلوی جنب فرمانداری مشهد
- ۶- هما - خیابان پهلوی

- ۷- آسیا - کوچه مقابل باغ ملی
 ۸- سینما سعدی - خیابان پهلوی روبروی شیر و خورشید سرخ
 ۹- مولن روژ - خیابان استانداری

تماشاخانه‌ها

تماشاخانه گلشن - خیابان خسروی - ۴ درجه بلیط دارد
 بقیه تهای ۱۰ و ۲۰ و ۳۰ و ۵۰ ریال .

جایهای دیدنی شهر

الف - مشهد در يك روز

- ۱- آستان قدس
- ۲- موزه آستان قدس فلکه جنوبی
- ۳- آرامگاه شیخ بهائی داخل صحن نو
- ۴- جامع گوهرشاد مجاور حرم مطهر
- ۵- آرامگاه نادر خیابان نادری
- ۶- آرامگاه پیرپالان دوز پائین خیابان کوچه شور
- ۷- « شیخ طبرسی انتهای خیابان طبرسی
- ۸- مسجد شاه جنب بازار بزرگ کنار حمام شاه
- ۹- باغ ملی خیابان پهلوی
- ۱۰- گنبد سبز خیابان خاکی

ب - مشهد در دو روز

- ۱۱- کوه سنگی ۶ کیلومتری شهر

- ۱۲- مصلی بیرون دروازه پائین خیابان در ۲ کیلومتری شهر
 ۱۳- خواجه ربیع انتهای خیابان خواجه ربیع ۵ کیلومتری شهر
 ۱۴- خواجه اباصلت ۵ کیلومتری شهر در جاده تهران
 ۱۵- مراد ۷ کیلومتری شهر در جاده تهران
 ۱۶- آرامگاه فردوسی طوسی ۲۷ کیلومتری شهر در جاده قوچان

ج - مشهد در سه روز

- ۱۷- چشمه سبز ۳۶ کیلومتری شهر
 ۱۸- چشمه کلسب ۲۴ کیلومتری شهر
 ۱۹- غارمغان ۴۰ کیلومتری شهر
 ۲۰- شاهان گرماب ۴۸ کیلومتری شهر دارای آب معدنی
 ۲۱- بند فریمان ۷۴ کیلومتری شهر
 ۲۲- بند گلستان ۱۶

د - مشهد در چهار روز

۲۳- بیلاقات

۲۴- کلات نادری

راه آهن - طول خط راه آهن تهران - مشهد ۹۲۶ کیلومتر است و بر روی هم ۴۹ ایستگاه در مسیر آن قرار دارد که قطارهای عادی در آن ایستگاهها توقف می کنند . این ایستگاهها عبارتند از : تهران ، ری ، بهرام ، ورامین ، پیشوا ، ابردژ کویر ، گرمسار ، یاتری ، ده نمک ، سرخدشت ، لاهور ، بیابانک

سمنان ، میان دره ، آب گرم ، گرداب ، هفت خوان ، لارستان
بنوار ، امروان ، سرخده ، دامغان ، زرین ، کلات خوان ،
شاهرود ، بسطام ، شیرین چشمه ، گیلان ، بکران ، جهان آباد
ابریشم ، جاجرم ، آزادوار ، سنخواست ، جوین ، نغ آب ،
اسفراین ، بیهق ، سبزوار ، فردوسی ، عطار ، نیشابور ، خیام ، کاشمر
ابومسلم ، تربت ، فریمان ، نادرشاه ، مشهد .

ایستگاه راه آهن

ایستگاه راه آهن در شمال شرقی شهر و در ملتقای خیابان
دانشگاه و شاهرضا نو واقع شده است .
برنامه حرکت قطار که در فصول مختلف متفاوت است ولی در
تمام سال روزانه يك الی دو قطار بین تهران - مشهد آمد و شد مینماید .

فرودگاهها

فرودگاه مشهد از نظر درجه بندی جزء فرودگاه های
درجه ۲ داخلی ایران حساب می شود . فرودگاههای درجه ۳
در بیرجند و سبزوار وجود دارد . شهرهای نیشابور ، قوچان ، و تربت
جام دارای فرودگاههای درجه چهار (پروازهای موقتی) هستند
تربت حیدریه يك فرودگاه نظامی دارد .

فرودگاه مشهد

فرودگاه مشهد در ۲ کیلومتری جنوب شرقی شهر در کنار
راه شوسه تهران و در زمین های گلختمی قرار دارد . خیابانهای

که بفرودگاه منتهی میشود عبارتند از خیابان طهران - خیابان پهلوی - دانشگاه که این هر سه خیابان بهار را که اکنون بنام خیابان ششم بممن نامگذاری شده قطع میکنند .

برنامه حرکت وساعت ورود و خروج هواپیما در فصول مختلف تغییر میکنند و باید از هر کت هواپیمائی ایران فلکه شمالی سؤال نمود.

هواپیمائی

هواپیمائی ملی ایران فلکه جنوبی تلفن ۴۴۴۵

هواپیمائی کشوری جاده مشهد ۴۷۹۱

تلفنهای راه آهن دولتی ایران

۴۶۸۳	راه آهن
۴۶۸۴	رئیس
۴۶۸۱	اطلاعات
۴۹۶۱	بهداری
۴۶۸۸	امور مسافرت
۴۶۸۶	پلیس ناحیه

بهای بلیط مسافرت

هوائی:

مشهد به تهران یکسره ۱۴۰۰ دوسره ۲۸۰۰ ریال
مشهد به زاهدان یکسره ۱۲۰۰ دوسره ۲۱۶۰ ریال
مشهد به کراچی یکسره ۵۱۴۰ دوسره ۹۴۶۰ ریال

راه آهن :

سريع السير	عادی	
۱۰۲۰ ریال	۹۴۰ ریال	درجه ۱
۶۵۰	۵۶۰	۲
۴۶۵	۳۸۵	۳

اتوبوس

کرایه اتوبوس مشهد به تهران در حدود ۲۵۰ تا ۴۰۰ ریال است.

تعطیلات

تنهاروزی که استثنائاً در مشهد تعطیل عمومی اعلام میشود ۲۹ صفر روز شهادت حضرت رضا (ع) است.

فاصله ها از مشهد

۱۶۵	تربت جام	۹۹۷	تهران
۲۷۰	درگز	۶۸۹	سمنان
۱۲۰	کلات	۵۷۷	دامغان
۲۴۱	کاشمر	۵۰۷	شاهرود
۶۰۲	طبس	۲۵۳	سبزوار
۳۸۷	فردوس	۱۳۷	نیشابور
۵۳۰	بشرویه	۶۱۴	گرگان
۳۸۷	قاین	۲۸۶	بجنورد
۴۹۵	بیرجند	۱۴۵	قوچان

چناران	۶۰	زابل	۱۰۱۳
سرخس	۱۹۲	زاهدان	۹۶۱
تربت حیدریه	۱۶۲	تایباد	۲۲۹
اسلام قلعه مرزا فغانستان ۲۵۳			

کتابشناسی خراسان

خراسان علیرغم اهمیت فراوانی که پیش از اسلام و در دوره های مختلف اسلامی داشته آنچنان که شایسته آنست مورد توجه مستشرقان و مورخان اسلامی و نویسندگان متأخر قرار نگرفته است از این جهت کتاب یا تحقیق جامعی درباره این استان بزرگ ایران وجود ندارد و برای مطالعه آن باید کتب بسیار را ورق زد و آنچه را بکار می آید از مآخذ گوناگون بدست آورد و مطالب پراکنده را جمع آوری نمود. خوانندگان که مایلند بیش از آنچه در کتاب آمده است با خراسان آشنائی پیدا کنند میتوانند بمنابع زیر که در تالیف راهنمای خراسان مرجع نویسنده بوده است رجوع کنند:

۱- مطالع الشمس ۳ جلد- اعتماد السلطنه وزیر انطباعات ناصرالدین شاه .

۲- آثار تاریخی کلات و سرخس- مهدی بامداد

۳- آثار ایران ۴ جلد- آندره گدار مستشرق معاصر فرانسوی

۴- آثار الرضویه- صورت وقفنامه های آستان قدس - میرزا اسمعیل خان .

- ۵- آثار ملی ایران-هرتسفلد مستشرق آلمانی
- ۶- ابن یمن و ابنیه تاریخی فرومد-محمدعلی شفیعی
- ۷- شرح حال ابن یمن فریومدی-رشیدهاشمی
- ۸- ابنیه و آثار تاریخی ایران-هرتسفلد آلمانی
- ۹- از قصر شیرین بطوس (بفارسی و فرانسه) چاپ ۱۳۱۳
- ۱۰- سفرنامه ژنرال سایکس نویسنده تاریخ ایران
- ۱۱- زندگی حضرت رضا-۲ج-ابوالقاسم سحاب
- ۱۲- مرآة البلدان (قاموس جغرافیائی جهان) ۴ج-اعتماد السلطنه صاحب مطلع الشمس
- ۱۳- فهرست جواهرات آستان قدس رضوی خطی سال ۱۳۰۰ قمری متعلق بکتابخانه آستان قدس بشماره ۸۴۴۶
- ۱۴- نادرنامه-قدوسی
- ۱۵- ایران شهر ۲ج
- ۱۶- راهنمای موزه- حبیب الله صمدی
- ۱۷- سفرنامه خراسان- حکیم الممالک- چاپ ۱۲۸۶
- ۱۸- سفرنامه - ناصرالدین شاه بمشهد- میرزا علی بنقی خان چاپ ۱۲۸۶
- ۱۹- سفرنامه کلاویخو- ترجمه مسعود رجب نیا- چاپ ۱۳۳۷
- ۲۰- جغرافیای مفصل ایران- رزم آراء
- ۲۱- فردوسی التواریخ- خطی- ملان- وروز علی بطلمی
- ۲۲- مجله آستان قدس (غالب شماره ها) سردبیر فخرالدین حجازی
- ۲۳- مجله «نامه فرهنگ» نشریه آموزش و پرورش خراسان

سرد بیر تقی بینش

۲۴- تاریخ بیهق- ابوالحسن بیهقی

۲۵- تاج المصادر - زوزنی- مقدمه آقای بینش راجع به

خواف و وزوزن

۲۶- رحله ابن بطوطه

۲۷- سفرنامه ناصر خسرو

۲۸- تمدن ساسانی- ج ۱- سعید نفیسی

۲۹- بدر فروزان

۳۰- عالم آرای عباسی

۳۱- حدود العالم من المشرق الى المغرب- مولف؟ سال ۳۷۲

قمری (اولین متن فارسی دری) بتصحیح سید جلال تهرانی

۳۲- حدیقه الرضویه ۲ جلد- شیخ حسن هروی (ادیب هروی)

۳۳- انقلاب طوس

۳۴- دانشوران خراسان- غلامرضا ریاضی

۳۵- راهنمای مشهد

۳۶- منتخب التواریخ- آخوند حاج ملاهاشم

۳۷- فواید الرضویه - حاج شیخ عباس قمی

۳۸- ریاض السیاحه- شیروانی

۳۹- تاریخ قهستان - آیتی

۴۰- تاریخ نیشابور - موید ثابتی

۴۱- سرزمینهای خلافت شرقی- لسترنک

۴۲- تاریخ قوچان- خطی- شاکری

۴۳- روضات الجنات

۴۴- تاریخ نیشابور (ترجمه از عربی) ابو عبدالله محمد

طهمانی نیشابوری (قرن پنجم)

صفحه	سطر	غلط	درست
۳	۸		چه
۱۳	۱۲	قوچاق	قوچان
۱۷	۱۴	۶۴۸۰۰۰	۱۶۴۸۰۰۰
۳۳	۵	نقارخانه	نقاره خانه
۳۹	۴	نکاه	نگاه
۴۴	۷	رسی	رسمی
۶۱	۲۳	عاشورا	عاشورا
۸۳	۱۱	بایسنقرین شاهرخ	بایسنقرین شاهرخ
۸۶	۱۸	گلدسته ها	گلدسته ها
۸۶	۱۹	به بینند	بینند
۸۷	۲۴	شمسا	شمشاد
۱۰۵	۹	آئیه	آیه
۱۰۶	۲	علیرضا عباى	علیرضا عباسی
۱۰۶	۱۳	نوشته اشده	نوشته شده
۱۰۸	۱۸	معروف	معروف
۱۱۶	۶	استماع	استماع
۱۱۶	۱۱	کغشبانان	کفش بانان
۱۴۲	۷	تمانیه	ثمانیه
۱۴۵	۱۵	مینامد	مینامد

صفحه	سطر	غلط	درست
۱۴۶	۹	درویش	درویش
۱۵۰	۱۶	شاه تود	شاه توت
۱۵۰	۲۳	گوچه	گرچه
۱۵۱	۶	باستقری	باستقری
۱۶۰	آخر	یکهی	یکی
۱۶۸	۳	عمومی و خود	عموی خود
۱۷۵	۵	ونک خان	اونک خان
۱۸۴	۷	درمانگاه	درمانگاه
۱۸۵	۳	نقطه	نقطه
۱۸۶	۸	خرسان	خراسان
۱۸۷	۲	قرق	قرن
۱۸۷	۱۸	مایه	مائه
۱۹۰	۹	بقه	بقعه
۱۹۱	۱۰	اسمعیلیات	اسمعیلیان
۱۹۱	۱۵	فریة	قریة
۱۹۶	۱۲	۸۸۱	۱۸۸۱
۲۰۷	۸	تههران	تهران
۲۲۲	۳	بممن	بهمن



مشهد - منار و گنبد طلای اهلان قدس رضوی



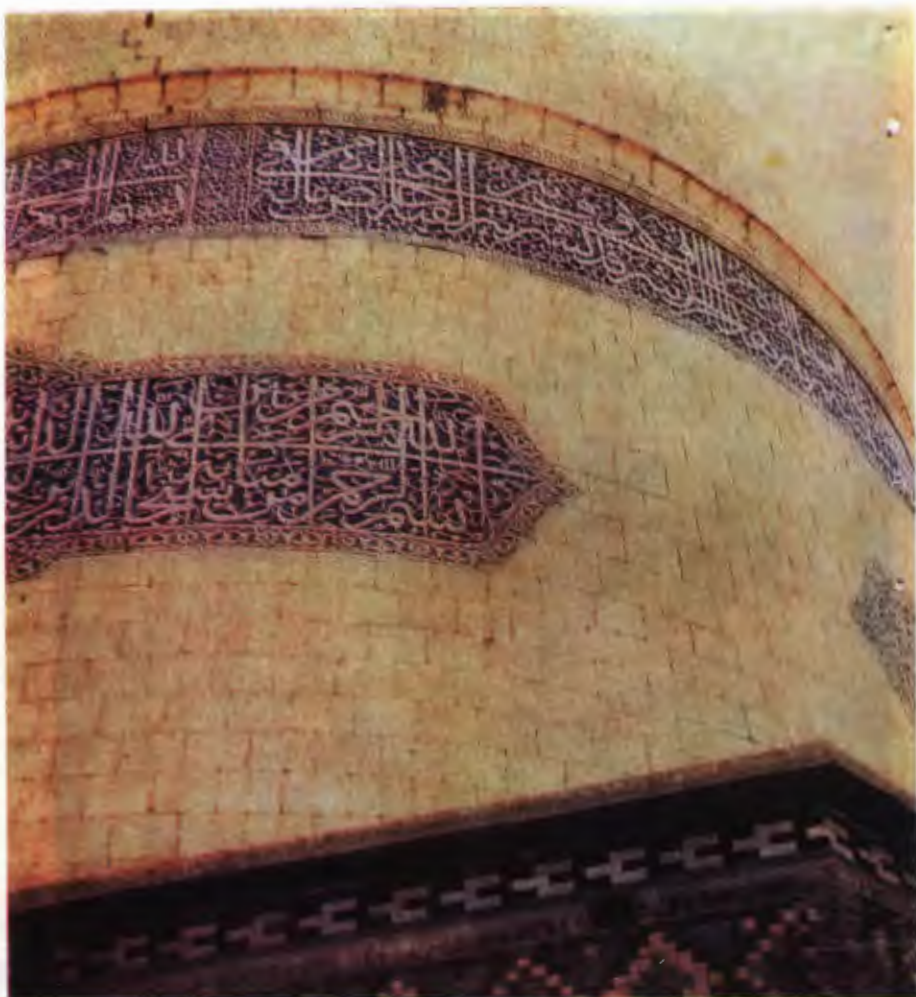
مشهد - صحن مسجد گوهرشاد



نیشابور — آرامگاه خیام



مشهد - قسمتی از ضریح آستان قدس رضوی



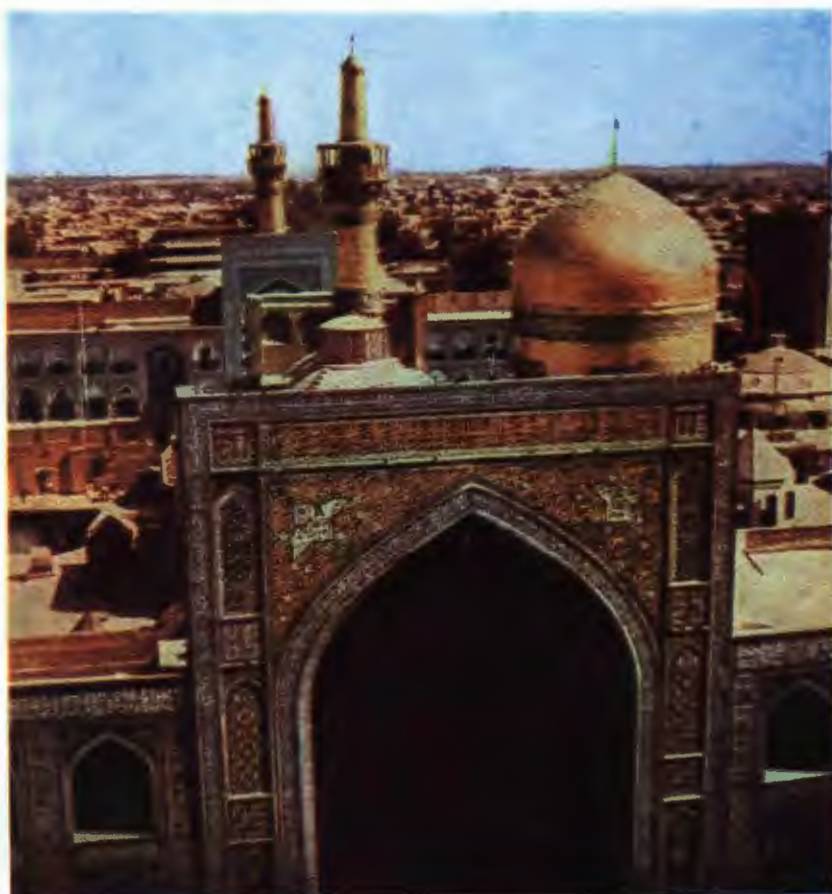
مشهد - گنبد طای استان قدس رضوی



مشهد - قسمتی از ایوان خواجه ربیع



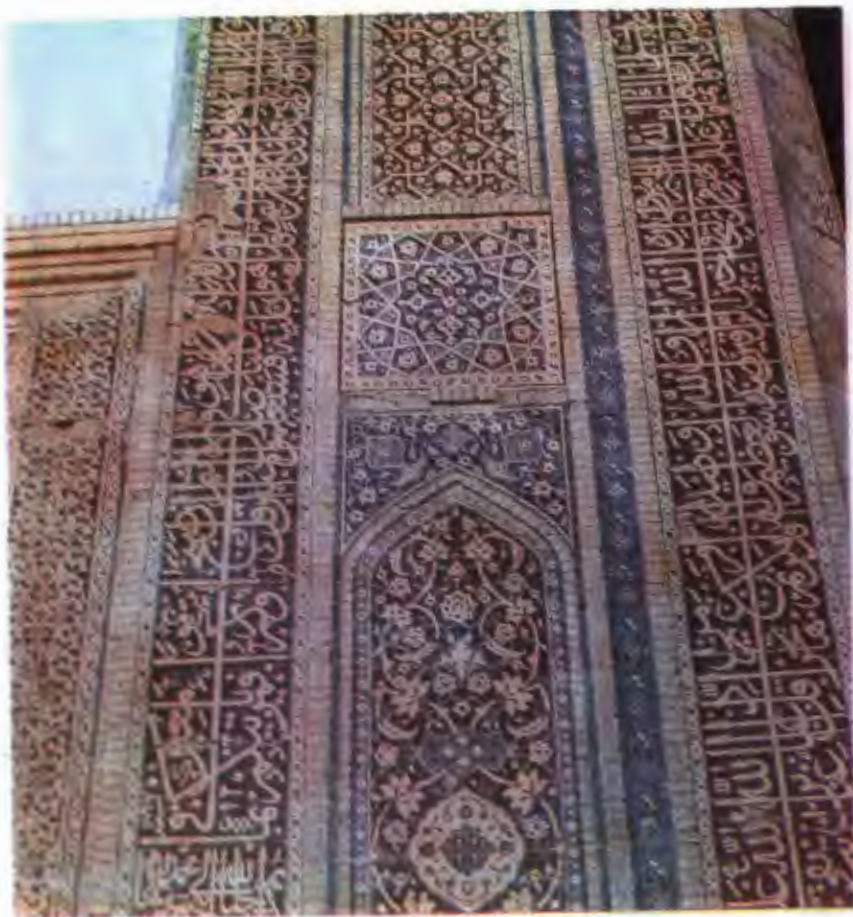
مشهد- قسمتی از کاشیکاری مسجد گوهرشاد



مشهد - آستان قدس رضوی



مشهد _ آستان قدس رضوی



تربت جام - کاشیکاری ایوان تربت شیخ احمد جامی



نیشابور - امامزاده محروق



مشهد- صحن مسجد گوهرشاد



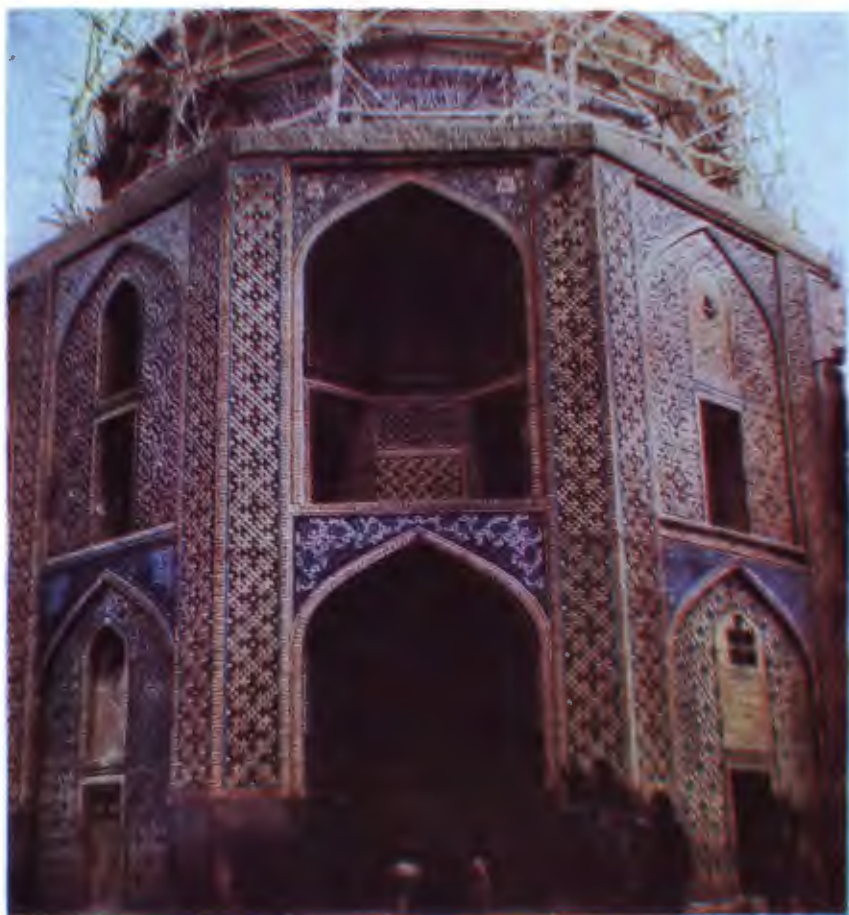
مشهد - گوشوارخواجه ربیع



نیشابور۔ آرامگاه شیخ عطار



نربت جام - کاشیکاری ایوان نربت شیخ احمد جامی



مشهد - خواجہ ربیع



تایباد سنک مزار شیخ زین الدین



خواف قسمتی از کاشیکاری ایوان مدرسه «خرگرد»



تایباد - قسمتی از ایوان بقعه شیخ زین الدین



تایباد - قسمتی از صحن بقعه شیخ زین الدین



خواف نمای مدرسه خرگرد



تربت جام - سنگ مرز از شیخ احمد جامی



خواف - قسمتی از کاشیکاری ایوان مدرسه «خرگرد»



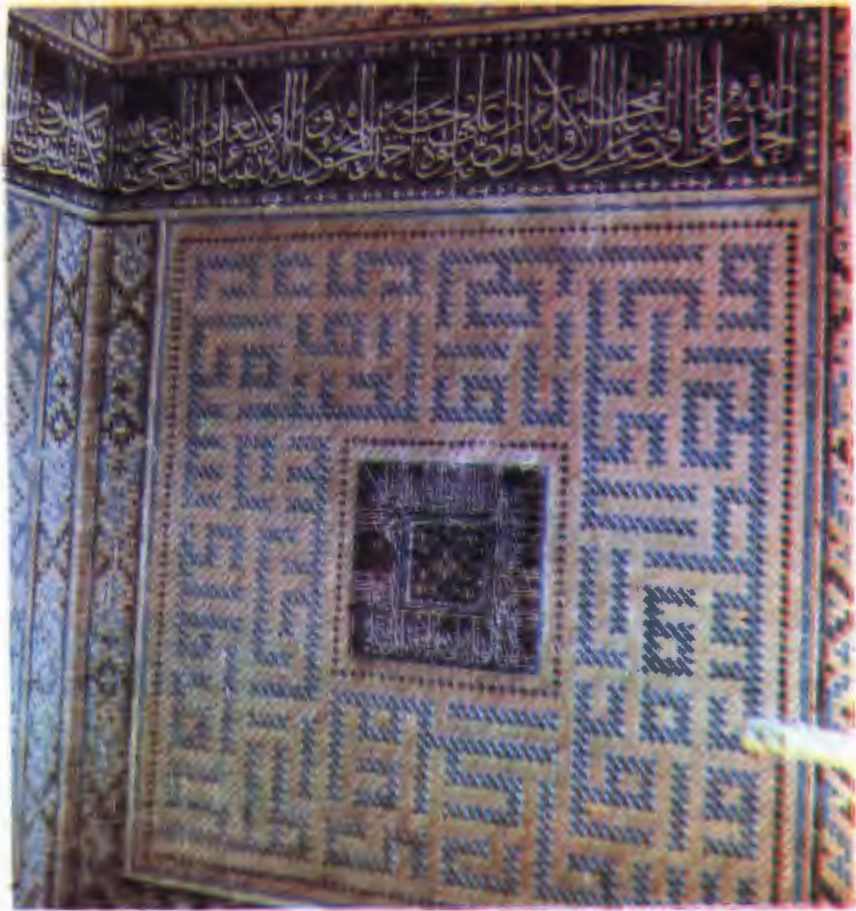
خواف - مدرسه «خرگرد»



تایباد - قسمتی از کاخیکاری ایوان بقعه شیخ زین الدین



شماره ۱۳۷۶
تخصصی ادبیات



تایباد - کاشیکاری ایوان بقعه شیخ زین الدین